



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

احکام شریعت پیرامون

# حیات طیبه

یا زندگانی پاک



حضرت آیت الله العظمیٰ سید محمد تقی مدنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الفقه الاسلامی: احکام شریعت پیرامون حیات طیبہ یا زندگانی پاک

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد تقی مدرسے

ناشر چاپی:

محبان حسین (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانہ ای قائمیہ اصفہان

# فهرست

۵	فهرست
۱۱	الفقه الاسلامی: احکام شریعت پیرامون حیات طیبه یا زندگانی پاک
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۲۳	پیشگفتار
۲۹	فصل اول: امنیت و آرامش از دیدگاه فقه
۲۹	امنیت در زندگی اسلامی
۲۹	درآمد:
۳۱	۱ - امنیت؛ آرامش روانی
۴۰	۲ - امنیت و آرام گام برداشتن (یا روش متعادل)
۴۷	۳ - امنیت و بیم
۵۱	۴ - امنیت اجتماعی: دوری از ستم و احترام به حقوق دیگران
۶۱	۵ - توحید و حاکمیت امنیت و آرامش
۶۸	۶ - امنیت علمی و فرهنگی
۷۵	سخن پایانی:
۷۹	عدالت در جامعه اسلامی
۷۹	درآمد:
۸۰	۱ - برپاداشتن عدل
۸۷	۲ - عدالت در عرصه سیاست
۹۴	۳ - عدل در مسؤولیت و پاداش
۹۷	۴ - عدالت در عرصه اقتصاد
۹۷	اشاره
۱۰۷	زیان رساندن به دیگران
۱۰۸	استفاده از حق خود و ستم به دیگران:

- ۱۰۹ - ..... قرض و ربا
- ۱۱۱ - ..... ۵ - عدالت در خانواده
- ۱۲۰ - ..... ۶ - عدالت در عرصه قضاوت
- ۱۲۷ - ..... صلح و آرامش هدف مؤمنان
- ۱۲۷ - ..... درآمد:
- ۱۲۸ - ..... ۱ - صلح پیش از ستیز
- ۱۳۰ - ..... ۲ - آرامش در خانه و خانواده
- ۱۳۵ - ..... ۳ - سلام، درود مؤمنان
- ۱۳۹ - ..... ۴ - سلام بر پیامبران
- ۱۴۳ - ..... قانونگذاری و دادگری حق مدار
- ۱۴۳ - ..... درآمد:
- ۱۴۴ - ..... ۱ - حکم الهی
- ۱۴۷ - ..... ۲ - حاکم حقیقی کیست؟
- ۱۴۹ - ..... ۳ - فراگیری احکام
- ۱۵۲ - ..... ۴ - حاکم پیراسته
- ۱۵۵ - ..... ۵ - حکم فقهای عادل
- ۱۵۹ - ..... قصاص، امانت و عدالت
- ۱۵۹ - ..... درآمد:
- ۱۶۰ - ..... ۱ - قصاص نفس
- ۱۶۵ - ..... ۲ - قصاص اندامها
- ۱۶۸ - ..... ۳ - قصاص در حرمت شکنیها
- ۱۷۳ - ..... حرمت نفس
- ۱۷۳ - ..... درآمد:
- ۱۷۴ - ..... ۱ - ارزش حیات
- ۱۸۱ - ..... ۲ - پیشگیری از جنایت قتل
- ۱۸۷ - ..... ۳ - جنایت کشتن فرزندان

۱۹۱	ارکان گناه
۱۹۱	درآمد:
۱۹۲	۱ - آگاهی، شرط مسؤولیت است
۱۹۴	۲ - بی گناهی وبراءت انسان
۱۹۹	حفظ و پاس داری
۱۹۹	درآمد:
۲۰۰	۱ - دفاع مشروع
۲۰۶	۲ - دفاع از حرمتها و حقوق دیگران
۲۱۱	۳ - دزهای استوار
۲۲۳	۴ - حفظ
۲۳۱	فصل دوّم: احکام روزی و معاش از دیدگاه فقه
۲۳۱	احکام خوردنیها و آشامیدنیها
۲۳۱	درآمد:
۲۳۲	۱ - تغذیه و ارزش زندگی
۲۳۹	۲ - اصل حلیّت غذاها
۲۳۹	اشاره
۲۴۳	الف: بهره برداری از آنچه در زمین قرار دارد
۲۴۶	ب: روزی حلال و پاکیزه
۲۴۸	ج: آداب غذا خوردن
۲۴۸	اشاره
۲۴۹	نخست - تغذیه، پرهیزگاری و نیکوکاری
۲۵۵	دوّم - تغذیه، لذّت و تندرستی است
۲۷۴	سوم - تغذیه، پیوندی اجتماعی
۲۷۸	چهارم - غذا و تدبیر معیشت
۲۸۲	احکام خانه و مسکن
۲۸۲	درآمد:

- ۱ - مصونیت از خطرها ..... ۲۸۵
- ۲ - وسعت، نور خورشید، هوای پاک ..... ۲۹۰
- ۳ - پوشیدگی و آرامش ..... ۲۹۴
- ۴ - زیبایی و آراستگی خانه ..... ۲۹۸
- ۵ - سادگی و دوری از زیاده روی ..... ۳۰۵
- ۶ - جای مناسب ..... ۳۰۹
- ۷ - ذکر و پیراستگی ..... ۳۱۵
- ۸ - سود و برکت ..... ۳۱۸
- ۹ - همیاری و مهربانی ..... ۳۲۲
- ۱۰ - جایی برای علم آموزی و تربیت ..... ۳۲۸
- ۱۱ - آداب والا ..... ۳۳۲
- اشاره ..... ۳۳۲
- آداب ورود به خانه: ..... ۳۳۲
- آداب خواب و شب زنده داری: ..... ۳۳۳
- چه هنگام خوابیدن درست است؟ ..... ۳۳۵
- چگونه بخوابیم؟ ..... ۳۳۷
- احکام تندرستی و سلامتی ..... ۳۴۳
- درآمد: ..... ۳۴۳
- نخست: احکام تندرستی ..... ۳۴۴
- اشاره ..... ۳۴۴
- ۱ - حفظ جان و اعضا ..... ۳۴۵
- ۲ - تندرستی و زبان و ضرر ..... ۳۴۸
- ۳ - بهداشت عمومی و فساد ..... ۳۴۹
- ۴ - بهداشت عمومی و حیات طیبه ..... ۳۵۲
- ۵ - بالاترین مراتب بهداشت فردی ..... ۳۵۴
- دوم - سلامتی و بهداشت، حق طبیعی انسان ..... ۳۵۸



۳۶۱	احکام آموزش
۳۶۱	درآمد:
۳۷۱	فصل سوم: فرزندان وصله رحم از دیدگاه فقه
۳۷۱	احکام دوستی و موّدت
۳۷۱	درآمد:
۳۷۷	احکام روابط میان مؤمنان
۳۷۷	درآمد:
۳۷۸	۱ - محبت و ارزشهای مادی
۳۸۲	۲ - روابط میان نسلی
۳۸۳	۳ - روابط برادرانه و اصلاح
۳۹۰	۴ - احترام متقابل
۴۰۱	احکام صلّه رحم
۴۰۱	درآمد:
۴۰۲	۱ - محوریت پیوند ولایی
۴۰۷	۲ - پایه مدّنتیت
۴۱۵	احکام قیمومت
۴۱۵	درآمد:
۴۱۵	سرپرستی خانواده
۴۲۳	مرزهای سرپرستی
۴۲۶	مسئولیت قانونی
۴۲۹	احکام فرزندان
۴۲۹	درآمد:
۴۳۰	۱ - ازدواج و ازدیاد نسل
۴۳۵	۲ - محافظت از نسل
۴۳۸	۳ - زینت زندگی
۴۳۸	اشاره

الف - مسؤوليت بدن: ----- ۴۴۳

ب - مسؤوليت عقل: ----- ۴۴۴

ج - مسؤوليت دل: ----- ۴۴۶

۴ - فرزندان؛ وسیله آزمایش ----- ۴۴۸

اشاره ----- ۴۴۸

الف - روزی حلال، موفقیت در آزمایش ----- ۴۵۱

ب - پرهیزگاری در پیوندها ----- ۴۵۲

ج - راه دورماندن از کبر و سرکشی ----- ۴۵۳

درباره مرکز ----- ۴۵۵

# الفقه الاسلامی: احکام شریعت پیرامون حیات طیبه یا زندگانی پاک

## مشخصات کتاب

سرشناسه: مدرس، سید محمد تقی، 1945 - م.

Mudarrisi, Muhammad Taqi

عنوان قراردادی: الوجیز فی الفقه الاسلامی. فارسی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: الفقه الاسلامی: احکام شریعت پیرامون حیات طیبه یا زندگانی پاک / محمد تقی مدرس؛ ترجمه یاسر قزوینی.

مشخصات نشر: قم: معیان الحسین، 1386.

مشخصات ظاهری: 444ص.

شابک: 20000 ریال 3-028-427-964-978

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

فتواهای شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده: قزوینی حائری، یاسر، 1360 - ، مترجم

رده بندی کنگره: 9/183BP/4م و 3041 1386

رده بندی دیویی: 297/3422

شماره کتابشناسی ملی: 1145848

اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد کامل

ص: 1

اشاره

احکام شریعت پیرامون حیات طیبه یا زندگانی پاک

محمد تقی مدرسے ؛ ترجمہ یاسر قزوینی.

ص: 2

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3



فهرست

ص: 5

فهرست

ص: 6



فهرست

ص: 7

فهرست

ص: 8

فهرست

ص: 9

فهرست

ص: 10

فهرست

ص: 11



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيد المرسلين المصطفى محمد وآله الهداة الميامين.

وإما بعد:

آنچه در پیش روی شما قرار دارد نوشته ای نواز مجموعه (الوجيز في الفقه الإسلامي) «مختصری در فقه اسلامی» می باشد، که اصول عمومی احکام شریعت و سخنان دین در زمینه امنیت و آرامش، رزق و روزی و فرزندان و خویشاوندان را مورد بحث قرار می دهد.

مطالبی که از هر يك از آنها، مطلب دیگری می تراود که اهداف بلند انسان و حکمت احکام شریعت الهی، و علتهای وضع قوانین بشری را بیان می کنند.

این مطالب در اصل، موضوع بحث رساله مفصلی در مبانی تشریح اسلامی می باشند، که نگارنده سالها پیش توفیق نگارش آن را داشته است. سالها پس از نگارش آن، نگارنده برآن شد تا چکیده ای از آن رساله مفصل را سامان بخشد و به عنوان بخشی از مجموعه «مختصری در فقه اسلامی» ارائه کند تا اهداف زیر به دست آید:

ص: 13

1 - آشنایی هرچه بیشتر با پایه های «حیات طیبه»<sup>(1)</sup>، که در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام تبیین شده اند. چرا که شناخت مبانی اساسی «حیات طیبه» امکان به کار بستن بیش از پیش آموزه های آن را در عرصه جهان واقع برای ما فراهم می سازد تا هرچه بیشتر از نعمتهای دین الهی بهره مند گردیم.

2 - کاوش در قواعد اساسی که وضع احکام اسلامی بر پایه آنها سامان می یابد. از این رهگذر بیش از پیش به آموزه های فرعی شریعت آگاهی یافته و بیش از پیش آنها را بکار خواهیم بست، چون که آشنایی با حکمت احکام، انسان را بر به کار بستن احکام مشتاقتر می سازد.

3 - معرفت مؤمنان به حکمت احکام، جهت گیری عمومی حرکت ایشان را در زندگی و خواسته های شرع مقدّس، روشن می سازد.

چه بسا تأکید بر حکمت شرایع در کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز از همین جهت باشد. به عنوان نمونه اگر انسان دریابد که مراد از تشریح احکام، برقراری امنیت و آرامش می باشد، احساس خوشی نموده، و در هر کوی و برزنی، وسایل آرامش و امنیت خود و مردم را جستجو می کند.

و اگر انسان به ارزش عدل و انصاف معرفت یابد، وجدانش بیدار گشته و در هر تصمیم و حرکتی او را به عدل و انصاف، دعوت خواهد

ص: 14

---

1- - این عبارت به معنی «زندگی پاک» برگرفته شده از آیه 97 سوره نحل می باشد. در آنجا که خداوند می فرماید: (... فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً...) «... او را به حیاتی پاک زنده می داریم...» - مترجم.



کرد تا کمترین ستمی به مردم روا ندارد و تا می تواند راه عدل و انصاف پیش گیرد.

و اگر با هدف فراهم آمدن رزق و روزی و با فلسفه خوردن و آشامیدن، و ارزش مسکن، سلامتی و آموزش، آشنایی یابد، تلاش می کند تا فعالیت‌های خود را همسو با آن ارزشهای والا سامان بخشد.

همین گونه است اگر با روح آموزه های دینی در زمینه فرزندان و ارزش صلۀ رحم و خواست احکام دینی در زمینه روابط مؤمنین با یکدیگر، آشنا شود.

از این رو شایسته است که خوانندگان گرامی، فصل فصل کتاب را به دیده تأمل بنگرند و در آیات ذکر شده در هر فصل تدبیر کنند، و معانی احادیث آمده در هر فصل را درک نمایند، و از روشنگریهای موجود در آیات و روایات و احکام برگرفته شده از آنها، بهره لازم را ببرند، و اگر توفیق حفظ آیات و روایات و یا دست کم یک آیه و یک روایت در هر باب را یافتند بی گمان نیکو خواهد بود.

همچنین امیدواریم همگی بهره ای کافی از این کتاب برده، آموزه های آن را بکار بندیم، و امیدواریم خداوند متعال عمل بدان را مجزی گرداند، و از کسانی که در سامان بخشی به این کتاب سهمی داشته اند بپذیرد و این تلاش را ذخیره روز رستاخیز قرار دهد، انّهُ المستعان، وهو نعم المجیب.

محمدتقی مدرّسی

15 / جمادی الثانی / 1421 هـ

تهران

ص: 15







#### درآمد:

امنیت (1)، نخستین و ضروریترین نیازی است که هر موجود زنده ای آن را در وجود خود احساس می کند و هدف آن، حفظ و نگهداری موجود زنده و دستاوردهایش می باشد. این نیاز در سطوح متفاوتی پدیدار می شود که عبارتند از:

1 - نیاز روانی، که در بالاترین شکل خود به صورت آرامش (سکینه) و پاکی قلب از افتادن در تنگناها و ترس و اندوه و همچنین پاکی قلب از گونه های مختلف شرارت و ستم و دشمنی، نمایان می شود.

2 - از ویژگیها و خُلقیات پسندیده ای است که بر پایه اعتدال و دوری از گناه و فحشا، قوام می یابد.

ص: 19

---

1- - باید بدانیم که معنی واژه امنیت و یا صلح در اصطلاح امروزی خود بویژه در زبان حقوق دانان و کارشناسان مسائل سیاسی، با معنی مراد شده از آن در سخنان وحی و زبان فقها متفاوت است. امروزه امنیت آن چیزی است که سیستمهای قانونی و سیاسی از رهگذر تضمین اجرای قانون و جلوگیری از تجاوز به حقوق مردم فراهم می آورند، ولی در متون دینی از این واژه به «نبود ترس و اندوه» تعبیر شده است. پر واضح است که تنها با فراهم آمدن تمام عوامل صلح و آرامش می توان به وضعیتی که در آن ترس وجود نداشته باشد، دست یافت.

3 - از جنبه ای، جزء رفتارهای مثبت اجتماعی است، که انسان با برخورداری از آن به حقوق دیگران در تمام ابعاد احترام می گذارد.

4 - همچنین آرمان مدنی والایی است که مردم را به جامعه توحیدی می رساند، که در آن، مردم یکدیگر را به خدایی نمی گیرند.

5 - به علاوه، گونه ای پیراستگی فرهنگی است، که دروغ و دروغ بستن به خداوند و رویگردانی از حق، در آن راه ندارد.

در واقع امنیت بدین مفهوم، رویه برجسته ایمان را تشکیل می دهد. از همین روست که دو واژه ی ایمان و امنیت کاربرد مشابهی دارند. مؤمن کسی است که به دیگران امان می دهد و به هر حقی گردن می نهد. ایمان، انسان را به پذیرش هر حقی برای هر شیئی، از جمله؛ حق خداوند متعال، حق خلق خدا، حق خویش و حقوق دیگران و... فرامی خواند، و از این رهگذر تمام این حقوق «حرمت» نام می گیرند. چون که مؤمنان آن حقوق را محترم می شمردند و آنها را به رسمیت می شناسند و از تجاوز به آنها پرهیز می کنند. در این صورت اگر آزادی از سوی من فراهم آید بدین معنی است که از سوی شما نیز فراهم آمده است. بدیگر سخن به رسمیت شناختن حق شما در اظهار نظر توسط من بدین معنی است که من از جانب خود به شما آزادی بیان داده ام. در واقع اینگونه، ارزشهای والای دینی؛ یعنی امنیت، عدل و آزادی، با یکدیگر در می آمیزند؛ از سویی امنیت، بدون ادای حقوق محقق نخواهد شد، و از سویی دیگر، ادای حقوق، آزادی مردم را فراهم می آورد. در این بخش حوزه های گوناگون امنیت را مورد بررسی قرار می دهیم:

ص: 20

قرآن کریم:

1 - (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّسَ تَخَلَّفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (1).

«خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید، و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا برجا و ریشه دار خواهد ساخت، و ترسشان را به امانیت و آرامش مبدل می کند، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.»

2 - (إِذْ يُغَشِّبُكُمُ النُّعَاسَ أَمَدَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ) (2).

«و (یادآورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت، و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک

ص: 21

1- - سورة نور، آیه 55.

2- - سورة انفال، آیه 11.

کند، و پلیدی شیطان را از شما دور سازد، و دل‌هایتان را محکم، و گامها را با آن استوار دارد.»

3 - (وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا) (1).

«بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند، و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند).»

4 - (وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) (2).

«چگونه من از بت‌های شما بترسم؟ در حالی که شما از این نمی ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده اید که هیچ گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است (راست بگویند) کدام يك از این دو دسته (بت پرستان و خداپرستان)، شایسته تر به ایمنی (از مجازات) هستند اگر می دانید؟ \* (آری)، آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرك و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست، و آنها هدایت یافتگانند.»

5 - (إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ

ص: 22

1- - سورة فرقان، آية 63.

2- - سورة انعام، آيات 81 و 82.



سَكِينَتُهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَمُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا(1).

«(به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند، و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته تر و اهل آن بودند، و خداوند به همه چیز دانا است.»

6- (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا)(2).

«او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند، لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است.»

حدیث شریف:

1- امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«إِنَّ رُوحَ الْإِيمَانِ وَاحِدَةٌ خَرَجَتْ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ، وَبِتَفَرُّقِ فِي أَبْدَانِ شَتَّى، فَعَلِيهِ انْتَلَفَتْ وَبِهِ تَحَابَّتْ، وَسَيَخْرُجُ مِنْ شَتَّى وَيَعُودُ وَاحِدًا، وَيَرْجِعُ إِلَى عِنْدِ وَاحِدٍ»(3).

«همانا روح ایمان یگانه است و از نزد (خداوند) یگانه ای بیرون آمده و بین

ص: 23

1- - سورة فتح، آیه 26.

2- - سورة فتح، آیه 4.

3- - بحار الانوار، ج 66، باب 33 السکینه وروح الإیمان، ص 193، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404 ه. ق.

بدنهای متعددی تقسیم شده. پس (انسانها) براساس آن گردهم می آیند و براساس آن یکدیگر را دوست می دارند، و سپس (آن روح) از جایگاههای متعدد خارج شده و دوباره یگانه می شود و به نزد یگانه ای باز می گردد.»

2 - آن حضرت همچنین در روایت دیگری فرموده اند:

«من صحّة یقین المرء المسلم ألاّ یرضی النّاس بسخط اللّٰه، ولا یلومهم علی ما لم یؤتّه اللّٰه. فإنّ الرزق لا یسوقه حرص حریص، ولا یردّه کراهیه کاره. ولو أنّ أحدکم فرّ من رزقه كما یفرّ من الموت، لأدرکه رزقه كما یدرکه الموت.»

«از نشانه های راستی یقین یک مسلمان این است که رضایت مردم را با خشم خدا جلب نکند، و ایشان را بر آنچه خداوند بدو ارزانی نداشته ملامت نکند. چرا که روزی را نه از آزمندی گسیل می دارد و نه ناخشنودی ناخشنودی مانع می شود. بگونه ای که اگر کسی از شما از روزیش همانگونه که از مرگ می گریزد، بگریزد، همانگونه که مرگ او را فرا خواهد رسید بی گمان روزیش نیز فرا خواهد رسید.»

سپس فرمودند:

«إنّ اللّٰه - بعدله وقسطه - جعل الروح والراحة فی الیقین والرضا، وجعل الهمّ والحزن فی الشکّ والسخط»<sup>(1)</sup>.

«همانا خداوند - با عدل و انصاف خود - راحتی و آسایش را در یقین و رضامندی، و رنج و اندوه را در شک و ناخشنودی قرار داده است.»

ص: 24

---

1 - بحار الأنوار، ج 67، باب 52 الیقین والصبر علی الشدائد، ص 143. الکافی، ج 2، باب فضل الیقین، ص 57، 8 جلدی، چاپ دار الکتب الإسلامیّه، 1365 ه. ش.

3 - از امیرمؤمنان علی علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«لا يجد عبد طعم الإيمان حتى يعلم أن ما أصابه لم يكن ليخطئه، وأن ما أخطاه لم يكن ليصيبه، وأن الضارّ النافع هو الله عزّ وجلّ» (1).

«هیچ بنده ای مزه ایمان را نمی چشد مگر اینکه بدانند آنچه به او می رسد چنان نبوده است، که از او تخطی کند و آنچه به او نرسیده، چنان نبوده است که به او برسد. و تنها زیان رسان و سودرسان خداوند عزّ وجلّ است.»

4 - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«ما من شيء إلا وله حدّ.»

«هر چیزی حدی دارد.»

پس از آن حضرت پرسیده شد: حدّ یقین چیست؟ آن حضرت فرمودند:

«أن لا تخاف (مع الله) شيئاً» (2).

«اینکه (همراه خدا) از چیزی نترسی.»

5 - هشام بن سالم روایت می کند که امام صادق علیه السلام را شنیده که به حمran بن أعین می فرمود:

«یا حمran؛

انظر إلى من هو دونك، ولا تنظر إلى من هو فوقك في

ص: 25

---

1 - بحار الأنوار، ج 67، باب 52 اليقين والصبر، ص 154. الكافي، ج 2، باب فضل اليقين، ص 57، ح 7.

2 - همان، ص 180.

المقدرة، فإنّ ذلك أفنع لك بما قسم لك، وأحرى أن تستوجب الزيادة من ربك. واعلم إنّ العمل الدائم القليل على اليقين أفضل عند الله من العمل الكثير على غير يقين. واعلم أنّه لا ورع أفنع من تجنّب محارم الله، والكفّ عن أذى المؤمنين واغتيالهم، ولا عيش أهناً من حسن الخلق، ولا مال أفنع من القنوع باليسير المجزئ، ولا جهل أضّر من العجب»<sup>(1)</sup>.

«ای حمران! به فرودستان خود بنگر، و به بالادستان خود در توانمندی نگاه مکن. زیرا این کار، تو را به آنچه قسمت شده خشنود می سازد و سزاوارتر از آن است که در خور فزونی از پروردگار خود شوی. و بدان که عمل اندک و همیشگی همراه با یقین، نزد خداوند بهتر از عمل زیاد بی یقین می باشد. و بدان که هیچ پرهیزکاری ای سودمندتر از دوری کردن از محارم خدا، و دست کشیدن از آزار مؤمنان و غیبت کردن ایشان نیست، و هیچ زندگی ای گوارتر از حسن خُلق نمی باشد، و هیچ دارایی ای سودمندتر از قناعت کردن به اندک و کافی نمی باشد، و هیچ نادانی ای زیانبارتر از عُجب نیست.»

6 - همچنین در حدیث مأثور از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

«حبّ الله إذا أضاء على سرّ عبد أخلاه عن كلّ شاغل، وكلّ ذكر سوى الله عنده ظلمة. والمحّبّ أخلص الناس سرّاً لله،

وأصدقهم قولاً، وأوفاهم عهداً،

وأزكاهم عملاً، وأصفاهم ذكراً، وأعبدتهم نفساً، تتباهى الملائكة عند مناجاته وتفتخر برويته، وبه يعمر الله تعالى بلاده، وبكرامته يكرم عباده. يعطيهم إذا

ص: 26

سألوا بحقّه، ويدفع عنهم البلايا برحمته، فلو علم الخلق ما محلّه عند الله،

ومنزلته لديه، ما تقرّبوا إلى الله إلا بتراب قدميه»(1).

«محبت الهی اگر نهانخانه دل بنده ای را روشن سازد، آن را از تمام دل مشغولیهای تهی می سازد، و هر یادی جز یاد خدا نزد او تاریکی خواهد بود.

ویک دوستدار خدا، در نهان خود، پیراسته ترین مردم است نزد خدا، و همچنین راستگوترین و وفادارترین ایشان نسبت به عهد و پیمان خویش است، و عمل او از همه مردم پاک تر و ذکر او از تمام ایشان زلالتر و روان او از همه پرستشگرتر می باشد، فرشتگان به هنگام مناجاتش مباحثات می کنند و به دیدارش فخر می فروشند، و به خاطر او خداوند متعال سرزمینهای خویش را آباد می سازد، و به خاطر کرامت وی بندگان خود را اکرام می کند. اگر به حقّ وی سؤال کنند خداوند برایشان می دهد، و بلاها را به وسیله رحمت خود از ایشان دور می کند، پس اگر خلق به جایگاه و منزلت او نزد خدا پی می بردند، به خدا نزدیکی نمی جستند مگر به واسطه خاک پای وی.»

رهیافت وحی:

ایمان به خدا و اطمینان به وی و همچنین توکل بر او و پرهیز از سرپیچی از او و بر حذر بودن از کیفر او و خویشستنداری در برابر محارمش... همه و همه موجب فراهم آمدن امنیت، آرامش و رضامندی می شوند. بدیگر سخن هرگاه دل به ایمان آرامش یابد و از خشم و نخوت پاک گردد، و با عشق و رضامندی آباد شود، و از آفت گناهان قلبی (همچون کینه ورزی، حسد

ص: 27

و خودبزرگ بینی) دور باشد، آرامش و امنیت بر دیگر ابعاد زندگی وی، سایه افکن خواهند شد.

احکام:

1 - بر ما لازم است که برای کاشت بذر محبت و آرامش در دلها و پرورش روح اعتماد و فروتنی و زدودن خشم و نخوت و پلیدیها از روانها کوشا باشیم.

2 - برای دست یابی بدین امر باید به اصلاح روشهای تربیتی، بویژه در مدارس از جمله مدارس ابتدائی، و همچنین اصلاح روشهای فرهنگی در روابط والدین با فرزندانشان پردازیم.

3 - مادران، در صورتیکه خود با فرهنگ باشند، نقش برتر را در فرهنگ سازی فرزندان، بانرمخویی و سخنان نیک، ایفا می کنند، اما همانگونه که می دانیم زنان در کشورهای ما از مدتها پیش و تا به امروز نادیده انگاشته شده اند، از همین رو جامعه باید ایجاد دوره های تربیتی ویژه زنان، و یا برگزاری درسهایی ویژه روشهای درست تربیت در دانشگاهها و مراکز آموزشی را از مهمترین وظایف خود بداند.

4 - از سویی مجامع دینی، مراکز خیریه و جنبشهای سازمان یافته می بایست با جدیت در اندیشه تربیت نسلهای آینده باشند. این مراکز می بایست مصالح عمومی را بر منافع زودگذر سیاسی مقدم دارند، و اعضای خود را بر پایه کینه توزی و تعصب و منفی نگری تربیت نکنند، چراکه در آن صورت نه تنها به اعضای خود ستم روا داشته اند بلکه جامعه

ص: 28

را به تباهی کشانیده و بذره‌های فتنه را در میان مردم خواهند کاشت.

5 - همچنین بر گروه‌های دینی و مراجع اسلامی و حوزه‌های علمیه است که مراقب جهت‌گیری‌های خود باشند؛ نباید مسائل خصوصی را بر مسائل عمومی امت ترجیح دهند و از آن رهگذر فضایی از بدگمانی و تشویش بوجود آورند، و در آن فضا آرامش و سکینه ایمانی از روانها رخت بر بندد، بلکه این نهادها باید در یگانه ساختن صفوف مؤمنین و نزدیک ساختن آنها به یکدیگر کوشا باشند.

6 - یکی از والاترین صفات نیکو رضامندی و رسیدن به مقام تسلیم در برابر قضا و قدر الهی می باشد. از همین رو دست اندرکاران امور فرهنگی و تربیتی باید به پرورش این ویژگی در جامعه اهتمام ورزند، تا آرامش و سکینه به روانها راه یابد و به استقرار امنیت و آرامش در جامعه هرچه بیشتر کمک شود.

7 - انسان - برای برخوردار شدن از رضامندی - باید امور دنیوی خود را با امور دنیوی فرو دست تر از خویش بسنجد. چه، این امر وی را به آنچه دارد خشنودتر، و از نظر روان سپاسگزارتر و بی نیازتر می سازد.

8 - بر ماست که حب و دوست داشتن خداوند را به عنوان پایه ای بنیادین برای تربیت مردم قرار دهیم، تا مردم در امنیت و آرامش زندگی کنند. چه، دست یافتن به محبت الهی، درجه ای والا محسوب می شود، چرا که حب و دوستی - به نظر می آید - آرمانی والا برای روان باشد و کششی به سوی بالا، و در جهت آگاهی عمیق نسبت به حقیقت و درک آن عمل کند.

قرآن کریم:

1 - (وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا \* وَالَّذِينَ يَبِيَّتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا) (1).

«بندگان (خاصّ خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نا بخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند \* کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند)»

2 - (وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا) (2).

«و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو، حداعتدالی دارند.»

3 - (قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ) (3).

ص: 30

---

1- - سورة فرقان، آيات 63 و 64.

2- - سورة فرقان، آية 67.

3- - سورة اعراف، آية 33.



«بگو: خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است، و (همچنین) گناه و ستم به ناحق را، و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید، و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی دانید.»

4 - (يَا بَنِي آدَمِ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (1).

«ای فرزندان آدم! اگر رسولانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما بازگو کنند، (از آنها پیروی کنید)، کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می شوند.»

5 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ سُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يُجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْلَمُوا إِعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) (2).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند. عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است. و از (معصیت) خدا پرهیزید، که خداوند از آنچه انجام می دهید، با خبر است.»

ص: 31

---

1- - سورة اعراف، آیه 35.

2- - سورة مائده، آیه 8.

حدیث شریف:

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الْمُنْبَتُ لَا أَرْضًا قَطَعَ، وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى» (1).

«سواری که بیش از توان خود و مرکبش در راه سرعت گیرد، نه راهی خواهد پیمود و نه مرکبش باقی خواهد ماند.»

2 - امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ، وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ، عَلَيْهَا بَاقِي الْكِتَابِ وَأَثَارُ النَّبُوَّةِ» (2).

«به راست و چپ رفتن گمراهی است، و راه میانه همان راه صحیح است، که کتاب خدا و آثار نبوت بر آن باقی مانده اند.»

3 - و همچنین می فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ، وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ» (3).

«آگاه باشید، که عطای مال در غیر موردش زیادروی و اسراف است، ممکن است این کار، مقام بخشنده را در دنیا بالا ببرد، اما در آخرت پایین می آورد.»

4 - همچنین می فرماید:

ص: 32

---

1- بحار الأنوار، ج 68، ص 218 و 211، باب 66. الكافي، ج 2، باب الاقتصاد، ص 82.

2- نهج البلاغه، خطبه 16، ص 52 ناشر دارالحدیث، چاپ اول، 1424 ه. ق.

3- همان، خطبه 268.

«كُنْ سَمَحًا وَلَا تَكُنْ مُبَدِّرًا، وَكُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًا»(1).

«بخشنده نه اسرافگر و حسابگر باش نه سختگیر.»

5- همچنین آن حضرت به هنگام سخن از ویژگیهای پرهیزکاران می فرماید:

«بَعِيدًا فُحْشُهُ، لَيِّنًا قَوْلُهُ»(2).

«از گفتن سخن ناشایست دوری می گزیند، گفتارش نرم و معتدل است.»

6- همچنین در ویژگیهای اهل تقوی می فرماید:

«وَتَنَكَّبَ الْمَخَالِجَ عَنُوضِحِ السَّبِيلِ، وَسَلَكَ أَقْصَدَ الْمَسَالِكِ إِلَى النَّهْجِ الْمَطْلُوبِ؛

وَلَمْ تَقْتَلْهُ فَاتِلَاتُ الْعُرُورِ، وَلَمْ تَعَمْ عَلَيْهِ مُسْتَبْهَاتُ الْأُمُورِ»(3).

«و از موانع راه روشن هدایت، کناره گیری کند و برای رسیدن به روش مطلوب به سوی حیات ابدی معتدل ترین راه ها را برگزیند و عوامل کبر و غرور که او را از حق و حقیقت دور می سازد، از راه راست منحرفش نکند. امور مشکوک و مشتبه او را سرگردان نسازد.»

7- همچنین می فرماید:

«فَلَا تَكُونُوا أَنْصَابَ الْفِتَنِ، وَأَعْلَامَ الْبِدْعِ»(4).

«پس سعی کنید که شما پرچم فتنه ها و نشانه های بدعت نباشید.»

ص: 33

---

1- - نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره 33.

2- - همان، خطبه 193، فراز 22، ص 458.

3- - همان، خطبه 83، ص 5-144.

4- - همان، خطبه 151، ص 309.

8 - و دربارهٔ پرهیزکاران می فرماید:

«مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ، وَمَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ»<sup>(1)</sup>.

«منطق آنان درست و صحیح، پوشاکشان بر مبنای میانه روی و اقتصاد است.»

9 - همچنین می فرماید:

«لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ»<sup>(2)</sup>.

«هیچ تعقلی مانند دوراندیشی نیست.»

رہیافت وحی:

در واقع امور مؤمنان بر پایهٔ اعتدال پایه ریزی شده ولی امور غافلان بر پایهٔ افراط، از همین روست که هوا و هوس، غافلان را به حرکت وامی دارد.

چون غافلان همواره یا زیاده روی می کنند یا کوتاهی، ولی مؤمنان بر راه راست پا برجایند، حال آنکه دیگران گاهی به راست و گاهی به چپ متمایل می شوند. در واقع مؤمنان همواره از فروافتادن در چاه افراط و تقریط در امانند.

احکام:

1 - مؤمن باید پیش از قدم گذاشتن در هر کاری، به پیامدهای آن، فکر کند، تا اندیشه اش از حرکتش، بصیرتش از گام نهادنش و تدبیرش

ص: 34

---

1-- نهج البلاغه، خطبهٔ 193، ص 454.

2-- همان، کلمات قصار، شمارهٔ 113، ص 745.

از آموزش و حسابگریش از ره در پیش گرفتنش پیشی گیرد، زیرا که به آرامی گام نهادن (یعنی در پیش گرفتن روش متعادل در زندگی) که رفتار يك مؤمن بدان مشخص می شود، وسیله ای است که وی را از سرانجام تندروی در امان می دارد.

2 - مؤمن باید مهار خشم و رضامندی و حب و بغض و واکنشهای خود را از طریق بخشش به دست گیرد. نباید بخل او را از بخشش هر چند اندك باز دارد، چون محروم کردن، اندکتر از آن است. همانگونه که اسراف، نباید وی را به بخششهای بی جا سوق دهد.

3 - همچنین مؤمن می بایست در افعال خود نیکو کار باشد، البته این نیکوکاری نباید به حال وی و کسانی که نفقه ایشان بر وی واجب است زیان برساند. از همین رو نمی توان به بهانه خدمت به جامعه، فرزندان خود را مورد غفلت قرار داد، همانطور که نباید تنها به فرزندان توجه کرد و جامعه را از نظر دور داشت. بلکه يك انسان مؤمن باید با حکمت خویش بیت این دو حالت تعادل ایجاد کند تا حیات فردی و اجتماعی در امان باشد. زیرا که در صورت کوتاهی در يك مورد و توجه بیشتر به مورد دیگر امکان دارد موجب شود تا هر دو را از دست بدهد.

4 - همچنین بر مؤمن واقعی است که اعمال زشت را چه آشکار و چه پنهان رها کند و از نزدیک شدن بدانها نیز پرهیز کند، زیرا که اعمال زشت، وی را به چاه هلاکت می افکنند. کارهای زشت همانهایی هستند که در شریعت یا تفصیلاً بیان شده اند مانند (زنا) یا به صورت کلی از آنها سخن به میان آمده است مانند (زیاده روی در دشمنی).

از همین رو بر مؤمن واقعی است که عملاً به موارد زیر اهتمام ورزد:

الف - گزینش نیکوترین سخنان و دوری جستن از ناسزاگویی و زیاده روی و سخنان ناروا، بگونه ای که حتی در فراخواندن طاغوتها به راه راست، مؤمن، باید نیکوترین کلمات را گزینش کند، همچنانکه حضرت موسی علیه السلام در رویارویی با فرعون چنین کرد.

ب - برگزیدن نزدیکترین راههای ممکن به صواب و دورترین آنها از حساسیتهای و تندرویهها و پرهیز از ورود به فتنه های اجتماعی که در آن انسانهای غوغاپیشه دخالت دارند. مؤمن واقعی باید با خرد خود هر تعصبی را فرونشاند و با پرهیزکاری خود زمام منیت و خود پسندی را مهار کند.

ج - برگزیدن میانه ترین راه در گذران زندگی و معیشت. چون که، اقتصاد و میانه روی در معیشت از ویژگیهای پرهیزکاران می باشد. و این امر تنها با تدبیر میسر می شود.

د - همچنانکه هر فردی باید روش اقتصادی روشنی برای گذران زندگی خود ترسیم کند، و درآمد سالیانه خود را با هزینه ها بسنجد، جمعیتهای سازمان یافته (جمعیتهای سیاسی و جنبشهای اسلامی و مؤسسه های خیریه و شرکتهای اقتصادی و...) و همچنین دولتها و سازمانهای دولتی نیز باید مجدانه به موازنه اقتصادی اهتمام ورزند. نباید هزینه ها از درآمدها بیشتر شود، در واقع باید اینگونه مجامع و مراکز از اسراف و تجمل گرایی دوری گزینند.

قرآن کریم:

1 - (أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ) (1).

«آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی دانند.»

2 - (أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَاكِيلًا \* أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنًا بِهِ تَبِيعًا) (2).

«آیا از این ایمن هستید که در خشکی (با يك زلزله شدید) شما را در زمین فروبرد، یا طوفانی از سنگریزه بر شما بفرستد (و در آن مدفوتان کند)، سپس حافظ (و یاوری) برای خود نیاید؟! \* یا اینکه ایمن هستید که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند، و تندباد کوبنده ای بر شما بفرستد، و شما را بخاطر کفرتان غرق کند، سپس داد خواه و خونخواهی در برابر ما پیدا نکنید؟!»

ص: 37

---

1 - - سورة اعراف، آیه 99.

2 - - سورة اسراء، آیات 68 و 69.

3 - (وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ \* إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ) (1).

«و آنها که از عذاب پروردگارشان بیمناکند \* چراکه هیچ کس از عذاب پروردگارش در امان نیست.»

حدیث شریف:

1 - از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که دربارهٔ ویژگیهای پرهیزکاران می فرماید:

«يَبِيتُ حَذِرًا وَيُصْبِحُ فَرِحًا؛

حَذِرًا لِمَا حُذِرَ مِنَ الْغَفْلَةِ، وَفَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ» (2).

«در حال بیدار شب را می گذرانند، و بامداد شادمان سر از خواب برمی دارد، بیمناک از غفلتی است که از آن بر حذر شده است و شادمان به رحمت و احسانی که به او رسیده است.»

2 - همچنین آن حضرت در موعظه ای به مردم می فرماید:

«فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ، وَاحْذَرُوا بَوَائِقَ النَّقْمَةِ» (3).

«بترسید از مستی های نعمت، و برحذر باشید از سختی های عذاب و انتقام.»

ص: 38

---

1- - سورة معارج، آيات 27-28.

2- - نهج البلاغه، صبحی صالح، چاپ اول، دارالحدیث، 1424 ه. ق، قم، خطبه 193، ص 457، س 8.

3- - نهج البلاغه، خطبه 151، ص 306.



3 - همچنین در حالیکه به فرزند خود وصیت می کردند، فرمودند:

«أَحْيِي قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ - إِلَى قَوْلِهِ: -

وَحَدِّزْهُ صَوْلَةَ الدَّهْرِ، وَفُحِّشْ تَقَلُّبِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ»(1).

«قلب را با موعظه زنده بدار، [تا اینکه فرمود: ] (و نفست را) از هجوم سخت روزگاران و زشتی دگرگونی شب و روزها بترسان.»

4 - و می فرمایند:

«وَلَكِنَّ الْحَدَرَ كُلَّ الْحَدَرَ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ، فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ»(2).

«ولی پس از استقرار صلح از دشمن خود کاملاً برحذر باش؛ زیرا دشمن چه بسا به نزدیکی می گراید و نمایش صلح می دهد تا طرف را غافلگیر کند.»

رہیافت وحی:

کسی که خشیت نداشته باشد، تقوی پیشه نخواهد کرد، و فرد بی تقوی در امان نخواهد بود. در واقع خشیت و بیم از برجسته ترین ویژگیهای مؤمنان است، و از برجسته ترین پیامدهای آن ایمنی از خطرهای آن می باشد.

احکام:

1 - مؤمن حقیقی باید از مکر الهی بیمناک بوده و معصیت نکند، و در صورتی که فریب شیطان را خورد و مرتکب گناهی شد، باید هرچه

ص: 39

1- - نهج البلاغه، نامه 31، ص 592.

2- - نهج البلاغه، نامه 53، اسلوب مواجهة الاعداء، ص 676.

زودتر خدا را یاد کند و به درگاه پروردگار توبه نماید، و پیامدهای زیانبار گناه را اصلاح کند تا گناه زینانی به وی نرساند. در واقع زیانکاران خود را از مکر الهی در امان می بینند، و از همین رو پرهیزکاری پیشه نمی کنند.

2- بر مؤمنان است که از غفلت بر حذر باشند، چراکه غفلت، در يك آن سرمستی به همراه می آورد که خرد را از میان برده و انسان را در چاه خطرهای گوناگون فرومی افکند.

- از این رهگذر، کسی که از دزدان حذر نمی کند و در زمینه قفل کردن درب خانه خود سهل انگاری می کند،

- راننده ای که حوادث رانندگی و خطرهای پیش روی خود را جدی نمی گیرد،

- بازرگانی که به دگرگونیهای بازار توجه نکرده، و تمام سرمایه خود را در يك کار سرمایه گذاری می کند،

- و سربازی که از یورش دشمن بیم نمی کند و از اسلحه خود غفلت می کند،

- و سیاستمداری که از تحولات زمانی غافل می ماند برای امروزی کردن روشهای خود فکری نمی کند، جملگی، امکان دارد در يك لحظه تمام چیزهایی را که سالها بدست آورده اند، از کف بدهند.

قرآن کریم:

1 - (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ \* يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (1).

«ای اهل کتاب! پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می کردید روشن می سازد، به سوی شما آمد؛ و از بسیاری از آن، (که فعلاً افشای آن مصلحت نیست)، صرف نظر می نماید. (آری،) از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. \* خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راههای سلامت، هدایت می کند؛ و به فرمان خود، از تاریکیها به سوی روشنایی می برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می نماید.»

2 - (فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ

ص: 41

قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى (1).

«به سراغ او بروید و بگویید: ما فرستادگان پروردگار توایم؛ بنی اسرائیل را با ما بفرست؛ و آنان را شکنجه و آزار مکن؛ ما نشانه روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده ایم؛ و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می کند!»

3 - (قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ) (2).

«بگو: خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است؛ و (همچنین) گناه و ستم به ناحق را؛ و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید؛ و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی دانید.»

4 - (وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا) (3).

«بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند.»

ص: 42

---

1 - - سورة طه، آیه 47.

2 - - سورة اعراف، آیه 33.

3 - - سورة فرقان، آیه 63.

5 - (وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا \* يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخَلُدْ فِيهِ مُهَانًا)(1).

«و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی را که خداوند خورش را حرام شمرده، جز بحق نمی کُشند؛ و زنا نمی کنند؛ و هرکس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید! \* عذاب او در قیامت مضاعف می گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند.»

6 - (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ)(2).

«و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راههای خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.»

7 - (فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَمُ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا)(3).

«و چون عدّه آنها سر آمد، آنها را به طرز شایسته ای نگه دارید یا بطرز شایسته ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز

ص: 43

---

1- - سورة فرقان، آیات 68 و 69.

2- - سورة عنكبوت، آیه 69.

3- - سورة طلاق، آیات 2 و 3.

قیامت به آن اندرز داده می شوند. و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند\* و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد؛ و هرکس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است.»

8 - (تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)(1).

«(آری)، این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبتتیک برای پرهیزگاران است.»

9 - (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)(2).

«ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.»

حدیث شریف:

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«المسلمون اخوة، تتكافأ دماؤهم، يسعى بذمتهم أدناهم، هم يد

ص: 44

---

1- - سورة قصص، آیه 83.

2- - سورة حجرات، آیه 13.

«مسلمانان برادرند، خونشان همسنگ هم است، پست تریشان در بدگویی از ایشان تلاش می کند، ایشان دستی هستند بر غیر خودشان.»

2- امیر مؤمنان علی علیه السلام در فرمان مبارک خود به مالک اشتر می فرماید:

«وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عُقْدَةً، أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً، فَحُطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ، وَازْعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ، وَاجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيتَ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعاً مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ، وَتَشْتَّتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ...»(2).

«و اگر میان خود و دشمن پیمانی منعقد نمودی یا از طرف خود پناهندگی به او دادی، به پیمان خود بطور کامل وفا کن، و با کمال امانت تعهد پذیرش پناهندگی او را مراعات نما، و جان خود را در برابر عهده که بسته ای سپر کن، زیرا عموم مردم در هیچ یک از واجبات الهی با آن همه پراکندگی که در خواسته ها و نظریات خود دارند، مانند بزرگداشت وفا به پیمانها اتفاق نظر ندارند.»

3- همچنین می فرماید:

«فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَهُوَ نَقِيُّ الرَّاحَةِ مِنْ دِمَائِ الْمُسْلِمِينَ وَأَمْوَالِهِمْ، سَلِيمِ اللِّسَانِ مِنْ أَعْرَاضِهِمْ فَلْيَفْعَلْ»(3).

ص: 45

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 46، باب العهد، والكافي، ج 1، ص 403، باب ما أمر النبي صلى الله عليه وآله.

2- نهج البلاغه، نامه 53 (صبحی صالح)، ص 676، اسلوب مواجهة الاعداء.

3- نهج البلاغه، خطبة 176، ص 376، س 8.

«هرکس از شما بتواند خدای تعالی را ملاقات کند در حالی که خیالش از خون و داراییهای مسلمانان پاک باشد و آبروی ایشان از زبانش در امان باشد، پس انجام دهد.»

4 - همچنین آن حضرت می فرماید:

«بَشِّرِ الزَّادُ إِلَى الْمَعَادِ، الْعُدْوَانَ عَلَى الْعِبَادِ»<sup>(1)</sup>.

«بدترین توشه برای روز رستاخیز، دشمنی با بندگان است.»

5 - و می فرماید:

«الْمُؤْمِنُ لَا يُغْسُ أَخَاهُ، وَلَا يَخُونُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَتَّهَمُهُ»<sup>(2)</sup>.

«مؤمن برادرش را نه فریب می دهد و نه به وی خیانت می کند و نه خوارش می کند و نه به وی تهمت می زند.»

6 - از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

«اجتنبوا الكبر، فإنَّ العبد لا يزال يتكبر حتى يقول الله عزَّ وجلَّ: اكتبوا عبدي هذا في الجبارين»<sup>(3)</sup>.

«از خود بزرگ بینی و کبر دوری گزینید، چراکه، بنده همچنان تکبر می ورزد تا اینکه خداوند متعال می فرماید: این بنده مرا در زمره جباران بنویسد.»

ص: 46

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 12، باب 77، ص 97 و 102.

2- - همان، ج 9، باب 119، ص 82. بحار الأنوار، ج 10، ص 100.

3- - میزان الحکمة، ج 8، ص 300، ح 16920.



می توان چکیده حکمت اسلامی در آرامش میان مردم [امنیت اجتماعی] را در دو امر شناخت و احترام متقابل بیان کرد. از همین رو اگر در جامعه ای هرکس دیگران را به رسمیت بشناسد و به حقوقشان احترام گذارد، امنیت و آرامش برقرار خواهد شد. در واقع نهادهای مسؤول امنیت در جوامع و قوانین حقوقی مورد استفاده آنها، این رویه از امنیت را نشانه رفته اند.

حال به دو نکته در این زمینه توجه کنید:

نخست - اینکه برای رسیدن به يك هدف مشروع بیش از يك راه پیش رو داریم، برخی امن و برخی پر خطر، که انسان رستگار بیشترین تلاش خود را به کار می کیرد تا به راههای امن دست یابد، راههایی که نه برای خود و نه برای دیگران خطر آفرین باشند.

از آیات الهی درمی یابیم که ره یافتن به راههای امن (سبل السلام) از چند راه محقق می شود: نخست، پیروی از خشنودی خداوند (مائده 15-16)، (طه، 47). دوم، از طریق جهاد در راه خدا (عنکبوت، 69). سوم، بوسیله پرهیزکاری (طلاق، 2-3).

دوم - یکی از مؤلفه های گزینش راه امن، جستجوی راهی است که با مصالح دیگران برخورد نداشته باشد و موجب شکسته شدن حرمت دیگران، آنچه از آن به تجاوز تعبیر می شود، نگردد. چه، دین، ستم بناحق را حرام شمرده است. در واقع خداوند انسان را آفریده و برای او کرامتی قرار داده (استقلال و آزادی)، و همچنین از سوی خود به او فضل کرده (مالکیت). و حرمتی برای وی قایل شده است (شخصیت). پس هرکس،

کرامت، داراییها و یا حرمت‌های مردم را مورد تجاوز قرار دهد، ستم کرده است. از این رهگذر می‌توان به پایه‌های احکام شریعت دست یافت:

احکام:

1 - زیاده‌خواهی در زمین و تلاش در راه به استضعاف کشیدن دیگران و تکبر ورزیدن برایشان، جایز نمی‌باشد. هر مسلمان باید با نفس خود تاریشه‌کنی کامل خشم و نخوت و تعصبات نابجا، جهاد کند.

2 - مسلمانان باید در برابر کسانی که می‌خواهند با عنوان قومگرایی یا ملی‌گرا نه و یا به نام دین و یا هر نام دیگری از این دست به ناحق بر فرجام دیگران دست اندازند، به مقابله پردازند، چراکه برقراری امنیت و آرامش جز به وسیله مقابله با ستم سیاسی میسر نمی‌شود.

3 - یکی از برجسته‌ترین مؤلفه‌های امنیت، وجوب حفظ جان و آبرو و حرمت قتل و زنا می‌باشد. وجوب حفظ اندامها و توان آنها نیز در پی وجوب حفظ جان می‌آید. از همین رو کسی نمی‌تواند به يك «نفس محترم»، چه از راه قتل، چه از راه زخمی کردن، چه از راه رساندن ضررهایی همچون زدن سیلی، زدن با تازیانه و یا با عصا و یا حتی ضرر رساندن از راه وارد کردن خراشی به آن، زیان رساند.

4 - همچنین به بیماری انداختن دیگران و باعث بیماری دیگران شدن، چه آن بیماری کشنده باشد، چه خطرناک و چه يك بیماری آزاردهنده، حرام می‌باشد. از همین رو کسانی که به بیماریهای واگیردار و خطرناکی (چون ایدز، طاعون و یا سل) مبتلا هستند در هر حال نباید موجب انتشار

ص: 48

بیماری خود در میان مردم شوند. همچنین انتشار گازهای سمّی که بیماریهای خطرناکی را در میان مردم به همراه می آورند، جایز نمی باشد.

5 - حرمت آبرو و ناموس مردم همچون حرمت خون ایشان است، از همین رو تجاوز جنسی به هیچ کس جایز نیست، زنا و لواط از بدترین مصادیق تجاوز جنسی محسوب می شوند، البته گونه های دیگری از این تجاوز وجود دارد که آنها نیز جایز نیستند. از جمله نگاه انداختن پنهانی به خانه دیگران برای دیدن نوامیس مردم و هتك حرمت ایشان (و هم چنین است دیدن عکسها و فیلمهای خانوادگی مردم بدون اجازه آنها).

6 - بر مؤمن واجب است که نفس خویش را از ستم به حق دیگران باز دارد و در این راه پایداری از خود نشان دهد و همچنین اموال مردم را به ناحق نخورد، چه، تنها زمانی امنیت اقتصادی برقرار خواهد شد که مردم حقوق کوچک و بزرگ یکدیگر را رعایت کنند. از این رهگذر درمی یابیم که:

الف - بر هر مسلمانی واجب است که از ستم به دیگری حتّی به اندازه خوردن مال کمی از او به شیوه هایی مانند فریب، کم فروشی و یا زیان رساندن به وی در فروش و اعمالی از این دست، خودداری کند.

ب - همچنین است ستم به دیگران در شکل تجاوز به حقوق شرعی آنها که عرف آنها را به رسمیت شناخته، از جمله؛ حقّ پیشی گرفتن در مسجد و یا در راه، یا حقّ تقدّم در خرید و فروش، و یا حقّ برخورداری از اولویّت در گرفتن وام از بانک و یا افتتاح اعتبار مالی و یا اولویّت در تدریس در حوزه و دانشگاه و یا حتّی حقّ اولویّت عبور بر مبنای قوانین

ج - همچنین تجاوز به حقوق مردم در شکل سلب آسایش کردن از آنها جایز نیست. ایجاد سر و صدایی که در شب مزاحم دیگران می شود، و یا ایجاد مزاحمت برای دیگران از طریق آلوده ساختن محیط زیستی ایشان، و یا تخریب بوستانها و باغهایی که محلّ تفریح مردم می باشند، و یا قطع درختان، که خود موجب پاکی هوا می شوند، و اعمالی از این دست، از مصادیق سلب آسایش مردم محسوب می شوند. (1)

7 - حفظ حرمت‌های غیر مادی اشخاص نیز همچون حرمت‌های مادی ایشان واجب است. از همین رو اعمالی چون اتهام دیگران، جریحه دار کردن کرامت آنها و همچنین از بین بردن شخصیت ایشان و یا منتشر ساختن بدیها و رسواییهای ایشان و نیز بدگمانی به مردم حرام می باشند.

از جمله حرمتها (و یا حقوقی) که دین مبین اسلام بر آن تأکید کرده، وجوب جواب سلام دیگران می باشد.

8 - پایبندی به حرمت‌هایی که با استقلال سیاسی مردم پیوند خورده اند، از جمله؛ حق انتخاب و آزادی بیان و آزادی سفر و اقامت و حقوقی از این قبیل، نیز واجب می باشند.

9 - یکی دیگر از حقوق مؤمنان بر یکدیگر، احترام و وفا به عهد و پیمان و وعده ها و همچنین پایبندی به وصیت می باشد.

ص: 50

---

1- - تنها فقها و تنظیم کنندگان قوانین صلاحیت تعریف تفصیلی حدود حقوق را دارا می باشند، از همین رو ما در اینجا تنها به پاره ای از نمونه ها اشاره کردیم، تا ابعاد حقوقی آنچه بر مردم رعایت آنها الزامی و واجب است، روشن شود.

10 - باید با کسانی که به اشتباه امری را دریافته اند و از روی نادانی عجلولانه قضاوت می کنند، رفتاری بردبارانه و همراه با گذشت و اصلاح از خود نشان داد. چه، این امر یکی از عوامل ایجاد امنیت در جامعه می باشد. از همین روست که مؤمنان هرگاه بر سخن نابجایی گذر کنند کریمانه می گذرند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه ای گویند)، به آنها سلام می گویند (و بایی اعتنایی و بزرگواری می گذرند).

## 5 - توحید و حاکمیت امتیت و آرامش

قرآن کریم:

1 - (وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَالِمُ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) (1).

«چگونه من از بت‌های شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده اید که هیچ گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است. (راست بگویند) کدام يك از این دو دسته (بت پرستان و خداپرستان)، شایسته تر به ایمنی (از مجازات) هستند اگر می دانید؟! \* (آری)، آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرك و ستم نیالودند، ایمنی

ص: 51

---

1- - سورة انعام، آیات 81 و 82.

تنها از آن آنهاست، و آنها هدایت یافتگانند.»

2 - (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (1).

«در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت [ابت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست.»

3 - (وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاءُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبَسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ) (2).

«همین گونه شرکای آنها [ابتها]، قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه دادند، (کودکان خود را قربانی بتها می کردند، و افتخار می نمودند) سرانجام آنها را به هلاکت افکندند، و آیینشان را بر آنان مشتبه ساختند. و اگر خدا می خواست، چنین نمی کردند، (زیرا می توانست جلو آنان را بگیرد، ولی اجبار سودی ندارد.) بنابراین، آنها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار (و به آنها اعتنا مکن).»

4 - (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (3).

«کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند،

ص: 52

1- - سورة بقره، آیه 256.

2- - سورة انعام، آیه 137.

3- - سورة احقاف، آیه 13.

نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می شوند.»

5 - (وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطْفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) (1).

«آنها گفتند: «ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم، ما را از سرزمینمان می ربایند.» آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (از هر شهر و دیاری) بسوی آن آورده می شود؟ رزقی است از جانب ما، ولی بیشتر آنان نمی دانند.

6 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجَلَوْا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهُدَىٰ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَتَّعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقُومٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) (2).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید و مخالفت با آنها) را حلال ندانید و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می آیند اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانعی ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجدالحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری باهم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید و از (مخالفت فرمان) خدا

ص: 53

---

1- - سورة قصص، آیه 57.

2- - سورة مائده، آیه 2.

بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!»

7 - (إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ) (1).

(تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده اند، و آنها که نسبت به او [خدا] شرک می ورزند (و فرمان شیطان را به جای فرمان خدا، گردن می نهند).

حدیث شریف:

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«إِيَّاكُمْ وَمَخَالَطَةَ السُّلْطَانِ؛ فَإِنَّهُ ذَهَابُ الدِّينِ، وَإِيَّاكُمْ وَمَعُونَةَ فَإِنَّكُمْ لَا تَحْمَدُونَ أَمْرَهُ» (2).

«از درآمیختن با سلاطین برحذر باشید، زیرا از کف رفتن دین را دربردارد، و از یاری ایشان برحذر باشید چراکه شما در این کار ستایش نمی شوید.»

2 - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده:

«باعد السلطان لتأمن خدع الشيطان» (3).

«برای در امان ماندن از نیرنگهای شیطان از سلاطین دوری گزینید.» 3 - امام صادق علیه السلام فرموده:

ص: 54

---

1- - سورة نحل، آیه 100.

2- - بحار الانوار، ج 10، باب 20، ص 368.

3- - بحار الأنوار، ج 74، باب 8، ص 215.



«وَلَا تَزْكُتُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا...» (1)

هو الرجل يأتي السلطان فيحبّ بقاءه إلى

أن يدخل يده إلى كيسه فيعطيه» (2).

«به کسانی که ستم ورزیده اند، اعتماد نکنید...» منظور از این آیه شخصی که به نزد سلطان می آید و زنده ماندنش را دوست می دارد، تا اینکه او منافع وی را تأمین کند.»

4 - عمر بن حنظله می گوید: از اباعبدالله علیه السلام در باب جایز بودن مراجعه دوتن از دوستانمان که بر سرقرض و یا ارثی باهم اختلاف داشتند، به سلطان و یا قضات حکومت، پرسش کردم، پس امام فرمودند:

«من تحاكم إلى الطاغوت فحكم له فإنما يأخذ سحتاً وإن كان حقه ثابتاً له،

لأنه أخذ به حكم الطاغوت، وقد أمر الله أن يكفر به...» (3).

«هرکس دعوا به نزد طاغوت برد و او برایش حکم صادر کند، حتی اگر حقّ واقعی خود را بگیرد، آن را به حرام گرفته، چراکه آنرا با حکم طاغوت اخذ کرده است، حال آنکه خداوند امر کرده تا به طاغوت کفر ورزد...»

رهیافت وحی:

علیرغم ادّعی حاکمان ستمگر و سرکش مبنی بر پاسداری از امنیّت کشور، در واقع ایشان خطرناکترین سرچشمه های تشویش، ترس و هراس و نگرانی در جوامع را تشکیل می دهند. چون ایشان مردم را به گروههای

ص: 55

1- - سورة هود، آیه 113.

2- - وسائل الشیعه، ج 17، باب 44، ص 17، (از 29 جلدیها)، قم، مؤسسه آل البيت 1409 ه. ق.

3- - الكافي، تهران، دارالکتب الإسلامیه، 1365 ش، ج 7، باب کراهیة الارتفاع، ص 413.

مختلفی تقسیم می کنند و دسته ای از ایشان (که بیشتر مردم می باشند) را به استضعاف می کشند، و حق استقلال، برخورداری از کرامت انسانی و آزادی و برخورداری از يك زندگی مرفّه را از مردم سلب می کنند، و همچنین راه پیشرفت را بر مردم می بندند، و عقب ماندگی را بر مردم دیکته می کنند و تباهی را می گسترانند. در واقع ایشان حاکمانی هستند که اگر وارد شهری شوند آن را به تباهی می کشانند و بزرگواران آن شهر را خوار می کنند(1)، و اگر زمام امور را در دست گیرند تلاش می کنند تا هرچه بیشتر در زمین فساد کنند و کشتزارها و نسلها را به نابودی کشانند و پیوندهای خویشاوندی را بگسلند.(2) ایشان به جنگ افروزی می پردازند و بدین وسیله کشتزارها و نسلها را از میان می برند. و هم ایشانند که به فتنه ها دامن می زنند و داعیان به سوی خدا را به قتل می رسانند.

احکام:

نخست: واجب است ترس از طاغوت را به کناری نهاد، و از رهبران آن سرپیچی نمود و باور قلبی به مشروعیت آنها نداشت، بلکه باید بدیشان کفر ورزید، چه، هرکس به طاغوت کفر ورزد و خدا باور باشد بیگمان به دستاویز استواری (عروة الوثقی) که گسیختنی ندارد چنگ زده است. دوری گزیدن از طاغوت و کفر بدان بوسیله نکات زیر محقق می شود:

ص: 56

---

1- - سورة نمل، آیه 24.

2- - سورة بقره، آیه 205.

الف - برکندن ترس از طاغوت و دوستی و احترام به او از دل و روان، و باور به ستمکاری و دوزخی بودن او و سپس تحقیر و فروافکندن روانی طاغوت.

ب - گسستن هرگونه پیوندی با طاغوت و گوش فراندادن به سخنانش و تأیید نکردن کوچکترین سخن وی، به دیگر سخن تحریم تبلیغاتی و فرهنگی طاغوت و یارانش - اگرچه در زیّ اهل علم و دین باشند.

ج - قطع روابط اقتصادی با طاغوت.

د - قطع روابط قضائی با طاغوت و سامان دادن به يك نظام قضائی جایگزین.

ه - مهاجرت از سرزمینی که طاغوت در آن حکم می راند، در صورتیکه نتوان واجبات و وظایف دینی را انجام داد.

و - ستیز با ستمگران و فروافکندن حاکمیت ایشان و برپا ساختن حکم الهی.

دوم: یکی از ابزارهای رسیدن به امنیت مخالفت با قوانین حکومتهای طاغوتی است. قانون کشتن فرزندان که توسط مشرکان و به فرمان بزرگانشان که ایشان را بندگی می کردند صورت می پذیرفت، و همچنین بسیاری از حکمهای برگرفته از قانون سلطه و احکام ستمگران و مشرکان که هنوز بشریت از آنها رنج می برد از این جمله اند. در واقع مؤمنان باید این گونه قوانین را تحریم کنند و در راه مخالفت با آنها بکوشند، تا اینکه از ترس و واپس ماندگی رهایی یابند.

ص: 57

سوم: پایداری در مسیر توحید واجب است. چرا که توحید به مثابه چهارچوب کلی امنیت و آرامش تلقی می شود و ترس در پدیدار در مسیر توحید راه ندارد و ایشان اندوهگین نخواهند شد.

برخی از مؤلفه های اینگونه از پایداری عبارت اند از:

الف - توکل بر خدا، و شکیبایی بر آزار کفار و یاری جستن از خداوند بر آنچه کفار وصف می کنند و نهراسیدن از ملامت ملامتگران.

ب - تقوی و اجرای دستورات الهی و استوار کردن مردم، و سفارش یکدیگر به حق و بردباری، و امر بمعروف و نهی از منکر.

## 6 - امنیت علمی و فرهنگی

قرآن کریم:

1 - (وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا \* وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا) (1).

«و کسانی که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند)، و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند\* و کسانی که هرگاه که آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی افتند.»

ص: 58

---

1- - سورة فرقان، آیات 72 و 73.

2 - (وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَدِّقُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ \* لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ) (1).

«خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید و برای اینکه نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید) و خداوند شنوا و داناست \* خداوند شما را به خاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می کنید، مؤاخذه نخواهد کرد، اما به آنچه دل های شما کسب کرده، (و سوگندهایی که از روی اراده و اختیار، یاد می کنید) مؤاخذه می کند.

و خداوند آمرزنده و بردبار است.»

3 - (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ) (2).

«کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسد (ولی) جمعی از آنان، حقی را آگاهانه کتمان می کنند.»

4 - (وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ) (3).

«و نیز برای این بود که منافقان شناخته شوند، آنهایی که به ایشان گفته

ص: 59

1- - سورة بقره، آیات 224-225.

2- - سورة بقره، آیه 146.

3- - سورة آل عمران، آیه 167.

شد: بیاید در راه خدا نبرد کنید یا (حداقل) از حریم خود، دفاع نمایید، گفتند: «اگر می دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می کردیم.»

(اما می دانیم جنگی نمی شود) آنها در آن هنگام به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان، به زبان خود چیزی می گویند که در دل هایشان نیست و خداوند از آنچه کتمان می کنند آگاه تر است.»

5 - (وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (1).

«زنان المطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند [اعده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند، و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سر گرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند، در صورتیکه (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای زنان همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند، و خداوند توانا و حکیم است.»

6 - (أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسَدَ بَاطِلًا كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا

ص: 60

تَعْمَلُونَ(1).

«و یا می گویند: "ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند» بگو: «شما بهتر می دانید یا خدا؟ (و با اینکه می دانید آنها یهودی یا نصرانی نبودند چرا حقیقت را کتمان می کنید؟) و چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که گواهی و شهادت الهی را که نزد او است کتمان می کند" و خدا از اعمال شما غافل نیست.»

حدیث شریف:

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«ألا أخبركم بخير أخلاق أهل الدنيا والآخرة؟».

«می خواهید شمارا از نیکوترین اخلاق اهل دنیا و آخرت خبر دهم.»

گفتند: بله ای رسول خدا، پس فرمود:

«إفشاء السلام في العالم»(2).

«نشر آرامش و امنیت (سلام) در جهان.»

2 - آن حضرت همچنین فرموده است:

«مَنْ شَهِدَ شَهَادَةَ زُورٍ عَلَى رَجُلٍ مُسْلِمٍ أَوْ ذَمِّيٍّ أَوْ مَنْ كَانَ مِنَ النَّاسِ، عُلِّقَ بِلِسَانِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَهُوَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ»(3).

ص: 61

1- - سورة بقره، آية 140.

2- - بحار الأنوار، ج 73، باب 97، ص 12.

3- - بحار الأنوار، ج 101، باب 2، ص 310. و وسائل الشيعه، ج 7، ص 325، قم، مؤسسه آل البيت، 1409 ه. ق.

«هرکس نسبت به مرد مسلمان یا ذمی و یا هر کس از مردم، گواهی باطلی ارائه کند، به روز رستاخیز از زبان آویزان خواهد شد و در پست ترین جایگاه آتش جهنم همراه با منافقان خواهد بود.»

3 - همچنین فرموده:

«مَنْ كَتَمَ شَهَادَةَ إِذَا دُعِيَ إِلَيْهَا كَانَ كَمَنْ شَهِدَ الزُّورَ»<sup>(1)</sup>.

«هرکس شهادتی را که بدان فراخوانده شده کتمان کند، همچون کسی است که به باطل گواهی داده است.»

4 - امیر مؤمنان علیه السلام فرموده:

«لَا تَقُولَنَّ مَا يُوَافِقُ هَوَاكَ وَإِنْ قَلَّتْ لَهْوًا، وَخَلَّتْ لَغْوًا، فَرَبَّ لَهْوٍ يُوْحِشُ مِنْكَ حَرًّا، أَوْ لَغْوٍ يَجْلِبُ عَلَيْكَ شَرًّا»<sup>(2)</sup>.

«آنچه را که با هوا و هوست همخوان است حتی از روی شوخی و لغو مگو، چه بسا فرد آزاده ای را از تو اندوهناک سازد و یا شری را با آن سخن برای خود بخری.»

5 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده:

«مَنْ خَالَفَتْ سِرِّيْرَتَهُ عَلَانِيَةً فَهُوَ مُنَافِقٌ كَائِنًا مِنْ كَانَ»<sup>(3)</sup>.

«هرکس نهانخانه اش با ظاهرش همخوان نباشد، پس او منافق است، حال هرکه می خواهد باشد.»

ص: 62

---

1- وسائل الشیعه، ج 27، باب 9، ص 325.

2- غرر الحکم، ص 461، شماره 10561.

3- بحار الانوار، ج 69، باب 106، ص 207.



«یا علی، لا تحلف بالله کاذباً ولا صادقاً من غیر ضرورة، ولا تجعل الله عرضة لیمینک، فإن الله لا یرحم ولا یرعی من حلف باسمه کاذباً» (1).

«ای علی! سوگند دروغین به خدا یاد مکن، همچنین سوگند راستی که ضرورتی ندارد به خدا مخور، و خدا را آماج سوگندهای خود قرار مده، چراکه خداوند کسی را که به دروغ به وی سوگند یاد کرده، نه رحم می کند و نه محافظت می کند.»

7 - همچنین می فرمایند:

«ایما رجل آتاه الله علماً فکتمه وهو یعلمه، لقی الله عزّ وجلّ یوم القیامة ملجماً بلجام من نار» (2).

«هرکسی را که خداوند از امری آگاه سازد و علمی دهد و او آن آگاهی و علم را در حالی که بدان داناست کتمان کند، به روز رستاخیز در حالیکه او را به افساری از آتش لگام بسته اند، خدا را ملاقات خواهد کرد.»

رهیافت وحی:

جامعه ای که در آن مردم برای سخن ارزشی قایل نیستند به امنیت و آرامش دست نخواهد یافت. زیرا سخن امانتی است بر دوش انسان، که اگر از نهمانخانه او سرچشمه گرفته و مافی الضمیر را آشکار سازد و به باطل گواهی ندهد و به ابزاری برای بیهوده گویی و لغو و سوگند دروغ، تبدیل نشود،

ص: 63

1- - بحار الأنوار، ج 74، باب 3، ص 68.

2- - بحار الأنوار، ج 2، باب 13، ص 68، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404 ه. ق.

و حق را نپوشاند، حق آن ادا شده و به ابزاری برای دست یابی به امنیت بدل می شود، و گرنه به ابزاری برای نابودی و تباهی تبدیل می شود.

احکام:

1 - واجب است آرامش (سلام) راگسترش دهیم بوسیله سخن، زیرا، آرامش (سلام) درود بهشتیان است و شعار مسلمین در هنگام دیدار یکدیگر. مؤمنان حتی در برخورد با نادانان بر آنان درود می فرستند و می گویند: سلام علیکم، نادانان را نمی خواهیم.

2 - بر مؤمن است که به بیهوده گویی نپردازد، و از محافل دروغ پنداران نشانه های الهی روی گرداند و در غیبت، تهمت و سخن چینی همراه دیگران نشود، و به منجلاپی که اهل باطل در آن غوطه می خورند، گرفتار نیاید.

3 - بر ماست که با سخنان خود، گواهی برای خداوند را بر پا داریم، و به باطل و برای باطل گواهی ندهیم و از سخنان خود در بر پا داشتن عدل و داد و از بین بردن ستم و باطل، بهره گیریم.

4 - بر مؤمن است که از سوگند دروغین دوری گزیند، چراکه سوگند دروغین سرزمینهای امن و آرام را به زمینهای بی آب و گیاه بدل می کند.

و همچنین برای این که مؤمنان می بایست خدای را که؛

الف - به ترك سوگندی که به هدف توجیه نمودن کارهای ناشایست انسان، و تبری جستن از آنچه (به حق) درباره انسان گفته می شود، و برای تظاهر به تقوی و شایستگی یاد می شود، امر کرده.

ص: 64

ب - و کسانی که به سوگند از زنان خود کناره می گیرند را پس از گذشت چهار ماه به گزینش میان طلاق و شکستن سوگند و متحمل شدن کفاره آن دستور می دهد، فرمانبردار باشند.

5 - بر ماست که جز حق بر زبان نیاوریم و حق را به هنگام گواهی دادن به درستی رسالت و دعوت‌های الهی، و همچنین به هنگام گواهی دادن درباره حقوق مردم، کتمان نکنیم.

6 - کتمان حق اگر برای مردم گمراهی در پی داشته باشد، بر دانشمندان و علما حرام می باشد.

7 - جایز نیست زنان آنچه در رحم دارند را بپوشانند و کتمان کنند.

8 - واجب است آن را بگوییم که در درونمان است، و جایز نیست سخنی بگوییم که از درونمان بر نمی تابد، چه، این از ویژگی‌های دورویان و منافقان است که خداوند درباره آنان می فرماید:

(يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ)(1).

«به زبان خود چیزی می گویند که در دلهایشان نیست و خداوند از آنچه کتمان می کنند آگاهتر است.»

### سخن پایانی:

بیگمان قرآن کتاب امنیّت و آرامش است، و باید در تمام ابعاد از آیات آن پیروی کنیم تا به نعمت امنیّت دست یافته و از ترس و اندوه رهایی یابیم.

ص: 65

در واقع مسلمانانی که راه و روش وحی را در دنیا پیش می‌گیرند، در آخرت نیز به آرامش و سلامت دست خواهند یافت. زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

(لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)(1).

«برای آنها (در بهشت) خانه امن و امان از پروردگارشان خواهد بود، و او، ولی و یاور آنهاست بخاطر اعمال (نیکی) که انجام می‌دادند.»

این جهان هیچگاه جایگاه آرامش و امنیت (2) نخواهد بود، ولی می‌تواند نزدیکترین نقطه به آن و یا دورترین نقطه از آن باشد. در روایات وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام پندهایی نهفته است که در صورت پایبندی بدانها می‌توان بسیاری از سرچشمه‌های ترس و درد را از خود دور ساخت.

در اینجا سخن خود را در این باب با حدیثی از امام باقر علیه السلام که توسط ثمالی نقل شده به پایان می‌بریم؛ آن حضرت فرموده‌اند:

در کتاب علی علیه السلام چنین یافتیم:

«إِذَا ظَهَرَ الزُّنَا مِنْ بَعْدِي ظَهَرَتْ مَوْتَةُ الْفَجَاءَةِ، وَإِذَا طُفِّفَتِ الْمَكَايِيلُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ، وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالثَّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا، وَإِذَا جَارُوا فِي الْحَكْمِ تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، وَإِذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ، وَإِذَا قُطِّعَتِ الْأَرْحَامُ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ، وَإِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنَ

ص: 66

---

1- - سورة انعام، آية 127.

2- - دارالسلام.

أهل بيتي سلط الله عليهم شرارهم، ثم تدعو خيارهم فلا يُستجاب لهم» (1).

«اگر پس از من زنا پدیدار شود مرگهای ناگهانی نیز در پی آن پدیدار خواهند شد، و اگر از وزنها کم گذاشته شود [و کم فروشی رواج یابد] خداوند ایشان را به زمینهایی که گیاهانشان خورده شده و به کاستی دچار خواهد ساخت، و اگر از دادن زکات بازدارند، زمین برکات خود را از کشته و میوه ها و معادن، جملگی، از ایشان دریغ خواهد کرد، و اگر در حکم کردن ستم کنند، بر گناه و ستم همیاری کرده اند، و اگر پیمانهای خود را نقض کنند خداوند دشمنانشان را برایشان مسلط می کند، و اگر پیوندهای خویشاوندی از هم بگسلند، داراییها به دست اشرار می افتند، و اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از برگزیدگان اهل بیت من پیروی نکنند خداوند اشرارشان را برایشان مسلط خواهد ساخت، در آن زمان است که برگزیدگانشان به دعا بر می خیزند ولی دعای ایشان به استجابت در نخواهد آمد.»

ص: 67

---

1- - بحار الأنوار، ج 97، ص 45، باب 5، العهد و الامان، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404 ه. ق.



یکی از برجسته ترین ارزشها، عدالت است، که در حق باوری ریشه دارد. بدیگر سخن ایمان به هر حقی، مستلزم پایبندی بدان و داشتن عملکرد در راستای آن، می باشد.

در واقع برخورداری از يك زندگی میانه و متعادل و بدور از زیاده روی و اسراف و فسق و همچنین بدور از خست و رهبانیت، را عدالت می گویند. ستمگری و گناه و ارتکاب منکرات با عدالت همخوانی ندارند، چون ارتکاب گناه و منکر به منزله ی تجاوز به حقوق خداوند و ستمگری به حقوق مردم تلقی می شود. عدل همان اقامه حق است، آنگونه که هست و بدون کوچکترین کج روی از آن، و حق همان سنجه ای است که باید بر مبنای آن میان مردم حکم کنیم تا عدالت محقق شود.

علل و وسایلی که فراگیری عدل و برپا داشتن قسط(1) و حق را فراهم

ص: 69

---

1- - میانه روی و اعتدال و درستی را چه در زندگی فردی و چه در عرصه روابط اجتماعی «عدل» گویند، که «قسط» یکی از جنبه های با اهمیت آن محسوب می شود. در واقع «قسط» به معنی پایبندی به حقوق مردم بویژه حقوق مالی ایشان می باشد، ل لا و «إقساط» به معنی واگذاری حق مردم و دادن بهره ایشان از زندگی بدیشان است، و «قاسط» کسی است که حق و بهره مردم از زندگی را از ایشان سلب کند، از این رو عدل شامل قسط نیز می شود، حال آنکه قسط خود گونه ای عدل است.

می آورند عبارت اند از:

1 - برانگیخته شدن پیامبران.

2 - فروفرستادن کتاب آسمانی که شرایع و احکام در آن تبیین شده است.

3 - فرو فرستادن و قراردادن (میزان) یا سنجه ای که می توان صادق ترین نمونه آن را امامی دانست که بر مبنای قسط و انصاف میان مردم حکم می کند.

4 - فروفرستادن آهن (جنگ افزار) که در آن نیرو و قابلیت است برای رویارویی با سرکشان و ستمپیشگان.

5 - بر دوش گرفتن مسؤولیت یاری خداوند متعال و فرستادگانش بوسیله آهن (جنگ افزار) از سوی مجاهدان.

### 1 - برپاداشتن عدل

قرآن کریم:

1 - (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا لَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ

ص: 70



بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ(1).

«ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعی برای مردم است. تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آنکه او را ببینند، خداوند قوی و شکست ناپذیر است.»

2 - (وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ)(2).

«برای هر امتی، رسولی است، هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، بعدالت در میان آنها داوری می شود، و ستمی به آنها نخواهد شد.»

3 - (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)(3).

«خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند، خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید.»

4 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

ص: 71

1- - سورة حديد، آية 25.

2- - سورة يونس، آية 47.

3- - سورة نحل، آية 90.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترك عدالت نکشاند عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می دهید، با خبر است.»

5 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ سَاهِدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلُؤُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا)(2).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! کاملاً قیام به عدالت کنید، برای خدا شهادت دهید، اگرچه (این گواهی) به زیان شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد (چراکه) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند، بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید، که از حق، منحرف خواهید شد. اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است.»

6 - (قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ)(3).

«بگو: پروردگارم امر به عدالت کرده است، و توجه خویش را در هر

ص: 72

1- - سورة مائده، آیه 8.

2- - سورة نساء، آیه 135.

3- - سورة اعراف، آیه 29.

مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) باز می گردید.»

7 - (فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْئَلُكُمْ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمرْتُ لِأَعْمَلِ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ)(1).

«پس به همین خاطر تو (نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی) دعوت کن و آنچنان که مأمور شده ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم، خداوند پروردگار ما و شماست، نتیجه اعمال ما از آن ماست و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست، و خداوند ما و شما را در یکجا جمع می کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست.»

8 - (وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ)(2).

«و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند، و به حق و عدالت حکم می نمایند.»

ص: 73

---

1- - سورة شوری، آیه 15.

2- - سورة اعراف، آیه 159.

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«العدل جُنَّةٌ واقية، وجُنَّةٌ باقية»<sup>(1)</sup>.

«عدل پناهگاهی پاسدارنده و بهشتی ماندگار است.»

2 - آن حضرت همچنین می فرمایند:

«مَنْ عامل النَّاسِ فلم يظلمهم، و حَدَّثْتَهُمْ فلم يكذبهم، و وعدهم فلم يخلفهم، فهو مَمَّنْ كملت مروّته، وظهرت عدالته، ووجبت اخوّته، وحرمت غيبته»<sup>(2)</sup>.

«هرکس با مردم داد و ستد و مراوده داشته باشد و بایشان ستم نرزد، و با مردم به گفتگو نشیند و به ایشان دروغ نگوید، و وعده کند و در وعده خود خلاف نکند، از کسانی است که مروّت و مردانگیش کامل و عدالتش نمایان و برادری با وی واجب و غیبت او حرام است.»

3 - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده اند:

«إِنَّ العدل ميزان الله سبحانه الذي وضعه في الخلق، ونصبه لإقامة الحقّ،

فلا تخالفه في ميزانه، ولا تعارضه في سلطانه»<sup>(3)</sup>.

«همانا عدل میزان الله و سنجه ای است از سوی خدا که خداوند آن را برای خلق

ص: 74

---

1- بحار الأنوار، ج 74، ص 166، باب 7، و غوالی اللالی، ج 1، ص 293.

2- بحار الأنوار، ج 67، باب 39، ص 1 و ج 72، ص 93، و وسائل الشیعه، ج 27، باب 41، ص 396، مؤسسه آل البيت، 1409 ه. ق.

3- همان، ص 99، فصل اول در معنی عدل.

قرارداده، و آن را برای برپا داشتن حق، منصوب کرده است، پس خدا را در میزان و سنجه اش مخالفت نکن، و رویاروی براهین و دلایلش نایست.»

4- و همچنین می فرمایند:

«العدل حياة الأحكام»<sup>(1)</sup>.

«عدل زندگی احکام است.»

رہیافت وحی:

حکمت بعثت پیامبران، برپایی قسط، و وسیله دستیابی بدان، کتاب آسمانی، و ابزار آن، میزان و سنجه، و جنگ افزار آن، آهن، و به پا دارندگانش نیز مجاهدان می باشند.

و برای هر جامعه ای رسولی است که میان مردم آن جامعه به عدل و قسط داوری می کند. خداوند به عدل و نیکی فرمان داده، و از فحشا و منکر و ستم، نهی کرده است، و همچنین مؤمنان را به قیامی همیشگی برای خدا، و گواهی دادن از روی عدالت فرمان می دهد، همچنانکه ایشان را به قیامی کامل به عدالت، و شهادت دادن برای خدا نیز دستور داده است. همچنین از آیات الهی درمی یابیم که حق همان امری است که بدان عدل به پا می شود.

پس اگر حق هر انسانی داده شود، بیگمان عدل محقق خواهد شد.

در واقع مفهوم عدل درونمایه رسالت‌های الهی را تشکیل می دهد. خداوند همچنانکه به قسط و انصاف فرمان می دهد، به عدل نیز فرمان می دهد،

ص: 75

---

1- - بحار الأنوار، ج 67، ص 99، فصل اول در معنی عدل.

از همین رو ما باید با تمام توان خود راههای تحقق عدل و قسط را بیماییم.

و این راه ها عبارت اند از:

احکام:

1 - اینکه عدل را جوهر رفتار شخصی خود، و محور روابط اجتماعی خویش و هدف تمدن اسلامیمان، قرار دهیم.

2 - «اقامه قسط و انصاف» را از ویژگیهای خود و از مسؤلیتهایی که بر انجام آنها مداومت داریم، مانند نماز و روزه، قرار دهیم.

3 - توان کافی ای برای رویارویی با مخالفان قسط و عدل را فراهم آوریم.

4 - در عرصه های گوناگون زندگی باید قسط و عدل را برپا داریم، پس اگر با ستمی مواجه شدیم، به مقابله با آن برخیزیم و عدالت و قسط را به جای ستم نشانیم.

5 - ولی ما به تنهایی بار «اقامه قسط» را بدوش نمی کشیم، بلکه باید تلاش کنیم تا مردم نقش خود را در این مورد ایفا کنند. چون، یکی از وظایف مؤمنان، به ویژه در عرصه اجتماعی، تلاش برای انجام کارهایی است که خوشنودی پروردگار را به همراه دارند. از همین رو بر ما واجب است که برای خدمت به جامعه و آموزش و تربیت مردم بکوشیم، تا قسط و عدل را خود در زندگیشان پیا دارند.

ص: 76

قرآن کریم:

1 - (وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ) (1).

«و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند.»

2 - (فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (2).

«به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [امردم] نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها، با آنان مشورت کن اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.»

ص: 77

---

1- - سورة شوری، آیه 38.

2- - سورة آل عمران، آیه 159.

3 - (وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْحَبُ بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَقِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) (1).

«و هرگاه دو گروه از مؤمنان باهم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید، و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد، و هرگاه بازگشت (وزمینۀ صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید، و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد.»

4 - (لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الدِّينِ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) (2).

«خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند، چراکه خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.»

حدیث شریف:

از امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در باب عدل روایاتی به شرح ذیل به ما رسیده:

- 1

«العدل قوام الرعيّة، وجمال الولاية» (3).

ص: 78

1- - سورة حجرات، آية 9.

2- - سورة ممتحنه، آية 8.

3- - غررالحکم، ص 340، حدیث 7757.



«عدل قوام رعیت و زیبایی والیان است.»

- 2

«الرعية لا يصلحها الا العدل»(1).

«رعیت را بغیر از عدل اصلاح نمی تواند.»

3- همچنین آن حضرت در نامه مبارک خویش به مالک اشتر اینگونه می فرماید:

«وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ»(2).

«باید محبوبترین کارها نزد تو اموری باشند که با حق و عدالت موافق تراند.»

- 4

«العدل فضيلة السلطان»(3).

«عدل فضیلت حاکم است.»

- 5

«عدل السلطان خیر من خصب الزمان»(4).

«عدالت حاکم بهتر از حاصلخیزی زمان است.»

- 6

«فَإِذَا أَتَتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ، وَأَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ، وَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ، وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ، وَجَرَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنُنُ، فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ، وَطَمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ، وَيَسَّتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ.

وَإِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالْيَهَا، أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بِرَعِيَّتِهِ، اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ،

ص: 79

1- غررالحکم، ص 340، حدیث 7754.

2- نهج البلاغه، نامه 53، (صبحی صالح)، ص 653.

3- غررالحکم، ص 217، حدیث 7729.

4- بحار الأنوار، ج 75، ص 10، تتمه باب 15 مواظ امیر المؤمنین.

«اگر رعایا حق حکومت را ادا کنند، و حکومت نیز حق رعایا را مراعات کند، حق در میان ایشان قوی و نیرومند خواهد شد، و جاده های دین صاف و بی دست انداز می گردد، نشانه و علامتهای عدالت اعتدال می پذیرد و راه و رسمها درست در مجرای خویش به کار می افتد؛ بدین ترتیب زمان شایسته می شود، به بقاء دولت امیدوار باید بود و دشمنان مأیوس خواهند شد. اما آنگاه که رعیت بر والی خویش چیره گردد و یا رئیس حکومت بر رعایا اجحاف نماید نظام برهم می خورد و نشانه های ستم و جور آشکار خواهد گردید.»

7- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أَمِيرٌ مَتَسَلِّطٌ لَمْ يَعْدِلْ، وَذُو ثَرَوَةٍ مِنَ الْمَالِ لَمْ يَعْطِ الْمَالَ حَقَّهُ، وَفَقِيرٌ فَخِرَ»(2).

«نخستین کسانی که وارد آتش می شوند عبارت اند از؛ امیر نیرومند و چیره است که بر مبنای عدالت عمل نمی کند، و ثروتمندی که حق مال خود را نمی پردازد، و فقیری که تکبر می روزد.»

8- امام موسی کاظم علیه السلام در تفسیر این آیه که: (اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا)(3) فرموده اند:

«ليس يحييها بالقطر، ولكن يبعث الله رجلاً فيحيون العدل، فتُحيى الأرض

ص: 80

---

1- نهج البلاغه، خطبة 216، (صبحی صالح)، ص 501.

2- بحار الانوار، ج 66، ص 393، باب 38 و ج 69، ص 126، باب 100.

3- سورة حديد، آية 17.

لإحياء العدل. ولإقامة الحدّ فيه، أنفع في الأرض من القطر أربعين صباحاً»(1).

«مقصود این نیست که باران می بارد و زمین سبز می شود بلکه مراد آن است که خداوند مردانی را برمی گزیند که زنده می کنند زمین را بعدل پس زمین با زنده شدن عدل، زنده می شود. و اقامه حدود خداوند بر روی زمین سودش بیشتر است از آنکه چهل شبانه روز باران بیارد.»

رہیافت وحی:

شالوده حکومت اسلامی بر مبنای حقّ - که در عدالت نمایان می گردد - و میانه روی بین هرج و مرج و استبداد، استوار می باشد. از سویی برای رهایی یافتن از وضعیّت هرج و مرج می بایست ولایت الهی حاکمیّت یابد، و از سویی دیگر برای گذر از وضعیّت استبدادی باید نظام مشورتی (شوری) ایجاد شود.

عدالت خداوند متعال در عرصه سیاسی نیز پدیدار می شود؛ بدینگونه که همه گروهها، حتی در هنگام وقوع جنگ بین آنها، از حقوق عادلانه خود برخوردار شوند و ستم یکی از گروهها بر دیگری جایز نیست. درباره روابط مسلمانان با دیگران نیز همینگونه است؛ به هنگام صلح با غیر مسلمانان باید بدیشان نیکی کرده، حقوق ایشان را ادا کنیم، و در زمان وقوع جنگ نمی توان به ایشان تجاوز کرد، مگر اینکه خود، مسلمانان را مورد تجاوز قرار داده باشند، که البته در این صورت نیز، تجاوز متقابل، نباید فراتر از حدّ تجاوز غیر مسلمانان رود.

ص: 81

---

1- - تفسیر نورالثقلین، ج 4، ص 173، و وسائل، ج 28، ص 12، باب 1.

احکام:

1 - بر مسلمانان، به ویژه بر رهبران آنها، لازم است که به شیوه های زیر، تمام وسایل فراهم کننده حقیقت نظام شورایی در جامعه را به کار گیرند.

الف - گزینش حاکمی مسلمان از رهگذر شور و مشورت و از میان افراد واجد شرایط عدالت، فقاہت، شایستگی و...

ب - فراهم کردن ابزارهای مشورت در امور کشور مانند: برپایی مجلس نمایندگان، شوراهای شهر، شوراهای قضایی و نهادهایی از این دست.

ج - فراهم آوردن ابزارهای حمایت کننده از نظام شورایی همچون ایجاد نشریات آزاد، و برگزاری تجمّعات آزاد و اموری از این دست.

2 - پس از اتخاذ تصمیمهای سالم در نظام شورایی که پایه قانونگذاری حکیمانه است، بر مسلمانان است که به قانون، از رهگذر اعمال و رفتار زیر، احترام گذارند:

الف - همه مردم کشور حاکم را دوست بدارند و وی را بزرگ دارند.

ب - حکم صادره از سوی حاکم نزد همه محترم شمرده شود، و کسی نباید از حکم صادره توسط حاکم برنجد.

ج - حاکم در اجرای احکام در مورد خود و دیگران، پیشاپیش مردم باشد، و در اجرای حکم الهی با کسی مدارا نکند.

3 - بر مسلمانان است که در کشمکشهای داخلی، با توجه به موارد

ص: 82

زیر، عدالت اسلامی را مبنای کار خود قرار دهند:

الف - همهٔ مسلمانان، بویژه رهبران سیاسی و مذهبی تمام تلاش خود را برای خاموش شدن آتش نزاع، بر مبنای آشتی مورد قبول دو طرف، به کار بندند.

ب - جامعهٔ اسلامی بر رعایت بندهای صلح دوطرف نزاع نظارت کند، و با مشاهدهٔ تجاوز یکی از اطراف بر دیگری، می بایست به هر وسیله ای که شده با گروه متجاوز به مقابله برخیزد.

ج - رهبران امت میان دوطرف نزاع، به عدالت صلح و آشتی دهند، و حتی از حقوق طرف متجاوز نیز کم نگذارند، بلکه با ادای حقوق تمام اطراف نزاع، قسط و عدل را محقق سازند.

4 - مسلمانان به هنگام جهاد با دشمنان نباید از چهارچوب عدل و قسط خارج شوند، که این امر با پایبندی به احکام اسلامی زیر میسر می شود:

الف - مسلمانان جز با کسانی که با آنان وارد جنگ شده اند و یا برای ستیز با آنان، هم پیمان شده اند، با قومی دیگر نجنگند.

ب - از سویی جایز است، به کسانی که با ما ستیزه ندارند و ما را از شهر و دیار خود بیرون نرانده اند، نیکی کنیم و عدل و قسط را دربارهٔ ایشان به اجرا درآوریم.

ج - تجاوز به حقوق دیگری، مگر در صورت تجاوز وی به حق ما، جایز نیست.

د - در هنگام مقابله به مثل و پاسخ به تجاوز، واجب است از

چهار چوب تقوی خارج نشویم، و خروج از حد و مرز در این هنگام جایز نمی باشد، بلکه تنها به میزان تجاوز طرف مقابل می توان واکنش نشان داد.

### 3 - عدل در مسؤولیت و پاداش

قرآن کریم:

1 - (إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا) (1).

«اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می کنید، و اگر بدی کنید بازهم به خود می کنید. و هنگامی که وعده مردم فرارسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر می شود، و داخل مسجد (الاقصی) می شوند همان گونه که بار اول وارد شدند، و آنچه را زیر سلطه خود می گیرند، درهم می کوبند.»

2 - (فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمَسْجِدِ لِمِيقَاتِنَا \* وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ \* وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ \* فَتَوَلَّىٰ بُرْكَانِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ \* فَآخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ \* وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ) (2).

«ولی جز يك خانواده با ایمان در تمام آنها نیافتیم \* و در آن (شهرهای

ص: 84

1- - سورة اسراء، آیه 7.

2- - سورة ذاریات، آیات 36-41.

بلا دیده) نشانه ای روشن برای کسانی که از عذاب دردناک می ترسند به جای گذاردیم\* و در (زندگی) موسی نیز (نشانه و درس عبرتی بود) هنگامی که او را با دلیلی آشکار به سوی فرعون فرستادیم،\* اما او با تمام وجودش از وی روی برتافت و گفت: «این مرد یا ساحر است یا دیوانه»\* از این رو ما او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم در حالی که در خور سرزنش بود\* و (همچنین) در سرگذشت عاد (آیتی است) در آن هنگام که تندبادی بی باران بر آنها فرستادیم.»

حدیث شریف:

1 - امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرموده اند:

«لَنْ يَلْقَى جَزَاءَ الشَّرِّ إِلَّا عَامِلُهُ، لَنْ يُجْزَى جَزَاءَ الْخَيْرِ إِلَّا فَاعِلُهُ»(1).

«به هیچکس کیفر شر داده نمی شود مگر به عاملان شر، و به هیچکس پاداش نیکو ارزانی نمی شود مگر به نیکوکاران.»

2 - همچنین آن حضرت فرموده اند:

«عَلَى قَدْرِ الْبَلَاءِ يَكُونُ الْجَزَاءُ»(2).

«بر حسب میزان آزمایش، پاداش داده می شود.»

رهیافت وحی:

ص: 85

---

1- - میزان الحکمه، ج 2، ص 34، ح 2337، غرر الحکم، ص 166، حدیث 3263 و 3255، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1366 ه. ش.

2- - همان، ص 37، ح 2340، غرر الحکم، ص 100، حدیث 1739.

عدالت الهی در سنت اعطای مسؤولیت و سزادادن نیز نمود پیدا می کند.

از این رو هرکس مسؤول عملی است که انجام می دهد و متناسب با آن پاداش دریافت می کند، اگر عملش نیکو باشد پاداش او نیز نیکو خواهد بود، و اگر عمل او شرّ باشد، چیزی جز کیفری شوم نصیب وی نخواهد شد. از سویی انسان مسؤول عملکرد دیگران نیست، مگر به میزان تأثیری که بر عملکرد آنها می گذارد. از این سنت الهی احکام زیر را می توان دریافت:

احکام:

1 - هیچکس مسؤول اعمال دیگری نیست، هر چند طرف مقابل بر گمراهی پافشاری کند. از این رو اگر کسی در جامعه فاسدی به زندگی پردازد و عمل واجب امر به معروف و نهی از منکر را نیز انجام دهد، و از طرفی مردم به سخنان او گوش فرادهند، خداوند وی را بر گناه مردم آن جامعه مورد مؤاخذه قرار نخواهد داد.

2 - انسان مسؤول اعمالی که خارج از توان وی باشند نیست. همچنین مسؤولیت اعمالی که انسان بدانها مجبور شده، و یا از روی ناچاری و اضطرار بدانها دست زده، از گردن وی ساقط است.

3 - در واقع حدود مسؤولیت هرکس نسبت به عملکرد و تلاشش، با میزان اراده و آزادی وی پیوند خورده و با عملکردهای مثبت و منفی اش همبسته است.

حال به پاره ای از احکام توجه کنید:

ص: 86



اول - میزان قصاص می بایست به اندازه جرم باشد، نه بیشتر. لذا نمی توان از روی انتقام و یا به گمان اینکه شأن فرد زیان دیده بالاتر و بزرگتر از فرد گنهکار می باشد، از حد و اندازه جرم فراتر رفت.

دوم - نمی توان از حق کسی کم گذاشت و یا تلاش کسی را نادیده گرفت، همچنانکه مطالبه پاداشی فراتر از سعی و کوشش نیز جایز نمی باشد. از اینرو واجب است تمام گونه های خوردن به ناحق اموال مردم، همچون کلاه برداری، دزدی، احتکار، ربا، سوء استفاده و یا سرمایه گذاریهای نامشروع را از میان برداشت.

سوم - جایز نیست تلاش کسی را در قراردادهای فاسدی که تنها برخی از شرایط شرع در آنها رعایت شده، نادیده گرفت. همچنانکه اگر کسی در قرارداد اجاره، جعاله و یا مضاربه ای تلاش کند، باید تلاش وی را به حساب آورد، هرچند بعدها معلوم شود که قرارداد فاسد بوده است.

#### 4 - عدالت در عرصه اقتصاد

##### اشاره

قرآن کریم:

1 - (وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ \* الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ \* وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ \* أَلَّا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

ص: 87

«وای بر کم فروشان \* آنان که وقتی برای خود پیمانہ می کنند، حَقِّ خود را بطور کامل می گیرند، \* اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانہ یا وزن کنند، کم می گذارند \* آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند \* در روزی بزرگ؟!»

2 - (وَالسَّمَاءِ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ \* أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ \* وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ)(2).

«و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت \* تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، \* و وزن را براساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید.»

3 - (وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَأَنْكَلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْدَ عَهِهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)(3).

«و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حدّ رشد خود برسد، و حَقِّ پیمانہ و وزن را بعدالت ادا کنید. - هیچکس را، جز بمقدار توانایش، تکلیف نمی کنیم - و هنگامی که سخنی می گوئید، عدالت

ص: 88

1- - سورة مطففين، آيات 1-5.

2- - سورة رحمن، آيات 7-9.

3- - سورة انعام، آية 152.

را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا متذکر شوید.»

4 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَدَّدٍ فَامْكُتِبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسَّ تَطِيعَ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَاحِبًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید و باید نویسنده ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن - همانطور که خدا به او تعلیم داده - خودداری کند پس باید بنویسد، و آن کسی که حق بر عهده اوست، باید املا کند. و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا (از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر

ص: 89

لال بودن،) توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (به جای او،) با رعایت عدالت، املا کند. و دو نفر از مردان (عادل) خود را (براین حق) شاهد بگیرید؛ و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید (و این دوزن، باید باهم شاهد قرار گیرند،) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می کنند، خودداری نمایند. و از نوشتن (بدهی خود،) چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هرچه باشد بنویسید. این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شك (و نزاع و گفتگو) بهتر می باشد، مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می کنید. شاهد بگیرید. و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حقگویی،) زبانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند). و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده اید. از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید. و خداوند به شما تعلیم می دهد؛ خداوند به همه چیز داناست.»

5 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.

و خودکشی نکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است.»

ص: 90

6 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ \* فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَکُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید، اگر ایمان دارید \* اگر (چنین) نمی کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد. و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آن شماسست [اصل سرمایه، بدون سود]، نه ستم می کنید، و نه بر شما ستم وارد می شود.»

7 - (وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا) (2).

«و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری، بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.»

8 - (وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا) (3).

«هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترك انفاق و بخشش منما) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرومانی.»

ص: 91

---

1- - سورة بقره، آیات 278 و 279.

2- - سورة فرقان، آیه 67.

3- - سورة اسراء، آیه 29.

9 - (وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ) (1).

«و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم)، گفت: «ای قوم من خدا را پرستید، که جز او معبودی ندارید. دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است، بنابراین، حق پیمانانه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نکاهید و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید. این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید.»

10 - (يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) (2).

«ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد.»

حدیث شریف:

1 - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است:

«بالعدل تتضاعف البركات» (3).

«بواسطه عدل، برکات چند برابر می شوند.»

ص: 92

---

1- - سورة اعراف، آیه 85.

2- - سورة اعراف، آیه 31.

3- - غرر الحکم، ص 446، حدیث 10226.

2 - در حدیث شریفی اینگونه آمده که:

«لا یحلّ مال امرء مسلم إلا بطیبة نفس منه»<sup>(1)</sup>.

«مال فرد مسلمانی بر کسی حلال نمی شود، مگر با رضایت خاطر وی.»

3 - در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده که فرمودند:

«علی الید ما أخذت حتی تؤدّی»<sup>(2)</sup>.

«مسئولیت هر چیز با (کسی است که آن را در) دست دارد، تا آنکه آن را بپردازد.»

4 - امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«فَمَنْ نَالَ مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ شَيْئًا مِنْ عَرْضٍ أَوْ مَالٍ وَجَبَ عَلَيْهِ الْإِسْتِحْلَالُ مِنْ ذَلِكَ وَالتَّنَصُّلُ مِنْ كُلِّ مَا كَانَ مِنْهُ إِلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ قَدْ مَاتَ فَلْيَتَنَصَّلْ مِنَ الْمَالِ إِلَى وَرَثَتِهِ»<sup>(3)</sup>.

«هرکس آبروی دیگری را بریزد یا به داراییهای کس دیگری دست درازی کند، باید از این عمل خود حلالیت بخواهد و از هر آنچه بدی نسبت به طرف مقابل انجام داده در نزداو به درآید، و اگر طرف مقابل مرده بود، پس می بایست (آن مال را به وراثت وی بدهد) و خود را از آن مال (حرام) خلاص کند.»

ص: 93

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 14، ص 8، باب 1، حدیث 733، قم، مؤسسه آل البيت 1408، ه. ش.

2- - الفقه الاسلامی - قسم المعاملات، الاصول العامة، از نگارنده، ص 30.

3- - دعائم الاسلام، ج 2، ص 485، حدیث 1731، دار المعارف - مصر، چاپ دوم، و مستدرک الوسائل، ج 17، ص 87، باب 1.

«مَنْ أَضْرَبَ بَشِيءَ مِنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» (1).

«هرکس به بخشی از راه مسلمانان زیان رساند، پس وی ضامن آن است.»

6 - زرارۀ از امام باقر عليه السلام نقل می کند که فرمودند:

«أَنَّ سَمْرَةَ بْنَ جَنْدَبٍ كَانَ لَهُ عَذْقٌ فِي حَائِطٍ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ، وَكَانَ مَنْزِلُ الْأَنْصَارِيِّ بِيَابِ الْبَسْتَانِ، فَكَانَ يَمْرُؤٌ بِهِ إِلَى نَخْلَتِهِ وَلَا يَسْتَأْذِنُ، فَكَلَّمَهُ الْأَنْصَارِيُّ أَنْ يَسْتَأْذِنَ إِذَا جَاءَ، فَأَبَى سَمْرَةَ، فَلَمَّا تَأَبَّى جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَشَكَاَ إِلَيْهِ وَخَبَّرَهُ الْخَبْرَ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَبَّرَهُ بِقَوْلِ الْأَنْصَارِيِّ وَمَا شَكَاَ،

وقال: إذا أردت الدخول فاستأذن، فأبى، فلما أبى ساومه حتى بلغ به من الثمن ما شاء الله، فأبى أن يبيع، فقال: لك بها عذق يمدّ لك في الجتّة، فأبى أن يقبل،

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله للأَنْصَارِيِّ: اذهب فاقْلَعْهَا وارم بها إليه فإنه لا ضرر ولا ضرار» (2).

«سمرۀ بن جندب شاخۀ خرمایی داشت بر دیوار یکی از انصار، و خانۀ مرد انصاری نزدیک درب ورودی باغ بود، پس [سمرۀ] از آن در به نخل خود سر می زد، حال آنکه اجازه نمی گرفت، پس مرد انصاری به او گفت تا دیگر بار اذن بخواهد، سمرۀ از این کار امتناع کرد، آنگاه مرد انصاری شکایت نزد پیامبر خدا برده، ایشان را از این موضوع آگاه ساخت. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله،

ص: 94

1- وسائل الشیعه، ج 19، باب 8، ص 179 (20 جلدی) و ج 29، همان باب، ص 241، (29 جلدی)

2- همان، ج 17، باب 12، ص 341، (20 جلدی) و ج 25، ص 428 (29 جلدی).



کسی را نزد او فرستادند و او را از سخنان مرد انصاری و شکایت وی آگاه فرمودند، و گفتند: اگر خواستی داخل شوی پس اذن بگیر، پس او امتناع ورزید، در این هنگام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله او را به فروش آن درخت فراخواندند (و بر آن درخت قیمت می گذاردند و قیمتها را هر بار بالاتر می بردند) تا اینکه قیمت آن درخت بسیار زیاد شد، پس سمرة از فروش سرباززد، پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: به جای آن شاخه اگر از آن صرفنظر کنی، شاخه ای در بهشت برای تو گسترانیده خواهد شد، پس سمرة پذیرفت، در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رویه مرد انصاری کرده، فرمودند: برو و آن درخت را از ریشه برکن و آن را برایش بینداز چراکه زیان و زیان رساندن [در اسلام] نیست.»

7 - امام علی بن الحسین علیهما السلام فرموده اند:

«لینفق الرجل بالقسط وبلغه الكفاف، ويقدم منه الفضل لآخرته، فإن ذلك أبقى للنعمة، وأقرب إلى المزيد من الله، وأنفع في العاقبة»<sup>(1)</sup>.

«انسان باید از روی عدل و انصاف و به اندازه انفاق کند، و فزونی آن را برای آخرت قرار دهد، چون چنین کاری نعمت را پایدارتر و نزدیکتر به فزونی یافتن از سوی خدا می گرداند، و در عاقبت سودمندتر است.»

رهیافت وحی:

ارزش والای اقتصاد، در ابعاد گوناگون آن، به قسط و انصاف می باشد، از اینرو هرگاه اقتصاد از مسیر قسط خارج شود باید بدان بازگردانده شود، هرچند که از راه گذاردن احکام و قوانینی نوین باشد. تا اینکه از حق کسی

ص: 95

---

1- - وسائل الشیعه، ج 15، باب 25، ص 257 (20 جلدی) و ج 21، ص 550 (29 جلدی).

کم نگردد، و ذره ای به کسی ستم روا نشود، و کسی زیان نبیند. در واقع حکمت بنیادین بسیاری از احکام اقتصادی شرع مقدّس همان رهایی از ستم و اقامه عدل و قسط می باشد، که می توان از این امر، به عنوان يك اصل کلی، احکام زیر را دریافت کرد:

احکام:

دست اندازی نا حق به داراییهای دیگران

1 - واجب است که گردش داراییها در میان مردم بر مبنای حق صورت پذیرد. این امر از رهگذر داد و ستد مبتنی بر رضایت طرفین که موضوع قراردادهای دارای شرایط کامل است، محقق خواهد شد.

2 - جایز نیست کسی به حساب دیگران و با داراییهای ایشان مال اندوزی کند، مگر با رضایت خاطر ایشان.

3 - جایز نیست بدون وسیله و سبب مشروعی مال اندوزی کرد و یا اموال مردم را به ناحق خورد، چه با آگاهی و از روی عمد باشد و چه غیر آن:

- به عنوان نمونه اگر کسی اتومبیل خریداری شده ای را تعمیر کند و پس از آن آشکار شود که قرارداد درست نبوده، هزینه تعمیر به عهده فروشنده خواهد بود.

- یا اگر شخصی در نبود همسایه اش، حریق بوجود آمده در خانه او را خاموش کند و یا دزدی را که شبانه به خانه او قصد دستبرد دارد، دور کند، و اگر این امر برای وی هزینه هایی را دربرداشته باشد، به نظر می رسد این

ص: 96

هزینه‌ها را باید همسایه (صاحب خانه) بر عهده گیرد، مگر اینکه این اعمال را به قصد نیکوکاری انجام دهد، که پاداشش در نزد خدا خواهد بود.

4 - در دست اندازی باطل به اموال مردم، تفاوتی بین حقوق مادی یا معنوی که عرفاً از آن به مال تعبیر می‌شود، همچون حق تألیف، حق اختراع، حق التدریس و حق وکالت، وجود ندارد.

5 - یکی از گونه‌های خوردن به ناحق اموال، غصب که خود نوعی ستم است و یا در اختیار گرفتن چیزی از راه اعمال قدرت و زور، می‌باشد.

### **زیان رساندن به دیگران**

6 - کسی که به دیگری زیان رسانده باشد باید آن را جبران کند، چه این زیان همچون نابود کردن مال مستقیماً وارد شود، یا اینکه به طور غیر مستقیم و به سبب عملکرد شخص، دارایی فرد زیان دیده نابود گردد.

7 - زیان رساندن به دیگران شامل زیان رساندن در زمینه سود و بهره یا حقوق دیگران به ویژه حقوق معنوی افراد و نیز زیان رساندن به کار یک فرد آزاد می‌شود.

- از اینرو به عنوان نمونه اگر کسی کارگری را یک روز زندانی کند، یک روز کاری را از وی سلب کرده است، و باید به اندازه کار مزد یک روز به او پردازد.

- هم چنین در مورد توقیف تاکسی و یا اتومبیل شخصی مثلاً به مدت یک ماه و ایجاد زیان برای مالک آن، باید خسارت و زیان توسط فرد

توقیف کننده جبران شود.

- همچنین اگر کسی شهرت و اعتبار کسی را زیر سؤال برد، مثلاً ورشکستگی بازرگانی را شایعه کند، و یا فرد عادل را فاسق جلوه دهد و یا روزنامه و یا مؤسسه ای را دست نشانده بخواند، باید زیان های مالی بوجود آمده در اثر سخن پراکنی های دروغین خود را جبران کند.

### **استفاده از حق خود و ستم به دیگران:**

8 - نباید کسی در بکارگیری حق خود و تسلط بر اموالش، متعرض حقوق دیگران شود، که این امر بسته به دو چیز است:

الف - متعارف بودن عملکرد؛ به عنوان نمونه نباید در محله ای که خانه های آن از دو طبقه بالاتر نمی روند دست به ساخت برجی ده طبقه زد بگونه ای که از رسیدن نور به همسایگان جلوگیری شود، و یا نباید مثلاً با استفاده از بلندگو در خانه موجبات آزار همسایگان را فراهم آورد، و یا خانه ای را در محله ای مسکونی به کارهای اداری و یا تجاری اختصاص داد، بگونه ای که برای اهالی محل مشکلاتی به بار آورد.

ب - ضرورت: اگر کسی ناچار شود برای احقاق حق خود عملکردی غیر متعارف داشته باشد و به دیگران زیان رساند، این ناچاری به کار وی مشروعیت می بخشد، در عین حال باید زیان وارده به دیگران را مورد توجه قرار دهد. اگر ضرر و زیان مستقیماً وارد شود، به عنوان نمونه، اگر کسی برای خاموش کردن آتش سوزی خانه خود ناچار شود بر آن آتش آبی بریزد، که این ریختن آب موجب زیان دیدن همسایه شود، باید زیان

ص: 98

وارده به او را جبران کند، اما اگر زیان رساندن مستقیماً صورت نپذیرد، مثلاً اگر مالک يك كشتزار به هنگام وقوع سیل، آب را بر مزرعه خود ببندد و این کار، موجب انحراف سیل به سوی زمین مجاور گردیده و موجبات زیان كشتزار مجاور را فراهم آورد، مسؤولیت آن بر مالک كشتزار اول نیست، چراکه این سیل است که زیان رسانده نه مالک كشتزار اول که تنها آب را بر مزرعه خود بسته است.

## قرض و ربا

9 - احکام زیر ضامن اجرای قسط و داد در امر استقراضند:

الف - جایز نیست ثروتمندان از نیاز تنگدستان سوء استفاده کنند و از قرض دادن سرباز زده و آنها را به ربادهی مجبور سازند، از سویی با توبه فرد رباخوار، تنگدستان نمی توانند وی را از اصل سرمایه اش محروم نمایند. بدیگر سخن نه ستم به بدهکار رواست و نه به بستانکار.

ب - برای اینکه صاحبان حق بازگشت حَقشان را تضمین کنند، باید برای قرض مدتی معین کنند، و قرارداد قرض را به نگارش در آورند و (در صورتی که خود، قرارداد را نمی نویسند) نویسنده عادل را برای اینکار برگزینند، نویسنده نیز نباید از قرارداد چیزی فرو گذارد، همچنین باید بر قرارداد دو شاهد مورد رضایت، گواهی دهند، و نباید هیچ چیز در نگارش قرارداد از قلم بیفتد.

ج - اگر سرمایه ارزش اولیه ای خود را بخاطر تورّم از دست بدهد، بگونه ای که صاحب سرمایه زیان ببیند، بدهکار باید خسارت وارده را

ص: 99

جبران کند تا سرمایه تمام و کمال به صاحب سرمایه بازگردد. به عنوان نمونه اگر در زمان استقراض، بهای يك خانه هزار دینار باشد و در پایان مدّت، به علت سقوط ارزش دینار، بهای همان خانه به يك میلیون دینار برسد، بدهکار باید يك میلیون دینار و نه همان هزار دینار را به بستانکار بازگرداند، چراکه پس دادن تنها هزار دینار ستم خواهد بود.

هزینه کردن و مصرف

10 - نعمتهای الهی بواسطه عدالت کامل می شوند، و زیاده روی و یا کوتاهی در آنها، چه بسا نعمت را به نعمت تبدیل کند، از همین رو عدالت پیشگی در امر هزینه کردن و مصرف، از نمودهای ایمان محسوب می شود:

الف - مؤمنان باید داراییهای خود را حکیمانه به مصرف رسانند، از اینرو نه می توان تمام داراییها را یکجا انفاق کرد و فرزندان خود را از آنچه خدا ارزانی داشته محروم ساخت، و نه می توان مردم را از بخشش خود محروم کرد، بلکه باید میانه روی پیشه کرده، داراییهای زیاده از حد را انفاق کرد.

ب - در مورد مصرف نیز این امر صادق است، چون، مؤمنان نباید در خورد و خوراك اسراف کنند، همانگونه که نباید خوردنیها و آشامیدنیها را از خود و خانواده هایشان دریغ دارند.

ص: 100

قرآن کریم:

1 - (مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تَظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ \* ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) (1).

«خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده، و هرگز همسرانتان را که مورد (ظهار) قرار می دهید، مادران شما قرار نداده، و (نیز) فرزند خوانده های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است، این سخن شماست که به دهان خود می گوید (سخنی باطل و بی پایه)، اما خداوند حق را می گوید و او به راه راست هدایت می کند \* آنها را بنام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه تر است، و اگر پدرانشان را نمی شناسید، آنها برادران دینی و موالی شما هستند، اما گناهی بر شما نیست در خطاهایی که از شما سر می زند (و بی توجه آنها را به نام دیگران صدا می زنید)، ولی آنچه را از روی عمد می گوید (مورد حساب قرار خواهد داد)، و خداوند آمرزنده و رحیم است.»

2 - (وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ

ص: 101

الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً(1).

«شما هرگز نمی توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هرچند کوشش نمایید ولی تمایل خود را بکلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را بصورت زنی که شوهرش را از دست داده درآوردید. و اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.»

3 - (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا)(2).

«و اگر می ترسید که (بهنگام ازدواج با دختران یتیم،) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان چشم پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج ننمائید، دو یا سه یا چهار همسر؛ و اگر می ترسید عدالت را (درباره همسران متعدّد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهاست استفاده کنید. این کار، از ظلم و ستم جلوگیری می کند.»

4 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيراً)(3).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی

ص: 102

1- - سورة نساء، آیه 129.

2- - سورة نساء، آیه 3.

3- - سورة نساء، آیه 19.



اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها)، ارث ببرید. و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده اید (از مهر)، تملک کنید؛ مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید. و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد.»

5 - (وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (1).

«زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند [اعده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند.

و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، [از دیگران] سزاوارترند، در صورتی که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته ای قرار داده شده، و مردان بر آنان برتری دارند، و خداوند توانا و حکیم است.»

6 - (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ

ص: 103

يُولَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ يُولَدُ بِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا  
أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَّا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ(1).

«مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که  
فرزند برای او متولد شده [اپدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیردادن پردازد، حتی اگر طلاق گرفته  
باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست. نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و  
بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [اهزینه مادر را در دوران شیردهی تأمین نماید]. و اگر آندو، با رضایت یکدیگر و مشورت،  
بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندان  
خود بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط اینکه حق گذشته مادر را بطور شایسته پردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و بدانید  
خدا، به آنچه انجام می دهید، بیناست.»

حدیث شریف:

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ پرسشی فرموده اند:

«من أعظم النَّاس حَقًّا على الرجل؟ قال: والداه، قالت: فمن أعظم النَّاس

ص: 104

1- - سورة بقره، آیه 233.

حَقًّا عَلَى الْمَرْأَةِ؟ قَالَ: زَوْجِهَا»(1).

«چه کسی بیشترین حق را بر مرد دارد؟ حضرت فرمود: والدینش. عرض شد، چه کسی بیشترین حق را بر زن دارد؟ حضرت فرمودند: شوهرش.»

2 - همچنین آن حضرت فرموده اند:

«ما زال جبرئیل یوصیني بالمرأة حتی ظننت أنه لا ينبغي طلاقها إلا من فاحشة مبینة»(2).

«جبرئیل آنقدر بطور مداوم توصیه زنان را به من می کرد تا اینکه گمان بردم نمی توان زنان را طلاق داد مگر در صورت انجام کار زشت آشکاری از سوی آنها.»

3 - رسول خدا صلی الله علیه و آله همچنین فرموده:

«لیس للصبی لبن خیر من لبن امه»(3).

«برای کودک شیری نیکوتر از شیر مادر نیست.»

4 - از امام صادق علیه السلام در باب این گفته الهی که: (لَا تُضَارَّ وَالِدَةَ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ) پرسشی به عمل آمد، پس آن حضرت اینگونه پاسخ گفتند:

«كانت المراضع ممّا تدفع إحداهن الرجل إذا أراد الجماع تقول: لا أدعك،

إني أخاف أن أحبل فأقتل ولدي هذا الذي أرضعه، وكان الرجل تدعوه المرأة فيقول: إني أخاف أن اجامعك فأقتل ولدي، فيدفعها فلا يجامعها، فنهى الله

ص: 105

1 - بحار الانوار، ج 100، باب 4، ص 248.

2 - همان، ج 84، باب 6، ص 139.

3 - همان، ج 100، باب 11، ص 323.

عزّ و جلّ عن ذلك أن يضارّ الرجل المرأة والمرأة الرجل»(1).

«بسیار اتفاق می افتاد که زن هنگام جماع دست رد به سینه شوهر می زد، و می گفت می ترسم حامله شوم، با اینکه من بچه شیرخوار دارم و می ترسم وی را به کشتن دهم و چه بسا می شد که شوهر از جماع خودداری می کرد و می گفت می ترسم حامله شوی، و من مبتلا به کشتن وی شوم، و لذا در اسلام خدای تعالی نهی کرد از اینکه مرد موجب زیان زن گردد و یا زن باعث ضرر مرد شود.»

رهیافت وحی:

عدالت، رنگ و بوی زندگی انسان مؤمن است در میان خویشاوندان، و در عرصه ارتباط با پدر و مادر و زن و فرزند. قرآن مجید نیز دستور می دهد تا فرزندان به نام پدرانشان خوانده شوند، چون، این کار نزد خدا عادلانه تر است. همچنین به رفتار عادلانه میان همسران امر می کند، و یادآور می شود که در صورت عدم توانایی برای برقراری عدالت میان چند همسر، باید به یکی بسنده کرد، همانگونه که در قرآن از زیان رساندن به فرزندان نهی شده است. این آیات ما را به استنباط احکامی در باب عدالت در خانواده رهنمون می سازند که عبارت اند از:

ص: 106

---

1- - وسائل الشیعه، ج 15، باب 72، ص 18 (20 جلدی)، همان، ج 21، ص 457 (29 جلدی).

1 - حفاظت از تبار افراد واجب می باشد، از اینرو نمی شود کسی از تبار خود جدا شده و به تبار دیگری بپیوندد، چراکه تبار و نسب امری واقعی است، نمی توان آن را به بازی گرفت. بدیگر سخن نسب و تبار افراد امری اعتباری نیست تا مردم بتوانند به هر نحوی که می خواهند در آن دست برند.

2 - واجب است بر مردان در صورت اختیار کردن بیش از یک همسر، میان ایشان به عدالت رفتار کنند، در غیر اینصورت اگر از ناتوانی خود در برقراری عدالت میان همسران بترسند، به یک همسر بسنده کنند.

3 - مؤمنان باید تمام حقوق را ادا کنند، بویژه:

الف - حقوق زنان، بویژه مهریه.

ب - حقوق سفیهان (کم خردان).

ج - داراییهای یتیمانی که به سنّ رشد رسیده باشند.

د - تقسیم ارث میان مردان و زنان بگونه ای درست و بر مبنای شرع.

ه - مردان نمی توانند از زنان، به اکراه ارث برند.

و - همچنین جایز نیست برای پس گرفتن مهریه زنان و یا بازگرداندن بخشی از آن آنها را تحت فشار قرار داد و یا به آزار و اذیت آنان پرداخت، چون، مهریه و پس از عقد و دخول حقّ ثابت زنان محسوب می شود.

4 - واجب است که مردان با زنان بگونه ای شایسته رفتار کنند، در مقابل زنان نیز باید به وظایف خود در قبال شوهرانشان عمل کنند.

5 - میزان و معیار در روابط زناشویی، ایجاد توازنی عادلانه میان وظایف و حقوق زن می باشد، که چه بسا، این قاعده خود مبنایی باشد برای مجموعه ای از احکام شرعی:

الف - اگر به عنوان نمونه طلاقهای ناموجه روبه فزونی گذارند، و موجبات زیان رسیدن به زنان را بیش از پیش فراهم آورند، فقیه عادل باید با صدور احکامی موقت زیان دیدن آنان را کاهش دهد. مثلاً در هنگام عقد، شرطی گذاشته شود که بر مبنای آن مرد در صورت طلاق زن برخی از داراییهای خود را به زن واگذارد، و یا پیش از طلاق، از راههایی که خداوند در قرآن بدانها امر کرده، مرحله ای برای داوری خانواده در این امر پیش بینی شود.

ب - اگر زن بر اسکان در خانه ای مستقل پافشاری کند، در حالیکه مرد توان فراهم کردن آن را نداشته باشد، زن باید در ازای آن بیش از پیش بار مسایل خانه را بر دوش کشد.

ج - اگر مرد از همسر خود بخواهد تا فرزندان بیشتری برای وی بیاورد، زن می تواند نفقه بیشتری برای کم کردن سنگینی امور خانه درخواست کند، به عنوان نمونه می تواند فراهم آوردن برخی از وسایل خانه مانند ماشین لباسشویی و خشک کن و یا وسایل پخت سریع و وسایلی از این دست را از مرد بخواهد.

د - زن در صورت شیر دادن به فرزندانش، می تواند دست مزد بیشتر و یا در برخی اوقات فراهم آوردن خدمتکاری را، از شوهرش طلب کند.

6 - در شریعت اسلام برپایه سنتهای ثابت الهی، از جمله عدل،

احکامی ویژه فرزندان در نظر گرفته شده است. آن احکام عبارت اند از:

الف - استفاده از شیر مادر، حق فرزندان می باشد، زیرا، خوردن شیر مادر برای رشد فرزندان فوایدی دربردارد که در صورت نخوردن شیر مادر هیچگاه بدست نخواهند آمد. از اینرو شیر دادن از جزو وظایف مادران و پرداخت دست مزد برای آن از وظایف پدران محسوب می شود.

ب - پدرانی که از وجود فرزندان سود می برند، باید خوراک و پوشاک و دیگر نیازمندیهای اساسی آنها را چون آموزش، برآورده کنند، و دستمزد شیردهی مادران را نیز بپردازند.

ج - جایز نیست از فرزند به عنوان ابزاری برای زیان رساندن به پدر و یا مادر استفاده کرد، مثلاً: نباید یکی از آندو از دوستی طرف مقابل نسبت به فرزندشان برای رسیدن به مقاصد خود سوء استفاده کند، به عنوان نمونه نباید زن به بهانه داشتن فرزند از همبستر شدن با مرد سرباز زند، و یا مرد حق ندارد زن را به بهانه مخارج زیاد فرزندداری به کار در بیرون از خانه وادارد، چراکه، سوءاستفاده از عواطف انسانی برای بهر مند شدن از حقوق بیشتر با ارزشهای عدل و قسط ناسازگار است.

د - برای گرفتن کودک از شیر مادر باید والدین باهم مشورت کنند و این کار (گرفتن کودک از شیر) بر مبنای رضایت هر دو طرف صورت گیرد، چراکه، فرزند نتیجه تلاش هر دو یعنی هم پدر و هم مادر می باشد.

قرآن کریم:

1 - (فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْئَلُكَ كَمَا أُمِرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ)(1).

«پس به همین خاطر تو نیز (آن را به سوی این آیین واحد الهی) دعوت کن و آنچنان که مأمور شده ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: "به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم، خداوند پروردگار ما و شماست، نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست، و خداوند ما و شما را در یکجا جمع می کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست."»

2 - (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً)(2).

«خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید؛ و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. خداوند، اندرزهای

ص: 110

1- - سورة شوری، آیه 15.

2- - سورة نساء، آیه 58.



خوبی به شما می دهد. خداوند، شنوا و بیناست.»

3 - (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (1).

«و اموال یکدیگر را به باطل (و ناهق) در میان خود نخورید. و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است).»

4 - (وَأَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ) (2).

«و در میان آنها [اهل کتاب]، طبق آنچه خداوند نازل کرده، داوری کن؛ و از هوسهای آنان پیروی مکن؛ و از آنها بر حذر باش، مبادا تو را از بعضی احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازند. اگر آنها (از حکم و داوری تو)، روی گردانند، بدان که خداوند می خواهد آنان را بخاطر پاره ای از گناهانشان مجازات کند؛ و بسیاری از مردم فاسقند.»

5 - (الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) (3).

«ماه حرام، در برابر ماه حرام. (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند،

ص: 111

1- - سورة بقره، آیه 188.

2- - سورة مائده، آیه 49.

3- - سورة بقره، آیه 194.

و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرامها (قابل) قصاص است. و (بطور کلی) هرکس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید. از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید) و بدانید خدا با پرهیزگاران است.»

6 - (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (1).

«و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید.»

حدیث شریف:

1 - روایت شده که امام صادق علیه السلام روزی به یارانشان فرمودند:

«وإياكم أن يخاصم بعضكم بعضاً إلى أهل الجور، ولكن انظروا إلى رجل منكم يعلم شيئاً من قضايانا فاجعلوه بينكم، فإني قد جعلته قاضياً فتحاكموا إليه» (2).

«از بردن نزاعهای خود نزد ستمکاران بر حذر باشید، ولی در میان خود ببینید چه کسی چیزی از مسایل ما را می داند، پس من او را قاضی میان شما قرار دادم، پس شما (نیز) حکم از او خواهید.»

2 - امیر مؤمنان علیه السلام فرموده اند:

«قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله لَمَّا وَجَّهَنِي إِلَى الْيَمَنِ: "إِذَا تَحَوَّكُم إِلَيْكَ فَلَا تَحْكَمْ

ص: 112

1- - سورة بقره، آية 179.

2- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 17، ص 240، کتاب القضاء، باب 1، ح 3.

لأحد الخصمين دون أن تسمع من الآخر" قال: فما شككت في قضاء بعد ذلك»(1).

«وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا روانه یمن ساختند به من فرمودند: "اگر برای داوری شکایت نزد تو آورده شد، پس بدون شنیدن سخنان یکی از طرفهای دعوی برای دیگری حکم صادر نکن" فرمود: پس از آن هیچگاه در امر قضاوت دچار تردید نشدم.»

3 - همچنین در توصیه امام علیه السلام به محمد بن ابی بکر چنین آمده که:

«لا تقض في أمر واحد بقضاءين مختلفين، فيختلف أمرک وتزيغ عن الحقّ،

وأحبّ لعامة رعيتك ما تحبّ لنفسك وأهل بيتك، واکره لهم ما تکره لنفسك وأهل بيتك، فإنّ ذلك أوجب للحجّة، وأصلح للرعيّة...»(2).

«در يك امر به دوگونه داوری مکن، چه رویه ات مختلف می شود و از حق منحرف خواهی شد، و برای تمام رعایایت دوست بدار آنچه را که برای خود و خانواده ات دوست می داری، و نپسند برایشان آنچه را که برای خود و خانواده ات نمی پسندی، چه آن برای حجّت واجب تر و برای رعایا شایسته تر است.»

4 - همچنین امیر مؤمنان علیه السلام وقتی مالک اشتر را به ولایت مصر منصوب ساختند در نامه مبارک خود به وی چنین فرمودند:

«انظر في القضاء بين الناس نظر عارف بمنزلة الحكم عند الله، فإنّ الحكم

ص: 113

1- - بحار الأنوار، ج 101، باب 4، ص 275، ح 2.

2- - بحار الأنوار، ص 276، ح 3، باب 4، احکام الولادة.

میزان قسط الله الذي وضع في الأرض لانصاف المظلوم من الظالم، والأخذ للضعيف من القوي، وإقامة حدود الله على سننها ومناهجها التي لا يصلح العباد والبلاد إلا عليها.

فاختر للقضاء بين الناس أفضل رعيتك في نفسك، وأجمعهم للعلم والحلم والورع ممن لا يضيق به الأمور، ولا تمحكه الخصوم، ولا يزرجه على العي،

ولا يفطره جور الظلم، ولا تشرف نفسه على الطمع، ولا يدخل في إعجاب،

يكتفي بأدنى فهم دون أقصاه، أوقفهم عند الشبهة، وأخذهم لنفسه بالحجة،

وأقلهم تيرماً من تردد الحجج، وأصبرهم على كشف الأمور وإيضاح الخصمين، ولا يزدهيه الإطراء، ولا يستميله الإغراء ولا يأخذ فيه التبليغ بأن يقال: قال فلان قال فلان، فولّ القضاء من كان كذلك»<sup>(1)</sup>.

«همچون کسی که جایگاه قضاوت را در نزد خدا می داند به داوری میان مردم بنگر، چون که قضاوت ترازوی اجرای قسط خداوند است، که خداوند آنرا برای گرفتن حقّ مظلوم از ظالم و گرفتن حق فرودست از فرادست، و برپاداشتن حدود الهی بر راه و روش صحیح، که بندگان و سرزمینها تنها بر مبنای آن اصلاح می شوند، قرار داده است.

پس از میان مردم برترین فرد در نزد خود و جامع ترین آنها در دانش، بردباری، و پرهیزگاری را برای قضاوت برگزین، از کسانی که مراجعه فراوان آنها را در تنگنا قرار ندهد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را به خشم و کج خلقی و اندارد، و ناتوانی در سخن گفتن و عجز در رساندن مقصود

ص: 114

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 13، کتاب القضاء، ابواب آداب القاضی، باب 1، ص 151، ح 2، قم، مؤسسه آل البيت 1408 ه. ش.

توسط رعایا وی را ملول نسازد، و جور ستمکاران وی را به کوتاهی کردن نیندازد، و طمع را از دل بیرون کرده، و از امری خوشش نیاید، و در فهم مطالب به اندک تحقیق، اکتفا نکند، از کسانی که در شبهات از همه محتاطتر، و در یافتن و تمسک به حجت و دلیل از همه مصرتر باشد، و با آمدوشد مکرر دلایل و حجتها کمتر خسته شود، و در کشف امور و توضیح خواستن از دوطرف دعوی شکیباتر باشد، و تمجیدهای بسیار وی را متمایل بجانب مدح کننده نسازد، و اطلاع یافتن از اینکه گفته می شود، فلانی اینگونه گفت، فلانی اینگونه گفت، در او اثری نگذارد، پس قضاوت را در دست کسی که اینگونه باشد قرار ده.»

رہیافت وحی:

عدل در دو برهه از زندگی يك جامعه به آشکارترین شکل ممکن نمود می یابد؛ يك بار، هنگام وضع قانون و دیگر بار هنگام تطبیق قانون در موارد اختلاف (یا قضاوت). حالا که واضع قوانین در اسلام شارع مقدس می باشد، بی گمان عرصه قضاوت برجسته ترین نمود عدالت را از خود به نمایش خواهد گذاشت، لذا همانگونه که خداوند متعال امر کرده، می بایست تا تحقق عدالت قضایی پایداری کنیم، که این امر از رهگذر جلوگیری از دخالت هوا و هوس مردم در امر قضاوت محقق خواهد شد، چون، از آنجا که بیشتر مردم رأی معینی را می پسندند (که چه بسا صحیح هم نباشد) قاضی نمی تواند بر مبنای پسند مردم عمل کند، همچنانکه نمی تواند بر مبنای علایق

ص: 115

قومی و یا حزبی خود و یا هوی و هوسش حکمی را صادر کند.

از همین رو باید از فتنه‌گری و فشارهای مردم بر حذر بود، چون ممکن است از راه تطمیع، تهدید و یا تزویر و تقلب، خواسته‌های خود را بر سیستم قضایی اعمال کنند.

احکام:

1 - قاضی باید در هر حالتی در داوری میان مردم عادلانه رفتار کند.

2 - مردم نیز باید در نزاعهای خود از عادلان داد خواهی نمایند، و از شکایت بردن نزد قضات حکومت جور، خودداری کنند.

3 - بر قاضی واجب است که به حق و بدور از هوی و هوس قضاوت کند.

4 - نباید در صدور حکم با کسی سازش کند و یا بدون شنیدن سخنان یکی از اطراف دعوی بر مبنای سخنان دیگری حکم کند.

5 - یکی از مهمترین نموده‌های عدالت در قضاوت، قصاص عادلانه می باشد. از همین رو موارد قصاص را از قصاص نفس و قصاص در جراحات گرفته تا قصاص در ماههای حرام و خانه خدا (بیت الله الحرام) موبه مو و در تمام حالات به اجرا درآورد، تا به خواست خداوند جامعه از آرامش کافی برخوردار گردد.

ص: 116

قلب مؤمنان با آرامش سامان می یابد. مگر نه این است که مؤمنان دیگران را به رسمیت می شناسند، و به حقوقشان احترام می گذارند؟ و مگر نه این است که صلح و آرامش (و امنیت تمام و کمال) نمودی است از شناسایی حقوق دیگران؟

زبان مؤمن حقیقی پیغام رسان صادق دلش می باشد، از این رو دعا و درود او، آنگاه که وارد خانه می شود و یا با مؤمن دیگری دیدار می کند توأم با سلام و سلامتی است. فرستادگان الهی و بندگان پیراسته خداوند حتی در خداحافظی و برخورد با نادانان نیز سخنان خود را به سلام و سلامتی می آریند. بلکه حتی پرداختن به جنگ و جهاد توسط مؤمنان تنها برای تحقق صلح و آرامش جسمانی و روانی در جامعه و گسترش آن در جهان، صورت می پذیرد.

قرآن کریم:

1 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَعَاذٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که در راه خدا گام می زنید (و به سفری برای جهاد می روید)، تحقیق کنید؛ و بخاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می کند نگویید:

«مسلمان نیستی»؛ زیرا غنیمت‌های فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید؛ و خداوند بر شما منت نهاد (و هدایت شدید). پس، (بشکرانه این نعمت بزرگ،) تحقیق کنید. خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.»

2 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ) (2).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما

ص: 118

---

1- - سورة نساء، آیه 94.

2- - سورة حجرات، آیه 6.



بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.»

حدیث شریف:

در نامه مبارک امیر مؤمنان علی علیه السلام به مالک اشتر که وی را والی مصر منصوب نموده بودند، آمده که:

«وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحاً دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَلِلَّهِ فِيهِ رِضَىٌّ، فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَةً لِيُجْنُودَكَ، وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ، وَأَمْنًا لِبِلَادِكَ»<sup>(1)</sup>.

«و هرگز صلحی را که دشمنت تو را به آن دعوت نماید و رضایت خدا در آن باشد دفع مکن؛ زیرا به وسیله صلح است که لشکریانت آسوده می گردند و خود از تشویش و اندوه خاطر راحت می شوی، و موجب ایمنی بر شهرهایت می باشد.»

رہیافت وحی:

بالاترین هدف از برپایی جنگها، تحصیل خشنودی پروردگار متعال می باشد، نه دست یابی به اهداف مادی. براین مبنا می توان به پاره ای از احکام شرع که در زیر بیان شده اند دست یافت:

ص: 119

---

1- - نهج البلاغه، کتاب 53، (صبحی الصالح) ص 676، س 3.

1 - مجاهدان در راه خدا باید پیش از هر اقدام جنگ افروزانه ای، دربارهٔ درستی و یا نادرستی آن به تحقیق بپردازند.

2 - این امر ضرورت سامان بخشیدن به يك سیستم اطلاعات عملیاتی در سپاه اسلام را برای مطمئن شدن از قصد جنگ افروزی دشمنان بیش از پیش نشان می دهد، زیرا، بدون بهره مندی از چنین سیستمی، امکان دارد مسلمانان در چنبرهٔ جنگی بر مبنای اطلاعات دروغین گرفتار آیند.

3 - هدف اساسی از جنگ در اسلام، همانا گسترش صلح و آرامی می باشد، از همین رو اگر طرف مقابل، صلح را بپذیرد جایز نیست بخاطر جمع آوری غنایم و یا انتقام گیری و مانند اینها، به جنگ ادامه داد.

## 2 - آرامش در خانه و خانواده

قرآن کریم:

1 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسْأَلُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ \* فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فَارجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانهٔ خود وارد نشوید

ص: 120

تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید\* و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید؛ این برای شما پاکیزه تر است، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.»

2 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصَدَّقُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ \* وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسِّرُوا تَأْذِنًا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و برگرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می کند، و خداوند دانا و حکیم است\* و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می گرفتند؛ اینچنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است.»

ص: 121

3 - (... فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً...)(1).

«... و هنگامی که داخل خانه ای شدید، بر خویشان سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پر برکت و پاکیزه.»

4 - (... وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)(2).

«و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامهٔ احرام می پوشیدند، از در خانه وارد نمی شدند، و از نقب پشت خانه وارد می شدند، نکنید.) کار نیک، آن نیست که از پشت خانه ها وارد شوید؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید. و از در خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تارستگار گردید.»

حدیث شریف:

1 - در روایتی، ابو جارود از حضرت امام باقر علیه السلام اینگونه نقل می کند:

«إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ بَيْتَهُ فَإِنْ كَانَ فِيهِ أَحَدٌ يَسَلِّمُ عَلَيْهِمْ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَلْيَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا، يَقُولُ اللَّهُ: (تَحِيَّةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً)(3)»(4)

ص: 122

---

1- - سورة نور، آیه 61.

2- - سورة بقره، آیه 189.

3- - سورة نور، آیه 61.

4- - بحار الأنوار، ج 73، باب 97، افشاء السلام، ص 3، ح 3.

«اگر مردی وارد خانه خود شود در صورتی که کسانی در خانه باشند، باید به آنها سلام کند، و اگر کسی در خانه نبود می بایست بگوید: ی درود بر ما از سوی پروردگارمان ی خداوند فرموده است: (درودی مبارک و پاک از سوی خداوند بر شما).»

2 - امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«السلام تحية لملتنا، وأمان لذمتنا»<sup>(1)</sup>.

«سلام کردن درودی است برای ملت ما، و تضمینی است برای امنیت ما.»

3 - آن حضرت همچنین فرموده اند:

«يسلم الرجل إذا دخل على أهله، وإذا دخل يضرب بنعليه ويتحنح، يصنع ذلك حتى يؤذنه أنه قد جاء، حتى لا يرى شيئاً يكرهه»<sup>(2)</sup>.

«مرد هنگامی که بر خانواده اش وارد می شود می بایست سلام کند، و وقتی داخل شد می بایست با کفشهایش (به زمین) ضربه بزند و صدای سرفه ابراز دارد تا بدینوسیله به خانواده اش ورود خود را اطلاع دهد، تا با چیزی ناخوشایندی روبرو نشود.»

رهیافت وحی:

خانه حریمی دارد که باید حرمت آن را نگاه داشت. حق صاحب خانه است که در خانه خود احساس امنیت کند، از متون و نصوص یادآوری شده

ص: 123

---

1- - بحار الأنوار، ج 73، باب 97، ص 12.

2- - بحار الأنوار، ج 73، باب 97، ص 11.

احکامی را در زمینه بزرگداشت و احترام به این حق استنباط می کنیم، که عبارت اند از:

احکام:

1 - جایز نیست سرزده، از پشت خانه ها و یا از روی دیوار وارد خانه ها شد، چراکه، صاحب خانه در خانه خود نیازمند احساس امنیت و آرامش است که نباید این احساس را از وی سلب کرد. چون، صاحب خانه معمولاً تنها مراقب درب خانه و یا محل ورودی متعارف خانه می باشد، و نمی تواند تمام منفذهای اطراف خانه را زیر نظر بگیرد.

2 - پیش از داخل شدن به خانه خود و یا دیگران، باید از اهل خانه اجازه گرفت، بگونه ای که اهالی خانه دریابند که چه کسی برایشان داخل می شود. می توان این کار را از راه کوبیدن درب و یا زنگ زدن و یا صدا کردن و یا تماس تلفنی و دیگر اعمالی از این دست انجام داد، چه، امکان دارد آمادگی برای پذیرفتن کسی که از بیرون می آید کمی برای صاحبان خانه زمان بر، باشد.

3 - برای ورود به خانه باید اجازه گرفت، که یکی از مصادیق آن سلام کردن و درود فرستادن بر اهل خانه می باشد. از همین رو اگر اهل خانه اجازه ورود را به کسی که قصد داخل شدن دارد ندهند، آن شخص باید بی درنگ بازگردد.

4 - یکی از آداب ورود به خانه درود فرستادن می باشد، چه از طریق سلام کردن و چه از راههای دیگری که بزرگداشت و تکریم اهل خانه را

ص: 124

در برداشته باشد. حتی اگر فردی که داخل خانه می شود نیاز به اجازه گرفتن نداشته باشد، مثلاً خود از اهل خانه باشد بهتر است این کار را انجام دهد.

5 - یکی دیگر از آداب خانه این است که کسانی که با اهل خانه در خانه حاضرند می بایست پیش از ورود به اتاقهایی که اهل خانه لباسهای خود را در آن اتاقها برای راحتی و آسایش از تن بیرون می کنند (مانند اتاق خواب) در زمانهای استراحت، اجازه بگیرند. هرچند این حکم شامل کودکان ناآگاه به امور جنسی تا وقتی که به بلوغ نرسیده اند، نمی شود.

### 3 - سلام، درود مؤمنان

قرآن کریم:

1 - (وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (1).

«هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: "سلام بر شما! پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده؛ هرکس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا می شود چرا که) او آمرزنده مهربان است."»

2 - (وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا

ص: 125

«بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند):»

3 - (وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ)(2).

(و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می گردانند و می گویند:

"اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان؛ سلام بر شما (سلام وداع)، ما خواهان جاهلان نیستیم".

حدیث شریف:

1 - انس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

«یا انس! سلّم علی من لقیته، یزید الله فی حسناتک، وسلّم فی بیتک یزید الله فی برکتک»(3).

«ای انس! بر هرکسی که رسیدی سلام کن، خداوند بر نیکوئیهایت می افزاید، و در خانه خود سلام کن خداوند بر برکت تو می افزاید.»

2 - امام صادق علیه السلام فرموده اند:

ص: 126

---

1- - سورة فرقان، آیه 63.

2- - سورة قصص، آیه 55.

3- - بحار الأنوار، ج 73، ص 3، ح 5، باب 97.



«قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا تلاقيتهم فتلاقوا بالتسليم والتصافح، وإذا تفرقتهم فتفرقوا بالاستغفار»(1).

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: "اگر باهم دیدار کردید پس با سلام و دست دادن به هم، دیدار کنید، و اگر از یکدیگر جدا و پراکنده شدید، با استغفار و طلب آمرزش پراکنده شوید."»

3 - همچنین در حدیثی دیگر امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند که آن حضرت فرمودند:

«إذا قام الرجل من مجلسه فليودّع إخوانه بالسلام، فإن أفاضوا في خير كان شريكهم، وإن أفاضوا في باطل كان عليهم دونه»(2).

«اگر مردی از مجلسی برخاست پس برادرانش را با سلام و سلامت خواهی بدرود گوید، چه در این صورت اگر در امر خیری سخن گویند شریک ایشان خواهد بود، و اگر در امر باطلی به سخن پردازند بر غیر آن خواهد بود.»

4 - همچنین امام صادق علیه السلام می فرموده اند:

«إن من موجبات المغفرة؛ بذل السلام، وحسن الكلام»(3).

«همانا آنچه موجبات آمرزش و مغفرت را فراهم می آورد؛ بخشش سلام و نیکو سخن گفتن می باشد.»

ص: 127

---

1- بحار الأنوار، ج 73، ص 5، ح 4، باب 97.

2- همان، ص 9، ح 36.

3- همان، ص 11، ح 46.

مؤمنان با یکدیگر به يك زندگى همراه با صلح و آرامش مى پردازند و دشمنى، كينه توزى، و خشم و نخوتى در ميان ايشان ديده نمى شود. ايشان هرگاه به هم مى رسند به يكديگر سلام مى كنند و هرگاه يكديگر را بدرود گویند با سلام و سلامت خواهى از يكديگر جدا مى شوند. بلكه ايشان در برخورد با نادانان نيز سلام مى كنند. با اينكه سلام كردن مؤمنان در اين مورد، از جدائى و اختلاف حكایت دارد ولی در اين اظهار جدائى، فرد مسلمان هيچ خواست شومى را درباره كسى در دل نمى پروراند. از آنچه گذشت احكام زير را بدست مى آوريم:

#### احكام:

1 - مستحب است مؤمنان به هر كس كه مى رسند چه كوچك و چه بزرگ سلام كنند، تا اين سلام سمبلى باشد براى روابط مثبت و برگرفته از احترام متقابل به حقوق يكديگر و به رسميت شناختن يكديگر و همياري ميان مؤمنان.

2 - سلام و سلامت خواهى در وقت جدائى نيز گونه اى سلام محسوب مى شود، چون، همانگونه كه مؤمنان وقتى با يكديگر ديدار مى كنند نخست براى حاكم كردن جوّ امن و آرام براى گفتگو و همياري نياز به سلام كردن دارند، در هنگام جدائى نيز براى نشان دادن اطمينان و احساس آرامشى كه حتّى در غياب يكديگر نسبت به هم دارند، نياز مند

سلام و سلامت خواهی هستند.

3 - باید نادانی را با سکوت پاسخ گفت تا آرامش و امنیت در جامعه حاکم شود، زیرا، اگر عملکرد جاهلانه تنها از يك طرف سرزند و از سوی طرف دیگر با واکنشی همراه نشود، بی نتیجه خواهد ماند، اگر عملکرد جاهلانه با پاسخی از طرف مقابل همراه شود سرانجام به يك فتنه بدل خواهد گشت. از همین رو سلام کردن بر نادانان در واقع ضریب احساس امنیت را در جامعه بالا می برد. در واقع مؤمن به تعبیری نباید در رویارویی با يك جهت گیری جاهلانه سوزن را با جوالدوز پاسخ گوید، بلکه می بایست با بردباری و آرامش از آن بگذرد.

4 - پر واضح است که سلام کردن بر نادان به معنی پذیرش عملکرد او نیست، بلکه این سلام باید پس از روی گردانی و برائت جویی از عملکرد و یا گفتار جاهلانه فرد نادان و واگذاری تمام مسؤولیت سخنان بیهوده وی به وی صورت پذیرد.

#### 4 - سلام بر پیامبران

قرآن کریم:

1 - (وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ \* وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (1).

«و سلام بر رسولان، و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که

ص: 129

---

1- - سورة صافات، آیات 181-182.

2 - (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) (1).

«خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان) او باشید.»

3 - (قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ءاللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ) (2).

«بگو: "حمد مخصوص خداست؛ و سلام بر بندگان برگزیده اش!" آیا خداوند بهتر است یا بتهایی که همتای او قرار می دهند!»  
حدیث شریف:

1 - از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که فرمودند:

«أثقل ما يوضع في الميزان يوم القيامة الصلاة على محمد وعلى أهل بيته» (3).

«گرانسنگترین چیزی که روز رستاخیز در میزان اعمال قرار می گیرد درود بر محمد و بر اهل بیت اوست.»

2 - از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد: چگونه بر شما درود فرستیم؟ ایشان فرمودند:

«قولوا: اللهم صل على محمد وآل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل

ص: 130

1- - سورة احزاب، آیه 56.

2- - سورة نمل، آیه 59.

3- - بحار الانوار، ج 91، باب 29، ص 49.

إبراهيم، إناك حميد مجيد...»(1).

«بگویند: خداوندا بر محمد و آل او درود فرست، همچنانکه بر ابراهیم و آل وی درود فرستادی، همانا تو سزاوار ستایش و بزرگواری...»

3 - از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیده شد: درود خداوند، فرشتگان و درود مؤمنان هر يك به چه معناست؟ پس آن حضرت فرمودند:

«صلاة الله رحمة من الله، وصلاة الملائكة تزكية منهم له، وصلاة المؤمنين دعاء منهم له...»(2).

«درود خداوند رحمتی است از جانب خداوند، و درود فرشتگان ستایش کردنی است از سوی ایشان نسبت به خداوند، و درود مؤمنان دعایی است از سوی ایشان برای خداوند...»

رهیافت وحی و حکم الهی:

میان مؤمنان و فرستادگان و اولیای الهی پیوندی نزدیک برقرار است، زیرا، ایشان وسیله های فرود آمدن رحمت الهی و رهبرانی از سوی خدا و شفاعت کنندگان در روز رستاخیزند، که خداوند ایشان را با فرورفتادن درود برایشان تکریم کرده است. از همین رو خداوند احترام ایشان را بر مردم بلکه بر طبیعت نیز واجب ساخته است.

استحباب درود فرستادن بر پیامبران بویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می توان از

ص: 131

---

1- مستدرک وسائل الشیعه، ج 5، باب 23، ص 347.

2- بحار الانوار، ج 83، باب 41، ص 95.

مجموعه ای از آیات قرآنی استنباط کرد.

اینگونه است که يك مؤمن واقعی با درود فرستادن بر پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و دیگر فرستادگان الهی، ایشان را بزرگ داشته و احترام می کند و از این راه دوستی و ایمان و پیروی خود از مسیر ایمانی آنها را نشان می دهد.

ص: 132

### درآمد:

سامان دهی به شبکه روابط اجتماعی بر محور حق، زیربنای ساخت شهری عدل مدار را تشکیل می دهد، احکامی که در کتاب خداوند آمده نیز همین خواسته را از سامان بخشی به شبکه روابط اجتماعی دنبال می کند.

معمولاً مراد از «حکم» امر قضاوت می باشد و گاهی هم از آن، امر قانونگذاری اراده می گردد.

بنابراین هدف نهایی، حق می باشد، و وسایل رسیدن جامعه به حق پیامبران الهی می باشند، که بر اساس کتاب فرورستاده شده از جانب خداوند حکم می کنند.

احکام الهی را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

1 - آنچه با درونمایه و اصل دین پیوند خورده (مانند ولایت الهی وصف بندیهای سیاسی) که هر کس به آن عمل نکند، کافر حساب می گردد.

2 - آنچه که با حکم کردن در میان مردم پیوند خورده (مانند قصاص) که هر کس به آن عمل نکند، در صف ستمگران قرار خواهد گرفت.

3 - آنچه که با رفتار، کردار و اخلاق پیوند خورده (مانند آنچه در انجیل می یابیم) که عمل نکردن به آنها موجب پیوستن به فاسقان می شود.

و از آنجا که پروردگار ما حق را بیان می کند در حالیکه بهترین جدا کننده (حق از باطل) می باشد، حکم و فرمان تنها از آن اوست و تسلیم در برابر غیر او جایز نمی باشد.

## 1 - حکم الهی

قرآن کریم:

1 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمانها (و قراردادها) وفا کنید.

چهارپایان (و جنین آنها) برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما خوانده می شود (و استثنا خواهد شد). و به هنگام احرام، صید را حلال نشمرید. خداوند هر چه بخواهد (و مصلحت باشد) حکم می کند.»

2 - (وَكَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ) (2).

«چگونه تو را به داوری می طلبند؟! در حالی که تورات نزد ایشان است؛

ص: 134

---

1- - سورة مائده، آية 1.

2- - سورة مائده، آية 43.



و در آن، حکم خدا هست. (وانگهی) پس از داوری خواستن از حکم تو، (چرا) روی می گردانند آنها مؤمن نیستند.»

3 - (أَفَغَيْرَ اللَّهِ ابْتِغَى حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) (1).

«(با این حال،) آیا غیر خدا را به داوری طلبیم! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن آمده، به سوی شما فرستاده است؛ و کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده ایم می دانند این کتاب، بحق از طرف پروردگارت نازل شده، بنابراین از تردیدکنندگان مباش.»

4 - (إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (2).

«(سخن مؤمنان، هنگامی که بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می گویند: " شنیدیم و اطاعت کردیم " و اینها همان رستگاران واقعی هستند.»

5 - (وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ) (3).

«در هر چیز اختلاف کنید، داوریش با خداست؛ این است خداوند، پروردگار من، بر او توکل کرده ام و به سوی او باز می گردم.»

ص: 135

---

1- - سورة انعام، آیه 114.

2- - سورة نور، آیه 51.

3- - سورة شوری، آیه 10.

حکم (چه به معنای قانونگذاری و چه به معنای قضاوت) از آن خداوند است و از سوی وی فروفرستاده می شود. در واقع انسانها از رهگذر پیامهای پیامبران به احکام عدل مدار پروردگار دسترسی پیدا می کنند. خرد بشری تنها می تواند اصول احکام الهی را دریابد، از همین رو انسان نمی تواند در دریافت احکام الهی مستقل از پیامبرانی که کتابهای آسمانی را بر انسانها می خوانند عمل کند. این امر احکامی چند را بر مؤمنان واجب می کند:

#### احکام:

- 1 - واجب است در هر مسئله ای به دنبال حکم الهی آن باشیم، و جایز نیست به بهانه اینکه مثلاً فلان مسئله در حیطة احکام الهی نمی باشد از جستجوی حکم الهی در آن باره باز بمانیم. البتہ امکان دارد مسئله ای مجمل باشد، که در این صورت باید حکم آن را از اصول عمومی فقه، و محکّمات و مسائل آشکار فقه استنباط کرد، و اگر در حلّ آن مسئله تردید کردیم باید از «اهل ذکر» در آن باره پرسش کنیم.
  - 2 - هر فردی باید خود را چه از نظر روحی، روانی و چه از نظر عملکرد تسلیم احکام شریعت کند و نباید این تسلیم موجب دلگیری او شود. در واقع ندانستن علت و سبب احکام نباید موجب انکار آنها شود.
- به عنوان نمونه، انکار حکم حرمت صید و شکار در حال احرام و یا در مسجدالحرام آن هم بخاطر ندانستن علت و سبب آن جایز نمی باشد.

3 - نه افراط و تفریط در احکام جایز می باشد و نه می توان احکام را متناسب با خرد آزاد و بی قید و بند بشری و یا متناسب با عقول تنگ نظر و درون گرا تفسیر کرد. (1)

4 - در اختلافات، اگر حکم الهی تبیین شود کسی نمی تواند (از ترس مخالفت حکم الهی با مصالح شخصی و یا هوی و هوسش) از آن روی برگرداند، بلکه باید به حکم الهی گوش فرا داده، از آن اطاعت کند.

## 2 - حاکم حقیقی کیست؟

قرآن کریم

(إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسَّسُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَابُ بِمَا اسَّسَ تَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاحْشَوُا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ) (2).

«ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نور بود؛

ص: 137

1- - گاهی رویگردانی از احکام دین واضح و آشکار نیست، و این رویگردانی بگونه ای غیر مستقیم اعمال می شود. تأویل و یا تفسیر احکامی که ناهمخوان و نامتناسب با ذهنیت شخصی ما می باشد، از این جمله است. به عنوان نمونه دسته ای از مسلمانان نوشیدن انواع مسکرات را مجاز شمردند به این بهانه که این شرابها از نوع حرام آن نیست و یا به قمار و عشق بازی دخترکان و... پرداختند و هر آنچه در قرآن آمده را متناسب با هوی و هوس خود تأویل کردند، و بدینسان از حدود احکام الهی منحرف گشتند.

2- - سوره مائده، آیه 44.

و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می کردند؛ و (همچنین) علما و دانشمندان، به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می نمودند. بنابراین (بخاطر داوری بر طبق آیات الهی)، از مردم نهراسید و از من بترسید و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید. و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرند.»

رہیافت وحی:

حکم، حکم خداوند است و همه کس نمی توانند جانشین خدا بر روی زمین باشند. بلکه هرکسی که خداوند او را جانشین ساخته، خلیفۃ اللہ و حاکم در روی زمین خواهد بود. این جانشینان عبارت اند از:

الف - پیامبران؛ که بخاطر تسلیم کامل در برابر خداوند به جانشینی خدا رسیدند (بر همین اساس حضرت ابراهیم و فرزندان او علیهم السلام و همچنین حضرت داود علیه السلام و پیامبرانی که در میان بنی اسرائیل بر مبنای تورات حکم می کردند، جملگی تسلیم امر الهی بودند).

ب - علما و دانشمندان که بر مبنای کتاب الهی داوری می کنند، بر اساس چهار شرط زیر:

1 - سپرده شدن کتاب به ایشان (که پاسداری از کتاب الهی، تقوّه در دین و شناخت حرام و حلال دین را برای ایشان در پی دارد).

2 - گواه بودن ایشان بر کتاب الهی (بدینصورت که به کتاب الهی عمل کنند و شاهد عمل شدن به کتاب الهی در جامعه باشند و امر به معروف و نهی

ص: 138

3 - آیات الهی را به بهای ناچیزی نفروشد (و کتاب خداوند را با زینتهای دنیایی معاوضه نکنند و در برابر ثروتمندان کرنش نکنند.)

4 - از کسی جز خداوند (از صاحبان نفوذ) هراس به دل راه ندهند.

در واقع این چهار شرط در کلمه تقوی و حقایق نمود یافته آن در حاکم فراهم می آیند.

### 3 - فراگیری احکام

قرآن کریم:

(إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَابُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاحْشَوُا اللَّهَ وَآخِشُوا النَّاسَ وَلَا تَسْتُرُوا بِآيَاتِي تَمَنَّا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ \* وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ \* وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ \* وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

«ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می کردند؛ و (همچنین) علما و دانشمندان، به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می نمودند. بنابراین، (بخاطر داوری برطبق آیات الهی)، از مردم نهراسید و از من بترسید؛ و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید. و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرند. \* و بر آنها [ابنی اسرائیل] در آن [تورات]، مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش، و دندان در برابر دندان می باشد؛ و هر زخمی، قصاص دارد، و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص، صرف نظر کند)، کفّاره (گناهان) او محسوب می شود؛ و هرکس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است. \* و به دنبال آنها [پیامبران پیشین]، عیسی بن مریم را فرستادیم در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرستاده شده بود تصدیق داشت، و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود، و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می کرد، و هدایت و موعظه ای برای پرهیزگاران بود. \* اهل انجیل [پیروان مسیح] نیز باید به آنچه خداوند در آن نازل کرده حکم کنند و کسانی که برطبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی کنند، فاسقند.»

ص: 140

به نظر می‌رسد مخالفت با فرمان الهی در زمینه حقوق، ستم، و در رفتار و کردار، فسق و در اصول و مسایل پایه ای (تولّی و تبرّی)، کفر تلقّی شود.

#### احکام:

1 - بی‌گمان اقامه عدل و داد در جامعه وابسته اجرای کامل احکام الهی در حقوق انسانی می‌باشد، برخی از این حقوق عبارت اند از:

الف - احترام به مردم.

ب - قصاص از ظالم هر کسی که باشد بخاطر مظلوم هر کس که باشد.

ج - عدم سازش در احکام شرعی در مواردی که با حقوق کوچک و بزرگ انسانها (همچون حقّ آزادی، حقّ مالکیت، حقّ بخشش ستمگر برای ستم دیده و حقّ برابری در قضاوت) پیوند خورده اند.

د - سامان دهی جامعه ای سالم و بدور از انحراف و کج روی و فساد، که با نهادینه کردن مفاهیمی چون ورع و پرهیز از محارم الهی و بکارگیری پند پیامبران علیهم السلام و جانشینان ایشان کامل می‌گردد.

3 - بی‌گمان ساختن بنای با شکوه تمدّن اسلامی تنها با چنگ زدن به احکام دین در عرصه سیاست، شامل ولایت پذیری اولیاء الهی و تبرّی از دشمنان خداوند، امکان پذیر خواهد بود.

قرآن کریم:

1 - (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ \* وَأِنْ أَحْكَم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحِدَهُمْ أَنْ يَفْتِنوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيراً مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ \* أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْماً لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ) (1).

«و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند، و حافظ و نگهبان آنهاست؛ پس برطبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن و از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن؛ و از احکام الهی، روی مگردان. ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم؛ و اگر خدا می خواست، و همه شما را امت واحدی قرار می داد؛ ولی خدا می خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جوید. بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می کردید؛ به شما

ص: 142



خبر خواهد داد. \* و در میان آنها [اهل کتاب]، طبق آنچه خداوند نازل کرده؛ داوری کن؛ و از هوسهای آنان پیروی مکن؛ و از آنها برحذر باش، مبدا تو را از بعض احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازند. و اگر آنها (از حکم و داوری تو)، روی گردانند؛ بدان که خداوند می خواهد آنان را بخاطر پاره ای از گناهانشان مجازات کند، و بسیاری از مردم فاسقند \* آیا آنها حکم جاهلیت را (از تو) می خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می کند؟»

2 - (يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ) (1).

«ای داوود! ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند!.»

3 - (وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِن أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ) (2).

«و (هنگامی که می خواستند حرکت کنند، یعقوب) گفت: "فرزندان من از يك در وارد نشوید؛ بلکه از درهای متفرق وارد گردید (تا توجّه مردم به سوی

ص: 143

1- - سورة ص، آیه 26.

2- - سورة يوسف، آیه 67.

شما جلب نشود) و (من با این دستور،) نمی توانم حادثه ای را که از سوی خدا حتمی است، از شما دفع کنم. حکم و فرمان، تنها از آن خداست. بر او توکل کرده ام؛ و همه متوکلان باید بر او توکل کنند."»

رہیافت وحی:

یکی از کارهایی که سلامت نظام اسلامی را به خطر می اندازد، پیروی از خواست مردم، بویژه پیروی از خواست اسرافکاران و تجمل گرایان و اعیان و اشراف می باشد. از همین رو باید کتاب الهی را معیاری برای حکم و داوری قرار دهیم.

احکام:

1 - بر حاکم اسلامی واجب است که از پیروی خواستها و هوا و هوسها برحذر باشد و بیم پراکندگی کسانی را که به دنبال هوی و هوس خود هستند، را از دور خود به دل راه ندهد.

2 - حاکم اسلامی برای پایدار ماندن بر راه حق، باید بر خدا توکل کند، و بداند که در صورت عدم یاری خداوند، هر آن ممکن است در برابر خواستها و هوسها سقوط کرده و یاری خداوند را از دست داده و به سستی گراید.

3 - حاکمی که خواستار اجرای احکام الهی و سرباز زدن از پرستش غیر خدا است، باید در جهت پاکسازی قانونها از جهل، مصلحت اندیشی و تعصب گام بردارد و با مقاومت در برابر تأثیرات عوامل یاد شده، قوانین

ص: 144

را تنها بر حق استوار سازد.

4 - برای عاری شدن احکام، داوریه‌ها، قانونگذاریه‌ها و فتاوی از شائبه ی خواست‌ها و هوسهایی چون (جهل، مصلحت اندیشی و تعصب)، حاکم باید مستقل از اهرمهای گوناگون فشار بوده، به آن عوامل یاد شده اعتماد نکند بلکه تنها با اتکال و اعتماد به خداوند یکتا، عمل کند.

5 - مؤمنان باید با آگاهی کامل و آزادانه حکم خداوند را مورد پذیرش قرار دهند، و نباید ضمانت‌های اجرائی مبتنی بر قدرت و ثروت را انتظار کشند. چون، ایندو منبع، معمولاً در دست نیروهای فشار مورد بحث در سطرهای قبل، قرار دارند، و این نیروها با تکیه بر ایندو منبع، جهت گیریهای نادرست خود را بر حکومت تحمیل می کنند.

## 5 - حکم فقه‌ای عادل

قرآن کریم:

1 - (إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا) (1).

«ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی.»

ص: 145

2 - (سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) (1).

«آنها بسیار به سخنان تو گوش می دهند تا آن را تکذیب کنند؛ مال حرام فراوان می خورند؛ پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را بحال خود واگذار. و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی رسانند؛ و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد.»

3 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا \* أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّحَكَّمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيداً) (2).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر [اوصیای پیامبر] را. و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است \* آیا

ص: 146

1- - سورة مائده، آیه 42.

2- - سورة نساء، آیات 59-60.

ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و به آنچه پیش از تو نازل شده، ایمان آورده اند، ولی می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می خواهد آنان را گمراه کند، و به بیراهه های دور دستی بیفکند.»

4 - (فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا مِّن رَّبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ) (1).

«(صالح) از آنها روی برتافت؛ و گفت: "ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید."»

احکام:

الف - مهمترین ویژگیهای حاکم اسلامی دو مورد زیر است:

1 - شناخت حکم الهی تا اینکه در میان مردم بدان حکم کند.

2 - به حق داوری کردن و حمایت نکردن از خائنان و گردن نهادن به حق از طریق اجرای قسط و احقاق حق مردم.

ب - برخورداری از این دو ویژگی و دیگر ویژگیهای آمده در متون کتاب و سنت و به اجرا گذاشتن آنها در عرصه جهان بیرون، ما را به حکم فقیهان درستکار و عادل نزدیکتر می سازد. اما از سویی نباید این حکم را - به

ص: 147

1- - سورة اعراف، آیه 79.

نوبه خود - با افزودن پاره ای از اموری که دلیل شرعی ای برای آنها نداریم، از نو سامان بخشیم. از این رو می توان مهمترین ویژگیهای حاکم الهی را اینگونه برشمرد:

1 - گسستن از خواسته های نفسانی.

2 - فرانخواندن مردم به خود.

3 - دوری گزیدن از تمام مراتب خودسری، خودخواهی و تعصب.

4 - زیاده نخواستن و بلندی نطلبیدن برای خود زیر لوای حکومت الهی و تجاوز نکردن از احکام شریعت و دست اندازی نکردن به حقوق مردم. که در غیر اینصورت حاکم به طاغوتی که به جای خداوند مورد پرستش قرار می گیرد، بدل می شود.

ج - مؤمنان باید میان حاکمان بر حق و حاکمان به ناحق تفاوت قایل شوند و از کسی که به پرستش خداوند فرامی خواند پیروی کنند و از کسی که مردم را به پرستش خودش می خواند روی گردانند، چون، خداوند به ما فرمان داده که از طاغوتیان و سرکشان فرمان نبریم و داوری از ایشان نخواهیم.

ص: 148

ارزش قصاص با ارزشهای عدالت و امنیت پیوند خورده است. چون، برای برقرار ساختن امنیت باید متجاوزان را از تجاوز بازداشت. البته باید حقوق جانین را نیز محترم شمرد و ایشان را به اندازه جنایتشان، نه بیشتر، قصاص کرد.

در واقع قصاص، زندگی اجتماعی را تضمین می کند، چراکه در ارتکاب يك جنایت تنها این قربانی مستقیم جرم نیست که زیان می بیند، بلکه احساس امنیت اجتماعی نیز به شدت آسیب می بیند.

خداوند متعال می فرماید:

(وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (1).

«و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد شاید شما تقوا پیشه کنید.»

از سویی قصاص تنها به ارتکاب قتل محدود نمی شود، بلکه شامل جراحتهای اعضای بدن نیز می شود. در واقع امر قصاص چنان گسترش

ص: 149

می یابد که تمام حقوق و حرمتها را در بر می گیرد، به گونه ای که هرکس شخصیت و حرمت کسی را مورد تجاوز قرار دهد می توان وی را قصاص کرد:

(الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ) (1).

«ماه حرام، در برابر ماه حرام. (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرمت شکنیها، (قابل) قصاص است.»

## 1 - قصاص نفس

قرآن کریم:

1 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ \* وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (2).

«ای افرادی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن. پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود.»

ص: 150

1- - سورة بقره، آیه 194.

2- - سورة بقره، آیات 178-179.



(و حکم قصاص او، تبدیل به خونها گردد)، باید از راه پسندیده پیروی کند؛ (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد؛) و او [اقاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد؛ (و در آن مسامحه نکند). این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما. و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت. \* و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد شاید شما تقوا پیشه کنید.»

2 - (الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) (1).

«ماه حرام، در برابر ماه حرام. (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرمت شکنیها، (قابل) قصاص است. و (بطور کلی) هرکس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید. و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید)؛ و بدانید خدا با پرهیزگاران است.»

3 - (وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا) (2).

«و کسی را که خداوند خودش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق. و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چراکه او مورد حمایت است.»

ص: 151

1- - سورة بقره، آیه 194.

2- - سورة اسراء، آیه 33.

حدیث شریف:

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرموده اند:

«لو اجتمعت ربیعة ومضر علی قتل مسلم لَقُدْتُهم به» (1).

«اگر تمام طوایف ربیعه و مضر برای کشتن مسلمانی هم آوا شوند، بی گمان ایشان را به آن قتل قصاص خواهیم کرد.»

2 - امیر مؤمنان علیه السلام فرموده اند:

«ورثتُ عن رسول الله کتائین؛ کتاب الله و کتاب فی قراب سیفی».

«از رسول خدا دو کتاب به ارث بردم؛ یکی کتاب خدا و دیگری کتابی در نیام شمشیرم.»

پس پرسیده شد: ای امیرالمؤمنین، آن کتابی که در نیام شمشیرتان قرار دارد چیست؟ امام علیه السلام فرمودند:

«مَنْ قَتَلَ غَیْرَ قَاتِلِهِ وَضَرَبَ غَیْرَ ضَارِبِهِ فَعَلِیْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (2).

«هرکس کسی را که قاتل بکشد و یا کسی که او را نزده بزند پس نفرین خدا بر وی باد.»

3 - از حضرت امام باقر و یا حضرت امام صادق علیهما السلام روایت شده که فرمودند:

ص: 152

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، کتاب القصاص، باب 2، ابواب القصاص فی النفس، ح 3، ج 18، ص 211.

2- - وسائل الشیعه، ج 19، کتاب القصاص، باب 4، ابواب القصاص فی النفس، ص 12، ح 9.

«لا يُقَادُ وَالِدٌ بَوْلَدِهِ، وَيُقْتَلُ الْوَالِدُ إِذَا قَتَلَ وَالِدَهُ عَمْدًا»(1).

«پدری به واسطه کشتن فرزندش قصاص نمی شود، ولی اگر فرزندی پدر خود را عمداً بکشد، از او قصاص می شود.»

4 - اسماعیل بن فضل می گوید: از حضرت ابا عبدالله علیه السلام درباره خون مجوس و یهود و نصاری پرسیدم که آیا برایشان و بر قاتلانیشان در صورتی که به مسلمانان خیانت کنند، و به دشمنی آشکار با مسلمانان پردازند، چیزی هست یا نه؟ آن حضرت فرمودند:

«لا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَتَعَوِّدًا لِقَتْلِهِمْ».

«نه، مگر اینکه به کشتن ایشان عادت کرده باشد»

پس اسماعیل ادامه می دهد: سپس پرسیدم آیا مسلمان را بواسطه کشتن اهل ذمه و اهل کتاب باید کشت؟ امام علیه السلام فرمودند:

«لا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَعْتَادًا لِذَلِكَ لَا يَدَعُ قَتْلَهُمْ، فَيُقْتَلُ وَهُوَ صَاغِرٌ»(2).

«نه مگر اینکه به کشتن ایشان عادت کند و از کشتن ایشان دست بردار نباشد، که باید در حالی که خوار شده او را کشت.»

ص: 153

---

1- - وسائل الشیعه، ج 19، کتاب القصاص، ابواب القصاص فی النفس، باب 32، ص 77، ح 1.

2- - همان، باب 47، ص 107، و الکافی، ج 7، ص 303، باب الرجل یقتل مملوکه.

عدالت، بالاترین هدف جامعه است، که امنیت ابزار رسیدن بدان را فراهم می آورد. از آیه کریمه ذکر شده درمی یابیم که؛ قصاص، زندگی و همچنین پرهیزگاری را در پی خواهد داشت، که حیات و زندگی نیز همچون پرهیزگاری با سلامت و امنیت عمومی و اجتماعی پیوند خورده است.

#### احکام:

1 - بخاطر اینکه قصاص به منزله ی ابزاری برای رسیدن به عدالت تلقی شود، به اندازه جرم باید قصاص کنیم. از همین رو کشتن افراد دیگری بجز فرد جنایتکار جایز نمی باشد چون زیاده روی در قتل محسوب می شود.

2 - در صورتی که جمعی مشترکاً کسی را بکشند، می توان تمام آنها را قصاص کرد. چراکه تمام آنها قاتل به شمار می آیند (می توانید تفصیل بیشتر را در باب قصاص فقه بیابید.)

3 - بخشیدن قاتل جایز است، این بخشش می تواند بلا-عوض و برای رضای خداوند و از روی جوانمردی صورت پذیرد، و می توان قصاص را به دیه تبدیل کرد.

4 - فقها برخی از شروط قصاص را اینگونه ذکر می کنند:

نخست: برابری در آزادی، چون، فرد آزاد هیچگاه در قبال کشتن بنده ای کشته نمی شود.

دوم: برابری در دین، چون، فرد مسلمان به واسطه کشتن يك كافر نباید کشته شود، مگر اینکه حاکم تشخیص دهد با قصاص نکردن مسلمانی که کافری را کشته است، فساد و تباهی فراگیر خواهد شد و امنیت از میان خواهد رفت، که در این صورت می توان قصاص کرد.

همچنین مسلمانی که به قتل اهل ذمه و یا بندگان خوگرفته باشد را باید قصاص کرد.

سوم: قاتل نباید پدر مقتول باشد، چون، کشتن فرزند توسط پدر قصاص ندارد.

چهارم: سلامت عقل؛ پس نمی توان مجانین را قصاص کرد.

پنجم: بلوغ؛ پس کودکانی را که به حد بلوغ نرسیده اند نمی توان، قصاص کرد.

## 2 - قصاص اندامها

قرآن کریم:

(وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) (1).

«و بر آنها [ابنی اسرائیل] در آن [تورات]، مقرر داشتیم که جان در

ص: 155

مقابل جان، چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش، و دندان در برابر دندان می باشد، و هر زخمی، قصاص دارد؛ و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص، صرف نظر کند)، کفّاره (گناهان) او محسوب می شود، و هرکس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است.»

حدیث شریف:

1 - امام صادق علیه السلام فرمودند:

«قضى أمير المؤمنين عليه السلام فيما كان من جراحات الجسد أن فيها القصاص،

أو يقبل المجروح دية الجراحة فيعطها»(1).

«امیرالمؤمنین علیه السلام درباره زخمهای بدن به لزوم قصاص و یا پذیرش فرد زخمی به گرفتن دیه، و دادن آن به وی قضاوت کردند.»

2 - ابو بصیر روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام درباره شکستن عمدی دندان و بازو و اینکه آیا در برابر این عمل باید دیه گرفت و یا قصاص کرد پرسیدم. پس آن حضرت فرمودند:

«باید قصاص کرد.»

من ادامه دادم: اگر دیه را دو برابر کردند چطور؟ ایشان فرمودند:

«إن أرضوه بما شاء فهو له»(2).

ص: 156

---

1- - وسائل الشّیعه، ج 19، باب 13، ص 132، ح 1، (20 جلدی) و ج 29، ص 176 (29 جلدی).

2- - همان، ح 4.

«اگر وی را به آنچه خواستار شود راضی گردانند پس برای اوست آنچه خواسته.»

رہیافت وحی:

همچنانکه نفس قصاص دارد، برای زخمها و اندامها نیز قصاص پیش بینی شده است. به عنوان نمونه اگر دست و پای کسی را قطع کنند و یا سر کسی را بشکنند و یا به گونه ای دیگر وی را مجروح سازند، فرد مجروح می تواند فرد جانی را قصاص کند.

احکام:

1 - کسی که عمداً یکی از اندامهای دیگری را قطع کند و یا دیگری را زخمی کند، قصاص می شود.

2 - فرد زیان دیده می تواند بی درنگ و بدون در نظر گرفتن شرطی، جانی را مورد عفو قرار دهد، و یا اینکه قصاص را به دیه تبدیل کند.

3 - شروط قصاص در اینجا همچون شروط قصاص نفس است.

بنابراین مسلمان به واسطه زخمی کردن و یا قطع عضو ذمی و همچنین پدر بواسطه جرح و یا قطع عضو فرزند، قصاص نمی شوند. کودکی که به حد بلوغ نرسیده، مجنون و کسی که به جرح و یا قطع عضو مجبور شده باشد (مکره) نیز قصاص، نمی شوند.

4 - مشهور در میان فقهای ما این است که نمی توان دست سالم را در

ص: 157

برابر دست از کار افتاده و فلج قطع کرد. همچنین اگر جانی بیماری ای داشته باشد که قصاص موجبات مرگ او را فراهم آورد، (به عنوان نمونه مبتلا به مرض قند باشد) نمی توان او را بواسطه جرح و یا قطع اعضاء قصاص کرد.

### 3 - قصاص در حرمت شکنیها

قرآن کریم:

(الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) (1).

«ماه حرام، در برابر ماه حرام (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرمت (شکنی) ها، (قابل) قصاص است. و (بطور کلی) هرکس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید. و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید) و بدانید خدا با پرهیزگاران است.»

حدیث شریف:

علاء بن فضیل می گوید: از آن جناب (امام معصوم) درباره آغازگری جنگ مسلمانان با مشرکان در ماه حرام پرسش کردم؟ پس آن حضرت فرمودند:

ص: 158



«إذا كان المشركون يبتدؤنهم باستحلاله، ثم رأى المسلمون أنهم يظهرون عليهم فيه، وذلك قول الله عز وجل: (الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ)»

والروم في هذا بمنزلة المشركين، لأنهم لم يعرفوا للشهر الحرام حرمة ولا حقاً، فهم يبتدؤون بالقتال فيه، وكان المشركون يرون له حقاً وحرمة،

فاستحلوه، فاستحل منهم، وأهل البغي يبتدؤون بالقتال»(1).

«وقتی مشرکین در آغاز رعایت حرمت شهر حرام را نکنند، مسلمین هم می توانند از این بابت آزاد باشند، اگر دیدند قتالشان در شهر حرام باعث پیروزی است، می توانند در شهر حرام آغاز کنند، این همان است که آیه شریفه: (ماه حرام، در برابر ماه حرام) (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرامها، (قابل) قصاص است.) بیانش می کند، و روم نیز از مشرکین هستند، چراکه برای ماه حرام حرمت و حقی قایل نیستند، پس ایشان جنگ را در ماه حرام آغاز می کنند، حال آنکه مشرکان برای ماه حرام حق و حرمتی قایل بودند، پس حرمت ماه حرام را نگاه نداشتند، در نتیجه حرمت ایشان نیز نگاه داشته نشد، و ستمگراند که جنگ را آغاز می کنند.»

رهیافت وحی:

هرکس حقوقی دارد که تجاوز به آنها بر دیگران حرام می باشد. حال اگر کسی بدین حقوق تعدی کرد صاحب حق می تواند قصاص کند، چراکه برای حرمتها (یا حقوق محترم مردم) قصاص پیش بینی شده است.

ص: 159

---

1- وسائل الشیعه، ج 11، کتاب الجهاد، ابواب جهاد العدو، باب 22، ص 70، ح 1، (20 جلدی).

1 - هر امری که با سلامت و امنیت فردی مردم مرتبط باشد، حرمتی برای ایشان محسوب می شود، که دیگران باید آنرا محترم بدارند. از این رو نمی توان بدن، دارایی یا جاهت و اعتبار کسی را مورد تجاوز قرار داد.

- در این صورت اگر کسی، از سوی فرد دیگری مورد جرح قرار گیرد، نفر اول حقی دارد جانی را به تفصیلی که در «کتاب القصاص» آمده با زخم زدن قصاص کند.

- همچنین اگر دارائیهای کسی، از سوی دیگری به ناحق مورد دست اندازی قرار گیرد، زیان دیده می تواند حقی خود را از نفر دوم باز پس گیرد.

- از سویی اگر شخصیت و آبرو و اعتبار کسی، توسط دیگری مورد تعرض قرارگیرد و نفر دوم با این کار حرمت نفر اول را هتک کند، بر نفر اول جایز است تا همانند او عمل کند، البته در صورتی که مقابله به مثل فرد آبرو از کف داده به فعل حرام دیگری همچون اشاعه فحشا و یا زیان رساندن به دیگران منجر نشود.

2 - اگر قصاص در حرمت شکنیها به زیان دیگران و یا به فعل حرام دیگری منجر شود، آن قصاص جایز نمی باشد. به عنوان نمونه: اگر کسی پنهانی به درون خانه دیگری نگاه کند و به همسر و یا دختر وی نظر افکند، نمی توان در برابر این عمل وی مقابله به مثل کرد، چراکه نگاه کردن به زن نامحرم چه بدواً و چه از روی قصاص، جایز نمی باشد.

3 - در برخورد با حقوق و حرمت‌های جوامع نیز همچون حقوق افراد عمل می‌شود. لذا نمی‌توان به جامعه‌ای هتک حرمت کرد؛ حرمت ماه حرام در نزد عرب پیش از اسلام و همچنین حرمت بیت الله الحرام از این دست حرمت‌های اجتماعی می‌باشند. البته اگر خود جوامع بدو این حرمت‌ها را مورد هتک قرار دهند، می‌توان در برابر ایشان به مقابله به مثل پرداخت و ایشان را قصاص کرد.

4 - از آیه کریمه برمی‌آید که هتک حرمت‌هایی که در نظر مردم قصاص و مقابله به مثل تلقی می‌شود، جایز می‌باشند. به عنوان نمونه:

- اگر دولتی احترام به سفارت و کارگزاران سفارت دولت دیگری را که یکی از گزاره‌های عرف سیاسی می‌باشد، نقض کند، دولت دوم می‌تواند مقابله به مثل کند.

- یا اگر هواپیماهای جنگی کشوری به حریم هوایی کشور دیگری وارد شوند، یا ناوهای ایشان از مرزهای قانونی کشور دوم عبور کنند، کشور دوم می‌تواند به همین گونه عمل کند.

- اگر دولتی بر کالاهای تجاری کشور دیگری عوارض و مالیات گمرکی وضع کند، دولت دوم می‌تواند مقابله به مثل کند.

- همچنین است در صورت جعل آرمها و علائم تجاری کشوری توسط کشوری دیگر، که کشور دوم می‌تواند به آنچه به مثابه قصاص تلقی می‌شود عمل کند. در پایان باید گفت که اینها همه به این خاطر است که «برای حرمتها (و حقوق مورد احترام) قصاصی است».



حق حیات یکی از بنیادی ترین حقوق انسانها تلقی می شود. در واقع این حق، ارزشی ایمانی است که از گزاره هایی چون احترام به دیگران و به رسمیت شناختن تمام حقوق مردم سرچشمه می گیرد. از این رهگذر است که قرآن کریم حرمت نفس (انسان) را از بزرگترین حرمتها دانسته است.

در واقع ارتکاب قتل جنایتی معمولی نیست، چرا که اولاً مخالف با فطرت بشری است ثانیاً از مصادیق ستم تلقی می شود. زیرا که، فرد قاتل حق حیات را از یک انسان سلب می کند.

از این رو خداوند متعال برای حفاظت از جان مردم و بزرگداشت ارزش حیات، برای اولیای مقتولی که به ستم کشته شده است اختیاراتی قرار داده و حرمت قتل نفس را به عنوان پیمانی میان خود و جامعه قلمداد کرده، همچنانکه قصاص را نیز تضمین کننده حیات اجتماعی دانسته است.

قرآن کریم:

1 - (وَآتَىٰ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ \* لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ بِإِذِي إِلَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ \* إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ \* فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ \* فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي غِ سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُورِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ \* مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ(1).

«و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند، اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد، (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: "به خدا سوگند تو را خواهم کشت!" (برادر دیگر) گفت: (من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد \* اگر تو برای کشتن من، دست دراز کنی، من هرگز به قتل تو دست نمی گشایم، چون از پروردگار جهانیان می ترسم \* من می خواهم که بار گناه من و گناه خودت را بر دوش کشی، و از

ص: 164

دوزخیان گردی. و همین است سزای ستمکاران " \* نفس سرکش؛ کم کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد؛ (سرانجام) او را کشت؛ و از زیانکاران شد. \* سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کند و کاو) می کرد، تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: "وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟! " و سرانجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار وجدان، از کار خود) پشیمان شد. \* به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته، و هرکس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی اسرائیل آوردند، اما بسیاری از آنها، پس از آن در روی زمین، تعدی و اسراف کردند.»

حدیث شریف:

1 - از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که آن حضرت خطاب به محمد بن مسلمة فرمودند:

«ألق كمك على وجهك، وكن عبد الله المقتول، ولا تكن عبد الله القاتل» (1).

«آستین خود را روی صورت خود بگیر، و بنده خدای کشته شده باش، نه بنده خدای قاتل.»

2 - از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا، أَثْبَتَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى قَاتِلِهِ جَمِيعَ الذُّنُوبِ وَبِرِّي»

ص: 165

---

1- - تفسیر کبیر، فخر رازی، ج 11، ص 216، چاپ قم.

المقتول منها، وذلك قول الله عز وجل: (إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ)«(1).

«هرکسی مؤمنی را عمداً بکشد، خداوند تمام گناهان را برای قاتلش ثبت می کند، و این معنی این گفته الهی است که: (من می خواهم که بار گناه من و گناه خودت را به دوش کشی، و از دوزخیان گردی).»

3 - در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«أوحى الله عز وجل إلى موسى بن عمران؛ أن يا موسى قل للملأ من بني إسرائيل: إياكم وقتل النفس الحرام بغير حق، فإن من قتل منكم نفساً في الدنيا،

قتلته في النار مائة ألف قتلة مثل قتلة صاحبه.»(2).

«خداوند عز وجل به موسی بن عمران وحی کرد که: ای موسی! به توده مردم بنی اسرائیل بگو از قتل نفس محترمه به ناحق برحذر باشند، پس بیگمان هرکسی از شما نفسی را در دنیا بکشد، در آتش جهنم او را صد هزار بار همچون کشتن آنکه در دنیا کشته بود به، خواهم کشت.»

4 - امام باقر علیه السلام در حدیثی درباره این گفته الهی که: (وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً) می فرماید:

«لم يقتلها، أو أنجى من غرق أو حرق، أو أعظم من ذلك كله يخرجها من ضلالة إلى هدى»(3).

ص: 166

---

1- بحار الأنوار، ج 101، ص 377، باب عقوبة قتل النفس، ح 42.

2- همان، ح 40.

3- بحار الأنوار، ج 101، باب 1، عقوبة قتل النفس، ص 380.



«منظور کسی است که می تواند شخصی را بکشد ولی نکشد، یا شخصی است که کسی را از غرق و سوختن نجات دهد و از همه آنها بزرگتر و کسی است که شخصی را از ضلالتی به سوی هدایت بکشاند.»

رہیافت وحی:

خصلت‌های رفتاری و صفات ناپسند، از جمله صفاتی چون زیاده خواهی و همچنین حسد، در واقع حیات انسانی را به خطر می اندازند. از این رو مؤمنان در جهت پیراستگی روان خود از این صفات باید بکوشند، همچنانکه جامعه ایمانی نیز به نوبه خود باید در جهت پیراستگی روانها از رسوبات اخلاقی ای چون تعصب و خودخواهی گام بردارد، تا بنیاد تباهی و جنایت در جامعه ریشه کن گردیده و از ارزش حیات جانها، محافظت و نگهداری شود. [در واقع بنیاد تربیت و پرورش سالم بر پرهیزگاری بنا می شود، و همچنین بر اینکه بدانیم که تنها معیار پذیرش فرمانبرهای مردم در نزد خدا و تنها سنجه بهروزی در دنیا پرهیزگاری است، و اینکه هموردی و سبقت جویی در نیکیها از رهگذر تقوی، بهتر از نزاع و هموردی منفی با یکدیگر می باشد.

احکام:

1 - جایز نیست کسی تنها به خیال اینکه دیگری نسبت به وی خیال شومی در سر می پروراند، او را بکشد یا آزاری به وی برساند. این در حالی است که بسیاری از جرائم در پی چنین ترسها و خیالهایی واقع می شوند.

ص: 167

حال آنکه اگر جهانیان همگی به گفته فرزند آدم ابوالبشر به برادر خود مبنی بر اینکه «هرگز به قتل برادرش دست نخواهد گشاد» پای بند باشند، بیگمان میزان جرایم در جوامع به نسبت چشمگیری کاهش خواهد یافت.

البته باید گفت این امر به هیچ وجه به معنی منع دفاع شخصی و یا تسلیم شدن در برابر قاتلان و جنایتکاران نمی باشد.

2 - همانگونه که دست زدن به کارهای نیک و سبقت جویی در نیکیها امری نیکو تلقی می شود، باید از دست زدن به کارهای نادرست و شوم جلوگیری کرد. بدیگر سخن در آستانه وقوع امر شوم و ناپسند، هیچگاه نباید در انجام آن از دیگران سبقت جست. به عنوان نمونه: اگر جنگی وقوعش ناگزیر باشد نمی بایست آغاز کننده آن بود، و یا اگر قتلی، ناگزیر، به وقوع خواهد پیوست نباید دست به آن آلوده ساخت، چون، قاتلان بار گناه خود و بار گناه مقتول به ناحق را تنها خود به دوش می کشند.

3 - مرحله پیش از تصمیم گیری برای ارتکاب جرم مرحله ای مهم می باشد. از این رو باید تمام عزم و اراده و تمام پیشینه های روحی، روانی و نیز تمام نیروی عقلانی خود را برای رویارویی با وسوسه های گمراه کننده شیطان و تلاشهای پی گیر نفس اماره برای گمراه ساختن و منقاد کردن وجدانمان، در این مرحله بکار گیریم.

از این جهت باید به امور زیر اهمیت دهیم:

الف - اشاعه فرهنگ احترام به زندگی و حیات در جوامع به هر وسیله

ص: 168

ممکن، و مقابله با هر فرهنگ جاهلانه ای که حیات بشری را کم اهمیت تلقی کرده، برای زندگی انسانها حکمتی قائل نمی باشد.

ب - برحذر داشتن مردم از پیامدهای قتل و ترساندن ایشان از زیانهایی که در دنیا و آخرت گریبانگیر قاتلان خواهد شد.

ج - جلوگیری از نمایش فیلمهای رایجی که صحنه هایی از قتل و کشتار را به نمایش می گذارند و از این رهگذر امر کشتن را امری سهل و آسان و چه بسا مثبت می نمایانند، همچنانکه روشهای متفاوت قتل را نیز به نمایش درمی آورند.

د - جلوگیری از انتشار ترانه ها، سرودها، شعرها یا داستانهایی که قتل و کشتن را تحسین می کنند و حیات بشری را به استهزاء می گیرند.

ه - با خبر ساختن مردم از ابعاد گوناگون جنایت يك قاتل، تا این امر در فرهنگ جامعه عمومی شود، امری که تماماً واژگونه آن چیزی است که امروزه در بسیاری از فیلمها و داستانهای پلیسی به نمایش درمی آید و با مشروعیت بخشی به عملکرد قاتلان دل هر بیننده ای را نسبت به ایشان به ترحم وامی دارد.

4 - از آیه 32 سوره مائده و احادیث معتبری که در تفسیر این آیه گذشت درمی یابیم که: ارزش زندگی بسیار بزرگ است، و مؤمنان باید از هر راهی این ارزش را پاس دارند.

اکنون در ذیل به پاره ای از احکام استنباط شده از این مفاهیم توجه کنید:

نخست: مؤمنین باید نظام بهداشت و درمان ممتازی را در جامعه ایجاد کنند، تا جامعه را از شیوع ویروسها و میکروبها ایمن سازند، همچون برنامه‌هایی چون واکسیناسیون فراگیر در برابر بیماریهای واگیردار و خطرناک، سامان دهی به یک سیستم مراقبت از مرزها برای جلوگیری از ورود بیماریها از مناطق آلوده، به داخل کشور، ایجاد قرنطینه‌هایی برای بیماران مبتلا به بیماریهای خطرناکی چون سل، ایدز و وبا، ایجاد سیستمی برای مراقبت از مواد غذایی و سیستمی برای رسیدگی به امور مادران و کودکان و بالاخره اهتمام به تغذیه درست و کامل جامعه. به علاوه می‌بایست نظام درمانی متکاملی که از سویی پزشکان و داروهای مورد نیاز را به موقع فراهم می‌آورد و از سوی دیگر به ایجاد درمانگاهها و بیمارستانهایی با کادر پزشکی ممتاز می‌پردازد، بوجود آید.

دوم: مؤمنان باید سیستم راهنمایی و رانندگی قاطعی را به جهت محافظت مردم از پیامدهای حوادث بوجود آمده در اثنای عبور و مرور و سایر نقلیه ایجاد کنند. در واقع این سیستم باید مراقب وضعیت خیابانهای داخلی و خارجی باشد، و علاوه بر این عوامل سالم ماندن در عبور و مرور را فراهم آورد.

سوم: علاوه بر این باید سلامت مردم را از خطرات احتمالی دستاوردهای صنعت و تکنولوژی همچون خطراتی که کابلها و اتصالات امر برق رسانی و ابزارهای برقی، مجاری گاز و وسایل گازسوز، شبکه مجاری آب و فاضلاب را، دربردارند ایمن ساخت، بگونه‌ای که در صورت رخ داد حوادثی این چنینی باید به سرعت و قاطعیت برای از میان

بردن و یا کاهش زیانهای احتمالی وارد عمل شد.

چهارم: دولت‌ها باید قوانین مناسبی را به جهت ایمن ساختن امر ساخت و ساز و ایمنی ساختمانها وضع کنند. قانونگذاران باید استوار ساختن پی ساختمانها، ضد زلزله کردن آنها (در مناطق زلزله خیز) و تعبیه کردن راههای خروجی کافی برای استفاده در مواقع بروز حوادث غیر مترقبه (همچون آتش سوزی) و اموری از این دست که سلامت و ایمنی را ضمانت می کنند، در مفاد قوانین و مقرراتی که از تصویب می گذرانند، مورد توجه قرار دهند.

## 2 - پیشگیری از جنایت قتل

قرآن کریم:

1 - (وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا)(1).

«و هرکس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می ماند؛ و خداوند بر او غضب می کند؛ و او را از رحمتش دور می سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.»

2 - (وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مُظْلَمًا فَقَدْ

ص: 171

جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا(1).

«و کسی را که خداوند خودش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق. و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چراکه او مورد حمایت است.»

3 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا \* وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَبِّهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا \* إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا(2)).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.

و خودکشی نکنید. خداوند نسبت به شما مهربان است. \* و هرکس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت، و این کار برای خدا آسان است \* اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم؛ و شما را در جایگاه خوبی وارد می سازیم.»

4 - (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ

ص: 172

1- - سورة اسراء، آیه 33.

2- - سورة نساء، آیات 29-31.

دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَزْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ(1).

«و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید؛ و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید. سپس شما اقرار کردید، (و بر این پیمان) گواه بودید.»

حدیث شریف:

1 - در حدیث از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«قتل النفس من الكبائر؛ لأنّ الله عزّوجلّ يقول: (وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا)(2)»(3).

«قتل نفس از گناهان کبیره محسوب می شود، چراکه خداوند متعال فرموده: (و هرکس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است، در حالی که جاودانه در آن می ماند، و خداوند بر او غضب می کند، و او را از رحمتش دور می سازد، و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.)»

2 - همچنین از امام صادق علیه السلام در باب توبه مؤمنی که مؤمن دیگری را از روی عمد بکشد پرسش شد. آن حضرت پاسخ دادند:

«إن كان قتله لإيمانه فلا توبة له، وإن كان قتله لغضب أو لسبب شيء من أمر

ص: 173

1- - سورة بقره، آية 84.

2- - سورة نساء، آية 93.

3- - بحار الأنوار، ج 101، ص 371، باب عقوبة قتل النفس.

الدنيا، فإنَّ توبته أن يُقَاد منه، وإن لم يكن علم به أحد انطلق إلى أولياء المقتول فأقرّ عندهم بقتل صاحبهم، فإن عفوا عنه فلم يقتلوه أعطاهم الدية، وأعتق نسمة، وصام شهرين متتابعين، وأطعم ستين مسكيناً توبة إلى الله» (1).

«اگر او را بجهت ایمانش کشته برای او توبه نیست و اگر بر اثر غضب و یا چیز دیگری از امور دنیوی مرتکب قتل شده توبه او قصاص نمودن اوست و اگر کسی از قاتل بودن وی خبر نداشت به نزد اولیای مقتول رفته، به قتل فرد مقتول اقرار کند، پس اگر از او در گذشتند و او را نکشتند باید به عنوان توبه دیه دهد، و یک بنده هم آزاد کند و دو ماه متوالی روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر نماید.»

3 - همچنین از آن حضرت روایت شده که فرمودند:

«لا يزال المؤمن في فسحة من دينه ما لم يصب دماً حراماً».

«مؤمن تا زمانی که خونی را به حرام نریخته باشد از جهت (پابندی به) دین خود از شرایط مناسبی برخوردار خواهد بود.»

آن حضرت همچنین فرموده اند:

«لا يوفق قاتل المؤمن متعمداً للتوبة» (2).

«کسی که مؤمنی را از روی عمد به قتل رساند موفق به توبه نمی شود.»

4 - امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در عهدنامه مبارک خود به والی خود بر مصر - مالک اشتر رحمه الله - می فرماید:

«إِيَّاكَ وَالْدمَاءَ وَسَفْكَهَا بغيرِ حِلِّهَا، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِنِقْمَةٍ، وَلَا أَعْظَمَ

ص: 174

1- بحار الأنوار، ج 101، ص 378، باب عقوبة قتل النفس.

2- همان.



لَتَبِعَهُ، وَلَا أُحْرَى بِرِوَالِ نِعْمَةٍ، وَأَنْقِطَاعِ مُدَّةٍ، مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ بِغَيْرِ حَقِّهَا. وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ مُبْتَدِيٌّ بِالْحُكْمِ بَيْنَ الْعِبَادِ، فِيمَا تَسَافَكُوا مِنَ الدَّمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ فَلَا تُقَوِّينَ سُلْطَانَكَ بِسَفْكِ دَمٍ حَرَامٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُضَعِّفُهُ وَيُوهِنُهُ، بَلْ يُزِيلُهُ وَيَنْقُلُهُ.

وَلَا عُذْرَ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ وَلَا عِنْدِي فِي قَتْلِ الْعَمْدِ لِأَنَّ فِيهِ قَوْدَ الْبَدَنِ» (1).

«از ریختن به ناحق خونها بر حذر باش، چون، هیچ چیز بیشتر از این کار به نعمت و بدبختی فرا نمی خواند، و هیچ چیز پیامدی بزرگتر از آن ندارد و هیچ چیز نمی تواند مانند این عمل نعمت را از میان ببرد و مدت را بگسلد، خداوند منزّه و پاک، در روز قیامت داوری را از حکم کردن میان بندگان که به خونریزی پرداخته اند آغاز می کند. پس سلطه خود را با ریختن خونی به حرام تقویت مکن، چون، این کار از آن جمله است که سلطه تو را سست و ضعیف می کند، و چه بسا آن را نابود و واژگون می سازد، و هیچ عذری از تو در برابر قتل عمد در نزد خدا و نه در نزد من پذیرفته نیست، چراکه در آن (قتل عمد) قصاص بدنی است.»

رہیافت وحی:

برای محافظت از زندگی انسانها و پیش گیری از ارتکاب قتل در جامعه، باید به مردم بگوییم که قتل نفس از گناہان کبیرہ است، و کیفر کسی که مؤمنی را می کشد دوزخ جاوید خواهد بود. برای جلوگیری از ارتکاب قتل در مفاد پیمان حقوقی امت باید بگنجانیم که قتل ممنوع است و قصاص عادلانه ای برای جنایتکاران در نظر بگیریم. و اینکه افراد جامعه نباید جنایت قاتل را

ص: 175

کتمان کنند.

احکام:

1 - قتل نفس، تا زمانی که بر جواز شرعی آن دلیل قاطعی چون، قصاص نفس، افساد فی الارض، دفاع از خود در جنگها یا دلایلی دیگر از این دست، اقامه نشده باشد، حرام شمرده می شود.

2 - قتل نفس نه تنها حرام است، بلکه از گناهان کبیره ای شمرده می شود که خداوند مرتکبان آن را به آتش جهنم بیم داده است.

3 - قتل مؤمن در روایات به دوگونه است:

الف - کشتن مؤمن بخاطر دینش، که کیفر این گونه قتل آتش جاودان در آخرت و کیفرهای دنیوی ای چون قصاص و دیه، را در پی خواهد داشت.

ب - کشتن از روی خشم و غضب، بدون اینکه دین و مذهب مقتول نقشی در ارتکاب قتل ایفا کند، که در اینصورت کیفر قاتل تنها قصاص یا دیه خواهد بود.

4 - کیفر کسی که مؤمنی را بکشد، در دنیا قصاص و دیه می باشد که (همانگونه در گفتگو از قصاص در گفتار قبلی آمد) بخاطر منع از ارتکاب قتل وضع شده است، و از سوی دیگر در آخرت کیفر وی عذاب و خواری خواهد بود.

5 - اسلام، پنهان کردن قاتلان و سرپوش گذاشتن بر کار آنها را به جهت فرار از دادگری عادلانه، حرام کرده است.

6 - هر جامعه خواستار عزت و ایمان، باید در میان فرزندان و گروههای خود پیمانی ناگسستنی مبنی بر؛ حمل نکردن اسلحه بر علیه

ص: 176

یکدیگر، و تبعید نکردن یکدیگر از محل سکونت خود، هرچند اختلافها و تضاد مصالح میان افراد بالا گیرد، ببندد. چون، استفاده از شمشیر نظام را سست و تبعید و وادار کردن افراد به ترك سرزمین، پایه های تمدن را لرزان می سازد.

### 3 - جنایت کشتن فرزندان

قرآن کریم:

1 - (وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ) (1).

«همین گونه شرکای آنها [ابتها]، قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه دادند؛ (کودکان خود را قربانی بتها می کردند، و افتخار می نمودند). سرانجام آنها را به هلاکت افکندند؛ و آیینشان را بر آنان مشتبه ساختند. و اگر خدا می خواست، چنین نمی کردند؛ (زیرا می توانست جلو آنان را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد). بنابراین، آنها و تهمت هایشان را به حال خود واگذار (و به آنها اعتنا مکن).»

2 - (قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ) (2).

ص: 177

---

1- - سورة انعام، آیه 137.

2- - سورة انعام، آیه 140.

«بیقین آنها که فرزندان خود را از روی جهل و نادانی کشتند، گرفتار خسران شدند؛ (زیرا) آنچه را خدا به آنها روزی داده بود، بر خود تحریم کردند، و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند؛ و (هرگز) هدایت نیافته بودند.»

3 - (وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ \* بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ) (1).

«و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود: \* به کدامین گناه کشته شدند؟!»

رہیافت وحی:

در واقع کشتن فرزندان یکی از زشت ترین گونه های ارتکاب قتل بشمار می رود؛ نخست: از آن رو که قاتل خود می بایست در نقش حامی و ولیّ قربانی نقش، ایفا کند و قربانی را از هر آسیبی نگهداری کند، و دوم؛ اینکه قربانی در این گونه قتلها ضعیف می باشد و توان دفاع از خود را ندارد.

احکام:

1 - باید با این فرهنگ زشت (یعنی کشتن فرزندان) که در روزگار جاهلیّت نخستین، در میان مردم رایج بود، و توسط مردان وحی باور، نابود شد، رویارویی کرد.

2 - به نظر می رسد که «سقط جنین» یکی از گونه های کشتن فرزندان

ص: 178

1- - سورة تکویر، آیات 8 و 9.

می باشد، چون، فرزند در رحم ما در مراحل اولیه حیات خود را بدست می آورد. هنوز هم در بسیاری از کشورها جنایت سقط جنین رواج دارد، بلکه صورتی قانونی نیز به خود گرفته است. از همین رو ما می بایست با هر وسیله ممکن به رویارویی این جنایت پردازیم.

ص: 179



برای فراگیر ساختن امنیت در جامعه ایمانی، باید به هر شکلی از هر انسانی حمایت شود، و تنها در صورت اقامه دلیلی قاطع، افراد مجرم شناخته شوند، این امر همان حق مشروع تمام بشریت است، و یکی از سنتها و قوانین الهی مبرا بودن انسان از گناه و مجرم نشمردن مردم به گناه دیگران و دستگیر نکردن افراد، پیش از اتمام حجت بر آنها می باشد. و اینکه انسان بی گناه نباید به علت جنایت دیگران مجازات شود. این سنت از نمودهای عدل الهی می باشد.

چون، خداوند متعال تنها در صورت اتمام حجت، اهالی يك شهر نافرمان را نابود می کند:

(ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ) (1).

«این بخاطر آن است که پروردگارت هیچ گاه (مردم) شهرها و آبادیها را بخاطر ستمهایشان در حال غفلت و بی خبری هلاک نمی کند. (بلکه قبلاً رسولانی برای آنها می فرستد).»

ص: 181

همچنین خداوند کسی را به خاطر گناه دیگری مورد مؤاخذه قرار نمی دهد، و بدعت (اقدامهای امنیتی بازدارنده) که مستلزم قصاص قبل از جنایت است، را رد می کند.

## 1 - آگاهی، شرط مسؤلیت است

قرآن کریم:

1 - (ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ) (1).

«این بخاطر آن است که پروردگارت هیچ گاه (مردم) شهرها و آبادیها را بخاطر ستمهایشان در حال غفلت و بی خبری هلاک نمی کند. بلکه قبلاً رسولانی برای آنها می فرستد.»

2 - (وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ) (2).

«و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلس ظالم بودند.»

3 - (وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ) (3).

ص: 182

---

1- - سورة انعام، آیه 131.

2- - سورة قصص، آیه 59.

3- - سورة شعراء، آیه 208.



«ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه انداز کنندگانی (از پیامبران الهی) داشتند.»

حدیث شریف:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«رُفِعَ عَنِ امَّتِي تِسْعَةٌ: الخَطَأُ، والنسيان، وما اكرهوا عليه، وما لا يطيقون،

وما لا يعلمون، وما اضطرّوا إليه، والحسد، والطيرة، والتفكير في الوسوسة في الخلق ما لم ينطق بشفة»<sup>(1)</sup>.

«مسئولیت نه چیز از امت من برداشته شده است [آن نه چیز عبارت اند از: اشتباه، فراموشی، آنچه به آن مجبور شوند، و آنچه از توانشان خارج است، و آنچه نمی دانند، و آنچه بدان ناچار (مضطرّ) می شوند، حسد و خشم، و اندیشه وسوسه انگیزی درباره خلق که به زبان نیاید.»

رهیافت وحی:

شریعت الهی همچنانکه حکیمانه است، به رحمت و رأفت نیز آراسته است. از همین رو خداوند متعال تنها در صورت فرستادن پیامبری هشدار دهنده، جوامع نافرمان را کیفر می کند، و همچنین غافلان را تنها در صورت یادآوری و تذکار به کیفر می رساند. از همین رو عذر نادان تا وقتی به مسئله آگاهی نیافته موجه خواهد بود، بویژه اگر در آن عدم آگاهی قاصر باشد نه مقصّر، چراکه آگاهی شرط مسئولیت است.

ص: 183

جهل مردم نسبت به قانون و یا دین، پیش از برحذر داشتن آنها و هشدار دادن به ایشان و رسانیدن پیام دین به ایشان، عذر به حساب می آید. اما این امر از سویی مسؤولیت علما و دانشمندان دینی را نیز دو چندان می کند. از همین رو علمای دین می بایست به انذار مردم و رسانیدن احکام شریعت به ایشان قیام کنند، که در اینصورت با رسیدن هشدارهای لازم به مردم جهل کسی بر وی بخشیده نخواهد شد.

## 2- بی گناهی و براءت انسان

قرآن کریم:

1 - (قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَدِيدًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ \* قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لظَالِمُونَ) (1).

«گفتند: "ای عزیز! او پدر پیری دارد (که سخت ناراحت می شود)؛ یکی از ما را به جای او بگیر؛ ما تو را از نیکوکاران می بینیم" \* گفت: "پناه بر خدا که ما غیر از آن کس که متاع خود را نزد او یافته ایم بگیریم؛ در آن صورت، از ظالمان خواهیم بود!"»

2 - (أَلَا تَرَىٰ وَايَاتِنَا وَزُرَّ أُخْرَى \* وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (2).

«که هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد، \* و اینکه برای انسان

ص: 184

---

1- - سورة يوسف، آيات 78 و 79.

2- - سورة نجم، آيات 38 و 39.

بهره ای جز سعی و کوشش او نیست،»

حدیث شریف:

1 - امام صادق علیه السلام در حدیثی فرموده اند:

«ولا يأخذ الله عز وجل البرئ بالسقيم، ولا يعذب الله عز وجل الأطفال بذنوب الآباء، فإنه قال في محکم کتابه : (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (1)) (2).

«و خداوند متعال بی گناه را به گناه گناهکار مؤاخذه نمی کند، و فرزندان را به گناه پدران و مادران کیفر نمی کند، چون در کتاب استوار خود فرموده:

(که هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد).»

2 - از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«لا تجن یمینک علی شمالک» (3).

«جنایت دست راست خود را به دست چپ نسبت نده.»

رہیافت وحی:

ادری سخنی از مسؤلیت انسان و حد و مرز آن، سخنی از برائت متهمان پیش از اثبات جرم، و سخنی از اینکه هرکس مسؤلیت عملکرد خود را تنها خود به گردن دارد و اینکه نمی توان گناه کسی را به گردن دیگری انداخت، مگر اینکه نفر دومی خود کوتاهی کرده باشد که باید گناه آن را به اندازه

ص: 185

---

1- - سورة اسراء، آیه 15.

2- - تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص 876، کتاب خصال، ج 2، ص 608.

3- - همان، به نقل از مجمع البیان، ج 3، ص 404.

کوتاهی اش به گردن گیرد، خواهد آمد.

احکام:

1 - نمی توان گناه کسی را به گردن دیگری انداخت. از اینرو باید گفت مجازاتهای دسته جمعی ای که توسط نظامهای ستم پیشه صورت می گیرد نامشروع هستند. برخی از این مجازاتها عبارت اند از:

الف - تحریم اقتصادی تمام ملت، برای واداشتن فرزندان آن ملت بر مخالفت نظام حاکم در آن کشور.

ب - تحت تعقیب قرار دادن خویشان يك متهم تنها به جرم نزدیکی با وی.

2 - تا زمانی که جرم مظنونی بر مبنای احکام قضائی درستی ثابت نشده باشد، نمی توان جرمی را به وی نسبت داد.

3 - ارکان گناه یا جرم چیست؟ (1)

الف - بیگمان، وقتی به يك فعل اطلاق گناه (یا جرم) می شود که از سوی شریعت گناه (و جرم) محسوب شده باشد، از سویی انجام هر عملی که نسبت به گناه و جرم بودن آن آگاهی نداریم، گناه شمرده نمی شود. چون، پیش از این نیز مشروط بودن گناه و جرم به آگاهی پیشینی

ص: 186

---

1- - قوانین بشری برای جرم، سه رکن اساسی در نظر می گیرند: رکن قانونی، رکن مادی و رکن معنوی. رکن قانونی بیانگر ویژگی نامشروع عمل است (حرمت شرعی) رکن معنوی نیز اراده و قصد انجام جرم را بیان می کند، رکن مادی نیز از انجام فعل، پیامد مجرمانه، و پیوند سببی میان آندو تشکیل می یابد.

فاعل گناه به گناه بودن آن فعل را یادآور شده بودیم. در واقع تنها در این صورت است که بر فاعل می توانیم اطلاق گناهکار کنیم.

ب - وجود قصد و خواست و اراده ای معطوف به انجام گناه نیز یکی از شرطهای تحقق گناه می باشد. آنچه از شریعت آسان ما بر می آید این است که، نمی توان مُکره (کسی که به کاری مجبور شود)، مضطرّ (آنکه ناچار به انجام کاری شود)، و آنانکه برای قصدشان نمی توان اعتباری قایل شد همچون مجنون و کودك و کسی که در خواب بسر می برد را به اعمالشان مؤاخذه کرد.

ج - یکی دیگر از ارکان گناه، آن است که گناه از سوی خود شخص و نه کس دیگر صادر شود. بنابراین نمی توان کسی را به سبب عملکرد فرد دیگر گناهکار (یا مجرم) شمرد، هر چند دوست یا خویش فرد گناهکار باشد.

د - گناه باید در جهان خارج به وقوع پیوندد، و اراده کننده گناهی که به هر دلیلی به انجام گناه موفق نشود، گناهکار یا مجرم محسوب نمی شود، چون، خواستی که به فعلیت منجر نشود تأثیری در بر ندارد.



#### حفظ و پاس داری (1)

انسان باید حرمت‌های خود را پاس دارد، و نفس خود را از شهوت‌های گناه آلود و دشمنی و دارایی‌های خود را از ولخرجی و اتلاف نگهدارد.

چه بسا اولین چیزی که باید پاس داشت: فرج، بویژه برای زنان (چراکه آسیب پذیرتراند)، پس از آن نفس و در آخر داراییها باشد.

از این رو باید گفت محافظت از حرمت‌های هرکس وظیفه ای مشترك

ص: 189

---

1- - اصل عربی این تیترا «الإحصان والحفظ» می باشد که نگارنده در پا نوشت، توضیحاتی درباره آن داده است که توجه شما را به آن جلب می کنیم: با توجه به واژه (الإحصان) و مشتقات آن و موارد کار بردشان می توان سه بُعد برای معنی آن در نظر گرفت: نخست: وجود چیزی با ارزش که می خواهیم از آن مراقبت کنیم. دوم: اینکه این چیز با ارزش به آنچه از آن نگهداری می کند احاطه شود. سوم: اینکه این مراقبت ثابت و مداوم باشد بگونه ای که شیء و یا شخص مورد مراقبت، احساس اطمینان و آرامش کند. از این رو معنی واژه «حصن» متفاوت از معنی واژه «حفظ» می باشد، چه، حفظ مراقبت از چیزی را به هنگام بروز خطر گویند، حال آنکه در «حصن» شیء مورد مراقبت در وضعیتی امن قرار می گیرد تا با بروز خطر آسیبی نبیند.

میان خود و دیگران می باشد. بدیگر سخن علاوه بر اینکه دیگران باید حرمت هر فردی را پاس دارند، خود فرد نیز باید دیگران را از هتک حرمت خود باز دارد.

همچنین هرکس باید از حدود و احکام خداوند و سوگندهای خود محافظت کند، و از امانتها نیز نگهداری نماید.

## 1 - دفاع مشروع

قرآن کریم:

1 - (الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) (1).

«ماه حرام، در برابر ماه حرام. (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرامها، (قابل) قصاص است. و (بطور کلی) هرکس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید. و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید)؛ و بدانید خدا با پرهیزکاران است.»

2 - (وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ \* وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ \* وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ \* إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ

ص: 190



وَيَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ(1).

«و کسانی که هرگاه ستمی به آنها رسد، (تسلیم ظلم نمی شوند و) یاری می طلبند \* کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ و هرکس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ خداوند ظالمان را دوست ندارد. \* و کسی که بعد از مظلوم شدن یاری طلبد، ایرادی بر او نیست؛ \* ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می کنند و در زمین بناحق ظلم روا می دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی است!.»

3 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا)(2).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.

و خودکشی نکنید. خداوند نسبت به شما مهربان است.»

حدیث شریف:

1 - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان امام باقر علیه السلام نقل می کنند که آن حضرت فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ لِيَمِقت العبد، يُدخِل عليه في بيته فلا يقاتل»، وقال أيضاً: «إذا دخل عليك رجل يريد أهلك ومالك فابدره بالضربة إن استطعت، فإنَّ اللصَّ محارب لله ولرسوله، فما تبعك منه شيء فهو عليّ»(3).

ص: 191

---

1- - سورة شوری، آیات 39-42.

2- - سورة نساء، آیه 29.

3- - وسائل الشیعه، ج 11، کتاب الجهاد، باب 46، ص 91، ح 2 و 3، (20 جلدی). ل لا همان ج 15، ص 119 (29 جلدی).

«بیگمان خداوند با بنده ای که با مهاجمان به خانه اش به جنگ نپردازد، دشمنی می کند.» و همچنین فرموده اند: «اگر کسی برای دست درازی به خانواده و دارائیت بر تو داخل شود، پس در صورت توان با زدن وی، او را غافل گیر کن، چه، دزدان و آنها که از دیوار مردم بالا می روند محارب با خدا و رسولند، پس هرچه از او به تو رسید، بر من است.»

2- ابو ایوب می گوید: از ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که فرمود:

«مَنْ دَخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنٌ دَارَهُ مُحَارِبًا لِي، فَدَمَهُ مَبَاحٌ فِي تِلْكَ الْحَالِ لِلْمُؤْمِنِ،

وَهُوَ فِي عُنُقِي»<sup>(1)</sup>.

«هرکس ستیزه جویانه بر خانه مؤمنی وارد شود، خونش برای آن مؤمن در آن حال مباح است، و آن بر گردن من است.»

3- امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«إِذَا أَطَّلَعَ رَجُلٌ عَلَيَّ قَوْمٌ يَشْرَفُونَ عَلَيْهِمْ أَوْ يَنْظُرُونَ مِنْ خَلَلِ شَيْءٍ لَهُمْ، فَرَمَوْهُ فَأَصَابُوهُ فَقَتَلُوهُ، أَوْ فَقَوْوْا عَيْنَهُ، فَلَيْسَ عَلَيْهِمْ غَرَمٌ»، وَقَالَ: «إِنَّ رَجُلًا أَطَّلَعَ مِنْ خَلَلِ حِجْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

فَجَاءَ رَسُولَ اللَّهِ بِمَشَقَصٍ لِيَفْقَأَ عَيْنَهُ فَوَجَدَهُ قَدْ انْطَلَقَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ خَبِيثٍ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ ثَبَّتَ لِي لَفَقَأْتُ عَيْنَكَ»<sup>(2)</sup>.

«اگر کسی بر گروهی اشراف یابد و از منفذی به ایشان نظر افکند، و سپس ایشان او را نشانه گیرند و بکشند، و یا چشم او را بر کنند، ایشان نباید تاوانی

ص: 192

---

1- وسائل الشیعه، ج 18، باب 7، ص 543 (جلدی) و همان، ج 29، ص 321، (29 جلدی).

2- همان، ج 19، باب 25، ص 49، ح 6 (20 جلدی)، و همان، ج 29، ص 67، (29 جلدی).

بپردازند» و همچنین فرمود: «مردی از سوراخهای اطاق رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر افکند، پس رسول خدا با تیری آمدند تا چشم او را در آورند، ولی او رفته بود. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای خبیث، به خدا سوگند اگر می ماندی چشمت را بر می کردم.»

4- از رسول اکرم صلی الله علیه و آله دربارهٔ مردی که در دفاع از اموالش کشته شود نقل شده که فرمودند:

«مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ قُتِلَ شَهِيدًا، وَلَوْ كُنْتُ أَنَا لَتَرَكْتُ لَهُ الْمَالَ وَلَمْ أَقَاتِلْهُ»<sup>(1)</sup>.

«هرکس در دفاع از دارایی خود کشته شود شهید محسوب می شود، و اگر من بودم دارایی را برای او وامی گذاشتم و با وی به ستیز بر نمی خواستم.»

رهیافت وحی:

زندگی ارزشمند است، و نگهداری از آن چه زندگی خود و چه زندگی قابل احترام دیگران باشد واجب است. یکی از راههای این محافظت و نگهداری؛ دفاع شرعی از زندگی و کرامت آن است. از این رهگذر است که محافظت و دفاع از جان و آبرو و کرامت و دیگر حرمت‌های انسانی در فقه جایز بلکه واجب شمرده شده است.

ص: 193

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 11، کتاب الجهاد، أبواب جهاد العدو باب 39، ص 98، ح 1 و ج 18، ص 198، باب 2.

1 - دفاع از جان و دیگر حرمت‌های انسانی شامل آبرو، داراییها و حقوق جایز می باشد، و اگر شخص مدافع در اثنای دفاع خود آسیبی ببیند در نزد خدا پاداش خواهد داشت، و اگر کشته شود، شهید از دنیا خواهد رفت. از سویی در صورت آسیب دیدن فرد متجاوز نیز مسؤولیتی به گردن فرد مدافع نخواهد بود، همچنین اگر متجاوز کشته شود، گناهکار از دنیا خواهد رفت.

2 - دفاع مشروع تنها يك حقّ جایز نیست، بلکه گاهی واجب می شود.

وآن در زمانی است که به اشاعه صلح و فراگیری آرامش کمک کند و به فراهم آمدن امنیت اجتماعی بینجامد. البته این مسأله به موشکافی بیشتری نیاز دارد که می توان جزئیات بیشتر را در ابواب قضاء و حدود فقه نگاه کرد.

3 - دفاع از آبرو نیز در صورت عدم ترس از کشته شدن واجب است، اما در صورت امکان کشته شدن، ادله ای که به دفاع از جان، مال و آبرو فرامی خوانند و کشته در دفاع از جان، مال و آبرو را شهید محسوب می کنند، تنها بر جواز دلالت می کنند.

4 - به هنگام تجاوز به مال و دارایی، واگذاشتن مال در صورت احتمال کشته شدن، بهتر از دفاع است، هر چند دفاع در این وضعیت نیز جایز می باشد.

5 - انسان خردمند میزان سود و زیان را می سنجد و براساس حکمت عمل می کند. بر همین اساس گاهی میزان ترس از کشته شدن کم، و میزان اموال در معرض خطر زیاد می باشد، که در اینصورت دفاع بهتر است، اما

در شرایطی واژگونه، چشم پوشی از مال بهتر می نماید، مگر اینکه در چنین شرایطی دفاع از مال سودی امنیتی و یا سود مهم دیگری را دربرداشته باشد.

6 - اگر کسی، دیگری را در حال انجام فعل حرامی با همسر، دختر یا یکی دیگر از محارم خود بیابد، حق دارد دفاع کند، هر چند به کشته شدن طرف مقابل منجر شود، چه، خون چنین فردی هدر می باشد، و تجاوز به آبروی مسلمانان همچون چنین تجاوزی، نزد مسلمانان در زمره تجاوز به شرف که با تجاوز به جان برابری می کند، به شمار می رود.

7 - اگر کسی پنهانی به گروه یا خانواده ای نظر افکند و زنان نامحرم آنها را نظاره گر شود، ایشان حق دارند وی را از این کار بازدارند، و در صورت پافشاری وی براین کار، ایشان حق دارند مثلاً با پرتاب چیزی بسوی او او را از این کار باز دارند، هر چند این پرتاب به آسیب فرد مجرم بینجامد.

البته این نگاه می بایست نگاه به نامحرم باشد تا درخور چنین کیفری شود، اما در صورت خالی بودن خانه و یا در امان بودن زنان از نگاه دیگران و مانند اینها، وضع به گونه ای دیگر رقم می خورد.

8 - خانه حرمتی دارد که می بایست از آن دفاع کرد، هر چند که هتك حرمتهایی چون نگاه کردن به خانه و یا داخل شدن بدان، به هتك حرمتهای بزرگتری چون تجاوز به جان و مال و آبرو منجر نشود. حال پرسش اینجاست که مرز دفاع از خانه و حرمتهای مشابه آن، تا به کجاست؟ و آیا می توان دفاع را تا حدّ هلاك یکی از دو طرف در نظر گرفت؟ پاسخ این پرسش دو وجه دارد، و مسأله نیازمند موشکافی

9- اگر کسی در معرض دشنام دیگری قرار گیرد، می تواند به مقتضای آیه قرآن، واکنش نشان دهد. اما در صورتی که این واکنش، خلاف شرعی همچون اشاعه فحشاء و یا دشنام به کسان دیگری همچون پدران و اجداد طرف مقابل، را دربرداشته باشد، جایز نمی باشد.

## 2- دفاع از حرمتها و حقوق دیگران

قرآن کریم:

1- (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ سَاهِدَاءَ لِّلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! کاملاً قیام به عدالت کنید. برای خدا شهادت دهید، اگرچه (این گواهی) به زیان شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد؛ (چراکه) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد. و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است.»

ص: 196

2 - (وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا)(1).

«چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند، پیکار نمی کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده ای) که می گویند: "پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر؛ و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده؛ و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما."»

3 - (ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ)(2).

«(مناسک حج) این است؛ و هرکس برنامه های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است. و چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آنچه (ممنوع بودنش) بر شما خوانده می شود. ازبتهای پلید اجتناب کنید و از سخن باطل بپرهیزید.»

4 - (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ)(3).

«توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع

ص: 197

1- - سورة نساء، آیه 75.

2- - سورة حج، آیه 30.

3- - سورة توبه، آیه 112.

کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان!))

حدیث شریف:

1 - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوار خود، از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام روایت می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم»<sup>(1)</sup>.

«هرکس صدای مردی را بشنود که ندای یا للمسلمین سر می دهد [و از مسلمانان یاری می جوید] ولی پاسخش نگوید، مسلمان نیست.»

2 - همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

«لا تقفن عند رجل يُقتل مظلوماً (وفي رواية اخرى: يُضرب مظلوماً)، فَإِنَّ اللعنة تنزل على مَنْ حضر ولم يدفع عنه»<sup>(2)</sup>.

«نزد مردی که مظلومانه کشته می شود (و در روایت دیگری: مظلومانه کتک می خورد) نایستید، چراکه بر هرکس که در چنین صحنه ای حاضر باشد و از مظلوم دفاع نکند، نفرین و لعنت بر وی فرورستاده خواهد شد.»

ص: 198

---

1- - وسائل الشیعه، ج 18، کتاب الحدود والتعزیرات، أبواب الدفاع، باب 7، ص 590، ح 1، (20 جلدی)، همان، ج 28، ص 285، (29 جلدی).

2- - دکتر داوود العطار، تجاوز الدفاع الشرعی، ص 160، به نقل از: غزالی، احیاء علوم الدین، ج 2، ص 223، چاپ 1326 هـ.



3 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«عونك الضعيف من أفضل الصدقة»<sup>(1)</sup>.

«یاری تو، به ضعیفان یکی از بهترین بخششهاست.»

4 - از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز روایت شده که فرمودند:

«أيها المؤمنون، إنَّ مَنْ رَأَى عَدُوًّا يُعْمَلُ بِهِ، وَمَنْكَرًا يَدْعَى إِلَيْهِ، فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ، فَقَدْ سَلِمَ وَبِرٍّ؛ وَمَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ اجْر، وَهُوَ أَفْضَلُ مَنْ صَاحَبَهُ، وَمَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعَلِيَا، وَكَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى، فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى، وَقَامَ عَلَى الطَّرِيقِ، وَنَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ»<sup>(2)</sup>.

«ای مردم با ایمان، هرکس ببیند که در جامعه ستمی صورت می گیرد و به عمل زشتی خوانده می شود، و او با قلبش آن را انکار کند، پس دینش سالم و خودش از گناه بر کنار است و هرکس با زبانش آن را منکر شود و زشت بشمارد، پاداش او بهتر از شخص گذشته است و هرکس با شمشیر انکارش کند تا مشیت و سخن خداوندی بالاتر از همه چیز قرار بگیرد و حکمه (مشیت و سخن) ستمکاران در پست ترین درجات، این شخصی است که راه هدایت را پیش گرفته و بر طریق حق قائم است و یقین قلبش را منور ساخته است.»

ص: 199

---

1- - وسائل الشّیعه، ج 11، کتاب الجهاد، ابواب جهاد العدو، باب 59، ص 108، ح 2 (20 جلدی) و همان، ج 15، ص 141 (29 جلدی).

2- - نهج البلاغه، قصار الحکم، 373، ص 815 و 816.

دفاع از جان، مال و آبرو و بطور کلی حرمتها و حقوق دیگران، همچون دفاع از حرمتها و حقوق خود جایز، بلکه واجب می باشد. آیات قرآن همچنان که به برپایی قسط در جامعه و دفاع از عدالت، امر می کنند، بر لزوم یاری مظلومان و دور ساختن ظالمان به هر وسیله ممکن، نیز دلالت دارند.

احکام:

1 -- جلوگیری از ستم مستکبران به فرودستان، اگرچه به زور اسلحه، واجب است. حال ظالم و مظلوم هرکه می خواهند باشند.

2 - جان و مال و آبروی مردم از حرمت‌های الهی هستند که می بایست بزرگشان داشت. از سویی یکی از برجسته ترین نمودهای این بزرگداشت نیز دفاع از این حرمتها می باشد. در واقع این حرمتها در زمره حدود الهی به شمار می آیند و حفظ آنها بر همگی الزامی است.

3 - اسلام به نهی از منکر امر می کند، هرچند این نهی از منکر (با توجه به شروط آمده در شرع) مستلزم استفاده از زور باشد. در واقع تجاوز به حرمتها از بزرگترین منکراتی محسوب می شوند که می بایست از آنها جلوگیری به عمل آید. باید گفت اگر مؤمنان به این دستور الهی درست و مخلصانه عمل کنند، حاکمیت امنیت و آرامش در کشورهای اسلامی به سادگی میسر خواهد شد.

قرآن کریم:

1 - (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْتِكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا) (1).

«مردان، سرپرست و نگهدارنده زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ و (اگر مؤثر واقع نشد) در بستر از آنها دوری نمایید؛ و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود)، آنها را تنبیه کنید. و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید. (بدانید) خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست).»

2 - (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ

ص: 201

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَائِضِينَ  
فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً(1).

«بیقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبیا و زنان صابر و شکیبیا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.»

3 - (لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيءٌ بِأَمِّ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ(2).

«خداوند شما را بخاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده)، مؤاخذه نمی کند؛ ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده اید، مؤاخذه می نماید. کفاره این گونه قسمها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می دهید؛ یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر؛ و یا آزاد کردن يك برده؛ و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد، سه روز روزه

ص: 202

1- - سورة احزاب، آیه 35.

2- - سورة مائده، آیه 89.

می گیرد؛ این کفار سوگندهای شماسست به هنگامی که سوگند یاد می کنید (و مخالفت می نمایید). و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید). خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند، شاید شکر او را بجا آورید.»

4 - (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (1).

«توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان!.»

5 - (إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاحْشَوُا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ) (2).

«ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نور بود، و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می کردند، و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می نمودند. بنابراین، (بخاطر داوری برطبق آیات الهی)، از مردم نهراسید، و از من بترسید؛ و آیات مرا به بهای ناچیزی

ص: 203

1- - سورة توبه، آیه 112.

2- - سورة مائده، آیه 44.

نفروشید. و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرند.»

حدیث شریف:

1 - در وصیّت امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام به فرزند بزرگوارشان امام حسن علیه السلام می خوانیم:

«وَإِذَا كُنْفُ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ خَيْرٌ لَكَ وَلَهُنَّ مِنَ الْإِزْتِيَابِ، وَلَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ دُخُولِ مَنْ لَا يُؤْتَقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ،

وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ مِنَ الرِّجَالِ فَافْعَلْ» (1).

«زنان را در حجاب نگهدار تا از نگریستن به مردان باز مانند: زیرا سخت گرفتن حجاب برای تو و آنان بهتر از افتادن در بدگمانی است و بیرون رفتنشان از خانه بدتر نیست از این که بیگانه ای که به او اطمینان نداری نزد آنان به خانه آید، و اگر بتوانی کاری کنی که هیچ کس از مردان را جز تو نشناسند، آن کار را انجام بده.»

2 - همچنین آن حضرت فرموده اند:

«صيانة المرأة أنعم لحالها، وأدوم لجمالها» (2).

«پاس داری از زن نعمت او را فزونتر و زیباتر را با دوامتر می سازی.»

3 - از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

ص: 204

---

1 - مستدرک وسائل الشیعه، ج 14، باب 21، ص 183.

2 - همان، ج 14، باب 70، ص 255.

«لا يخلون رجل بامرأة فانّ ثالثهما الشيطان»(1).

«مرد و زنی با هم خلوت نخواهند کرد مگر اینکه سومینشان شیطان باشد.»

4 - امام سجّاد علیه السلام می فرماید:

«استثمار المال تمام المروءة»(2).

«به کار گرفتن دارائی در امری سودآور همه مروت است.»

5 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«من المروءة استصلاح المال»(3).

«بکار گرفتن دارائیها و به سود رساندن آنها از مروت است.»

6 - همچنین از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

«الاقتصاد في النفقة نصف المعيشة»(4).

«میانہ روی در مصرف نیمی از معیشت است.»

ص: 205

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، باب 78، ص 266.

2- - همان، ج 13، باب 18، ص 49.

3- - وسائل الشیعه (30 جلدی) ج 17، باب 21، ص 64.

4- - شهید ثانی، منیة المرید، القسم الثانی، آدابہ مع شیخہ، ص 258، قم، دفتر تبلیغات، 1409 ه ش.

دفاع مشروع به عنوان ارزش اجتماعی که امنیت و آرامش را فراهم می آورد، یکی از جنبه های مهم مفهوم کلی نگاهبانی و پاسداری و مراقبت را تشکیل می دهد. ولی این، همه چیز نیست. در واقع برای برخورداری از یک زندگی همراه با امنیت و داشتن دارائیهها و اعتبار و آبرو، دور از آسیب، باید دژهای استواری برای پاس داری از امنیت و صلح بنا کنیم، تا اطمینان و آرامش همه گیر شود.

فرزندان جامعه می بایست از آمادگی کافی برای پرداخت هزینه های امنیت برخوردار شوند، که این امر با پاس داری ایشان از جان، مال، حقوق و آبرو و اعتبارشان و حفظ حدود الهی، به طرق مختلف میسر می شود.

احکام:

الف - پاس داری از اعتبار و آبرو

رعایت عفت و پاکدامنی، حرام بودن خودنمایی و زینت نمایی زنان، پایبندی به احکام و آداب رفتار زنان در زندگی، روشمند ساختن روابط میان زنان و مردان براساس موازین شرعی و همچنین احکام و آداب زندگی زناشویی... جملگی پایه های دژ استواری را تشکیل می دهند که جامعه را در برابر یورشهای فساد و تباهی حفظ می کند.

احکام زنان در شریعت اسلام از زمینه ای گسترده برخوردار است، که باید آنها را بیاموزیم، و در بکارگیری گزاره های آن تلاش کنیم و بر آن



شکلیا باشیم. حال به پاره ای از پرکاربردترین گزاره های این احکام در زندگی امروزین توجه کنید:

1 - تحولات زندگی این عصر در بسیاری از کشورها زنان را به ایفای نقش در عرصه کار و تلاش کشانیده، حال آنکه بیشتر اوقات وظایفی چون بارداری و شیر دادن به فرزندان و ترتیب ایشان، با کار زنان در تعارض قرار می گیرد. از همین رو می بایست قوانین و احکامی را در حمایت زنان از دشواری های کار بیرون از خانه پیش بینی کرد، که در آنها فرصت بیشتری برای توجه به شؤون زنانه، بویژه توجه به عفت و ظرافت و لطافت زنانه به زنان داده شود، زیرا، زنان چون گیاهان خوشبویند، نه چون مردان، قهرمان.

2 - باید به فرهنگ سازی برای زنان با محوریت فطرت لطیف ووظایف همسر بودن ایشان، دست یازید، چون، فرهنگ حاکم بر زنان فرهنگی مردانه می باشد. به عنوان نمونه اهمیت دادن به دروسی چون ریاضیات و یا جغرافیا در مدارس دخترانه بیش از اهتمام به آموزشهای مرتبط با دوران بارداری و شیردهی و تربیت فرزندان می باشد. که این نمونه ای از تسلط فرهنگ مردانه بر زنان می باشد. در واقع اتخاذ چنین روشهایی با نقش بنیادین زن ناسازگار، و چه بسا ستمی آشکار برایشان محسوب شود.

3 - برانگیختن غریزه جنسی دختران بدون اشباع آن از راههای مناسب، یکی از بدترین منکرات شایع در جامعه می باشد، از اینرو ما می بایست از بروز انگیزشهای اینچنینی که از راه داستان و رمان، فیلم یا از رهگذر اختلاط دختران و پسران، یا ایجاد مزاحمت در کوی

وبرزن و مانند اینها انتقال می یابند، جلوگیری کنیم.

4 - معماری امروزی که یکی از پدیدارهای فرهنگ سهل انگارانه مدرن می باشد، آزادی زنان را در خانه خود از ایشان سلب کرده است، این در حالی است که خانه آخرین پناهگاه زنان به شمار می آید و در اسلام احکام و آداب فراوان و ارزشمندی برای فراهم آمدن امنیت ایشان در خانه پیش بینی شده است. احکامی چون حرمت داشتن خانه ها، وارد شدن به خانه ها پس از گرفتن اجازه، و داخل نشدن به اتاقهای مخصوص خواب حتی توسط اهل خانه آن هم برای اینکه زنان در خلوت خود از آزادی کافی برخوردار شوند، و نخواستن چیزی از زنان مگر پس از حجاب، همه و همه از این جمله احکامند. از این رو می بایست بطور کامل معماری مدرن را مورد تجدید نظر قرار داده، و روشهای ساخت و ساز مناسبی را ابداع کرد، که با ویژگی محافظ بودن خانه که در آن آزادی کامل زنان تأمین شود، همخوان شده باشد.

5 - لباسهای وارداتی ای که تنها در آنها به جنبه انگیزختگی و زینت زنان توجه شده است، اولاً از آن جهت که باعث محفوظ بودن زنان ناسازگار می باشند و ثانیاً بخاطر آنکه زن را از فعالیت و کار بازمی دارند، ایشان را در تنگنا قرار می دهند. لذا اینگونه لباسها در خور تجدید نظرند. در واقع باید در پی لباسهایی باشیم که در کنار زیبایی، پوشیدگی و عفاف زنان را نیز تأمین کنند، و همچنین آزادی تحرک را برای زنان فراهم آورند.

6 - همچنانکه محافظت از خود و عورت بر زنان واجب است، مردان نیز می بایست از عورت خود محافظت کنند و شرف خود را پاس دارند.

از اینرو به عنوان نمونه برتن کردن لباسهایی که شهوت دختران را برمی انگیزد و یا دست زدن به حرکات ناپسند معمول میان جوانان هرزه، و یا تعقیب و آزار دختران، همگی با مفهوم صیانت و پاسداری از جامعه، و فراگیر ساختن امنیت خانوادگی در آن مخالف می باشند، و باید از آنها دوری گزید.

## ب - محافظت از جانها

یکی از واجبات برآمده از سرشت آدمی محافظت از جان و پاس داری از زندگی می باشد، که در شرع مقدّس برای تحقّق آن صدها حکم و دستور وضع شده است. ما در این مجال در صدد نیستیم تمام احکام را از نظر بگذرانیم، بلکه در آنچه خواهد آمد تنها به آن دسته از احکامی اشاره می کنیم که امکان دارد در این موضوع از ذهنها پنهان بمانند:

1 - انسان باید به خود نظری افکند، و زندگی شخصی خود را با دقّت و بر مبنای حکمت اداره کند. هرکس، باید به آنچه می خورد و می آشامد توجه کند، و موقع خواب و فعالیت خود را تنظیم کند، و به نیرو و سلامتی جسمانی خود اهمّیت دهد و سلامت عقل و روان خود را پاس دارد، و زمانی را برای استراحت و تفریح جسم خود در نظر گیرد، و برای دست یافتن به تمام اینها، هرکس می بایست شناخت کلیّی ای نسبت به سود و زیانهای زیستی انسان پیدا کند.

2 - هرکس می بایست از راههایی چون: اهمّیت به پاکیزگی، دوری از میکروبیها و بیماریهای واگیرداری چون وبا، مراجعه به پزشکان در زمان مناسب، و دقّت در اجرای اوامر پزشکان، به سختی از سلامت خود

مراقبت کند.

3 - جامعه باید به فرزندان خود، بویژه به نوباوگان توجه لازم را مبذول دارد، و تمام وسایل سلامت جسمانی و روانی را برای ایشان فراهم آورد.

4 - فقها نیز باید احکامی در باب ضرر و زیانهای ناشی از رعایت نکردن بهداشت عمومی از جمله؛ آلودگی محیط زیست، الودگی صوتی، و همچنین تشدید مراقبت از مواد غذایی و آب مصرفی مردم را و هر آنچه با بهداشت عمومی پیوند خورده است، از منابع عمومی دینی استنباط کنند.

5 - همچنین دولت‌ها باید سیستم مراقبتی خود را در زمینه حوادث منجر به مرگ و میر، از حوادث عبور و مرور گرفته تا خطرهایی که کارگران را تهدید می کنند و تا خطرات ورزشی و مانند اینها، تقویت کنند.

6 - جوامع مؤمن می بایست همواره برای دفاع از امنیت ملی خود، آماده باشند. آمادگی برای جنگ، مستحکم ساختن مواضع دفاعی کشور با استفاده از وسایل الکترونیکی ای که از مرزهای هوایی، آبی و خاکی مراقبت می کنند و بهره مند شدن از خندقها و پاسگاههای مرزی مستحکم و فراهم آوردن اسلحه مورد نیاز و ساخت شهرهای دفاعی، و استفاده از جنگ افزارهای بهتر، و آماده سازی جوانان برای گونه های مختلف جنگ و در نهایت آموزش دفاع شخصی، و ساخت پناهگاههایی که مردم را از حملات هوایی مصون می دارند، حال چه در این حملات از جنگ افزارهای معمولی استفاده شود، چه از سلاحهای کشتار جمعی، همه و همه می بایست فراهم آیند تا امنیت ملی محقق شود.

ص: 210

برای اینکه دارائیهای خود را از چشم داشت دزدان و سارقان و از فریبکاریهای مافیای اقتصادی و بازی ثروتمندان بزرگ و... دور نگاه داریم می بایست بیش از پیش به تدبیر در گذران زندگی و معیشت، توجه کنیم. در فقه اسلامی دهها توصیه و حکم با هدف اقامه قسط و اینکه کسی نه آشکارا (همچون دزدی و راه زنی) و نه پنهانی (همچون خوردن به ناحق اموال مردم و رباخواری) به دیگری ستم روا ندارد، بیان شده است.

در آنچه خواهد آمد به احکامی که آنها را با اهمّیت یافته ایم خواهیم پرداخت:

1 - علیرغم اینکه سرشت انسان، وی را به نگهداری از اموالش وامی دارد، ولی مجرمان و گروههای مافیای اقتصادی همواره روشهای نوینی را برای دست اندازی مستقیم و یا غیر مستقیم بر روزی مردم ابداع می کنند. از اینرو انسان می بایست از فرهنگ اقتصادی ای برخوردار شود که نه تنها از رهگذار آن با چگونگی فراهم آوردن ثروت، بلکه با چگونگی نگهداری و حفظ ثروت از آسیبهایی مانند اتلاف و سرقت و در مرحله بعد با چگونگی برخورداری از مصرفی دور از اسراف، ولخرجی و ساده لوحی نیز آشنا شود.

2 - اندیشمندان و علما و همچنین رسانه های تبلیغی گوناگون می بایست فرهنگ سازی اقتصادی را در برنامه های توجیهی ای که برای عامه مردم در نظر می گیرند، بگنجانند.

3 - از سویی دولتهای فهیم نیز می بایست موشکافانه، روشهای گروههای مافیایی در چپاول دارائیهای مردم را برای رویارویی با آنها زیر نظر گیرند، و مردم را به ذخیره کردن، به کار انداختن و سود ده کردن و ارتقای سطح مصرف منابع مالی و همچنین ایجاد توازن میان درآمدها و مصرف ترغیب کنند.

د - حفاظت از کتاب الهی و مرزهای آن

کتاب الهی برترین پشتوانه روحی روانی، تربیتی، فرهنگی و قانونی امت قلمداد می شود، و در آن، مرزهای الهی که نمی بایست از آنها تجاوز کرد معین شده اند. سوگند خوردن، یکی از این خطوط قرمز به شمار می رود که خداوند دستور داده تا آن را ضایع نسازیم. حال پرسش اینجاست که چگونه می توان تمام این ارزشهای مقدس را پاس داشت؟

در پاسخ باید گفت: چاره آن است که به بندهای زیر عمل کنیم:

1 - باید کتاب الهی را محور دانش، فرهنگ و تشریح و قانونگذاری خود قرار دهیم، و اینکه غیر قرآن را با قرآن، برابر ندانسته و همسنگ نسازیم! چرا که برتری قرآن بر دیگر سخنها چون برتری آفریدگار بر آفریده ها می باشد.

2 - حوزه های علمیه باید بیش از پیش به امر تدریس و پژوهش قرآن کریم همّت گمارند، و مثلاً باید حفظ قرآن و تسلط بر زبان قرآن یعنی زبان عربی را از شرطهای ورود به مدارس دینی قرار دهند و تنها واجدین این شرایط را گزینش کنند. و همچنین می بایست دروس تفسیر قرآن را در

ص: 212

رأس واحدهای درسی خود بگنجانند، و آیات قرآن کریم را پایه دروس فقهی و عقیدتی خود قرار دهند، و بیشتر وقت طلاب را با درسهای اضافی ای که امروزه، زیاد مفید فایده نمی باشند، پر نکنند.

3 - همچنین باید مردم را از رهگذر اهتمام بیشتر به زمینه های تربیتی و تبلیغاتی، آگاه به کتاب الهی تربیت کرد، بگونه ای که در آیات آن تدبّر کنند و زندگی را از دریچه رهیافتهای آن بنگرند.

#### 4 - حفظ

قرآن کریم:

1 - (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (1).

«توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان!»

2 - (إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا

ص: 213

تَحْشُرُوا النَّاسَ وَآخِشُونَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ(1).

«ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می کردند؛ و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می نمودند. بنابراین، (بخاطر داوری بر طبق آیات الهی)، از مردم نهراسید، و از من بترسید؛ و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید. و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرنند.»

3- (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ)(2).

«در انجام همه نمازها و (بخصوص) نماز وسطی [نماز ظهر] کوشا باشید؛ و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید.»

4- (لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْفَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرَ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَّةً يَوْمَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)(3).

«خداوند شما را بخاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده)، مؤاخذه نمی کند؛ ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده اید،

ص: 214

1- - سورة مائده، آية 44.

2- - سورة بقره، آية 238.

3- - سورة مائده، آية 89.



مؤاخذه می نماید. کفاره این گونه قسمها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می دهید؛ یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر؛ و یا آزاد کردن يك برده، و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد، سه روز روزه می گیرد؛ این، کفاره سوگندهای شماسست به هنگامی که سوگند یاد می کنید (و مخالفت می نمایید). و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید). خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند، شاید شکر او را بجا آورید.»

5 - (إِنَّ الْمُسَّ لِمِينَ وَالْمُسَّ لِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا) (1).

«بیقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبیا و زنان صابر و شکیبیا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.»

6 - (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ

ص: 215

فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا(1).

«مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر اتفاقی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ و (اگر مؤثر واقع نشده،) در بستر از آنها دوری نمایید؛ و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید. و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید. (بدانید) خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست.)»

رهیافت وحی:

برای پایینند ماندن به حقوق، باید از صاحبان حقوق محافظت کنیم. از همین رو اگر بگذاریم گرد فراموشی، محفوظاتمان از کتاب الهی را دربرگیرد، یا در برابر نگاههای پنهانی به حریم خانه و خانواده خود بی تفاوت باشیم، نه تنها آنچه را که پاس داشتش واجب است پاس نداشته ایم، بلکه تباهاش نیز ساخته ایم.

ص: 216

از این رهگذر می توان گفت: حفاظت و پاس داشت، ارزشی است پیوند خورده با دیگر حقوقی که ایمان آنها را واجب ساخته.

در واقع مؤمنان می بایست کتاب الهی و درونمایه های آن شامل احکام و مرزها را پاس دارند و از خطوط قرمزی که در آن تعیین شده پا فراتر نهند.

می توان نماز، آنچه به روابط میان همسران پیوند می خورد، سوگند خوردن و امانتها را از جمله این احکام و مرزها دانست.

احکام:

1 - برای اقامه حق و حاکم ساختن صلح و آرامش و فراهم آوردن ارزشهای عدالت و امنیت می بایست هرکسی مسؤولیت حفاظت از حرمتهای خود را خود به گردن گیرد.

2 - از سویی کتاب خداوند به علما و دانشمندان (فقیهان عادل) سپرده شده، از همین رو جایز نیست ایشان از ترس مردم و یا به طمع بهای ناچیزی، آن را تباه سازند.

3 - مجاهدان حقیقی را خدا حافظان مرزهای الهی هستند، که باید نقش پاس دارنده خود را در حفظ دین خدا و دفاع از آن، به خوبی ایفا کنند.

4 - همچنین مردم می بایست در انجام نمازهای خود، بویژه نماز ظهر، و بجا آوردن آنها در اول وقت کوشا باشند، و همچنین باید سوگندها را پاس دارند.

5 - زنان صالح و شایسته نیز می بایست در غیاب همسرانشان از حقوق

ص: 217

ایشان محافظت کنند.

6- همچنین مردان و زنان مؤمن باید از عورت‌های خود مگر در آنچه خداوند سبحان حلال کرده، به درستی محافظت کنند.

ص: 218





#### درآمد:

دست یابی به صلح و آرامش یکی از اهداف بلند جامعه اسلامی است، و فراهم آوردن روزی حلال یکی از برجسته ترین پایه های آن است، که خود نیز بر خوردنیها و آشامیدنیها و مسکن و بهداشت و آموزش تکیه دارد. تغذیه، نخستین نیاز انسان به شمار می رود، از همین جهت، تغذیه دیگران یکی از اساسی ترین وظایف هرکس محسوب می شود. از سویی تمام خوردنیها برای انسان حلال است، مگر آن تعداد کمی که خداوند آنرا حرام کرده است. ولی بهر حال انسان باید پاکیزه ترین خوراک را برای خوردن برگزیند. غذا انرژی مورد نیاز انسان را که باید در راه پرهیزگاری و نیکوکاری مصرف شود، تولید می کند. از سویی بر هر انسانی واجب است که اندازه را در خوردن و آشامیدن حفظ کند و در واقع در خوردن زیاده روی نکند.

قرآن کریم:

1 - (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ) (1).

«و هنگامی که به آنان گفته شود: "از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید"، کافران به مؤمنان می گویند: "آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست او را اطعام می کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد)، شما فقط در گمراهی آشکارید."»

2 - (وَلَمْ نَكُ نَطْعِمُ الْمَسْكِينِ) (2).

«و اطعام مستمند نمی کردیم.»

3 - (أَوْ اطْعَامٍ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ) (3).

«یا غذا دادن در روز گرسنگی...»

4 - (إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ \* وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ) (4).

«چراکه او هرگز به خداوند بزرگ ایمان نمی آورد. \* و هرگز مردم را بر اطعام مستمندان تشویق نمی نمود.»

ص: 222

---

1- - سورة يس، آیه 47.

2- - سورة مدثر، آیه 44.

3- - سورة بلد، آیه 14.

4- - سورة حاقه، آیه 33 و 34.



5 - (وَلَا تَحَاصُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ) (1).

«و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی کنید.»

6 - (قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ) (2).

«گفت: "هفت سال با جدّیت زراعت می کنید؛ و آنچه را درو کردید، جز کمی که می خورید، در خوشه های خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید).»

7 - (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ) (3).

«او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست.»

8 - (إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) (4).

«شما غیر از خدا فقط بتهایی (از سنگ و چوب) را می پرستید و دروغی به هم می بافید؛ آنهایی را که غیر از خدا پرستش می کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید که بسوی او بازگشت داده می شوید.»

ص: 223

---

1- - سورة فجر، آیه 18.

2- - سورة يوسف، آیه 47.

3- - سورة ملك، آیه 15.

4- - سورة عنكبوت، آیه 17.

9 - (وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ) (1).

«و از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید. و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید.»

10 - (لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا) (2).

«آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدست اند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند، خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی کند؛ خداوند بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می دهد.»

حدیث شریف:

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ما آمن بي من بات شبعان وجاره جائع»، وقال: «وما من أهل قرية بيت فيهم جائع ينظر الله إليهم يوم القيامة» (3).

«هرکس شب را سیر به صبح رساند در حالیکه همسایه اش گرسنه باشد به من ایمان نیاورده.» همچنین فرموده اند: «اگر در میان اهالی شهری، کسی شب را در حال گرسنگی صبح کند، خداوند به روز قیامت به اهالی آن

ص: 224

1- - سورة مائدة، آیه 88.

2- - سورة طلاق، آیه 7.

3- - وسائل الشَّيْخِ، ج 8، كتاب الحجّ، ابواب أحكام العشرة، ص 490، باب 88، ح 1 (20 جلدی) و همان، ج 12، ص 129 (29 جلدی).

2 - همچنین از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«لا یشبع المؤمن وأخوه جائع»<sup>(1)</sup>.

«مؤمن در حالیکه برادرش گرسنه باشد، سیر نمی شود.»

3 - امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«مَنْ اضْطَرَّ إِلَى الْمَيْتَةِ وَالِدَمِ وَلَحْمِ الْخَنزِيرِ فَلَمْ يَأْكُلْ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ حَتَّى يَمُوتَ فَهُوَ كَافِرٌ»<sup>(2)</sup>.

«هرکس به خوردن مردار، خون و یا گوشت خوک اضطرار یابد ولی چیزی از آنها نخورد تا بمیرد، کافر است.»

رهیافت وحی:

غذا، از نیازمندیهای اولیّه ای هر انسان می باشد، و به نظر می رسد جستجو برای دست یابی و کسب و همچنین خوردن آن واجب باشد. همچنین تغذیه کسی که خود توان کسب قوت خود را ندارد نیز بر دیگران واجب می باشد. از سویی ذخیره سازی مواد غذایی برای روز تنگدستی نیز الزامی می باشد، چون، خداوند متعال به تلاش برای کسب روزی دستور می دهد و آیات کریمه قرآن بر وجوب خوردن و آشامیدن به اندازه ای که از حیات بشری حفاظت شود، دلالت کامل دارند، علاوه براین عقل نیز ما را به این

ص: 225

---

1- مستدرک وسائل الشیعه، ج 16، کتاب الأطعمة والأشربة، باب 38، ص 265، (18 جلدی).

2- وسائل الشیعه، ج 16، کتاب الأطعمة والأشربة، أبواب الأطعمة المحرّمة، ص 479، ح 3، باب 56، (20 جلدی) و همان، ج 24، ص 216، (29 جلدی).

امر رهنمون می سازد. از سویی نصوص و متون دینی بر لزوم اطعام تهیدستان و انفاق داده های الهی نیز دلالت دارند.

احکام:

1 - واجب است که برای کسب روزی تلاش کرد و سر بار دیگران نبود.

به همین خاطر گدایی کردن برای کسی که بتواند کار کند و از راههای حلال کسب روزی کند، حرام می باشد.

2 - خوردن و آشامیدن، به قدری که زندگی انسان را از نابودی حفظ کند و یا از زیانهای شدید چون بیماری و یا ضعف مفرط جلوگیری کند، واجب می باشد.

3 - اگر گرسنه ای برای سدّ جوع و در امان ماندن از مرگ جز خوردنیها و آشامیدنیهای حرام، چیزی برای خوردن پیدا نکند، واجب است به اندازه ای که از مرگ نجات یابد از آنها بخورد.

4 - مستحبّ است از تمام روزیهای پاك تناول کرد و میان هیچیک از خوردنیهای حلال تفاوت قایل نشد، چون، خداوند در هر خوردنی ای فواید و لذّت و یژه ای قرار داده است.

5 - مستحبّ است از میوه های گوناگون برای خوردن استفاده کرد.

6 - انسان نباید انرژی بدست آمده از خوردنیها را مصروف افساد و پیروی از راههای شیطانی بکند، بلکه بر اوست که شکرگزار خداوند باشد و عمل صالح انجام دهد.

ص: 226

7 - باید به اندازه خورد و به اندازه نوشید، و در خوردن و آشامیدن اسراف نکرد و از آنچه خوردنش حرام است برای خوردن استفاده نکرد و...

8 - انسان باید حقّ غذا را با انفاق کردن، بر حسب آنچه خواهد آمد، ادا کند:

الف - هرفردی، باید برنامه های اقتصادی خود را بر مبنای فراهم آوردن حقوق تهیدستان سامان بخشد. لذا باید از مصرف شخصی بویژه در تجملات و امور مصرفی زاید کاست و بر انفاق به نیازمندان افزود. چه بسا ضایعات نانی که در يك کشور متوسط تولید می شود، برای سیر کردن يك ملت گرسنه کفایت کند، و چه بسا آنچه که ثروتمندان خرج سیگار و یا پیش غذا و یا تنوع در نوشیدنیها، می کنند و یا هزینه ای که برای آراستن خانه ها و یا تعویض بی دلیل اتومبیلهای خود متقبّل می شوند، تمام بیکاران کشورشان را صاحب شغل کند.

ب - باید همواره جویای حال همسایگان و خویشان و همشهریان باشیم، تا اگر به گرسنه ای در میان آنها برخورد کردیم، بی درنگ سیر کردن وی را در رأس امور قرار دهیم.

ج - دولتها باید اقتصاد خود را در جهت از میان بردن فقر و گرسنگی، کاستن از شکاف طبقاتی بوجود آمده در میان اقشار جامعه و همبستگی اجتماعی سوق دهند.

د - از آنجا که انسانها افراد يك خانواده بزرگ را تشکیل می دهند، و نیز در جهان مناطق مصیبت زده فراوانی، نیازمند کمکهای غذایی هموعان

ص: 227

خود هستند، پس هر فردی از انسانها، لازم است که کمک به مردم چنین مناطقی را مورد اهتمام قرار داده، و به گونه های مختلف، در کمک رسانی به آنها سهیم شود، و به سازمانهای بشر دوستانه ای که امروزه فعالیت می کنند (همچون سازمان صلیب سرخ جهانی و هلال احمر) اکتفا نکند، چون این سازمانها تاکنون نتوانسته اند خلأ فزاینده موجود در امر کمک رسانی به چنین مناطقی را به خوبی پر کنند.

ه - کارگزاران جهان اسلام می بایست در سرزمینهای خود مجدّانه به دنبال ایجاد امنیت غذایی باشند، چون، تأمین غذا از ضروریات اولیّه زندگی می باشد، و سهل انگاری در آن خطری بزرگ را متوجّه حیات بشری و در پی آن امنیت و استقلال جوامع خواهد ساخت.

ص: 228

اشاره

قرآن کریم:

1 - (الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ...) (1).

«امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده؛ و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است؛ و طعام شما برای آنها حلال؛...»

2 - (قُلْ لَا أُحِلُّ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِعَیْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (2).

«بگو: "در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی یابم؛ بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته، یا گوشت خوک - که اینها همه پلیدند - یا حیوانی که به گناه، هنگام سربریدن، نام غیر خدا (انام بتها) بر آن برده شده است. " اما کسی که مضطرّ (به خوردن این محرّمات) شود، بی آنکه خواهان لذّت باشد و یا زیاده روی کند (گناهی بر او نیست)،؛ زیرا پروردگارت، آمرزنده مهربان است.»

3 - (أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ) (3).

ص: 229

1- - سورة مائده، آیه 5.

2- - سورة انعام، آیه 145.

3- - سورة مائده، آیه 96.

«صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است؛ تا (در حال احرام) از آن بهره مند شوید؛ ولی مادام که محرم هستید، شکار صحرا برای شما حرام است؛ و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می شوید، بترسید!»

4 - (كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأَتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (1).

«همه غذاها (ی پاک) بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل (بعقوب)، پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود؛ (مانند گوشت شتر که برای او ضرر داشت). بگو: "اگر راست می گویند تورات را بیاورید و بخوانید (این نسبتهایی که به پیامبران پیشین می دهید، حتی در تورات تحریف شده شما نیست).»

5 - (وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ) (2).

«وگفتند: "این قسمت از چهارپایان و زراعت (که مخصوص بتهاست، برای همه) ممنوع است؛ و جز کسانی که ما بخواهیم - به گمان آنها - نباید از آن بخورند. و (اینها) چهارپایانی است که سوار شدن بر آنها (بر ما) حرام شده است. " و (نیز) چهارپایانی (بود) که (هنگام ذبح)، نام خدا را بر آن نمی بردند، و به خدا دروغ می بستند؛ (و می گفتند: "این احکام، همه از ناحیه اوست. " (بزودی (خدا) کیفر افتراهای آنها را می دهد.»

ص: 230

1- - سورة آل عمران، آیه 93.

2- - سورة انعام، آیه 138.



1 - محمد بن مسلم و زرارہ از حضرت امام باقر علیہ السلام درباره خوردن گوشت الاغهای اهلی پرسش کردند. آن حضرت نیز در پاسخ فرمودند:

«نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن أكلها يوم خيبر، وإنما نهى عن أكلها في ذلك الوقت لأنها كانت حمولة الناس، وإنما الحرام ما حرّم الله في القرآن»(1).

«رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز خیبر از خوردن آن نهی کردند، و این در آن زمان به این خاطر بود که آن (- الاغ)، حیوان باربر مردم محسوب می شد، حال آنکه بیگمان، حرام، آن است که خداوند در قرآن آن را حرام کرده است و غیر آن حرام نمی باشد.»

2 - حضرت امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«سئل أبي عن لحوم الحمر الأهلية فقال: نهى رسول الله صلی الله علیه و آله عن أكلها لأنها كانت حمولة الناس يومئذٍ، وإنما الحرام ما حرّم الله في القرآن (وإلا فلا)»(2).

«از پدرم درباره گوشت خر اهلی سؤال شد، پس فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خوردن آن را نهی کرد، چراکه در آن روز، وسیله ای باربری مردم محسوب می شد، حال آنکه، بیگمان، حرام، آن است که خداوند در قرآن حرام کرده و جز آن، حرام نمی باشد.»

رہیافت وحی

ص: 231

---

1- - وسائل الشیعه، ج 16، کتاب الأطعمة والأشربة، باب الأطعمة المحرّمة، باب 4، ص 322، ح 1 (20 جلدی)، و همان، ج 24، باب 4، ص 117، (29 جلدی).

2- - همان، ص 324، ح 7، (20 جلدی) و همان 119 (29 جلدی).

شریعت اسلام شریعتی اسان گیر است، که خداوند بوسیله آن خرد بشری را از زنجیرهای دست و پاگیر رهایی بخشیده و مردم را از قید و بندها آزاد ساخته، و آزادگی فطری را به ایشان باز گردانیده است. یکی از نمودهای آسانی شریعت، اصل عمومی حلیت می باشد که بر مبنای آن هر چیزی تا زمانی که نصّ قاطعی در حرمتش وارد نشده باشد، حلال قلمداد می شود، و هر چیزی تا نجاستش به دلیلی، آشکار نشده باشد، طاهر و پاک محسوب می شود. اصل حلیت مواد غذایی خداوند آنرا به ما ارزانی داشته، تا زمانی که نصّ آشکاری در مورد آن وارد نشده باشد، به راستی که این اصل اصلی بسیار سودمند می باشد.

احکام:

می توان از آیات کریمه ای که یادآور شدیم پاره ای احکام کلی را استنباط کرد:

- 1 - خداوند اجازه داده تا انسان هر آنچه را که روی زمین یافت می شود مورد استفاده خود قرار دهد، و انسانها نمی توانند این استفاده را بر خود و یا دیگران حرام کنند، و حرکت و فعالیت بشری را اسیر قید و بند سازند.
- 2 - هر روزی پاکیزه ای، حلال می باشد. در واقع دین، تنها آنچه را که حرمتش در نصوص و متون ویژه تعیین شده یا بدان اشاره شده، حرام می شمرد.
- 3 - خداوند متعال، تنها خوردنیهایی را که در آیات قرآن حرام شمرده

ص: 232

شده اند، حرام کرده، و به جز آنها، تمام خوراکیها حلال و پاکیزه می باشند. در واقع اگر در احادیث و سنت خوردن برخی چیزها حرام دانسته شده، این حرمت، حرمتی تنزیهی می باشد، نه تشریحی، بدیگر سخن از حرمت در اینجا کراهت استفاده می شود نه حرمت، البته علما در این نکته با یکدیگر اختلاف دارند، اکنون به تشریح این بینشهای سه گانه می پردازیم:

### الف: بهره برداری از آنچه در زمین قرار دارد

قرآن کریم:

1 - (الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى) (1).

«همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد؛ و راههایی در آن ایجاد کرد؛ و از آسمان، آبی فرستاد که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از خاک تیره) برآوردیم.»

2 - (الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ) (2).

«همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می افروزید.»

3 - (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ

ص: 233

---

1- - سورة طه، آیه 53.

2- - سورة يس، آیه 80.

«او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست.»

4 - (وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ)(2).

«و از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید. و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید.»  
حدیث شریف:

1 - محمد بن سنان از حضرت ابوالحسن علیه السلام درباره آب رودخانه پرسش کرد. پس امام فرمودند:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ شُرَكَاءُ فِي الْمَاءِ وَالنَّارِ وَالْكَأَلِ»(3).

«همانا مسلمانان در آب و آتش و رستنی ها شریکند.»

2 - از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«لَا يَحِلُّ مَنَعُ الْمَلْحِ وَالْمَاءِ وَالنَّارِ»(4).

«منع دیگران از نمک و آب و آتش حلال نمی باشد.»

ص: 234

---

1- - سورة ملك، آیه 15.

2- - سورة مائدة، آیه 88.

3- - وسائل الشیعه، ج 17، کتاب إحياء الموات، ص 331، باب 5، ح 1، (20 جلدی)، و همان، ج 25، ص 417، (29 جلدی) و من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 239.

4- - قرب الاسناد، جزء اول، ص 64، تهران، انتشارات نینوی.

ہرکسی حقّ دارد از نعمتہای زمینی کہ خداوند متعال برای انسان فراہم آورده، بہرہ برداری کند، و بہ ہر راہی کہ خداوند بدون تفاوت گذاشتن میان افراد بشر، برای انسانہا قرار دادہ، برود، و آزادانہ از آنچه در دل زمین و یا روی آن قرار دارد، و از آنچه خداوند در زمین بہ بندگان روزی دادہ، استفادہ کند، همچنانکہ انرژی بدست آمدہ از آتش نیز متعلّق بہ تمام انسانہا می باشد.

#### احکام:

1 - جایز نیست دولت، جامعہ، گروہ، دستہ و یا شخصی از افراد بشر مانع بہرہ مندی مردم از نعمتہای زمین، شامل زمینہای کشاورزی، آبہای روان، چراگاہہا و یا معادن آشکار و پنهان زمین، شود.

2 - مردم می توانند ہر قدر کہ می خواہند از منافع زمین بہرہ مند شوند، بدان شرط کہ دیگران را از این منافع محروم نسازند، چون، منافع خدادادی زمین متعلّق بہ گروہ خاصی نیست، بلکہ متعلّق بہ ہمہ است.

3 - جامعہ می تواند برای سامان بخشی بہ امر بہرہ مندی از طبیعت، قوانینی وضع کند، بہ شرطی کہ در این قوانین بہ دلایلی دیگر حقّی از کسی ضایع نشود. در واقع باید در وضع چنین قوانینی بہ مقدار ضرورت بسندہ کرد، چراکہ ایجاد اخلاص در آزادیہای بنیادین انسان تنہا بہ اندازہ ضرورت، جایز می باشد.

4 - نمی توان راہہای حرکت انسانہا در زمین را چہ بہ قصد اقتصادی

(چون تجارت و یا سرمایه گذاری کشاورزی و یا صنعتی) صورت گیرد، چه به قصد سیاحت، آموزش و یا هدایت شدن، بر روی ایشان بست، مگر در مواقعی که ضرورتی بسیار مهم درین باشد.

## ب: روزی حلال و پاکیزه

قرآن کریم:

1 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمتهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می کنید.»

2 - (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (2).

«همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر "امی" پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر بازمی دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آنها

ص: 236

---

1- - سورة بقره، آیه 172.

2- - سورة اعراف، آیه 157.

حلال می شمرد، و ناپاکیها را تحریم می کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.»

3 - (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تَعْلَمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكَنَّ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ) (1).

«از تو سؤال می کنند: چه چیزهایی برای آنها حلال شده است؟ بگو:

"آنچه پاکیزه است، برای شما حلال گردیده؛ و (نیز) صید حیوانات شکاری و سگهای آموخته (و تربیت یافته) که از آنچه خداوند به شما تعلیم داده به آنها یاد داده اید، (بر شما حلال است)؛ پس، از آنچه این حیوانات برای شما (صید می کنند و) نگاه می دارند، بخورید؛ و نام خدا را (به هنگام فرستادن حیوان برای شکار،) بر آن ببرید؛ و از (معصیت) خدا پرهیزید که خداوند سریع الحساب است.»

رہیافت وحی:

آیات کریمه قرآن به ما دستور می دهند تا از روزی حلال و پاکیزه خداوند بخوریم، و از پلیدیها دوری گزینیم.

ص: 237

احکام:

1 - خداوند متعال تنها روزی های پاکیزه را حلال کرده، و خوردنیهای پلید را حلال نکرده است. اکنون پرسش این است که چه چیز معیار تمییز میان خوردنیهای پاکیزه و خوردنیهای ناپاک و پلید می باشد؟

2 - پاره ای از خوردنیهای پاکیزه و برخی از خوردنیهای ناپاک و پلید را وحی برای ما مشخص کرده است، پاره ای دیگر نیز بدون هیچ اختلافی نزد انسانها شناخته شده اند (مانند پلید بودن فضولات انسانی) در پاره ای دیگر نیز انسانها دیدگاههای متفاوتی با یکدیگر دارند، پس:

الف - در مورد آن خوردنیهایی که شرع، پاکی و ناپاکیشان را معین کرده، باید به وحی مراجعه کرد.

ب - در مورد آنهایی هم که عرف عمومی بشری معیاری در پاکی و ناپاکیشان بدست می دهد، باید به همان عرف عامی که همگی بر آن متفق القول می باشند رجوع کرد.

ج - در موارد اختلافی، نیز صاحبان عرفهای گوناگون، هر يك به عرف خود بازگشته، هر آنچه را در عرف خود پاك یافتند، بخورند و از هر آنچه ناپاك و پلید یافتند دوری گزینند.

**ج: آداب غذا خوردن**

**اشاره**

در احادیث و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام توصیه های

ص: 238



فراوانی درباره غذا خوردن آمده، که اکثراً به جهات زیر باز می گردند:

1 - نیت در غذا خوردن و آنچه با پرهیزکاری و تزکیه نفس پیوند خورده.

2 - هدف از غذا خوردن و آنچه با سلامت و توان انسان مرتبط است.

3 - بُعد اجتماعی تغذیه.

4 - بُعد اقتصادی تغذیه.

در آنچه که خواهد آمد به گوشه ای از این جهات، و نصوصی که درباره آنها وارد شده است اشاره ای خواهد شد:

### **نخست - تغذیه، پرهیزکاری و نیکوکاری**

1 - هر خواست و نیتی عمل انسان را به رنگی درمی آورد، رنگ و لعاب عمل مؤمنان نیز نیت و خواست نیکو است. از این جهت نیت و خواست مؤمنان از غذا خوردن نیز چیزی جز نیرو گرفتن برای اطاعت اوامر الهی نمی باشد:

(قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (1).

«بگو: "نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.»

2 - کتاب الهی پرهیز از غذا خوردن را نفی می کند، چون نمی توان بر غذا خوردنی که جهت نیرو گرفتن برای پرستش خدا صورت می گیرد،

ص: 239

1 - - سورة انعام، آیه 162.

خرده گرفت:

(لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) (1).

«بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، گناهی در آنچه خورده اند نیست؛ (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی شوند؛) اگر تقوا پیشه کنند، و ایمان بیاورند، و اعمال صالح انجام دهند؛ سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند؛ سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد.»

3 - مؤمنان خوردن غذا را با نام خدا شروع می کنند و با حمد و سپاس الهی به پایان می برند، امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«إِذَا وَضَعَ الطَّعَامَ فَسَمَّوْا، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ اخْرَجُوا فليس لكم فيه نصيب، ومن لم يسمَّ على طعامه، كان للشيطان معه فيه نصيب» (2).

«هرگاه غذا آورده شد به نام خدا شروع کنید، چون، [در این هنگام] شیطان به یاران خود می گوید: بیرون روید، شما را در آن [غذا] سهمی نیست، و هرکس بر سر غذا نام خدا را یاد نکند، شیطان با وی در غذا خوردن سهم خواهد شد.»

ص: 240

---

1 - - سورة مائدة، آية 93.

2 - - مستدرک وسائل الشیعه، ج 19، کتاب الأطعمة والأشربة، أبواب آداب المائدة، ص 274، باب 49، ح 4.

4- همچنين مؤمنان بر سر غذا و پايان آن، به دعا می پردازند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه دست مبارکشان را به سوی غذا می بردند، می فرمودند:

«بسم الله، بارک لنا فیما رزقتنا وعلیک خلفه»(1).

«بنام خدا، ما را در آنچه روزیمان کردی برکت ده و طعامی جایگزین این طعام بفرما.»

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که پس از غذا خوردن می فرمود:

«الحمد لله الذي أطعمنا في جائعین، وسقانا في ظمآنین، وكسانا في عارین، وهدانا في ضالین، وحملنا في راجلین، وأوانا في ضاجین، واخدمنا في عانین، وفضلنا علی كثير من العالمین»(2).

«سپاس خدایی را که ما را در میان گرسنگان روزی داد، و در میان تشنگان سیراب ساخت و در میان برهنگان پوشانید و در میان گمراهان هدایت کرد و در میان پیاده روان حمل کرد و در میان غوغائیان پناه داد و در میان رنج کشیدگان ما را خدمتکار داد و ما را بر بسیاری از مردم جهان برتری بخشید.»

5- از آنجا که خوان غذا در مظان تبدیل شدن به وسیله ای برای فخرفروشی و غرور قرار دارد، مؤمنان بر سر آن چون بندگان می نشینند تا غرور و تعصب و خودخواهی را در خود بشکنند. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده اند:

ص: 241

---

1- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 52، ص 279.

2- همان، ج 15، باب 26، ص 275.

«فتأس بنبيك الأظهر الأطيب صلى الله عليه وآله».

«پس به پیامبر پاکترین و نیک ترین خود که درود خدا بر او و آتش باد تأسی جوید.»

تا اینکه فرمودند:

«ولقد كان صلى الله عليه وآله يأكل على الأرض، ويجلس جلسة العبد، ويخسف بيده نعله، ويرقع بيده ثوبه، ويركب الحمار العاري، ويردف خلفه»<sup>(1)</sup>.

«[پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] بر روی زمین غذا می خوردند، و چونان بندگان می نشستند و با دست خود بر کفش و لباسشان وصله می زدند، و بر الاغ بی پالان سوار می شدند و کسی را نیز در پس خویش بر روی مرکب می نشانند.»

6 - مؤمنان چیزی از غذای خود را در کاسه و ظرف غذا باقی نمی گذارند، بلکه ظرف خود را می لیسند، تا چیزی در آن باقی نماند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده اند:

«مَنْ لَعَقَ قِصْعَتَهُ صَلَّى عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ، وَدَعَتْ لَهُ بِالسَّعَةِ فِي الرِّزْقِ، وَيَكْتُبُ لَهُ حَسَنَاتٍ مِثْلَ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ»<sup>(2)</sup>.

«هرکس کاسه غذای خود را بلیسد، فرشتگان بر او درود می فرستند، و وسعت روزی برای او از خدا طلب می کنند، و حسنه های مضاعفی برای او

ص: 242

---

1-1 - مستدرک وسائل الشیعه، ج 8، کتاب الأطعمة والأشربة، أبواب آداب المائدة، ص 268، باب 13، ح 1.

2-2 - همان، ج 16، باب 59، ح 3، ص 285.

7 - همچنين مستحبّ است مؤمنان پس از غذا خوردن انگشتان خود را بمکند. در این باره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

«مَنْ أَكَلَ طَعَاماً فَلْيَمِصْ أَصَابِعَهُ فَإِنَّ فِي مَصِّ إِحْدَاهَا بَرَكَةً»(1).

«هرکس غذایی خورد، پس انگشتان خود را بمکد، چه در مکیدن هر یک از آنها برکتی نهفته است.»

8 - مؤمنان نعمتهای الهی از جمله نان، گندم و جو را احترام می کنند، و از بی احترامی به آنها پرهیز دارند. در این باب از حضرت امام صادق علیه السلام درباره خواندن نماز بر روی توده ای از گندم سؤال شد، آن حضرت از این کار نهی کردند، پس دیگر بار پرسیده شد: اگر بر روی پشت بام دانه های گندم را پهن کرده باشند چه باید کرد؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند:

«لَا يَصَلِّي عَلَى شَيْءٍ مِنَ الطَّعَامِ، فَإِنَّمَا هُوَ رِزْقُ اللَّهِ لَخَلَقَهُ وَنَعَمَتَهُ عَلَيْهِمْ،

فَعَظَّمُوهُ وَلَا تَهَاوَنُوا بِهِ، فَإِنَّ قَوْمًا مَمَّنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَسِعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ،

فَاتَّخَذُوا مِنَ الْخُبْزِ النَّقِيِّ مِثْلَ الْأَفْهَارِ، فَجَعَلُوا يَسْتَنْجُونَ بِهِ، فَايْتَلَاهُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِالسِّنِينَ وَالْجُوعِ فَجَعَلُوا يَتَّبِعُونَ مَا كَانُوا يَسْتَنْجُونَ بِهِ فَيَأْكُلُونَهُ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ:

«وَصَرَ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا قَرِيَةً كَأَنَّتْ أَمْدَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»(2)

«(3)»

ص: 243

1- مستدرک، ج 16، باب 59، ص 286.

2- سورة نحل، آیه 112.

3- مستدرک، ج 16، باب 71، ص 294، ح 1.

«نمی توان بر چیزی از خوراکیها نماز گذارد، زیرا، آن روزی خدا برای آفریده ها و نعمت او برایشان است، پس بزرگ دارید [غذاها را] و آنها را خوار ندارید، چون خداوند به یکی از گروههایی که پیش از شما زندگی می کردند، در روزی وسعت بخشید، [رفاه آنها بجایی رسید که] اجسام کوچکی از خمیر نان درست می کردند و با آنها بدن خود را از غائط پاک می کردند، پس خداوند ایشان را به خشکسالی و گرسنگی دچار ساخت، بطوریکه به جستجوی همان مواد غذایی آلوده می پرداختند و از همانها تغذیه می کردند و در موردشان این آیه نازل شد: (خداوند) برای آنان که کفران نعمت می کنند، مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می رسید، اما نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.»

9 - از این رو روح و روان مؤمنان از طعام لذت می برد، چون خداوند را پیش از خوردن، در اثنای خوردن و پس از آن بر غذایی که می خورند و بر تندرستی و آرامشی که بدیشان ارزانی داشته سپاس می گویند و همچنین - به هنگام خوردن غذا - نعمتهایی را که خداوند به ایشان ارزانی داشته، ولی برای دیگران فراهم نیاورده، به یاد می آورند و بر آنها نیز خداوند را سپاس می گویند.

چه بسا اصطلاح «گوارای وجود» و یا «نوش جان»<sup>(1)</sup> که به هنگام غذا خوردن بکار می روند، نیاز انسان به لذت زود هنگام و تندرستی پس از آن را پدیدار سازند. در واقع هرکس باید غذای خود را به دقت برگزیند؛ نخست، تا اینکه از غذا بهره ای گرفته شود و غذا، چون حیوانات، بی هدف و تنها برای پر کردن شکم و انجام وظایف فیزیولوژیکی خورده نشود. دوم؛ تا در آینده به واسطه این غذا تندرستی و توان و نشاط انسان تأمین شود.

همچنین مؤمنان در غذا، چیدمان سفره و ظروف غذا بدون اینکه به ورطه تجمل گرایی و یا اسراف گرفتار آیند تنوع، آراستگی و زیبایی را رعایت می کنند:

1 - مؤمنان با دست راست غذا می خورند، چراکه شرف و احترام هرکس متعلق به دست راست اوست. در این باره از امام جعفر بن محمد علیهما السلام روایت شده که فرمودند:

«لا یأکل الرجل بشماله ولا یشرب بها ولا یتناول بها إلا من علة»<sup>(2)</sup>.

«مرد، با دست چپ نه چیزی می آشامد و نه چیزی می خورد مگر اینکه بیماری در میان باشد.»

ص: 245

1- در زبان عربی «هنیئاً مریناً» - مترجم.

2- مستدرک وسائل الشیعه، ج 16، أبواب آداب المائدة، ص 193، باب 10، ح 2.

2 - مؤمنان دسته جمعی با خانواده و یا برادرانشان به خوردن غذا می پردازند، چه، غذا خوردن به صورت دسته جمعی دلنشین تر و گوارا تر می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أحبّ الطعام إلى الله ما كثرت عليه أيدي المؤمنين»<sup>(1)</sup>.

«دوست داشتنی ترین غذا در نزد خدا آن است که مؤمنان بیشتری در آن سهیم شوند.»

و همچنین از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«أكثر الطعام بركة ما كثرت عليه الأيدي»<sup>(2)</sup>.

«با برکت ترین غذا آن است که دستان بیشتری بسویش دراز شود.»

3 - مؤمنان از خوردن غذا در بازارها خودداری می کنند، چون، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الأكل في السوق ذنأ»<sup>(3)</sup>.

«خوردن غذا در بازار، از فرومایگی است.»

4 - مؤمنان از خوردن غذای داغ امتناع می ورزند. از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«أتى النبي صلى الله عليه وآله بطعام حار جداً، فقال صلى الله عليه وآله: ما كان الله ليطعمنا النار، أقرّوه

ص: 246

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 16، باب 12، ص 231، ح 5.

2- - همان، ح 6.

3- - همان، باب 77، ص 304، ح 1.



حتّى يسكن (ظ)، فإنّ الطعام الحارّ جدّاً ممحوق البركة، للشيطان فيه شرك»(1).

«غذای بسیار گرمی برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شد، پس [پیامبر اکرم] صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند ما را از آتش اطعام نمی کند، آن را نگه دارید تا سرد شود، چه، غذای بسیار گرم تهی از برکت می باشد، [و] شیطان در آن سهمی دارد.»

و همچنین امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

«أقروا الحارّ حتّى یبرد، ویمكن أكله، ما كان الله لیطعمنا التّار، والبركة فی البارد»(2).

«غذای داغ را بگذارید تا سرد شود تا بتوان آن را خورد، [چه،] خداوند ما را از آتش اطعام نمی کند، و برکت در غذای سرد می باشد.»

5 - غذای مؤمنان به نیکوترین وجه است. از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت به یکی از یارانشان که با ایشان هم غذا شده بود فرمودند:

«تُعرف مودّة الرجل لأخیه بجودة أكله، وأتّه لیعجبني الرجل یأكل من طعامی فیجید فی الأكل، یسرّني بذلك»(3).

«دوستی کسی نسبت به برادرش از نیکویی غذا خوردنش معین می شود، مرا خوش می آید که وقتی کسی از غذای من می خورد، آن را به وجهی نیکو

ص: 247

1- - همان، باب 81، ص 307، ح 1.

2- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 16، باب 81، ص 308.

3- - همان، باب 22، ص 243، ح 1.

بخورد، [چون،] با این کار مرا خوشحال خواهد ساخت.»

آموزه های دیگری در لذت بردن از غذاهای پاکیزه نیز وجود دارد که جملگی در این گفته الهی جمع شده اند:

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (1).

«بگو: "چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است"؟! بگو: "اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند؛ (اگرچه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود." این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می دهیم.»

پس زینت و روزیهای پاکیزه برای مؤمنان است و آنها حق دارند تمام و کمال از آنها بهره مند شوند.

و اما درباره آنچه به تندرستی انسان مربوط می شود باید گفت که در اسلام و تعالیم کتاب و سنت آموزه های فراوانی در این باب آمده است، که ما در اینجا تنها به پاره ای از آنها به عنوان نمونه اشاره خواهیم کرد:

الف - سیر شدن و زیاد خوردن کراهت دارد، همچنین خوردن غذا پس از سیر شدن نیز کراهت دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند:

«لا تمیتوا القلوب بکثرة الطعام والشراب، فإن القلوب تموت کالزرع إذا أكثر علیه الماء» (2).

«دلتهای خود را با زیاده روی در خوردن و آشامیدن نمی رانید، چون،

ص: 248

1- - سورة اعراف، آیه 32.

2- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 16، باب 1، ص 209، ح 4.

دلها، همچون کِشتراری است که اگر زیاد آب دهند، خواهد مرد.»

همچنین آن حضرت می فرماید:

«إياكم والبطن، فإنها مفسدة البطن ومورثة للسقم، ومكسلة عن العبادة»<sup>(1)</sup>.

«از شکم بارگی برحذر باشید، چراکه آن تباہ کننده شکمها است، و موجب بیماری می شود، و انسان را نسبت به عبادت کسل و بی حال می کند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همچین فرمودند:

«من تعوّد كثرة الطعام والشراب قسى قلبه»<sup>(2)</sup>.

«هرکس به زیاد خوردن و زیاد آشامیدن عادت کند، سنگدل می شود.»

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز در این باره فرمودند:

«من کثر أكله، قلّت صحّته، وثقلت علی نفسه مؤثته»<sup>(3)</sup>.

«هرکس در غذا خوردن زیاد روی کند، از تندرستی اش کاسته گشته و هزینة هایش سنگین می گردد.»

ب - مستحبّ است به غذای صبح در اوّل صبح و غذای شب در اوّل شب بسنده گردد.

از علی بن ابی صلت ابن اخي شهاب بن عبدربه نقل شده که گفت: نزد ابو عبد الله علیه السلام از دردها و سوء هاضمه خود شکایت کردم، پس فرمودند:

«تغد وتعش ولا تأکل بینهما (شیئاً)، فإنّ فيه فساد البدن، أما سمعت الله

ص: 249

1- - مستدرک الوسائل، باب 1، ص 210، ح 2.

2- - همان، باب 1، ص 213، ح 16.

3- - همان، باب 1، ص 214.

عزوجلّ يقول: (... وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا) (1) «(2).

«تنها صبحانه و شام بخور و در میان ایندو وعده غذایی، چیزی نخور، زیرا در آن تباهی بدن نهفته است، آیا نشنیده ای که خداوند عزوجلّ فرموده:

«وهر صبح و شام، روزی آنان در بهشت مقرر است.»

همچنین نخوردن شام بویژه برای پیران و میانسالان، کراهت دارد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«وینبغی للرجل إذا سنَّ أن لا یبیت إلا وجوفه مملوءاً طعاماً» (3).

«هرگاه سنّ و سالی از مردی گذشت نباید شب را بخوابد، مگر اینکه شکمش پر از غذا باشد.»

غذا خوردن پیش از ترك خانه مستحب است، اگر چه به نان و نمکی بسنده شود. از امام صادق علیه السلام در این باره روایت شده که فرمودند:

«إذا صلّیت الفجر فکل کسرة تطیب بها نکهتک، و تطفئ بها حرارتک،

و تقوّم بها أضراسک، و تشدّ بها لثتک، و تجلب بها رزقک، و تحسّن بها خلقک» (4).

«پس از نماز صبح، تکه ای نان بخور تا بوی نفست دلپذیر، و حرارتت خاموش شود، و دندانهایت استوار گشته و لثه ات محکم گردد، و روزیت را

ص: 250

1- - سورة مریم، آیه 62.

2- - مستدرک الوسائل، ج 16، باب 39، ص 265، ح 1.

3- - مستدرک الوسائل، ج 16، باب 41، ص 266، ح 1.

4- - همان، باب 54، ص 281، ح 1.

بدین وسیله فراهم آوری، و اخلاقت را بهبود بخشی.»

اسلام بر مبنای این آموزه ها، وعده های غذایی را تنظیم کرده است.

ج - اما درباره سفره غذا و محتویات آن روایات فراوانی وارد شده است:

1 - نیکویی غذا از مستحبات است. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«لو أن رجلاً أنفق على طعام ألف درهم وأكل منه مؤمن، لم يعد سرفاً»<sup>(1)</sup>.

«اگر مردی برای غذایی هزار درهم بدهد و مؤمنی از آن غذا بخورد، این کار و لخرجی محسوب نمی شود.»

2 - مستحب است بر سر سفره از انواع سبزی خوراکی آماده گردد. امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

«لكلّ شيء حلیة، وحلیة الخوان البقل»<sup>(2)</sup>.

«برای هر چیز زینتی است، و زینت سفره سبزی های خوراکی است.»

3 - همچنین نیکو است که بر سر سفره گوشت آماده شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرمایند:

«سید طعام الدنيا والآخرة اللحم»<sup>(3)</sup>.

«سرور خوراکی های دنیا و آخرت گوشت می باشد.»

4 - از سویی مستحب است تا بجای نان گندم از نان جو استفاده کرد.

ص: 251

---

1- - مستدرک الوسائل، ج 16، باب 12، ص 94، ح 3.

2- - همان، باب 91، ص 316، ح 1.

3- - همان، أبواب الأطعمة المباحة، ص 376، باب 47، ح 1.

در این باره از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«فضل خبز الشعير على البر كفضلنا على الناس، ما من نبي إلا وقد دعا لأكل الشعير وبارك عليه، وما دخل جوفاً إلا وأخرج كل داء فيه، وهو قوت الأنبياء وطعام الأبرار، أباي الله أن يجعل قوت الأنبياء للأشقياء»<sup>(1)</sup>.

«برتری نان جو بر نان گندم چون برتری ما بر مردم است، پیامبری نبوده که به خوردن جو نخوانده باشد و به آن برکت نداده باشد، و جو به درون کسی وارد نشده مگر اینکه در پی آن هر درد و بیماری ای از آن رخت بر بسته باشد، و آن قوت انبیاء و غذای ابرار است، خداوند ابا دارد از اینکه غذای انبیا را برای اشقیاء و ستمکاران قرار دهد.»

5 - همچنین نیکو است گوشت گوسفند را برگزیند، زیرا روایت شده که:

«كُلِ اللَّحْمَ النَّضِيجَ مِنَ الضَّنِّ الْفَتَى أَسْمَنَهُ، لَا الْقَدِيدَ وَلَا الْجَزُورَ وَلَا الْبَقْرَ»<sup>(2)</sup>.

«گوشت پخته چاقترین گوسفند جوان را بخور، نه گوشت خشک شده و نه گوشت شتر و نه گوشت گاو را.»

همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ اخْتَارَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئاً (إِلَى أَنْ قَالَ): وَاخْتَارَ مِنَ الْغَنَمِ الضَّنَّ»<sup>(3)</sup>.

ص: 252

---

1-1 - مستدرک الوسائل، ج 16، باب 2، ص 334، ح 4.

2-2 - همان، باب 11، ص 345، ح 1.

3-3 - همان، ح 2.

«همانا خداوند عزوجلّ از هر چیزی، چیزی را برگزید (تا اینکه فرمودند): و از رمه ها گوسفند را برگزید.»

6- با اینکه خوردن گوشت گاو کراهت دارد ولی خوردنش اشکالی ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«من أكل لقمة سمينة نزل من السماء مثلها من جسده ولحم البقر داء، وسمنها شفاء، ولبنها دواء، وما دخل الجوف مثل السمّن»<sup>(1)</sup>.

«هرکس لقمه ای چرب بخورد، به میزان آن چربی بیماری و دردی از بدن او خارج می شود. در گوشت گاو بیماری است، و در روغن و چربیش شفا و در شیرش دوا، و هیچ چیز مانند روغن به شکم وارد نمی شود.»

7- همچنین خوردن جوجه مستحبّ می باشد. از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در این باره نقل شده که فرمودند:

«أطيب اللحم، لحم فراخ نهض أو كاد ينهض»<sup>(2)</sup>.

«پاکیزه ترین و خوشمزه ترین گوشت، گوشت جوجه ای است که بر می خیزد و یا به زودی برخواهد خاست.»

8- گزینش گوشت دست و شانه نیز مستحبّ است. از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«اشتر لنا من اللحم المقادیم ولا تشتر المآخیر، فإنّ المقادیم أقرب من

ص: 253

---

1- - مستدرک الوسائل، ج 16، باب 13، ص 346، ح 1.

2- - همان، باب 14، ص 346، ح 1.

المرعى، وأبعد من الأذى»(1).

«برای ما از گوشت اعضای جلویی بخر، نه از گوشت اعضای انتهایی، چون، گوشت اعضای جلویی به چراگاه و (تندرستی) نزدیکتر و از زیان دورتر است.»

9 - همچنین برای از میان بردن ضعف خوردن کباب مستحب می باشد، از موسی بن بکر الواسطی نقل شده که گفت: أبوالحسن علیه السلام به سوی من فرستادند و من نیز به نزد ایشان رفتم، پس فرمودند:

«مالي أراك مصفراً؟ وقال: ألم أمرك بأكل اللحم؟».

«چرا رنگت زرد شده؟ و فرمودند: مگر تو را به خوردن گوشت امر نکرده بودم؟»

پس گفتم: از وقتی مرا به آن دستور دادید، جز گوشت چیزی نخورده ام. پس فرمودند:

«كيف تأكله؟».

«چگونه آن را می خوری؟».

گفتم: پخته، پس فرمودند:

«كله كباباً»(2).

«آن را بصورت کباب بخور.»

پس خوردم، پس از روز جمعه نیز دیگر بار به دنبال من فرستادند،

ص: 254

---

1-- همان، باب 18، ص 350، ح 2.

2-- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 23، ص 354، ح 1.



در آن وقت خون دوباره به صورت تم بازگشته بود.

10 - خوردن سرکه و روغن مایع نیز به همان دلیل مستحبّ می باشد. از امام صادق علیه السلام در این باره نقل شده که فرمودند:

«نِعْمَ الادام الخل، ونِعْمَ الادام الزيت، وهو طيب الأنبياء عليهم السلام وإدامهم وهو مبارك»<sup>(1)</sup>.

«بهترین چاشنیها سرکه و روغن مایع می باشند، که چاشنی و خورش پیامبران می باشند و خوردنیهای با برکتی هستند.»

همچنین مستحبّ است خانه از سرکه و روغن مایع خالی نشود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وأدموا الخل والزيت في منازلكم، فما افتقر أهل بيت كان ذلك ادمهم»<sup>(2)</sup>.

«از سرکه و روغن مایع در خانه هایتان به عنوان چاشنی استفاده کنید، زیرا، اهالی خانه ای که این خوراك چاشنی غذایشان باشد هرگز به فقر نمی افتند.»

11 - همچنین مستحب است پیش از صبحانه، خرما را ناشتا خورد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند:

«من أصبح بتمرات من عجوة، لم يضره ذلك اليوم سم ولا سحر»<sup>(3)</sup>.

«هرکس در صبح از خرماي فشرده و متراکم بخورد، در آن روز نه سم

ص: 255

---

1- همان، باب 33، ص 362، ح 2.

2- مستدرک الوسائل، ج 16، ص 362، ح 4.

3- همان، باب 57، ص 389، ح 1.

ونه جادویی به او زیان نخواهد رساند.»

همچنین فرمودند:

«كلوا التمر على الریق فإِنَّه یقتل الدود»<sup>(1)</sup>.

«خرما را ناشتا بخورید چراکه کرمها را می کشد.»

12 - خوردن سیب و معالجه کردن بدن نیز نیکو شمرده می شود، امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

«لو یعلم النَّاس ما فی التَّمَّاح ما داووا مرضاهم إلابه، ألا وإِنَّه أسرع شیء منفعه للفؤاد خاصّة وإِنَّه نصوحه»<sup>(2)</sup>.

«اگر مردم از آنچه در سیب است اطلاع یابند، بیماران خود را تنها به آن معالجه می کنند، و متوجه باشید که سیب از هر چیز دیگری زودتر سود می رساند بویژه به قلب، و تشنگی را فرومی نشاند.»

13 - خوردن کاسنی فرنگی نیز مستحب است. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«کل الهندباء، فما من صباح إلا ویقطر علیه من قطر الجنة»<sup>(3)</sup>.

«کاسنی بخورید، چون، هیچ صبحی نیست مگر اینکه از باران بهشت بر آن بیارد.»

از امام صادق علیه السلام نیز در این باره نقل شده:

ص: 256

---

1- همان، ص 390، ح 6.

2- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 67، ص 397، ح 1.

3- همان، باب 80، ص 415، ح 1.

«من أكل الهندباء كُتب من الآمنين يومه ذلك وليلته»(1).

«هرکس کاسنی بخورد در آن روز و شب در زمره افراد ایمن شمار می شود.»

14 - همچنین معالجه کردن بوسیله تره مستحب است. روزی یکی از یاران، از درد طحال خود شکایت نزد امام باقر علیه السلام برد، حال آنکه برای بهبودی به هر دارو و درمانی دست زده بود، ولی هر روز دردی بر دردهای وی افزوده می شد، تا اینکه در آستانه مرگ قرار گرفته بود، پس امام باقر علیه السلام فرمودند:

«اشتر بقطعة فضة كراث، واقله قلياً جيداً بسمن عربي، وأطعم من به هذا الوجع ثلاثة أيام فإنه إذا فعل ذلك برىء إن شاء الله تعالى»(2).

«با قطعه ای نقره تره بخر، و خوب آن را با روغن عربی سرخ کن، و به هرکس که دچار این درد است سه روز از آن غذا بده تا بخورد، پس اگر این کار را انجام دهد به خواست خدا از این درد رهایی خواهد یافت.»

غیر از اینها، آموزه های فراوان دیگری نیز درباره طبیعت خوراکیها آمده که بحث درباره آنها مجال وسیعتری را می طلبد. بطور کلی آنچه در یک سخن می توان گفت این است که باید جنبه سلامت و تندرستی کامل را در هر وعده غذایی، چه میوه و سبزیجات و چه نان و خورش و چاشنی مورد اهتمام قرار داد. بدیگر سخن می بایست سفره را از هر آنچه بدن

ص: 257

---

1- همان، باب 80، ص 415، ح 3.

2- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 84، ص 419، ح 1.

انسان بدان نیازمند است و بر تندرستی و نشاط انسان می افزاید، غنی ساخت.

د - در روایات آموزه های فراوانی نیز درباره چگونگی غذا خوردن آمده، که برخی از آنها عبارت اند از:

1 - شستن دستان پیش و پس از غذا. از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در این باره اینگونه روایت شده:

«مَنْ غَسَلَ يَدَيْهِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ بَوْرِكَ لَهُ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ وَآخِرِهِ»<sup>(1)</sup>.

«هرکس پیش از غذا و پس از آن دستان خود را بشوید در ابتدا و انتهای غذا به او برکت داده می شود.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در این باره فرموده اند:

«غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَجْلِبُ الرِّزْقَ»<sup>(2)</sup>.

«شستن دستها پیش از غذا و پس از آن موجب از میان رفتن فقر و تحصیل روزی می شود.»

از امام صادق علیه السلام نیز این حدیث نقل شده:

«إِذَا غَسَلْتَ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ فَامْسَحْ بِهِمَا وَجْهَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسَحَهَا بِالْمُنْدِيلِ،

وَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَةَ (3) وَالْمَحَبَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ وَالْمَغْضَبَةِ»<sup>(4)</sup>.

«هرگاه دستانت را از غذا شستی پیش از آنکه آندورا با حوله خشک کنی

ص: 258

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 16، أبواب آداب المائدة، ص 267، باب 42، ح 5.

2- - همان، باب 42، ص 267، ح 11.

3- - در منبع «الرتبة» آمده ولی احتمال می رود اشتباه نسخ باشد و «الزینة» با سیاق روایت موافقتر است. (مترجم)

4- - همان، باب 47، 272، ح 4.

آندورا به صورتت بکش و بگو: خدایا از تو زینت و محبت می طلبم و از گناه و مورد خشم قرار گرفتن به تو پناه می برم.»

2 - غذا خوردن در حالت تکیه داده و همچنین در حالت درازکش مکروه می باشد. از امیرمؤمنان علیه السلام در این باره نقل شده که فرمودند:

«لا تأکل متکناً كما يأکل الجبّارون، ولا ترّبع» (1).

«همچون جبّاران و سرکشان تکیه داده و همچنین چهار زانو غذا نخور.»

همچنین از امام صادق علیه السلام در این باره چنین نقل شده:

«لا تأکل متکناً، وإن كنت منبطحاً هو شرّ من الاتّكاء» (2).

«در حالت تکیه داده غذا نخور، و اگر در حالت درازکش بودی (بدان که این حالت) بدتر از حالت تکیه داده است.»

3 - همچنین انداختن يك پا برپای دیگر در موقع غذا خوردن مکروه و ناپسندیده می باشد. از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان، از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«إذا جلس أحدکم علی الطعام فلیجلس جلسة العبد، ولا یضعن أحدکم إحدى رجلیه علی الأخری، ولا یتربّع فإنها جلسة یبغضها الله عزّوجلّ، ویمقت صاحبها» (3).

«هرگاه کسی از شما بر سر غذا نشست، پس چونان بندگان بنشیند، و کسی از شما یکی از پاهای خود را بر دیگری نیندازد، و همچنین چهار زانو

ص: 259

---

1- همان، أبواب آداب المائدة، ص 224، باب 6، ح 2.

2- مستدرک الوسائل، ج 16، ص 224، ح 5.

3- همان، باب 9، ص 228، ح 2.

نشینند، چه، خداوند از این نوع نشستن به خشم می آید، و از کسی که اینگونه می نشیند بیزار است.»

4 - غذا خوردن در حال راه رفتن ناپسند است. از امام صادق علیه السلام اینگونه روایت شده که:

«لا تأکل وأنت ماشٍ، إلا أن تضطرَّ إلى ذلك»<sup>(1)</sup>.

«در حالی که راه می روی غذا نخور، مگر اینکه ناچار به اینکار شوی.»

5 - از سویی مستحب است پس از غذا خوردن دراز کشیده و پای راست را بر پای چپ بگذاریم. از امام صادق علیه السلام اینگونه روایت شده که:

«الاستلقاء بعد الشبع يسمن البدن، ويمرئ الطعام، ويسل الداء»<sup>(2)</sup>.

«دراز کشیدن پس از سیر شدن بدن را فربه، و غذا را گوارا، و بیماری را (از بدن) خارج می سازد.»

از امام رضا علیه السلام نیز در این باره اینگونه نقل شده:

«ومن أراد أن يستمرء طعامه فليستلق بعد الأكل على شقه الأيمن، ثم ينقلب على شقه الأيسر حتّى ينام»<sup>(3)</sup>.

«هرکس می خواهد غذایش خوب هضم شود، پس از غذا بر قسمت راست بدن خود دراز بکشد، سپس بر قسمت چپ دراز بکشد تا خوابش برود.»

6 - همچنین پسندیده است غذا را با نمک آغاز و با آن به پایان بریم. از

ص: 260

---

1- همان، باب 11، ص 230، ح 1.

2- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 66، ص 216، ح 1.

3- همان، ص 290، ح 2.

پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«من افتتح طعامه بالملح وختم به عوفی من اثنین وسبعین داء، منها الجذام»(1).

«هرکس غذای خود را با نمک آغاز و با آن پایان برد از هفتاد و دو مرض در امان است، که یکی از آنها جذام می باشد.»

7- فوت کردن در غذا مکروه است. حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

«إن رسول الله صلی الله علیه و آله نهی عن أربع نفحات، في موضع السجود، وفي الرقا،

وفي الطعام، والشراب»(2).

«همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله از چهار فوت نهی کردند، (یکی) در موضع سجود، (دوم) در تعویذ، (سوم) در غذا و (چهارم) در آشامیدن آنها.»

و مستحب است در موقع غذا خوردن فرد، از نزدیکترین جای غذا و نه از سر غذا بخورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«إذا أكلتم الثريد فكلوا من جوانبه، فإن الذروة فيها البركة»(3).

«اگر تریث خوردید، از کناره های آن بخورید، چون برکت در بالای آن است.»

آن حضرت همچنین می فرمایند:

«إذا وضعت المائدة فليأكل أحدكم مما يليه ولا يناول ذروة الطعام فإن البركة تأتيها من أعلاها، ولا يقوم أحدكم ولا يرفع يده وإن شبع حتى يرفع القوم

ص: 261

1-- همان، باب 84، ص 310، ح 1.

2-- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 82، ص 309، ح 1.

3-- همان، باب 57، ص 283، ح 2.

أيديهم، فإنّ ذلك يخجل جليسه»(1).

«هرگاه غذا بر سر سفره گذاشته شد، پس هريك از شما از آنچه به او نزديك است و نه از بالای غذا بخورد، زیرا، برکت از بالای غذا می رسد، همچنین هرکس از شما در صورت سیر شدن از سر غذا برنخیزد و یا دست از غذا نکشد، تا اینکه تمام افراد دست از غذا خوردن بردارند، چراکه این کار هم غذایان را خجل زده خواهد ساخت.»

8 - همچنین بهتر است با سه انگشت غذا خورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«الأكل باصبع واحد أكل الشيطان، وبالاثنين أكل الجبابة، وبالثلث أكل الأنبياء عليهم السلام»(2).

«خوردن با يك انگشت کار شیطان، و با دو انگشت کار جبّاران است، و خوردن با سه انگشت خوردن پیامبران عليهم السلام می باشد.»

9 - خلال کردن دندانها پس از غذا نیز از جمله مستحبات است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

«تخلّلوا على أثر الطعام، فإنّه صحّة للنباب والنواجذ ويجلب على العبد الرزق»(3).

«پس از غذا دندانهای خود را خلال کنید، چون، موجب سلامت دندانها

ص: 262

---

1- - همان، باب 58، ص 284، ح 3.

2- - مستدرک الوسائل، ج 16، باب 60، ص 286، ح 3.

3- - همان، باب 92، ص 317، ح 1.



و جلب روزی بنده می شود.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همچنین فرموده اند:

«نَقُوا أَفْوَاهَكُمْ بِالْخِلَالِ، فَإِنَّهُ مَسْكَنُ الْمَلَائِكَةِ الْحَافِظِينَ الْكَاتِبِينَ، وَإِنَّ مَدَادَهُمَا الرِّيقُ، وَقَلَمُهُمَا اللِّسَانُ، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَشَدَّ عَلَيْهِمَا مِنْ فَضْلِ الطَّعَامِ فِي الْفَمِ»<sup>(1)</sup>.

«دهانهای خود را با خلال پاکیزه کنید، چه، آن، جایگاه دو فرشتهٔ محافظ و کاتب می باشد، که مُرکبشان آب دهان و قلمشان زبان می باشد، و هیچ چیز برایشان سخت تر از باقیمانده غذا در دهان نیست.»

10 - همچنین مستحب است پس از غذا دهان را با مشک زمین (سُعد)، یا چه بسا، هر عطر دیگری شستشو داد تا خوشبو شود. از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که:

«أَنْتَ كَانِ إِذَا تَوَضَّأَ بِالْأَشْنَانِ أَدْخَلَهُ فَاهُ فَتَطَاعَمَهُ ثُمَّ رَمَى بِهِ»<sup>(2)</sup>.

«آن حضرت هرگاه با اشنان (علف شوره) شستشو می کردند، آن را داخل دهان مژه می کردند و سپس بیرون می ریختند.»

11 - همچنین شستشوی بیرون دهان با اشنان و یا هر مادهٔ پاک کنندهٔ دیگر نیز مستحب است.

ص: 263

1- همان، ح 3.

2- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 85، ص 236، ح 1.

غذا روان را گشایش و آرامش می بخشد، حال آنکه خود از انقباض و تنگنا خبر می دهد. بنابراین می توان از آن برای سامان بخشی به روابط اجتماعی، چه در چارچوب خانواده و چه در بیرون از آن، استفاده کرد. از همین رو اسلام، مجموعه آموزه هایی را در این باب به مؤمنان می آموزد که روابط اجتماعی ایشان را مستحکمتر می سازند. پاره ای از آنها عبارت انداز:

الف - غذا خوردن به تنهایی امری ناپسند می باشد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که:

«إن رسول الله صلی الله علیه و آله لعن ثلاثة: آکل زاده وحده، وراکب الفلاة وحده، والنائم في بیت وحده»<sup>(1)</sup>.

«همانا رسول خدا سه گروه را نفرین کرده اند، (نخست) کسی که به تنهایی غذای خود را بخورد، (دوم) کسی که به تنهایی در صحرا مسافرت کند، (سوم) کسی که به تنهایی در خانه ای بخوابد.»

ب - دسته جمعی غذا خوردن نیز مستحب است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

«أحبّ الطعام إلى الله ما كثرت علیه أيدي المؤمنين»<sup>(2)</sup>.

«محبوبترین غذا در نزد خدا آن است که دستان مؤمنین بیشتری به سوی آن برده شود.»

ص: 264

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 16، أبواب آداب المائدة، ص 315، باب 89، ح 1.

2- - همان، باب 12، ص 231، ح 5.

از امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز نقل شده که فرمودند:

«أكثر الطعام بركة ما كثرت عليه الأيدي»<sup>(1)</sup>.

«با برکتترین غذا آن است که دستان بیشتری بسویش برده شود.»

ج - همچنین مهمان دعوت کردن، و بزرگداشتن مهمان امری مستحب شمرده می شود. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«إنّ من مكارم الأخلاق إقراء الضيف»<sup>(2)</sup>.

«بیگمان مهمان دعوت کردن از مکارم اخلاق است.»

د - پذیرش دعوت مؤمن نیز مستحب است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

«مَنْ لَمْ يَجِبِ الدَّعْوَةَ، فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ»<sup>(3)</sup>.

«هرکس دعوت را نپذیرد، پس بیگمان از خدا و پیامبرش نافرمانی کرده است.»

ه - از سویی اطعام و غذا دادن به دیگران، مستحب مؤکد است. از امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«لئن أجمع نفراً من إخواني على صاع أو صاعين، أحب إليّ من أن أخرج إلى سوقكم هذه فأعتق نسمة»<sup>(4)</sup>.

ص: 265

---

1- همان، ص 231، ح 6.

2- همان، باب 20، ص 241، ح 1.

3- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 15، ص 235، ح 5.

4- همان، باب 26، ص 250، ح 1.

«اگر چند نفر از برادرانم را بر يك يا دو پيمانه غذا دعوت كنم، محبوبتر از آن است كه به سوي بازار شما بيرون آيم و يك بنده را آزاد سازم.»

امام صادق عليه السلام نيز فرموده اند:

«إطعام مؤمن يعدل عتق رقبة»<sup>(1)</sup>.

«اطعام يك مؤمن معادل آزاد ساختن يك بنده است.»

و - حَتَّى گذاشتن لقمه در دهان يك مؤمن نيز مستحب است. از پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نقل شده كه فرمودند:

«من ألقم في فم أخيه المؤمن لقمه حلولا يرجو لها رشوة، ولا يخاف بها من شره، ولا يريد إلا وجهه تعالى، صرف الله عنه بها مرارة الموقف يوم القيامة»<sup>(2)</sup>.

«هرکس در دهان برادر مؤمن خود لقمه شیرینی بگذارد و از این کار خود رشوه ای را قصد نکرده باشد و یا از ترس آن برادر مؤمن این کار را نکرده باشد و تنها برای خدا این کار را بکند، خداوند سختی ایستادن روز قیامت را از او برمی گرداند.»

ز - همچنین مستحب است ساکنان يك شهر، برادران رهگذر و مسافر خود را برای غذا دعوت کنند. از پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نقل شده كه فرمودند:

«إذا دخل رجل بلدة فهو ضيف على من بها من أهل دينة حتى يرحل عنهم،

ولا ينبغي للضيف أن يصوم إلا بإذنهم لئلا يعملوا له الشيء، فيفسد عليهم،

ص: 266

---

1- همان، ص 250، ح 2.

2- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 63، ص 287، ح 2.

ولا ينبغي لهم أن يصوموا إلا بإذنه لئلا يحشتمهم فيترك لمكانهم»(1).

«هرگاه مردی وارد شهری شود، تا وقتی که از آن شهر خارج شود مهمان برادران دینی خود در آن شهر می باشد، و مهمان اجازه ندارد بدون اذن میزبان روزه بگیرد، تا اینکه برای او کاری انجام ندهند، و سپس او زحمت ایشان را تباه سازد. همچنین میزبانان نیز نمی توانند روزه بگیرند مگر به اذن میهمان، تا اینکه مهمان شرمسار نشود و ایشان را به حال خود رها سازد و برود.»

ح - همچنین تکریم کردن مهمان و احترام به وی مستحب می باشد، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که:

«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ»(2).

«هرکس به خدا و روز فرجام ایمان دارد پس باید مهمان خود را احترام کند.»

از امیرمؤمنان نیز در این باره نقل شده که فرمودند:

«أَكْرَمُ ضَيْفِكَ وَإِنْ كَانَ حَقِيرًا»(3).

«مهمان را تکریم کن هرچند خوار و حقیر باشد.»

در واقع از اهل بیت علیهم السلام آموزه های فراوانی در باب تکریم مهمان و آداب مهمانداری به دست ما رسیده که این آموزه ها موجب استحکام

ص: 267

---

1- همان، باب 31، ص 254، ح 1.

2- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 34، ص 259، ح 1.

3- همان، ح 2.

پیوندهای برادران مؤمن با یکدیگر می شود و امر غذا خوردن را به یکی از مناسبات موفق اجتماعی بدل می سازند.

## چهارم - غذا و تدبیر معیشت

انسان می بایست راه اقتصاد و میانه روی را در معیشت برگیرد و به اندازه توانایی و وسعش به امر تغذیه اهتمام ورزد، چون، بر انسان نسبت به اموری که بر آنها توانایی ندارد، تکلیفی بار نمی شود. از سویی خداوند متعال بیش از نیاز بشر، غذا فراهم آورده، بگونه ای که هر مؤمنی می تواند بدون اینکه متحمل سختی و یا زیانی بشود گلیم خود را از آب بیرون کشد.

در آنچه خواهد آمد به برخی آموزه هایی که در این باب وارد شده اشاراتی خواهد رفت:

الف - مستحب است انسان با توجه به توان و وسع خود، میزان غذایش را تنظیم کند. از امام صادق علیه السلام در این باره نقل شده که:

«ليس في الطعام سرف»<sup>(1)</sup>.

«در غذا نباید اسراف کرد.»

ب - معمولاً مهمانیها به ابزاری برای پرزرق و برق کردن سفره ها بدل شده اند، حال آنکه اسلام از این امر نهی می کند، و در واقع مستحب است که مهمان، میزبان را به سختی نیندازد. از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

ص: 268

---

1- - مستدرک الوسائل، ج 16، باب 24، ص 247، ح 1.

«دعا رجل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، فقال له: أجبته على أن تضمن لي ثلاث خصال، قال: وما هي يا أمير المؤمنين؟ قال: أن لا تدخل علي شيئاً من خارج، ولا تدخر عني شيئاً في البيت، ولا تجحف بالعيال، قال: ذلك لك، فأجابه علي عليه السلام»(1).

«مردی امیر مؤمنان علی بن ابیطالب را به منزل خود خواند، پس (آن حضرت) به وی فرمودند: به این شرط که سه چیز را درباره این دعوت تضمین کنی دعوت را اجابت می کنم، مرد گفت: آن سه شرط چیستند یا امیرالمؤمنین؟ آن حضرت فرمود: اینکه برای من چیزی از بیرون نیاوری، و چیزی از آنچه در خانه هست از من دریغ نکنی، و اینکه به خانواده خود ستم نکنی، آن مرد گفت: آن سه شرط را فراهم می آورم، پس علی علیه السلام دعوت وی را پذیرفتند.»

از سویی مستحب است مهمان، آنچه را که میزبان برایش آماده می کند، ناچیز نشمارد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره نقل شده:

«ومن احتقر ما يقرب إليه أخوه لم يزل في مقت الله يومه وليلته»(2).

«و هرکس آنچه را که برادرش به او تقدیم می کند، کوچک شمارد، همچنان شب و روز مورد غضب خدا خواهد بود.»

همچنین مستحب است که میزبان از آنچه میآورد شرمسار نشود. از رسول خدا نقل شده که فرمودند:

ص: 269

---

1- - همان، باب 19، ص 239، ح 1.

2- - مستدرک الوسائل، ج 16، باب 18، ص 239، ح 1.

«أكرم أخلاق النبيين والصدّيقين والشهداء والصالحين التزاور في الله، وحقّ على المزور أن يقرب إلى أخيه ما تيسر عنده ولو لم يكن إلا جرعة من ماء، فمن احتشم أن يقرب إلى أخيه ما تيسر عنده، لم يزل في مقت الله يومه وليلته»<sup>(1)</sup>.

«شريف ترين اخلاق پیامبران و صدیقان و شهدا و شایستگان، دیدار کردن با دیگران برای خدا می باشد، و حقی است بر گردن میزبان که برای برادرش از هر آنچه دارد چیزی آماده و به وی تقدیم کند، هر چند جرعه ای آب باشد، پس هرکس از اینکه از هر آنچه دارد چیزی برای برادرش آماده کند، شرمسار شود، همچنان روز و شب مورد خشم خدا خواهد بود.»

ج - جایز نیست کسی غذایی بیش از توان خود فراهم کند تا بدان وسیله ریاکاری و شهرت طلبی نماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«مَنْ أَطْعَمَ طَعَاماً رِئَاءَ وَسْمَعَةٍ، أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ صَدِيدِ جَهَنَّمَ، وَجَعَلَ ذَلِكَ الطَّعَامَ نَاراً فِي بَطْنِهِ حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>(2)</sup>.

«هرکس از روی ریا و برای کسب اعتبار اطعام کند، خداوند او را از چرک جهنم اطعام خواهد کرد، و آن غذا را تا روز قیامت که میان مردم داوری می کند، به آتشی در شکمش تبدیل می کند.»

د - به نظر می رسد اسراف در غذا به سهل انگاری در بهره بردن از خوراکیها منجر می شود. از این رو اسلام تعالیمی را در باب اهمّیت دادن به غذا بیان می دارد. یکی از این تعالیم کراهت ناتمام گذاشتن میوه و انداختن

ص: 270

---

1- همان، باب 17، ص 239، ح 3.

2- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 30، ص 254، ح 1.



آن در این حالت می باشد. روایت شده که امام صادق علیه السلام در خانه خود به میوه ای نیم خورده که در گوشه ای افتاده بود برخوردند، آن حضرت خشمگین شده و فرمودند:

«ما هذا؟ إن كنتم شبعتم، فإن كثيراً من الناس لم يشبعوا، فأطعموه من يحتاج إليه» (1).

«این چیست؟ اگر سیر شده اید، (بدانید) که بسیاری از مردم هنوز سیر نشده اند، پس آن (- میوه) را به کسی که بدان نیازمند است بدهید.»

همچنین مستحب است با فراهم آمدن نان بر سر سفره منتظر چیز دیگری نمانده، و شروع به خوردن کنیم. از امیرمؤمنان علی علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«أكرموا الخبز، فإن الله تبارك وتعالى أنزل له بركات السماء، قيل: وما إكرامه؟ قال: إذا حضر لم ينتظر به غيره» (2).

«نان را تکریم کنید و بزرگ دارید، چون خداوند تبارك وتعالى برای آن برکاتی از آسمان فرود فرستاده، گفته شد: چگونه نان را تکریم کنیم؟ امام فرمودند: هرگاه فراهم آمد منتظر چیز دیگری نمانید.»

همچنین مستحب است قرص نان را کوچک گرفت. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره روایت شده که:

«صغروا رغافكم، فإن مع كل رغيف بركة» (3).

ص: 271

1- همان، باب 61، ص 287، ح 1.

2- مستدرک الوسائل، ج 16، باب 73، ص 303، ح 1.

3- همان، باب 76، ص 304، ح 1.

«قرصهای نان خود را کوچک کنید، چه با هر قرص نانی برکتی همراه است.»

احترام نان نیز از مستحبات است. از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«مَنْ وَجَدَ كَسْرَةَ خَبْزٍ مَلَقَاةً عَلَى الطَّرِيقِ، فَأَخَذَهَا فَمَسَحَهَا ثُمَّ جَعَلَهَا فِي كُوَّةِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً، وَالْحَسَنَةُ بَعَشْرُ أَمْثَالِهَا، فَإِنْ أَكَلَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَتَيْنِ مِثْلَهُمَا»<sup>(1)</sup>.

«هرکس تکه نانی را که در راه افتاده بیابد، پس آنرا بگیرد و آن را تمیز کند و در روزنه ای قرار دهد، خداوند برای او حسنه ای می نویسد، حال آنکه هر حسنه ده برابر می شود، و اگر آن تکه نان را بخورد خداوند برای او دو حسنه دو برابر می نویسد.»

از خدا می خواهیم تا ما را برای تقه در دین و بهره مندی از آموزه های زندگی بخش آن به جسم و جان، موفق گرداند.

ص: 272

با نگاه به آیات قرآنی می توان اهداف بلند سکنی گزینی را در موارد ذیل خلاصه کرد:

1 - مصون ماندن از تجاوز دیگران به حریم جان، مال و آبرو.

2 - دور شدن از انظار عمومی، پوشاندن کاستیها و بدیهای خود، نگهداری از اسرار، خلوت کردن با خود و خانواده بویژه با آنانکه دل با وجودشان آرام می گیرد.

3 - بوجود آمدن بستری سالم برای همیاری و همبستگی، و برخورداری از گذران زندگی ای مشترك میان اعضای يك خانواده.

4 - پیراستگی و دور ماندن از بدیها و گناهان، و برخوردار شدن از فضایی بدور از ریا و شهرت طلبی و از شلوغی و بدور از نگاه دیگران برای خلوت کردن با خدا از راه ذکر و عبادت.

در واقع مسکن يك مؤمن (و همچنین شهر و یا روستایی که در آن زندگی می کند) بستری می باشد برای به کار بستن بسیاری از احکام شرعی

همچون: امنیت، حفظ و نگهداری، پرهیزگاری، همیاری، نیکوکاری، پیراستگی و ذکر و مانند اینها.

با نگاه به آیات و روایاتی که به برخی از آنها در آنچه خواهد آمد اشاره خواهد رفت، درمی یابیم که ساخت يك مسکن نمونه، آن است که امور ذیل را برای ما فراهم می آورد:

1 - مصونیت در برابر خطرها.

2 - وسعت، هوای پاک، نور خورشید.

3 - پوشیدگی و آرامش.

4 - زیبایی و آراستگی.

5 - سادگی و دورماندن از زیاده روی و اسراف.

6 - جای مناسب.

7 - ذکر و پیراستگی.

8 - سود و برکت.

9 - همیاری و مهربانی.

10 - مکانی برای علم آموزی و تربیت.

11 - آداب والا.

در آنچه خواهد آمد به تفصیل درباره این احکام سخن خواهیم راند:

ص: 274

قرآن کریم:

1 - (وَادْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُدِّ هُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ) (1).

«و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم "عاد" قرار داد، و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می کنید؛ و در کوهها، برای خود خانه ها می تراشید. بنابراین، نعمتهای خدا را متذکر شوید؛ و در زمین، به فساد نکوشید.»

2 - (وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ) (2).

«آنها خانه های امن در دل کوهها می تراشیدند.»

3 - (وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ) (3).

«و از کوهها خانه هایی می تراشید، و در آن به عیش و نوش می پردازید.» (4)

ص: 275

1-1 - سورة اعراف، آیه 74.

1-2 - سورة حجر، آیه 82.

1-3 - شعراء، آیه 149.

1-4 - علیرغم اینکه بیشتر آیات وارده در باب مصونیت شهر یا استحکام خانه و یا برقراری امنیت آن، در مقام سستی آنها در برابر فرمان و یا کیفر الهی ای که کافران را در بر می گیرد لایمی باشد، ولی بگونه ای ضمنی بر چگونگی حفاظت از خطرهای عادی نیز دلالت می کند و بیان می دارد که فرمان و کیفر الهی بالاتر از خطرهای عادی می باشد، لذا نمی توان با تکیه بر این روشها و ابزارهای حفاظت از بلاها و خطرهای طبیعی، از کیفر الهی ایمن بود.

حدیث شریف:

1 - در حدیثی اینگونه آمده:

«وَأَمَّا [شَوْم]

الدار فضیق ساحتها، وشرّ جیرانها، وكثرة عيوبها»(1).

«اما [بدیمنی] خانه تنگی مساحت و بدی همسایگان و فراوانی عیوب آن است.»

2 - از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«من بنی فاقصد فی بنائه لم یوجر»(2).

«هرکس در ساخت خانه از موادّ و کار لازم کم بگذارد، پاداشی نخواهد دید.»

به نظر می رسد مراد از اقتصاد در بنا، کم گذاشتن از مصالح ساختمانی، بگونه ای که در کیفیت بنا تأثیر منفی بگذارد، باشد. اینگونه، با تدبّر در این حدیث شریف ضرورت استحکام ساختمان را درمی یابیم.

3 - در اسلام از سکنی گزیدن در خانه های خراب نهی شده است. از پیامبر در این باب روایت شده که:

«ثلاثة لا یتقبّل الله عزّوجلّ لهم بالحفظ: رجل نزل فی بیت خرب، ورجل

ص: 276

---

1-- بحار الأنوار، ج 73، ص 149، ح 6.

2-- همان، ص 150، ح 12.

صَلَّى عَلَى قَارِعَةِ الطَّرِيقِ، وَرَجُلٍ أُرْسِلَ رَاحِلَتَهُ وَلَمْ يَسْتَوْثِقْ مِنْهَا»(1).

«سه دسته اند که خداوند آنها را سزاوار حفظ نمی شمارد(2): مردی که در خانه ای خراب سکنی گزیند، مردی که بر سر راه به نماز پردازد، و مردی که شتر و مرکب خود را رها سازد بی آنکه (از درست رفتنش) اطمینان حاصل کند.»

4 - در حدیث دیگری درباره کارهایی که می بایست برای امانت خانه انجام داد سخن رفته است، که این امر میزان اهتمام دین - علاوه بر استحکام خانه و بی نقص بودن آن - به حفظ خانواده از خطرها، را نمایان می سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«أَطْفَنُوا الْمَصَابِيحَ بِاللَّيْلِ، لَا تَجْرَهَا الْفَوْسِقَةُ فَتَحْرِقَ الْبَيْتَ وَمَا فِيهِ»(3).

«چراغها را در شب خاموش کنید، تا موشها آنها را به این سو و آنسو نکشند و خانه و آنچه را در آن است با این کار به آتش نکشند.»

5 - همچنین امام صادق علیه السلام خوابیدن در پشت بام بدون حفاظ را ناپسند داشته و فرموده اند:

«مَنْ نَامَ عَلَى سَطْحٍ غَيْرِ مَحَجَّرٍ بَرَأَتْ مِنْهُ الذَّمَّةُ»(4).

«هرکس بر پشت بامی بدون حفاظ بخوابد، تنها خود مسؤول پیامدهای

ص: 277

---

1- بحار الأنوار، ص 157، ح 2.

2- چه بسا این سخن بدین معنا باشد که؛ دعاهای این سه دسته برای در امان ماندن از خطرها، مستجاب نخواهد شد، چراکه خود در فراهم آوردن وسائل امانت کوتاهی کرده اند.

3- بحار الأنوار، ج 73، ص 164، ح 1.

4- همان، ص 178، ح 2.

رهیافت وحی:

همانگونه که پیش از این در سخن از احکام حفظ و نگهداری گفته شد، محافظت از جان شرعاً و عقلاً امری الزامی می نماید، از اینرو اهتمام به استحکام بنا در امر ساخت و ساز و فراهم آوردن شرایط امنیتی و سلامت خانه نیز امری ضروری به نظر می رسد. البته این ضرورت در موارد گوناگون و متناسب با خطرات احتمالی با شدت و ضعف همراه است (یعنی گاهی واجب و گاهی تنها امری مستحب شمرده می شود). از اینرو در شرایطی که نسبت وقوع خطر، بالا و خطر مرگ را در پی داشته باشد، پایبندی به اصول ایمنی و استحکام بنا واجب و سهل انگاری از آنها حرام می باشد. مثلاً اگر کسی در يك منطقه زلزله خیز به ساخت خانه ای سست بنیاد دست زند، بگونه ای که از دیدگاه عرف، وی خود را در معرض خطر مرگ قرار داده باشد، این کار وی حرام تلقی می شود. اما در صورتی که نسبت وقوع خطر کم باشد و یا احتمال آن ضعیف باشد، مجهز شدن به وسایل ایمنی در برابر آن امری مستحب و عدم حفظ خود از آن خطر امری مکروه شمرده می شود.

احکام:

امروزه که دلایل و اسباب مرگ و هلاک بیش از پیش گوناگون شده اند، ضروری است که به امر استحکام و ایمن سازی بناها نیز بیش از پیش اهتمام ورزیم. آنچه خواهد آمد تنها اشاره ای است به مصادیق پایبندی به این



ضرورت، که خواست ما از بیان این نمونه‌ها تنها پدیدار ساختن این قاعده عمومی یعنی ضرورت ایمن سازی بناها در ساخت و ساز و در فراهم آوردن شرایط امنیتی و سلامت می باشد. حال به این نمونه‌ها توجه کنید:

1 - باید برای هر ناحیه، معیارهای ویژه ای برای ساخت و ساز در نظر گرفت. معیارهایی که علاوه بر نیازسنجی استحکام بناها، عمر مفید بناها را نیز در هر منطقه تعیین کنند. همچنین می بایست این اطلاعات را به گونه ای سامان داد تا در دسترس ساکنان هر منطقه قرار گیرند. و این بر عهده شهرداریها می باشد. در واقع سخن از تفاوت میزان نیازمندی به استحکام بناها در مناطق گوناگون می باشد، بیگمان این نیازسنجی در مناطق کوهستانی با مناطق هموار، و در مناطق خشک با مناطق مرطوب، و در خاکهای سخت با خاکهای سست متفاوت می باشد.

2 - یکی از موارد استحکام سازه های ساختمانی، ایمن سازی بناها در برابر زلزله و رانش زمین می باشد. در این صورت اگر با منطقه ای زلزله خیز مواجه باشیم باید قوانین شدید و قاطع تری را در امر ساخت و ساز و گونه های مصالح مورد استفاده، به کار گیریم.

3 - اگر کشور در معرض وقوع جنگهای گوناگون باشد، باید علاوه بر سامان دهی به قوانین ساخت و ساز، قوانین دیگری در زمینه حفاظت بناها از حملات هوایی و موشکی نیز وضع شود. از این جمله می توان به عنوان نمونه، به الزام ساخت پناهگاههای کافی، و یا کمک به کسانی که چنین امکانی برایشان فراهم نمی باشد، از خزانه دولت، اشاره کرد.

- 4 - همچنین باید برای لوله کشیهای آب و گاز و یا برق کشی منازل قوانینی در جهت ایمنی اهالی خانه، بویژه کودکان در نظر گرفت.
- 5 - یکی از نمونه های چنین قوانینی، قوانین مربوط به اطفاء حریق می باشند که در آنها باید الزام تعبیه خروجی ها و نردبانهای اضطراری برای فرار از محل حادثه، و یا تعبیه نشانه های کافی برای هدایت مردم در زمان وقوع حوادث غیر مترقبه و مانند اینها پیش بینی شده باشد.
- 6 - یکی دیگر از راههای ایمن سازی سازه های ساختمانی، تعبیه حفاظ در پشت بامهای مورد استفاده مردم و همچنین تعبیه میله های حفاظتی بر پنجره ها و در دو سوی پله کانهای داخلی خانه، و در واقع ایمن سازی ساکنین از افتادن در گردابه های خطر آفرین می باشد.

## 2 - وسعت، نور خورشید، هوای پاک

قرآن کریم:

(وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَرَاوُرَ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ هُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا) (1).

«و (اگر در آنجا بودی) خورشید را می دیدی که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می گردد؛ و به هنگام غروب، به سمت چپ؛ و آنها در

ص: 280

محل وسیعی از آن (غار) قرار داشتند؛ این از آیات خداست. هرکس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هرکس را گمراه نماید، هرگز ولی و راهنمایی برای او نخواهی یافت.»

حدیث شریف:

1 - از حضرت ابوالحسن علیه السلام در زمینه بهترین زندگی دنیا سؤال شد.

آن حضرت پاسخ گفتند:

«سعة المنزل، وكثرة المحييين»<sup>(1)</sup>.

«وسعت خانه و فراوانی دوستان.»

2 - از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«من شقاء العيش، ضيق المنزل»<sup>(2)</sup>.

«تنگی خانه از شوربختی زندگانی است.»

3 - درباره پاکیزگی خانه و جلوگیری از آلوده و کثیف شدن منزل نیز احادیث فراوانی بدست ما رسیده، که یکی از آنها حدیثی است از امیر مؤمنان علیه السلام که فرمودند:

«نظّفوا بيوتكم من حوك العنكبوت، فإنّ تركه في البيت يورث الفقر»<sup>(3)</sup>.

«خانه های خود را از تار عنكبوت پاک کنید، زیرا، پاک نکردن آنها و رها

ص: 281

---

1- مستدرک وسائل الشیعه، ج 3، أبواب أحكام المساكن، باب 1، ص 451، ح 3.

2- بحار الأنوار، ج 73، ص 153، ح 31.

3- همان، ص 175، ح 3.

ساختن آنها بحال خود در خانه موجب فقر می شود.»

4- همچنین در مناهی رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده که:

«لا تبتئوا القمامة في بيوتكم، وأخرجوها نهاراً، فإنها مقعد الشيطان»<sup>(1)</sup>.

«زباله را شب در خانه نگه ندارید و آن را روز هنگام از خانه بیرون ببرید، چراکه زباله نشیمن گاه شیطان است.»

احکام:

1- از سیاق آیه 17 سورة كهف به ضرورت برخورداری از هوای پاک و نور آفتاب در خانه پی می بریم. این آیه بیان می دارد که اصحاب كهف به دامن يك كوه پناه بردند، (این در حالی است که پاکی هوای یکی از مشخصه های چنین مناطقی است) و از تابش خورشید به هنگام طلوع و غروب آن بهره مند می شدند. (که همین تابش خورشید بود که گرمای کافی را برای سالم ماندن بدنهای ایشان و ایمن ماندن ایشان از آلودگی فراهم می آورد.)

2- در روایاتی که به نمونه هایی از آنها اشاره رفت، از وسعت، پاکیزگی و نظافت خانه سخن رفته است.

بدیگر سخن این روایات، خانه را جایگاه تندرستی و سلامت و صلاح و اصلاح می دانند. حال با گذر بر این اصول و ارزشها، می توان احکام فرعی جدیدی را متناسب با نیاز سنجی عصر حاضر، از این روایات

ص: 282

---

1- - بحار الأنوار، ج 73، ص 175، ح 4.

برگرفت، که برخی از آنها عبارت اند از:

الف - امروزه، استفاده از سوخته‌های جدید بویژه استفاده از فراورده های نفتی ما را گرفتار مفهومی بنام آلودگی هوا ساخته است. از اینرو ما باید خانه های خود را تا حدّ توان بدور از کانونهای آلودگی برگزینیم. همچنین باید کارخانه های گوناگون، بویژه کارخانه های سیمان و کودهای شیمیایی و مانند اینها نیز که موجب آلودگی شدید هوا می شوند، را بدور از مناطق مسکونی احداث کرد.

ب - زندگی امروزی، زندگی در شهرهای بزرگ و پرجمعیت و زندگی در شهرهایی پر از سازه ها و برجهای مرتفع می باشد. از این رهگذر اگر فاصله ضروری میان بناها را مورد توجه قرار ندهیم، بیگمان فرزندانمان را از فوائد تابش نور خورشید محروم خواهیم ساخت.

بنابراین می بایست مساحت و بلندی سازه ها را محدودتر بگیریم تا مانع تابش نور خورشید که در شریعت اسلام یکی از مطهّرات محسوب می شود نشوند.

ج - از سویی خطرات آلودگیهای صوتی کمتر از خطرات آلودگی هوا نمی باشد، از اینرو می بایست در حدّ توان از آلودگیهای صوتی نیز بکاهیم تا از زندگی آرام و راحتی برخوردار شویم.

ص: 283

قرآن کریم:

1 - (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...) (1).

«و در خانه های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید؛...»

2 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصَدَّقُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) (2).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشا، این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می کند، و خداوند دانا و حکیم است.»

3 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ

ص: 284

1- - سورة احزاب، آیه 33.

2- - سورة نور، آیه 58.

نَاطِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنَاجُوا أَرْوَاحَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعد نیاید و) در انتظار وقت غذا نشینید؛ اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید؛ و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت نشینید؛ این عمل، پیامبر را ناراحت می نماید، ولی از شما شرم می کند (و چیزی نمی گوید)، اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد. و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [اهمسران پیامبر] می خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دلهای شما و آنها بهتر است. و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآوردید که این کار نزد خدا بزرگ است!..»

حدیث شریف:

1 - امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«ثلاثة للمؤمن فيهنّ راحة: دار واسعة، توارى عورتها وسوء حاله من الناس،

وامرأة صالحة تعينه على أمر الدنيا والآخرة، وابنة أو اخت يخرجها من منزله

ص: 285

1- - سورة احزاب، آیه 53.

بموت أو بتزويج»(1).

«سه چیز است که در آنها برای مؤمن آرامش است: خانهٔ وسیعی که عورت و حریم و وضعیتهای بد او را، از مردم بیوشاند، زن شایسته ای که او را در کار دنیا و آخرت یاری کند و دختر یا خواهری که به مرگ و یا ازدواج از خانه بیرون کند.»

2 - در حدیث شریف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده که فرمودند:

«من أدخل بصره في حریم قوم قبل رجله، فلا أتم الله له، وهو آثم وهو آثم»(2).

«هرکس پیش از اینکه با پا وارد حریم دیگران شود، با نگاه وارد حریم ایشان شود، خدا برای او نخواهد ساخت، و او گناهکار است و او گناهکار است.»

3 - آن حضرت همچنین فرمودند:

«ثلاث يطفين نور العبد (إلى أن قال): أو وضع بصره في الحجرات من غير أن يؤذن له»(3).

«سه چیز نور بنده را خاموش می سازند (تا اینکه فرمودند): یا اینکه بدون اجازه چشم به درون اتاقهای دیگران بیندازد.»

ص: 286

---

1- بحار الأنوار، ج 73، ص 149، ح 2.

2- مستدرک وسائل الشیعه، ج 3، أبواب أحكام المساكن، باب 16، ص 465، ح 3.

3- همان، ح 2.



از آنچه در آیات قرآن خواندیم، درمی یابیم که برای مسکن حرمتی است که نباید بدون اذن صاحبان آن بدان نفوذ کرد و یا بجای ورود از درب خانه از دیوار آن بالا رفت. علاوه بر این، در اسلام حتی از اهالی خانه نیز خواسته شده تا برای ورود به اتاقهای دیگر اعضای خانواده در ساعت‌های استراحت و تنهایی هم اجازه بگیرند. همچنین آیات ذکر شده، بر ضرورت وجود حجاب و پرده ای به هنگام درخواست از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تأکید دارند. این رهیافتهای برگرفته شده از آیات قرآن ما را به استنباط احکامی چند در رابطه با پوشیدگی و آرامش در منزل رهنمون می سازند که عبارت اند از:

#### احکام:

- 1 - باید در ساخت خانه ها هر قدر که می توانیم به شاخص پوشیدگی نزدیکتر شویم. پیش از این، خانهٔ يك مسلمان از دو بخش اندرونی که به خانواده متعلق بود و بخش بیرونی که برای مهمانان در نظر گرفته می شد تشکیل می شد. این دو بخش بگونه ای از هم جدا ساخته می شدند که افراد غریبه نه تنها افراد خانواده را نمی دیدند، بلکه کوچکترین صدایی نیز از ایشان نمی شنیدند.
- 2 - باید پنجره ها و منافذ نور را در وسط خانه و نه در کناره های تحت اشراف همسایگان و یا عابران تعبیه کرد. در غیر اینصورت بهتر است میان جایگاه پنجره ها و کوچه و خیابان فاصله ای در نظر بگیریم.
- 3 - همچنین باید اتاقهای خواب را برای تأمین پوشیدگی بیشتر هرچه

دورتر از فضای داخلی خانه و حتی دور از اتاق کودکان و خدمتکاران و...

بسازیم.

4 - نگاه کردن به درون خانه ها و استراق سمع، چه از راههای عادی و معمولی و چه از طریق دوربین و یا از رهگذر کنترل خطوط تلفنی بوسیله دستگاههای الکترونیکی، جایز نمی باشد. پیش از این نیز در بخش احکام حفظ و پاس داری، به پاره ای از احکام نگاه کردن به خانه ها اشاره رفته بود.

#### 4 - زیبایی و آراستگی خانه

قرآن کریم:

1 - (يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ \* قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ)(1).

«ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید؛ و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد. \* بگو: "چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟!". «بگو: "اینها

ص: 288

در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند؛ (اگرچه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود. " این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می دهیم. »

2 - (... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...) (1).

«... و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان،...»

3 - (وَلِيُؤْتِيَهُمُ آبَاؤُهُمْ وَسُرَرًا عَلَيْهِمْ يَتَكُونُونَ \* وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ) (2).

«و برای خانه هایشان درها و تختهایی (زیبا و نقره ای) قرار می دادیم که بر آن تکیه کنند؛ \* و انواع زیورها؛ ولی تمام اینها بهره زندگی دنیاست، و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است.»

4 - (فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ) (3).

«در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی [ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهابها از رخنه شیاطین)

ص: 289

---

1 - - سورة نور، آیه 31.

2 - - سورة زخرف، آیات 34 و 35.

3 - - سورة فصلت، آیه 12.

حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا.»

5- (وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ) (1).

«و در آنها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان باز می گردانید، و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می فرستید.»

حدیث شریف:

1- در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ، وَيَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً، أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا». قيل و كيف ذلك؟

قال: «يَنْظَفُ ثَوْبَهُ، وَيَطَيِّبُ رِيحَهُ، وَيَحْسِنُ دَارَهُ، وَيَكْنَسُ أَفْنِيَّتَهُ، حَتَّىٰ إِنَّ السَّرَاجَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (2).

«خداوند متعال زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و بینوایی و تظاهر به بیچارگی را ناپسند می دارد، چون، خداوند هرگاه نعمتی به بنده ای ارزانی می دارد، دوست دارد اثر آن را در وی ببیند.» گفته شد: آن اثر چگونه پیدا می شود؟ آن حضرت فرمودند: «لباسش را پاکیزه کند، و به خود بوی خوش بزند و خانه اش را نیکو سازد و حیات خانه را جارو بزند، حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب آفتاب، فقر را از میان می برد و روزی را فزونی

ص: 290

1- - سورة نحل، آیه 6.

2- - بحار الأنوار، ج 73، ص 141، ح 5.

2 - امیر مؤمنان علیه السلام نیز در این باره فرمودند:

«التجمل من أخلاق المؤمنين»<sup>(1)</sup>.

«خودآرایی از اخلاق مؤمنان است.»

3 - امام باقر علیه السلام فرمودند:

«أكثرنا من الدواجن في بيوتكم، يتشاغل بها الشياطين عن صبيانكم»<sup>(2)</sup>.

«بر تعداد ماکیان که در خانه نگه می دارید بیفزایید، چون، ماکیان شیاطین را از کودکانان و انواده، به خود مشغول می سازند.»

4 - حضرت امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوار خود اینگونه روایت کرده اند:

«الطيب نُشرة، والعسل نُشرة، والركوب نُشرة، والنظر إلى الخصرة نُشرة»<sup>(3)</sup>.

«عطر، عسل و نگاه کردن به سبزه زار و سوار کاری، موجب انبساط خاطر می شوند.»

5 - از آن حضرت همچنین روایت شده که فرمودند:

ص: 291

---

1- - غررالحکم، ص 435.

2- - وسائل الشیعه، ج 8، کتاب الحجّ، أبواب أحكام الدواب، باب 34، باب 381، ح 5، (20 جلدی)، همان، ج 11، ص 512، (29 جلدی).

3- - بحار الأنوار، ج 73، ص 141، ح 4.

«کنس الفناء يجلب الرزق»(1).

«جارو کردن حیات خانه ها موجب کسب روزی می شود.»

6- از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که در روزنه های سقف بخور می سوزانیدند.(2)

7- ابو خدیجه می گوید: دیدم که در خانه ابی عبدالله علیه السلام آیه الكرسي گرداگرد خانه و در محرابش به نگارش درآمده بود.(3)

8- محمد بن مسلم می گوید: از ابا عبدالله علیه السلام درباره کشیدن تصاویر درخت و خورشید و ماه پرسیدم، آن حضرت فرمودند:

«لا بأس، ما لم یکن فیہ شیء من الحیوان»(4).

«اگر از تصویر حیوانات در آن استفاده نشود، اشکالی ندارد.»

رہیافت وحی:

خداوند نه تنها آراستگی دنیوی را بر مؤمنین حرام نکرده، بلکه دستور داده تا به هنگام رفتن به مساجد، مؤمنان خود را بیارایند. در واقع برخوردار از زینت و آراستگی، موجب برقراری محبت میان مردم می شود. زنان نیز می توانند در خانه و برای افراد محرم خانه زینت کنند، ولی

ص: 292

---

1- بحار الأنوار، ج 73، ص 176، ح 10.

2- همان، ص 143، ح 1.

3- همان، ص 151، ح 20.

4- همان، ص 160، ح 11.

جایز نیست تا زینتهای خود را برای بیگانگان آشکار سازند. از سویی در آیات قرآنی خداوند متعال، خانه های با دربها و تختهای آراسته و زینت شده را در شمار زخارف دنیا محسوب کرده، همچنین روایات متعددی به محبوب بودن زیبایی و آراستگی در نزد خدا اشاره دارند. بیگمان، خانه به عنوان محل سکونت انسانها می تواند یکی از برجسته ترین مصادیق آراستگی باشد.

احکام:

آراستگی و زیبایی خانه بسته به موارد زیر است:

- 1 - امکان نگریستن به زیباییهای طبیعت شامل نظر افکندن به ستارگان در شب، و امکان دیدن سبزه زار و رودخانه در روز.
- 2 - نگهداری کردن از حیوانات اهلی همچون پرندگان و ماکیان. در واقع احادیث بسیاری در استحباب نگهداری ماکیان و حیوانات اهلی در خانه وارد شده است.
- 3 - وجود سبزه و گل و ریحان در خانه برای انبساط خاطر.
- 4 - وجود آب، بوژه - در صورت امکان - جوی آب جاری در خانه، چون، زیبایی خانه های بهشتی به درختانی است که از زیرشان نهرهایی جاری می باشند.
- 5 - پاکیزگی، بخور دادن، روشن کردن چراغ در شب و استفاده از تصاویر منظره های طبیعی در خانه، که احادیث زیادی در موردشان وارد شده است.

ص: 293

6 - نگاشتن آیات الهی و آراستن خانه به قرآن، که بر زیبایی خانه می افزاید و همانگونه که روایات بیان می دارند خانه را از شرّ اجنّه و بلایا حفظ می کند.

مواردی که بدانها اشاره کردیم، نمودهای آراستگی مورد اشاره نصوص و متون دینی بودند، البتّه بجز این موارد، موارد دیگری را نیز می توان از بیان ویژگی های خانه های بهشتی، دریافت کرد، ولی نمی توان مفاهیم زیبایی شناختی را عمومیت بخشید، چراکه حسّ زیبایی شناسی مردم با یکدیگر متفاوت است، بنابراین هر نسل و یا گروه و قومی باید زینتهای خود را بر مبنای حسّ زیبایی شناسی خود و با توجه به پدیدارهایی که به ایشان انبساط خاطر می دهد و یا چشمهای ایشان را نوازش می دهد، برگزینند. از این جمله می توان به بهره مندی از شکلهای آرام بخش هندسی و رنگهای درخشان متناسب با یکدیگر، و برخورداری از چراغها و لوسترها و تختها و کالاهای و فرشهایی که بر زیبایی خانه می افزایند، اشاره کرد. بدیگر سخن آنچه در زینت برای ما مهم است لذت دیداری و انبساط خاطر و حسن خلق و والایی ادب و دوستی و محبتی است که از آن زیباییها حاصل می آیند، البتّه با این شرط که حدود و موازین شرعی در نظر گرفته شود این امور ما را به ورطه اسراف و تجمل گرایی دچار نسازند.

ص: 294



قرآن کریم:

1 - (وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا)(1).

«و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سختگیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.»

2 - (وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشَابِهًا وَغَيْرَ مُشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ)(2).

«اوست که باغهای معروش [باغهایی که درختانش روی داریست ها قرار دارد،] و باغهای غیر معروش [باغهایی که نیاز به داریست ندارد] را آفرید؛ همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم باهم متفاوتند؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی باهم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند؛ (برگ و ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آنها متفاوت می باشد.) از میوه آن به هنگامی که به ثمر می نشیند، بخورید؛ و حق آن را به هنگام درو، پردازید؛ و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد.»

3 - (وَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا)(3).

ص: 295

1- - سورة فرقان، آیه 67.

2- - سورة انعام، آیه 141.

3- - سورة اسراء، آیه 26.

«و حق نزدیکان را پرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه؛ را و هرگز اسراف و تبذیر مکن.»

4- (وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ \* فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ \* وَظِلٌّ مِنْ يَحْمُومٍ \* لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ \* إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ) (1).

«و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده می شود) \* آنها در میان بادهای کشنده و آب سوزان قرار دارند، \* و در سایه دودهای متراکم و آتش زا! \* سایه ای که نه خنک است و نه آرام بخش. \* آنها پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند،»

حدیث شریف:

1- در حدیثی از امیرمؤمنان علیه السلام اینگونه آمده:

«خمس تذهب ضیاعاً سراج تقده فی شمس؛

الدهن یذهب، والضوء لا ینتفع به...» (2).

«پنج چیزند که بیهوده تلف می شوند (از آن پنج چیز یکی را اینگونه شرح می دهند): چراغی که در نور خورشید برافروخته شده باشد؛ که روغنش هر آن از میان می رود، ولی کسی از نور چراغ بهره ای نمی برد...»

2- از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

ص: 296

---

1- - سورة واقعه، آیات 41-45.

2- - بحار الأنوار، ج 73، ص 164، باب 33، ح 4.

«كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ، فَهُوَ وَبَالَ عَلِيٍّ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (1).

«هر بنایی که به اندازه لازم نباشد، در روز قیامت گریبانگیر صاحبش خواهد بود.»

3- همچنین آن حضرت در حدیث دیگری فرمودند:

«إِذَا بَنَى الرَّجُلُ فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرَعٍ نُودِيَ: يَا أَفْسَقَ الْفَاسِقِينَ، أَيْنَ تَرِيدُ؟» (2).

«اگر مردی (خانه خود را در زمینی) بیش از هشت ذراع بسازد مخاطب قرار می گیرد که: ای فاسق ترین فاسقان مگر کجا می خواهی زندگی کنی؟»

4- از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«مَنْ بَنَى بِنْيَانًا رِيَاءً وَسَمِعَةَ، حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ وَهُوَ نَارٌ تَشْتَعِلُ، ثُمَّ يَطْوَقُ فِي عُنُقِهِ وَيَلْقَى فِي النَّارِ، فَلَا يَحْبِسُهُ شَيْءٌ مِنْهَا دُونَ قَعْرِهَا إِلَّا أَنْ يَتُوبَ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ يَبْنِي رِيَاءً وَسَمِعَةَ؟ قَالَ: يَبْنِي فِضْلًا عَلَى مَا يَكْفِيهِ، اسْتِطَالَةً مِنْهُ عَلَى جِيرَانِهِ وَمَبَاهَاةً لِإِخْوَانِهِ» (3).

«هرکس بنایی را از روی ریا و برای بالابردن اعتبار خود در نزد سایرین بسازد، روز قیامت آن خانه را در حالی که به آتش شعله ور تبدیل شده، با خود از هفتمین طبقه زمین حمل خواهد کرد، سپس آن خانه را به گردش طوق زده، به آتشش می اندازند، (وقتی به آتش می افتد) هیچیک از طبقات جهنم نمی توانند هبوط وی را متوقف سازند (و وی را در خود جای دهند) مگر طبقه»

ص: 297

---

1- بحار الأنوار، ص 150، ح 10.

2- همان، ح 14.

3- همان، ص 149، ح 4.

انتهایی و قعر جهنم، مگر اینکه توبه کند، پرسیده شد: ای رسول خدا! ساختن بنا بر اساس ریا چگونه است؟ آن حضرت فرمودند: آنکه کسی بیش از نیازش و از روی فخر فروشی به همسایگان و مباحثات کردن به خانه در برابر برادرانش، خانه را بسازد.»

رهیافت وحی:

در واقع اسراف چیزی جز فرارفتن از حدّ متعارف در امور زندگی نمی باشد، که وقتی به یکی از امور زیر منجر شود از جمله مذمومات و مکروهات (وچه بسا از محرمات) محسوب می شود:

1 - اگر به اتلاف بیهوده مال بی آنکه سودی عقلایی در برداشته باشد منجر شود؛ مانند روشن کردن چراغ در روز روشن.

2 - اگر بیش از نیازمندی باشد؛ همچون فراهم آوردن خانه ای با دهها اتاق برای خانواده ای کوچک که خانه ای با سه و یا چهار اتاق ایشان را کافی است.

3 - اگر به ابزاری برای تباه ساختن افکار عمومی و به وسیله ای برای فخرفروشی به دیگران بدل شود.

ص: 298

قرآن کریم:

1 - (رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ) (1).

«پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دلهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را به جای آورند.»

2 - (وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (2).

«و به موسی و برادرش وحی کردیم که: "برای قوم خود، خانه هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید؛ و خانه هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید؛ و نماز را برپا دارید؛ و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروز می شوند).»

3 - (لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ

ص: 299

1- - سورة ابراهيم، آية 37.

2- - سورة يونس، آية 87.

وَأَشْكُرُوا لَهُ بَلَدَهُ طَيِّبَةً وَرَبَّ غَفُورًا (1).

«برای قوم «سبأ» در محلّ سکونتشان نشانه ای (از قدرت الهی) بود:

دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه های فراوان؛ و به آنها گفتیم): از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان).»

حدیث شریف:

1 - ابوذر می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند:

«یا أبا ذر، اوصیک فاحفظ لعلّ الله أن ینفعک به، جاور القبور تذکر بها الآخرة» (2).

«ای ابوذر، تو را به چیزی پند می دهم، پس آن را نگهدار شاید که خداوند بواسطه آن به تو بهره ای رساند، در کنار قبور خانه بگیر تا بدانها آخرت را بیاد آوری.»

2 - در روایت آمده است که امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در نوشته مبارک خود به حارث الهمدانی نوشته اند که:

«وَأَسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ، فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَاحْذَرْ مَنَازِلَ الْغَفْلَةِ وَالْجَفَاءِ» (3).

ص: 300

1- - سورة سبأ، آیه 15.

2- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 3، کتاب الصلاة، أبواب أحكام المساکن، باب 23، ص 471، ح 3.

3- - بحار الأنوار، ج 73، ص 156، ح 2.

«در شهرهای بزرگ سکونت گزین، چون آن شهرها محل اجتماع مسلمانان است، و همچنین از جایگاههای غفلت و جفا برحذر باش.»

3 - امیر مؤمنان علیه السلام در توصیه خود به فرزند بزرگوارشان، امام حسن علیه السلام، فرمودند:

«سل عن الرفیق قبل الطریق، وعن الجار قبل الدار»<sup>(1)</sup>.

«پیش از اینکه از راه پرسی درباره همراهت سؤال کن، و پیش از آنکه درباره خانه سؤال کنی درباره همسایگان پرسی.»

4 - مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا، می خواهم خانه ای بخرم، شما دستور می دهید کجا خانه بخرم؟ در جهینه و یا در مزینة و یا در ثقیف و یا در میان قریش؟ پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الجوار ثم الدار»<sup>(2)</sup>.

«نخست همسایگان (را بشناس) سپس (به فکر خرید) خانه (باش).»

5 - مردی از انصار شکایت نزد پیامبر برده و گفت: خانه همسایگان خانه وی را در میان گرفته و خانه وی را احاطه کرده اند، پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ارفع ما استطعت واسأل الله أن یوسّع علیک»<sup>(3)</sup>.

«هر چقدر که می توانی خانه ات را بالا ببر و از خدا بخواه تا در کار تو

ص: 301

1- - بحار الأنوار، ج 73، ص 155، ح 36.

2- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 3، کتاب الصلاة، أبواب أحكام المساکن، ص 470، باب 23، ح 2.

3- - بحار الأنوار، ج 73، ص 154.

6 - امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

«لیس بلد بأحقّ بك من بلد، خیر البلاد ما حملك» (1).

«هیچ شهر یا کشوری برای تو شایسته تر از دیگری نیست. بهترین شهر یا کشور برای تو جایی است که تو را دربرگیرد (و تو بتوانی در آن زندگی خوبی داشته باشی).»

7 - معمر بن خلاد روایت می کند که: ابا الحسن علیه السلام خانه ای خریداری کرده و به یکی از دوستان خود امر فرمودند تا بدانجا منتقل شود و فرمودند:

«إنّ منزلك ضیق».

«خانه ات تنگ است.»

پس آن دوست گفت: این خانه را پدرم ساخته است، امام ابوالحسن علیه السلام فرمودند:

«إن كان أبوك أحمق ينبغي أن تكون مثله» (2).

«اگر پدرت احمق بود تو نیز می بایست مانند او باشی؟»

8 - از پیامبر اکرم نقل شده که در گذر از سرزمین اصحاب حجر (قوم

ص: 302

---

1- - نهج البلاغه، قصار الحكم، کلمه قصار 442، ص 832، صبحی صلح، چاپ اول، دارالحدیث قم، 1424 ه.ق.

2- - وسائل الشیعه، ج 3، کتاب الصلاة، أبواب أحكام المساکن، باب 2، ص 559، ح 1 (20 جلدی) و همان، ج 5، ص 303 (29 جلدی).



ثمود) به یاران خود فرمودند:

«لا تدخلوا مساكن الذين ظلموا انفسهم الا ان تكونوا باكين، حذراً ان يصيبكم ما اصابهم» (1).

«به خانه های کسانی که به خود ستم کرده اند از بیم اینکه آنچه بر سرشان آمد بر سر شما نیز بیاید، وارد نشوید مگر در حال گریه.»

رہیافت وحی:

بهترین خانه از نظر وضعیّت مکانی، آن است که با حداقل امکانات، خواستهای سکنی گزینی از جمله؛ حفاظت، بهره مندی، هوای پاک، نور خورشید، پوشیدگی و حجاب، آرامش، آراستگی و ذکر و پیراستگی را برآورده سازد که ما برخی از این مؤلفه ها را با نگاه به کتاب الهی و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیتشان علیهم السلام درمی یابیم.

احکام:

1 - یکی از برجسته ترین اهداف اسلام در امر خانه گزینی فراهم آمدن فضایی برای ذکر و پیراستگی می باشد. بنابراین بهتر آن است که خانه و مسکن خود را در شهرهای مذهبی و در کنار مراکز وعظ و ارشاد و در مناطقی که از جوّ مذهبی خوبی برخوردارند برگزینیم (این امر را از گفته حضرت ابراهیم علیه السلام پس از سکنی دادن خانواده اش در کنار مکه که فرمود:

ص: 303

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 3، أبواب أحكام المساكن، باب 23، ص 472، ح 8.

(رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ...)، «پروردگارا! برای اقامه نماز ایشان را در اینجا سکنی دادم...» در می یابیم.)

2 - یکی دیگر از خواسته های اسلام در امر خانه گزینی این است که خانه های خود را نزدیک گورستانها برگزینیم تا هرچه بیشتر به یاد آخرت بیفتیم. (حدیث اول)

3 - از (حدیث دوم) کراهت سکنی گزینی در میان غیر مسلمانان و آنانکه در میان خود پیوندهای نیکی برقرار نساخته اند، برداشت می شود.

4 - از آیه 87 سوره یونس می توان استنباط کرد.

5 - از حدیث سوم در می یابیم که دین اسلام بر تحقیق درباره همسایگان پیش از تحقیق در مورد خانه، تأکید می کند و با نگاه به حدیث چهارم می فهمیم که مراد از همسایه، تنها خانه های کناری نمی باشند، بلکه واژه (جار) تمام ساکنین يك محله را در بر می گیرد، چه، واژه همسایگان (جوار) به خانه های نزدیک و چه بسا تا چهل خانه اطلاق می شده است.

6 - بهتر آن است که خانه خود را در میان خانه هایی با ارتفاع متناسب با یکدیگر برگزینیم، تا خانه ای بالاتر از خانه ما و مشرف بر آن واقع نشود.

این رهیافتی است که می توان از حدیث پنجم این گفتار دریافت کرد.

7 - از حدیث ششم نیز در می یابیم که بهتر است خانه ای متناسب با مصالح خود برگزینیم. به عنوان نمونه در صورت توان خانه خود را نزدیک محل کار خود انتخاب کنیم.

8 - امکان دارد خانه هایی که گذشتگان برای ما به ارث گذاشته باشند، نیاز مندیهای ما را فراهم نسازند و خواسته های ما را برآورده نکنند، و با شرایط ما سازگار نباشند، از این رو دین اسلام در صورت تنگ و یا نامتناسب بودن خانه، به تعویض آن دستور می دهد و از بهانه قرار دادن مسائلی چون یادمان گذشتگان و خاطرات گذشته و مانند اینها نهی می کند.

(حدیث هفتم).

9 - از آیه 15 سوره سبأ نیز درمی یابیم که بهتر است محل سکونت هرکس با سبزه و درختان احاطه شده باشد.

10 - از حدیث هشتم نیز کراهت ساکن شدن در مناطقی که خداوند اهالی آنها را بخاطر ستمشان کیفر داده، استنباط می شود.

## 7 - ذکر و پیراستگی

قرآن کریم:

(فِي بُيُوتٍ أذنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ \* رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ) (1).

(این چراغ پرفروغ) در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)؛

ص: 305

خانه هایی که نام خدا در آنها برده می شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می گویند... \* مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند؛ آنها از روزی می ترسند که در آن، دلها و چشمها زیرورو می شود.»

حدیث شریف:

1 - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«إِنَّ الْبُيُوتَ الَّتِي يُصَلَّى فِيهَا بِاللَّيْلِ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، تَضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تَضِيءُ نَجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ» (1).

«خانه هایی که در آنها شب هنگام نماز با تلاوت قرآن گذارده می شود، چون ستارگانی که برای اهل زمین نور افشانی می کنند، برای آسمانیان نورافشانی می کنند.»

2 - آن حضرت همچنین فرمودند:

«كَانَ عَلِيٌّ قَدْ جَعَلَ بَيْتًا فِي دَارِهِ لَيْسَ بِالصَّغِيرِ وَلَا بِالْكَبِيرِ لِمَصَلَاتِهِ» (2).

«علی علیه السلام اتاقی نه چندان کوچک و نه چندان بزرگ در خانه خویش برای نماز در نظر گرفته بودند.»

3 - مسموع روایت می کند: ابو عبدالله به من نوشتند که:

ص: 306

---

1- - وسائل الشیعه، ج 3، أبواب أحكام المساجد، ص 554، باب 69، ح 1 (20 جلدی) و همان، ج 8، ص 158 (29 جلدی).

2- - همان، ص 555، ح 4.

«إني احبّ لك أن تتخذ في دارك مسجداً في بعض بيوتك، ثم تلبس ثوبين طمرين غليظين، ثم تسأل الله أن يعتقك من النار، وأن يدخلك الجنة، ولا تتكلم بكلمة باطل ولا بكلمة بغي»<sup>(1)</sup>.

«من دوست دارم تا در برخی اتاقهای خانه ات مسجد و سجده گاهی در نظر بگیری و سپس دو لباس ژنده و درشت به تن کنی و از خدا بخواهی تا تورا از آتش برهاند و به بهشت رهنمونت سازد، و (همچنین) سخن باطل و به ستم مگو.»

رہیافت وحی:

خانه نمونه، آن است که از آن صدای ذکر الهی بلند شود و نور پیراستگی و ایمان از آن بترآود.

احکام:

1 - مستحب است در خانه جایگاهی برای نماز و ذکر در نظر گرفته شود.

2 - مستحب است برخی نمازها را هر چند که نماز مستحبی باشند، در خانه خود اقامه کرد تا روح عبادت در جای جای خانه منتشر شود و این کار در تربیت فرزندان مؤثر افتد.

3 - احادیثی که بر استحباب قرائت قرآن پیش از خواب، و یا در صبحدم دلالت دارند، بر استحباب تلاوت قرآن در خانه نیز دلالت می کنند.

ص: 307

---

1- وسائل الشیعه، ج 3، ص 555، باب 69، ح 6.

4 - به طور کلی مستحب است اهالی خانه در مواقع گوناگونی چون (قبل از غذا و پس از آن، پیش از خواب و پس از آن، هنگام وضو و غسل و...) زبان به ذکر الهی بکشایند و بر آن مداومت ورزند، تا خانه همواره با یاد خدا آباد و پربرکت باقی بماند.

## 8 - سود و برکت

حدیث شریف:

1 - امام کاظم علیه السلام فرموده اند:

«استثمار المال من تمام المروثة»<sup>(1)</sup>.

«به کار انداختن مال برای سوددهی نشانهٔ مروّت کامل است.»

و همچنین فرمودند:

«إِنَّ الكادَّ على عياله من حلال كالمجاهد في سبيل الله»<sup>(2)</sup>.

«بیگمان کسی که برای معیشت خانواده اش از راه حلال تلاش کند، چون مجاهد در راه خداست.»

2 - امام علی علیه السلام در این باره فرمودند:

«من اقتصد في الغنى والفقير فقد استعدّ لنوائب الدهر».

«هرکس در دارائی و نداری اقتصاد و میانه روی پیشه کند، بیگمان برای

ص: 308

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 13، ص 49، کتاب التجارة، أبواب مقدّمات التجارة، باب 18، ح 1.

2- - همان، ص 54، باب 20، ح 2.

گرفتاریهای روزگار آمادگی پیدا خواهد کرد.»

همچنین فرموده اند:

«الاقتصاد نصف المؤمنة»<sup>(1)</sup>.

«اقتصاد و میانه روی نیمی از هزینه است.»

3- در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده که:

«من أكل من كدّ يده، نظر الله إليه بالرحمة ثم لا يعذّبه أبداً»<sup>(2)</sup>.

«هرکسی از دسترنج خود بخورد، خداوند با نگاه مهربانی به وی می نگرد و سپس هیچگاه وی را عذاب نمی کند.»

4- همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث مفصّلی فرموده اند:

«... ونعم اللهو المغزل للمرأة الصالحة»<sup>(3)</sup>.

«... و بهترین مشغولیت برای زن شایسته نخ ریزی می باشد.»

5- امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«ما من أهل بيت يكون عندهم شاة لبون إلا قدسوا كل يوم مرتين. قيل:

وكيف يقال لهم؟ قال: يقال لهم بوركتم، بوركتم»<sup>(4)</sup>.

«خانواده هایی که در خانه خود گوسفند شیردهی را نگهداری می کنند

ص: 309

---

1- مستدرک وسائل الشیعه، ج 13، باب 19، ح 13.

2- همان، ص 24، باب 8، ح 7.

3- بحار الأنوار، ج 73، ص 174، باب 36، ح 2.

4- وسائل الشیعه، ج 5، ص 373، (کتاب الحجّ، أبواب أحكام الدواب)، باب 30، ح 1 (20 جلدی) و همان ج 11، ص 509، (29 جلدی).

روزی دوبار تطهیر و تقدیس می شوند. گفته شد: و چگونه به آنها گفته می شود؟ آن حضرت فرمودند: به آنها گفته می شود: با برکت شدید، با برکت شدید.»

6 - در روایتی آمده که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد: برترین مال کدام است؟ آن حضرت فرمودند:

«زرع زرعہ صاحبہ وأصلحہ وأدی حقہ یوم حصادہ»<sup>(1)</sup>.

«زراعتی که صاحبش آن را بکارد و از آن نگهداری کند و اصلاحش کند و به روز درو حق آن را ادا کند.»

رہیافت وحی:

دین ما را به طلب روزی حلال و تدبیر در امر معیشت و میانه روی و اقتصاد در گذران زندگی فرامی خواند، که یکی از بخشهای آن، تشویق افراد به اقتصاد خانگی و تولید خانوادگی می باشد. این امر خانه را به یک واحد تولیدی مؤثر در عرصه اقتصاد کشور بدل می سازد و خانه را از تنها محلی برای مصرف، به محلی برای تولید تبدیل می کند. حال چه این تولید یک تولید کشاورزی و یا یک تولید صنعتی سبک باشد.

ص: 310

---

1- - وسائل الشیعه، ج 5، ص 392، باب 48، ح 1 و همان، ج 11، ص 137، (29 جلدی).



1 - کار کردن برای بدست آوردن روزی حلال امری مستحب، و چه بسا به هنگام توقف چرخه زندگی امری واجب محسوب شود. از سویی فراهم آمدن بخشی از روزی نیز همیاری و همکاری خانواده را می طلبد.

2 - اسلام مردم را به ارتزاق از دسترنج و کار تولیدی خود فرامی خواند.

3 - مستحب است زنان، اوقات فراغت خود را در خانه به کارهای درآمدزا بویژه ریسندگی و بافندگی اختصاص دهند.

4 - همچنین دین از اقتصاد خانوادگی و تولید خانگی حمایت می کند، و در این راستا نگهداری از ماکیان و رمگان را برای بهره مند شدن از گوشت و شیر آنها و همچنین کشاورزی را برای بهره مند شدن از محصولات آن توصیه می کند.

5 - از سویی کار دسته جمعی اعضای خانواده برای تولید و روح جمعی حاکم برایشان موجب رشد صفات پسندیده زیر در ایشان می شود:

نخست: همیاری و هماهنگی؛ که اگر این ویژگی امروز در خانه و میان افراد خانواده نهادینه شود، فردا در فرهنگ جامعه نیز نهادینه خواهد شد.

دوم: تولیدی بارآمدن فرزندان؛ که از رهگذر آن کودکان می آموزند برای دستیابی به غذا و برای رسیدن به پیشرفت می بایست کار و تلاش کنند.

سوم: ورزیدگی در آن کار تولیدی خانگی؛ از این رهگذر فرزندان ورزیده و کار آزموده پای به عرصه اجتماع خواهند گذاشت.

قرآن کریم:

1 - (... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) (1).

«و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری باهم تعاون کنید. و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!»

2 - (لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتَاتاً فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) (2).

«بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه های خودتان [یا خانه های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می شود بدون اجازه خاصی] غذا بخورید؛ و همچنین خانه های پدرانتان، یا خانه های مادرانتان، یا خانه های برادرانتان، یا خانه های خواهرانتان، یا خانه های عموهایتان، یا خانه های

ص: 312

1- - سورة مائده، آیه 2.

2- - سورة نور، آیه 61.

عمه هایتان، یا خانه های داییهایتان، یا خانه های خاله هایتان، یا خانه ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه های دوستانتان، بر شما گناهی نیست که بطور دسته جمعی یا جدا گانه غذا بخورید، و هنگامی که داخل خانه ای شدید، بر خویشتن سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه. این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می کند، باشد که بیندیشید.»

3 - (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسَدَ تَوَى عَلَى سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)(1).

«محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و برپای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا می دارد، این برای آن است که کافران را به خشم آورد! (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای

ص: 313

شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.»

حدیث شریف:

1 - امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

«الا لا يعدلن أحدكم عن القرابة يرى بها الخصاصة، أن يسدّها بالذي لا يزيدُه إن أمسكه، ولا ينقصه إن أهلكه. ومن يقبض يده عن عشيرته، فإنما تُقبض عنهم يدٌ واحدة، وتُقبض منهم عنه أيدٍ كثيرة، ومن تَلن حاشيته يستدم من قومه المودّة»(1).

«آگاه باشید! هیچک از شما نباید از خویشاوندان خود که در فقر و پریشانی به سر می برند، منصرف شود از این که فقر و پریشانی او را با چیزی مرتفع بسازد که اگر آن را نزد خود نگهدارد، چیزی بر او نخواهد افزود و اگر انفاقش کند، چیزی از او نخواهد کاست. کسی که دست کرامت خود را از دودمانش برمی دارد، يك دست او از آنان برداشته می شود و در مقابل دستهای فراوانی از او برداشته خواهد شد. هرکه خوی نرم دارد، از محبت دائمی دودمانش برخوردار خواهد بود.»

2 - امام باقر علیه السلام فرمودند:

«صلة الأرحام وحسن الجوار، زيادة في الاموال»(2).

«صلة ارحام و حسن همجواری موجب فزونی در اموال می شوند.»

ص: 314

1- مستدرک وسائل الشیعه، ج 15، ص 248، کتاب النکاح، أبواب النفقات، باب 10، ح 40 ونهج البلاغه، خطبه 23، ص 63.

2- همان، ص 247، ح 37.

3 - روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«كُلُّ أَهْلِ بَيْتٍ إِذَا تَوَاصَلُوا كَانُوا فِي كَنْفِ الرَّحْمَنِ، وَمَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ يَتَوَاصَلُونَ فَيَحْتَاجُونَ أَبْدًا»<sup>(1)</sup>.

«افراد هر خاندانی که پیوند میان خود را محکمتر کنند، در کنف (رحمت خداوند) رحمن خواهند بود و هرگز نیازمند نخواهند شد.»

4 - حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خویش روایت می کنند که:

«تقاضا علیّ و فاطمة إلى رسول الله صلى الله عليه و آله في الخدمة، فقضى على فاطمة بخدمة ما دون الباب، وقضى على علي عليه السلام بما خلفه»<sup>(2)</sup>.

«علی و فاطمه علیهما السلام عرض حال خود را در امر کار نزد پیامبر بردند، پس پیامبر صلی الله علیه و آله کار درون خانه را به فاطمه علیها السلام محوّل کردند و کار بیرون خانه را به علی علیه السلام.»

5 - امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

«دخل علينا رسول الله صلى الله عليه و آله و فاطمة جالسة عند القدر، وأنا أنقي العدس،

قال: يا أبا الحسن. قلت: لبيك يا رسول الله. قال: اسمع، وما أقول إلا ما أمر ربّي. ما من رجل يعين امرأته في بيتها إلا كان له بكلّ شعرة على بدنه عبادة سنة،

صيام نهارها وقيام ليلها، وأعطاه الله من الثواب ما أعطى الصابرين؛ داود النبيّ

ص: 315

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 15، ابواب النفقات، باب 10، ح 33.

2- - همان، ج 13، کتاب التجارة، أبواب مقدّمات التجارة، ص 48، باب 17، ح 1.

ويعقوب وعيسى عليهم السلام. يا علي! من كان في خدمة عياله في البيت ولم يأنف،

كتب الله اسمه في ديوان الشهداء»<sup>(1)</sup>.

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که فاطمه کنار دیگ نشسته بود و من در حال عدس پاك کردن بودم، بر ما وارد شدند و فرمودند: ای ابا الحسن. گفتم: به گوشم ای رسول خدا. فرمودند: گوش فراده، آنچه را که می گویم تنها از خدا دستور گرفته ام: هر مردی که به همسر خود در خانه کمک کند در ازای هر يك از موهای بدنش برای او عبادت يك سال که روزها در آن روزه داشته و شبها را به عبادت پیاداشته، نوشته می شود و پاداش شکیبایان از جمله داوود پیامبر و یعقوب و عیسی علیهم السلام به او داده می شود. یا علی! خداوند نام هرکسی را که به خانواده خود در خانه خدمت کند و این کار را ننگ نشمارد، در دفتر شهدا ثبت می کند.»

رہیافت وحی:

خانواده، آن واحد اجتماعی ایست که از ارزشهای اجتماعی، در جامعه اسلامی پاسداری می کند. در واقع برجسته ترین این ارزشها، به رسمیت شناختن حقوق یکدیگر، همزیستی مسالمت آمیز، همیاری و همبستگی می باشند، و خانه نمونه، آن خانه ای است که تا حد امکان این ارزشها را در چهارچوب نظام خانواده برای افراد آن فراهم آورد.

ص: 316

---

1- - مستدرک وسائل الشیعه، ج 13، ص 48، ح 2.

1 - خانه مورد نظر اسلام با بالاترین درجات همیاری، مهرورزی و همبستگی مشخص می شود که برخی نموده‌های آن عبارت اند از:

الف - ناراحت نشدن افراد خانواده - که در اینجا منظور دایره بزرگ خانواده است که شامل دائیان و عموها نیز می شود - از اینکه دیگر اعضا چه با اجازه و چه بدون اجازه، چه در حضور و چه در غیاب صاحب خانه، از غذاهای خانه ایشان بخورد.

ب - مدیریت جمعی کارهای خانه؛ در واقع این زن خانه نیست که به تنهایی باید تمام مسؤولیتهای خانه و اداره خانواده را به گردن گیرد.

2 - برای عملی کردن واقعی ارزشهایی چون همیاری، مهرورزی متقابل و همبستگی، خانواده ها باید به کارهای زیر پردازند:

نخست: تشکیل مجالس خانوادگی ای که بتوان از رهگذر آن مجالس در کارها با دیگر اعضای خانواده رایزنی و برای رفع مشکلات با یکدیگر همیاری کرد.

دوم: ایجاد يك صندوق تعاون جهت حمایت و یا دادن وام به افراد نیازمند خانواده، و همچنین برای فراهم آوردن نیازمندهای مشترك خانواده ها مانند حفر چاه، خرید يك قطعه زمین، ساخت يك خانه بیلاقی، بنای يك باب مدرسه برای فرزندان خانواده و یا ساخت مسجد وحسینیه و مانند اینها.

سوم: تأسیس شرکتهای درآمدزا برای درآمدزایی خانواده و ایجاد فرصتهای شغلی برای جوانان و دستیابی به يك همیاری اقتصادی در

چهارم: تشکیل يك هیأت برای تصدی امور خیریه و حمایت از نیازمندان جامعه و نشر فضایل انسانی و امر به معروف و نهی از منکر.

## 10 - جایی برای علم آموزی و تربیت

قرآن کریم:

1 - (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِثْلِ كَافٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ \* فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أُذِنَ لَهُمْ أَنْ تَرْفَعُوا فِيهَا أَسْمُهُمْ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (1)).

«خداوند نور آسمانها و زمین است؛ مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، آن چراغ در حبیبی قرار گیرد، حبیبی شفاف و درخشنده همچون يك ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی؛ (روغنش آنچنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود؛ نوری است برفراز نوری؛ و خدا هرکس را بخواهد به نور خود هدایت می کند، و خدا برای مردم مثلها می زند، و خداوند به هر چیزی داناست \*

ص: 318



(این چراغ پرفروغ) در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)؛ خانه هایی که نام خدا در آنها برده می شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می گویند...»

تقارن میان خانه و چراغدان در این دو آیه ما را به این امر رهنمون می سازد که يك خانه الهی چراغدان نور پروردگار می باشد. لذا از همین روست که برکات و رحمت الهی بر هر خانواده ی ایمانی فرورستاده شده است.

2 - (وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ) (1).

(سرزمین پاکیزه (و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می روید؛ اما سرزمینهای بدطینت (و شوره زار)، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی روید؛ این گونه آیات (خود) را برای آنها که شکر گزارند، بیان می کنیم.)

از اینرو اگر خانه به جایی برای علم آموزی و تربیت تبدیل شود، فرزندان نیز پاک و پاکیزه، بار خواهند آمد.

3 - (وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ \* يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ) (2).

(و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: "ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. \* ای مریم!

ص: 319

1 - - سورة اعراف، آیه 58.

2 - - سورة آل عمران، آیات 42 و 43.

(به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده به جا آور؛ و با رکوع کنندگان، رکوع کن."»

حدیث شریف:

از امام حسن علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«رأيت أمي فاطمة قائمة في محرابها ليلة الجمعة، فلم تزل راکعة ساجدة حتى انفلق عمود الصبح، وسمعتها تدعو للمؤمنين والمؤمنات وتسميهم وتكثر الدعاء لهم، ولا تدعو لنفسها بشيء، فقلت: يا أمّاه، لِمَ لَمْ تدعي لنفسك كما تدعين لغيرك؟ قالت: يا بني، الجار ثم الدار»(1).

«مادرم فاطمه را در شب جمعه به محراب عبادتشان یافتم، ایشان، تا صبحدم همچنان به رکوع و سجود می پرداختند، و شنیدم که برای مؤمنین و مؤمنات دعا می کنند و آنها را با نام یاد می کنند و فراوان برای ایشان دعا می کنند، حال آنکه برای خود هیچ دعایی نمی کنند، پس گفتم: مادر! چرا برای خود همچنانکه برای دیگران دعا می کنید، دعا نمی کنید؟ فرمودند: پسر، نخست همسایگان سپس خانه خود.»

رہیافت وحی:

خانه ای که رنگ خدایی به خود گرفته، در واقع چراغدان نور پروردگار و جایگاه علم و تربیت شایسته می باشد. اگر فضای خانه همواره با یاد خدا

ص: 320

---

1- - احمد رحمانی همدانی، فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ص 79، دلائل الامامة - اخبار في مناقبها عليها السلام، ص 48.

عطرآگین شود و به نور معرفت روشنایی یابد، تربیت یافتگان در آن خانه نیز از اهل ذکر و اهل علم خواهند شد.

احکام:

اولین مدرسه ای که می توان در آن فرزندان را به گونه ای ایمانی تربیت کرد، رحم و آغوش مادران و سپس حمایت و تعالیم پدران می باشد.

حضرت مریم علیه السلام اسوهٔ يك مادر ربّانی است که از رحمت کلمة الله زاییده شد. در این امت نیز این حضرت فاطمه زهرا بزرگ بانوی زنان جهان است که پرستشگرترین مردم و اسوهٔ زنان با ایمان می باشد. حال به توصیه هایی چند در زمینهٔ تربیت ربّانی توجه کنید:

نخست: مادران می بایست با معنی تربیت فرزندانى پاك آشنا شده و در زمان بارداری و سپس در زمان شیردادن خود را از هرگونه آلودگی بپیرایند و خود را به فضایل بیارایند تا والاترین اخلاق را از راه شیر خود به فرزندان منتقل سازند.

دوم: پدران باید سخت در پی روزی حلال باشند و به تزکیه و پیراستگی خود بیش از پیش اهتمام ورزند تا الگوهای شایسته ای برای فرزندان خود باشند.

سوم: پدران و مادران باید با سامان دادن به يك مجموعه برنامهٔ خانوادگی هدفدار به رشد روحی و عقلانی فرزندان خود یاری رسانند.

چهارم: باید بیش از آنکه به تغذیهٔ مادّی فرزندانمان اهتمام می ورزیم، تربیت ایشان را مورد توجه قرار دهیم که این امر با اموری چون خرید

ص: 321

کتاب برای ایشان، فرستادن ایشان به مدارس خوب و دعوت مبلغان مذهبی در منزل محقق می شود.

## 11 - آداب والا

### اشاره

در يك خانه اسلامی آداب و رفتارهای والایی از مؤمنان سر می زند که جایجای خانه را عطر آگین می سازد و خانه را از محبت و مهربانی پر می کند. در آنچه خواهد گذشت با یکدیگر گزیده ای از متون دینی ای که در این زمینه به سخن پرداخته اند از نظر می گذارنیم.

### آداب ورود به خانه:

1 - امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«إذا دخل أحدكم منزله فليسلم على أهله، يقول: السلام عليكم. فإن لم يكن له أهل فليقل: السلام علينا من ربنا، وليقرأ قل هو الله أحد حين يدخل منزله، فإنه ينفي الفقر.»

«هرکسی از شما که وارد خانه اش شد باید بر خانواده اش سلام کند و بگوید: درود بر شما، پس اگر خانواده ای نداشت بگوید: درود پروردگار مان بر ما، و همچنین سوره قل هو الله احد را به هنگام ورود به خانه بخواند، که آن، فقر را نابود می سازد.»

و همچنین فرمودند:

ص: 322

«وليقراً إذا خرج من بيته الآيات من آخر آل عمران وآية الكرسي وإنا أنزلناه وأم الكتاب، فإن فيها قضاء حوائج الدنيا والآخرة»<sup>(1)</sup>.

«و به هنگام خروج از خانه آن آیات مشخص شده از آخر سوره آل عمران و همچنین آیه الكرسي و سوره انا أنزلناه و ام الكتاب (حمد) را بخواند، که در این کار بر آورده شدن نیاز مندیهای دنیا و آخرت نهفته است.»

2 - از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت از پدران بزرگوار خود اینگونه نقل کرده اند:

«إن النبي صلى الله عليه وآله قال: إذا خرج الرجل من بيته فقال: بسم الله، قالت الملائكة له: سلمت، فإذا قال: لا حول ولا قوة إلا بالله، قالت الملائكة له: كُفيت، فإذا قال: توكلت على الله، قالت الملائكة له: وُقيت»<sup>(2)</sup>.

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر مردی به هنگام خروج از خانه بسم الله گوید، فرشتگان به او می گویند: تو در سلامتی، و اگر بگوید:

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، فرشتگان به او می گویند: در پناه خدا خواهی بود، و اگر بگوید: بر خدا توکل می کنم، فرشتگان به وی می گویند: محفوظ خواهی بود.»

### آداب خواب و شب زنده داری:

1 - در این باب از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان علیه السلام حدیثی اینگونه نقل شده:

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا سهر إلا في ثلاث: متهجداً بالقرآن، وفي طلب العلم،

ص: 323

1- بحار الأنوار، ج 73، ص 166، باب 34، ح 1.

2- همان، ص 168، ح 10.

أو عروس تهدي إلى زوجها»(1).

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: شب بیداری تنها برای سه امر اشکالی ندارد:

(نخست) شب زنده داری برای خواندن قرآن (دوم) در طلب علم و دانش آموختن، (سوم) در زمانی که عروسی به نزد شوهرش برده شود.»

2- جابر بن عبدالله در روایتی می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«قالت أم سليمان بن داود لسليمان عليه السلام: إيتك وكثرة النوم بالليل، فإن كثرة النوم تدع الرجل فقيراً يوم القيامة»(2).

«مادر سلیمان بن داود به سلیمان علیهما السلام گفت: از زیاد خوابیدن در شب بر حذر باش، چه، خواب زیاد انسان را در روز قیامت تهیدست وامی نهد.»

3- از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أول ما عصي الله تبارك وتعالى بست خصال: حب الدنيا، وحب الرياسة، وحب الطعام، وحب النساء، وحب النوم، وحب الراحة»(3).

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: نخستین بار از رهگذر شش ویژگی از فرمان خداوند سرپیچی شد: حب دنیا، حب ریاست، حب غذا، زن دوستی، خواب دوستی و آسایش دوستی.»

4- امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

ص: 324

---

1- بحار الأنوار، ج 73، ص 178، ح 3.

2- همان، ص 179-180، ح 3.

3- همان، ص 180، ح 5.

«لا ینام المسلم وهو جنب، ولا ینام إلا علی طهور، فإن لم يجد الماء فلیتیمم بالصعید، فإن روح المؤمن ترفع إلى الله تبارک وتعالی فیقبلها ویبارک علیها، فإن كان أجلها قد حضر جعلها فی کنوز رحمته، وإن لم یکن أجلها قد حضر بعث بها مع امانته من ملائکته فیردونها فی جسدھا»(1).

«مؤمن با حال جنابت نمی خوابد، و تنها با پاکیزگی و پاکی می خوابد، و اگر آبی نیابد باید با خاک پاک تیمم کند، زیرا، روح مؤمن [به هنگام خواب] به سوی خدا، بالا برده می شود پس خداوند آن را می پذیرد و آن را متبرک می سازد، پس اگر اجل او فرارسیده باشد آن را در گنجهای رحمتش قرار می دهد، و اگر اجل او فرانسیده باشد آن روح را، با فرشتگان امین خود می فرستد تا آن روح را به بدنش بازگردانند.»

### چه هنگام خوابیدن درست است؟

1 - خواب پیش از طلوع آفتاب از ناپسندترین خوابهاست، تا این اندازه که در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ما عجت الأرض إلى ربها کعجیجها من ثلاثة: من دم حرام یسفک علیها، أو اغتسال من زنا، أو النوم علیها قبل طلوع الشمس»(2).

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: زمین هیچگاه به سوی خدا فریاد سر نمی دهد مانند فریادش در این سه حالت؛ یعنی وقتی که خونی به ناحق بر آن بریزد، و از زنا غسلی به عمل آید، و خوابی پیش از طلوع آفتاب صورت پذیرد.»

ص: 325

1- بحار الأنوار، ج 73، ص 182، ح 2.

2- همان، ج 87، باب 9، ص 160.

2 - همچنین، خواب بعد از نماز مغرب و پیش از نماز عشا نیز کراهت دارد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ النَّوْمَ قَبْلَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ»<sup>(1)</sup>.

«همانا خداوند خواب پیش از نماز عشاء را ناپسند دانسته است.»

و نیز از امیر مؤمنان علیه السلام در این باب نقل شده که فرمودند:

«النوم بين العشاءين يورث الفقر، والنوم قبل طلوع الشمس يورث الفقر»<sup>(2)</sup>.

«خواب بین نماز مغرب و عشا و همچنین خواب پیش از طلوع آفتاب موجب فقر می شود.»

3 - خواب پس از عصر آنچنان که از روایت امام صادق علیه السلام برمی آید از حماقت است. آن حضرت فرمودند:

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله: النوم من أول النهار خرق، والقائلة نعمة، والنوم بعد العصر حمق، وبين العشاءين يحرم الرزق»<sup>(3)</sup>.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خواب در اوّل روز نشانه نادانی و کودنی است، و خواب قیلوله [خواب نیمروز] نعمت، و خواب پس از عصر از حماقت، و خواب بین نماز مغرب و عشا روزی را از میان می برد.»

4 - زمان بسیار مناسب برای خواب در روز خواب پیش از ظهر و یا

ص: 326

---

1- بحار الأنوار، ج 73، باب 41، ص 184، ح 1.

2- همان، ص 184، ح 2.

3- همان، ص 185، ح 6.



قیلوله می باشد. از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که ایشان نماز صبح را می خواندند و تا طلوع آفتاب در سجده گاه خود به تعقیبات می پرداختند، سپس برمی خواستند و نماز طولانی ای را شروع می کردند، سپس کمی می خوابیدند و بعد از بیدار شدن مسواک می خواستند و داندانهای خود را مسواک می کردند و پس از آن غذا طلب می کردند. (1)

### چگونه بخوابیم؟

1 - اسلام، خوابیدن بر روی شکم را مکروه برمی شمرد و به دیگر گونه های خواب فرامی خواند. در خبری از امیرمؤمنان علیه السلام درباره گونه های مختلف خواب پرسش شده است. امام علیه السلام اینگونه پاسخ فرمودند:

«النوم علی أربعة أصناف؛ الأنبياء تنام علی أفقيتها مستلقية، وأعينها متوقّعة لوحى ربّها عزّوجلّ، والمؤمن ينام علی يمينه مستقبل القبلة، والملوك وأبنائهم لیستمرؤوا ما يأكلون، وإبليس وإخوانه وكُلّ مجنون وذو عاهة ينامون علی وجوههم منبطحين» (2).

«خواب چهارگونه است: پیامبران به پشت می خوابیدند، در حالیکه چشمهایشان به انتظار وحی پروردگار عزّوجلّ بود، مؤمنان بر دست راست خود و روبرو قبله می خوابند، پادشاهان و فرزندانشان بر دست چپ خود می خوابند تا آنچه می خورند هضم کنند، ابلیس و برادران او و دیوانگان

ص: 327

1- - بحار الأنوار، ج 73، ص 186، باب 42، ح 2.

2- - همان، ص 187، باب 43، ح 4.

و عقب افتادگان به رو و بر روی شکم خود می خوابند.»

2 - همچنین مستحب است پیش از خواب دست خود را بر جای خواب خود بکشیم تا از نبود حشره و یا اجسام مضر مطمئن شویم و خدا را با دعایی که از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان نقل شده بخوانیم.

آن حضرت فرمودند:

«قال النبي صلى الله عليه وآله: إذا أوى أحدكم إلى فراشه فليمسحه بطرف إزاره، فإنه لا يدري ما يحدث عليه، ثم ليقل: اللهم إن أمسكت نفسي في منامي فاغفر لها،

وإن أرسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادك الصالحين» (1).

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکسی از شما که به رختخواب خود رفت با گوشه ای از لنگ (یا لباس) خود بر آن بکشد، چون، او نمی داند چه بر سرش خواهد آمد، سپس بگوید: خداوندا! اگر جانم را در خواب ستاندی پس بر آن بیخشای، و اگر آن را بازگرداندی آن را آنچنان که بندگان شایسته خود را حفظ می کنی، حفظ کن.»

3 - خواب پیش از شستن دست از چربی نیز کراهت دارد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«لا يبيت أحدكم ویده غمرة، فإن فعل فأصابه لمم الشيطان فلا يلومنّ إلا نفسه» (2).

«کسی از شما شب را با دست چرب نخوابد، پس اگر اینگونه خوابید و به

ص: 328

---

1- بحار الأنوار، ج 73، ص 186، ح 2.

2- همان، ص 187، ح 9.

دامهای شیطان گرفتار آمد کسی جز خودش را ملامت نکند.»

4 - همچنین تنها خوابیدن در خانه و یا در پشت بام بدون حفاظ نیز مکروه می باشد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ النَّوْمَ فِي سَطْحٍ لَيْسَ بِمَحَجَّرٍ».

«خداوند خوابیدن در پشت بامی که حفاظ ندارد را مکروه ساخته است.»

و همچنین فرمودند:

«من نام على سطح غير محجّر فقد برئت منه الذمّة، وكره أن ينام الرجل في بيت وحده»<sup>(1)</sup>.

«عواقب خوابیدن در پشت بام بدون حفاظ با خود شخص است. همچنین مکروه است کسی تنها در خانه بخوابد.»

5 - هرکس ناچار شود تنها در جایی بخوابد، دعای روایت شده از حضرت ابا الحسن علیه السلام را بخواند:

«من بات في بيت وحده أو في دار أو في قرية وحده، فليقل: اللهم أنس وحشتي، وأعني على وحدتي»<sup>(2)</sup>.

«هرکس به تنهایی در خانه و یا ده و یا شهری بخوابد، پس بگوید:

خداوندا! در وحشتم انیسم باش و در تنهاییم مرا یاری کن.»

6 - در پایان، سخن را با اشاره به آداب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وقت

ص: 329

---

1- - بحار الأنوار، ج 73، ص 187، ح 7.

2- - همان، باب 44، ص 201، ح 18.

خوابیدن عطرآگین می کنیم. روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله بر حصیری می خوابیدند و زیر انداز دیگر زیر خود نمی نهادند، و هرگاه که می خواستند به رختخواب بروند و بخوابند مسواک می کردند، و وقتی به رختخواب می رفتند بر دست راست خویش می خوابیدند و دست راست خود را زیر گونه راست خویش گذاشته و می فرمودند:

«اللّهُمَّ قَنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ»<sup>(1)</sup>.

«خداوندا مرا در روزی که بندگانت را برمی انگیزی از کیفر خود در امان دار.»

7 - آن حضرت وقتی به رختخواب می رفتند اذکار و ادعیه گوناگونی بر زبان مبارک جاری می ساختند، مثلاً می فرمودند:

«اللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ بِمَعَاذِكَ مِنْ عِقَابِكَ، وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ،

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَبْلُغَ فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَلَوْ حَرَصْتُ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ».

«خداوندا! من از عقوبتت به بخششست و از غضبت به خشنودیت و از خودت به خودت پناه می برم. خداوندا! من هرچه تکاپو کنم نمی توانم به مرتبه ثناگویی تو دست یابم، تو آنگونه ای که خود ثنا گفتی.»

و همچنین به هنگام خواب می فرمودند:

«بِسْمِ اللَّهِ أَمُوتُ وَأَحْيَا، وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ، اللَّهُمَّ آمِنْ رَوْعَتِي، وَاسْتِرْ عَوْرَتِي، وَأَدِّ عَنِّي أَمَانَتِي».

ص: 330

---

1- - این روایت تا روایت (11) همه از: بحار الأنوار، ج 73، ص 201-202، ح 19، نقل شده است.

«با نام خدا می میرم و زنده می شوم و پایان کار بسوی خداست، خداوندا! وحشت مرا آرامش بخش، وزشتیها و کاستیهای مرا بپوشان، و امانتهای مرا بجای من ادا کن.»

8 - همچنین آن حضرت به هنگام خواب آیه الكرسي را تلاوت می کردند و می فرمودند:

«أتاني جبرئيل فقال: يا محمد، إن عفريتاً من الجنّ يكيدك في منامك فعليك بآية الكرسي.»

«جبرئیل به نزد من آمد و گفت: ای محمد! در خواب جنّی بداندیش بر ضدّ تو توطئه چینی می کند، پس آیه الكرسي را بخوان.»

9 - امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«ما استيقظ رسول الله صلى الله عليه وآله من نوم قطّ إلا خرّ لله عزّوجلّ ساجداً.»

«رسول خدا صلی الله علیه و آله از خوابی بیدار نمی شدند مگر اینکه پس از آن برای خداوند عزّوجلّ به سجده می افتادند.»

10 - همچنین روایت شده که آن حضرت تنها در صورتی می خوابیدند که پیش از خواب مسواک خود را بالای سر مبارکشان قرار داده باشند، پس هنگامی که بیدار می شدند ابتدا مسواک می کردند، و می فرمودند:

«لقد امرت بالسواك حتّى خشيت أن يكتب عليّ.»

«چنان به مسواک کردن امر شده ام که ترسیدم آن بر من واجب گردد.»

11 - همچنین به هنگام بیدار شدن می فرمودند:

«الحمد لله الذي أحياني بعد موتي إن ربّي لغفور شكور.»

«سپاس خدایی را که پس از مرگم به من زندگی بخشید همانا پروردگارم آمرزنده و سپاسگذار است.»

همچنین می فرمودند:

«اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَنُورَهُ وَهَدَاهُ وَبِرْكَتَهُ وَطَهْرَهُ وَمَعَافَاتِهِ،

اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ.»

«خداوندا! من نیکی و نور و هدایت و برکت و پاکی و بخشش این روز را از تو خواستارم، خداوندا! من نیکی این روز و نیکی آنچه در آن

است را از تو خواستارم و از شرّ آن و شرّ پس از آن به تو پناه می برم.»

ص: 332

### درآمد:

حیات طیّبه (زندگی پاک) یکی از ارزشهای ایمان است و یکی از پایه های آن عافیت می باشد که با مواظبت و پیش گیری، درمان و آرامش روانی محقق می شود.

برخی مؤلفه های پیش گیری و مراقبت عبارت اند از؛ دوری جستن از پلیدی و روی آوردن به پاکیزگی و همچنین زیاده روی نکردن در خوردن و آشامیدن و دورریختن ناپاکیها و گزینش پاکیها.

اما در زمینه درمان، می توان روزه گرفتن و برپاداشتن نماز و بجا آوردن فریضه حجّ، و همچنین درمان جستن از غسل را در زمره درمانها شمرد.

از سویی آرامش روحی - روانی، انسان را از بسیاری بیماریها دور می سازد و در درمان بسیاری از بیماریها سهمیم می باشد.

ص: 333

اشاره

از مجموعه ای از آیات و روایات برمی آید که حیات خجسته از مؤلفه های ایمان است، که عافیت (تمام و کمال) یکی از پیامدهای آن می باشد. باید گفت عافیت امری چند بُعدی است که رعایت برخی ابعاد آن واجب و الزامی و رعایت پاره ای دیگر نیکو و مستحب است. اکنون به احکام ابعاد گوناگون عافیت توجه کنید:

الف - پایین ترین بُعد عافیت آن است که حیات انسان و سلامت اعضای بدن او بدان منوط است که رعایت این جهت امری واجب بشمار می رود.

ب - بُعدی که در آن، انسان خود را از ترس وارد آمدن زبانی سنگین همچون ضعف عمومی و یا ایجاد کاستی بزرگی در قوای بشری، مثلاً در شنوایی، بینایی و یا نیروی جنسی، ایمن می سازد، که چه بسا آن هم واجب باشد.

ج - بُعد مراقبت و محافظت از سلامت عمومی، که پرداختن به آن امکان دارد زیانهای عظیمی چون انتشار بیماریهای واگیردار و کشنده و مانند اینها را به همراه داشته باشد، که پرداختن به این بُعد نیز امری الزامی و واجب است.

د - بُعدی که در آن جامعه از یورش بیماریهای غیر کشنده ای که البته امکان دارد بخاطر نارسائیهها و مشکلات بهداشتی، برخی مبتلایان را به کام مرگ بکشانند ایمن می شوند، که مثلاً حفاظت محیط از انتشار بیماری آنفلوانزا یکی از مصادیق آن می باشد، رعایت این مورد نیز چه بسا



در برخی شرایط واجب باشد.

ه - برخورداری از بالاترین سطح پیش گیری و مراقبت، که در آن سطح انسان در برابر بسیاری از بیماریها ایمن می شود امری مستحب است مگر اینکه به حکم حاکم شرع واجب شود.

هم اکنون به موشکافی در این ابعاد پنج گانه می پردازیم:

## 1 - حفظ جان و اعضا

قرآن کریم:

1 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد؛ و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می شود، و (همه شما در قیامت) نزد او گردآوری می شوید.»

2 - (وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) (2).

«و بعضی می گویند: "پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن؛ و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما؛ و ما را از عذاب آتش نگاه دار."»

ص: 335

---

1- - سورة انفال، آیه 24.

2- - سورة بقره، آیه 201.

3 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.

و خودکشی نکنید خداوند نسبت به شما مهربان است.»

4 - (وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) (2).

«و در راه خدا انفاق کنید؛ و (با ترك انفاق؛) خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید؛ و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد.»

5 - (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (3).

«هرکس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم؛ و پاداش آنها را بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد.»

رهیافت وحی:

دین اسلام ما را به برخورداری از حیات طیبیه (زندگی پاک) فرامی خواند.

ص: 336

1- - سورة نساء، آیه 29.

2- - سورة بقره، آیه 195.

3- - سورة نحل، آیه 97.

در این راستا پروردگاران به ما دستور داده تا اگر پیامبرش ما را به آنچه حیات مان می بخشد فراخواند، از او فرمانبریم، حال آنکه خواسته شایستگان برخورداری از حیاتی نیکو در دنیا و آخرت می باشد، که وسیله رسیدن به آن عمل صالح است، و عافیت یکی از شرطهای برخورداری از این حیات طیبه است.

#### احکام:

- 1 - بی شك نابود کردن زندگی، قتل نفس، و از کار انداختن اعضا و قوای جسمانی، همه اعمالی حرام محسوب می شوند.
- 2 - این حرمت، حرمت عوامل و ابزارهای منجر به آسیبهای فوق الذکر را نیز دربردارد. سهل انگاری و اهمال کاری آگاهانه ای که به مرگ، نقص عضو و یا از میان رفتن نیرویی از نیروهای انسان منجر شود، و همچنین مبادرت ورزیدن به خودکشی از جمله این عوامل حرام برشمرده می شوند.
- 3 - حرمت انداختن خود در ورطه هلاک و نابودی، چه بسا نزد عرف به معنی لزوم محافظت از جان می باشد. از این رو هرکس آگاهانه در حال قدرت و توانمندی در حفظ جان خود کوتاهی ورزد و از سوی عرف، خود نابود کننده جان خود محسوب شود، مرتکب فعل حرامی شده است.
- 4 - بر مبنای اصل وجوب حفظ نفس، رعایت نکات بهداشتی و انجام مراحل عملی برخورداری از سلامت، به اندازه ای که حفظ نفس از نابودی و ایمنی اعضا و قوای جسمانی بطلبد، واجب و الزامی محسوب می شود.

5 - پاره ای از اعمال را شرع از آن رو که به حیات بشری و یا سلامت انسان زیان وارد می سازند حرام شمرده که سخن از آنها در فصل حفظ و نگهداری به تفصیل رفت.

## 2 - ندرستی و زیان و ضرر

حدیث شریف:

1 - در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که:

«كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ الْمَضَرَّةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ، فَحَرَامٌ أَكْلُهُ إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ»<sup>(1)</sup>.

«خوردن هر چیزی که در آن زیانی برای بدن انسان باشد، حرام است مگر در حال ناچاری و ضرورت.»

2 - همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن حدیث مشهور می فرمایند:

«لا ضرر ولا ضرار»<sup>(2)</sup>.

«نه زیان دیدن (جایز است) و نه زیان رساندن.»

3 - ابن ادریس در سرائر می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از فرزندان او در باب درمان اینگونه روایت شده:

«تداووا، فما أنزل الله داءً إلا أنزل معه دواءً»<sup>(3)</sup>.

ص: 338

---

1- وسائل الشیعه، (29 جلدی)، ج 25، باب 42، ص 84.

2- من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 76، ح 9، قم، انتشارات جامعه مدرسین 1413 ه ق.

3- بحار الأنوار، ج 59، ص 65، ذیل ح 9.

«به درمان (بیماریها) پردازید، زیرا، خداوند بیماری و دردی را فرو نمی فرستد مگر اینکه دارو و درمان آن را نیز فرستاده باشد.»

احکام:

1 - پاره ای از بیماریها به مرگ یا نقص عضو یا از میان رفتن قوای جسمانی منجر نمی شوند، ولی ضرر و زیان زیادی را در پی دارند، مانند مبتلا شدن به مرض قند که هر چند به مرگ نمی انجامد و می توان سالها با آن زندگی کرد، ولی این بیماری از نظر عرف ضرر بسیار تلقی می شود، و ظاهراً حفظ جان از ابتلا به چنین بیماریهایی نیز واجب است.

2 - اگر اهمال کاری در حفظ جان از آسیبهای بسیار زیاد، در عرف به منزله ای نابود کردن خود تلقی شود، و خوب اقدام برای دفع آن آسیبها قویتر به نظر می رسد.

بنابراین هرکس گرفتار چنین بیماریهایی شود باید به دارو و درمان آن همت گمارد.

### 3 - بهداشت عمومی و فساد

قرآن کریم:

1 - (وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن

ص: 339

«و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: "ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی ندارید. دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛ بنابراین، حق پیمانۀ و وزن را ادا کنید؛ و از اموال مردم چیزی نگاهید؛ و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیا) اصلاح شده است، فساد نکنید این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید."»

2 - (وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ) (2).

«کسانی که کافر شدند، اولیاء (و یاوران و مدافعان) یکدیگرند؛ اگر (این دستور را) انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می دهد.»

رہیافت وحی:

خداوند متعال گسترش فساد و تباهی در زمین را به شدت منع کرده، و دوری نمودن از مفسدہ های بزرگ را به منزله ای حکمت نفی ولایت کفار دانسته است. از همین رو کار در راستای جلوگیری از انتشار تمام گونه های فساد و تباهی، امری واجب تلقی شده است، که یکی از این کارها اهتمام ورزیدن به بهداشت عمومی برای جلوگیری از به خطر افتادن سلامت مردم می باشد.

ص: 340

1- - سورة اعراف، آية 85.

2- - سورة انفال، آية 73.

- 1 - باید از رهگذر نظارت بر تولید کنندگان و فروشندگان مواد غذایی از کشاورزان و دهقانان گرفته تا رستورانها و نانوائیها و مراکز تولید مواد غذایی و آسیابها و کارخانجات کنسرو سازی و مواد لبنی و مواد گوشتی و مانند اینها، از پخش و خرید و فروش مواد غذایی فاسد، جلوگیری کرد.
- 2 - همچنین باید بر منابع آب آشامیدنی، رودها، مخازن و تلمبه های منابع آبی و همچنین بر خطوط لوله آب برای دور ساختن میکروبیها، مواد رادیواکتیو و دیگر مواد زیان رسان از منابع آبی نظارت کرد.
- 3 - واجب است از انتشار بیماریهای مرگبار، به وسیله ای واکسیناسیون عمومی علیه بیماریهای مسری، و ممانعت از انتقال مردم از مناطق آلوده به این گونه بیماریها به مناطق پاکیزه، جلوگیری کنیم.
- 4 - باید برای جلوگیری از انتشار بیماریهای واگیردار در مراکز چوَن مدارس، اداره جات، کارخانجات و دیگر مراکز تجمّع مردم، يك سیستم نظارتی در نظر گرفت.
- 5 - باید برای جلوگیری از رفت و آمد آزادانه مبتلایان به بیماریهای واگیرداری چون آبله، جذام، سل، ایدز، و همچنین برای فراهم آوردن سلامت جامعه و پیشگیری از انتشار این بیماریها، مراکز برای نگهداری و قرنطینه مبتلایان به آن امراض در نظر گرفت.
- 6 - برای جلوگیری از انتشار بیماریهای جنسی و همچنین برای ایمن نگاه داشتن فرزندان از آسیبهای ژنتیکی، می بایست بر امر ازدواج در جامعه نظارت کرد.

قرآن کریم:

1 - (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (1).

«همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر "امی" پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر بازمی دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد، و ناپاکیها را تحریم می کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.»

2 - (وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ \* وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ) (2).

«و لباست را پاک کن، \* و از پلیدی دوری کن.»

3 - (... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) (3).

«... خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست

ص: 342

1- - سورة اعراف، آیه 157.

2- - سورة مدثر، آیات 4 و 5.

3- - سورة بقره، آیه 222.



رہیافت وحی:

خداوند متعال پلیدیها را حرام کرده به این دلیل که بیماری زا هستند.

از این جهت مردار، گوشت خوک، میخوارگی، خوردنیها و نوشیدنیهای مضر، همه و همه حرام و دشمن سلامتی انسان محسوب می شوند. خداوند متعال هرزگیهای آشکار و پنهان را نیز حرام کرده، چون، هرزگی نیز به سلامتی انسان ضرر می رساند، و همچنین برای حفظ عافیت به دوری جستن از پلیدی و خواستن پاکی ها و پاکیزگی در اوقات گوناگون دستور داده است.

احکام:

1 - در آموزه های دینی گرایش به پلیدیها حرام، و پاکیزگی در تمام سطوح امری محبوب تلقی، و نظافت از ارزشهای ایمانی شمرده شده است. لذا بر همه واجب است تا در حدّ توان این تعالیم را بکار بندند.

2 - افراد جامعه باید با گونه های مختلف پلیدی و آلودگی به مبارزه برخیزند، از اینرو باید برای تأمین بهداشت و پیراستگی از آلودگیهای گوناگون، به شدّت و بگونه ای فراگیر از اماکن عمومی مراقبت به عمل آید.

3 - حکومتها نیز باید از ورود بیماریهای واگیردار و موادّ غذایی غیر بهداشتی به داخل کشورهایشان جلوگیری به عمل آورند.

## 5 - بالاترین مراتب بهداشت فردی

حدیث شریف:

1 - امیر مؤمنان علیہ السلام فرموده اند:

«العافیة أهناُ النعم» (1).

«عافیت گواراترین نعمت است.»

و فرمودند:

«العافیة أشرف اللباسین» (2).

«عافیت شریفترین دو لباس است.»

و همچنین فرمودند:

«بالعافیة توجد لذّة الحیاة الدنیا» (3).

«بوسیله عافیت لذت زندگی بدست می آید.»

2 - و فرمودند:

«الصحة أفضل النعم» (4).

«تندرستی برترین نعمتهاست.»

«بالصحة تستكمل اللذة» (5).

ص: 344

---

1- - غرر الحکم، ص 483، شماره 11149.

2- - همان، ح 11150.

3- - همان، ح 11155.

4- - همان، ح 11148.

5- - همان، ح 11156.

«با تندرستی لذت کامل می شود.»

«النعم في الدنيا؛ الأمن وصحة الجسم، وتمام النعمة في الآخرة: دخول الجنة»(1).

«نعمتهای دنیا (عبارت اند از:) امنیت و تندرستی بدن، و کاملترین نعمت در آخرت ورود به بهشت است.»

احکام:

1 - مستحب است هرکسی سلامتی و بهداشت خود را در بالاترین سطوح تندرستی، نگهدارد. مثلاً: فشار خون، ترکیبات خون، قدرت بینایی و شنوایی و ضربان قلب و... خود را در بهترین حالت نگهدارد.

2 - همچنین مستحب است که انسان خود را از تماس با هرگونه آلودگی مصون دارد، و نشاط و فعالیت خود را از رهگذر تغذیه ای مناسب و انجام فعالیت‌های ورزشی و یا کار بدنی کافی، در سطح بالائی نگهدارد.

3 - در واقع اسلام به گونه ای عمومی مردم را به فراهم آوردن تندرستی و عافیت به عنوان ارزشی بنیادین، ترغیب می کند. در ابواب مستحبات و آداب متون شرعی نقل شده، به آموزه های بسیاری برمی خوریم که به گونه ای با مفهوم عافیت و سلامتی پیوند خورده اند. گزینش همسری مناسب برای تشکیل خانواده، رعایت آداب همبستری، آشنائی به تعالیم بارداری و تغذیه سالم در دوران بارداری، فراگرفتن آموزه های مربوط

ص: 345

به شیردادن به فرزندان و گرفتن دایه برای آنها، و در نهایت آشنایی با آداب خوردن و آشامیدن و خواب و معاشرت و استحمام و... که همگی به خواست الهی طول عمر و سلامتی و نیرومندی بدن را در بردارند، از جمله این آموزه ها هستند.

4 - مستحب است از خداوند طلب عافیت کنیم، چون، اسباب و وسایل تندرستی و سلامتی جملگی به امر خداوند فراهم می آیند. امام علی بن حسین علیه السلام در یکی از دعاهای مبارک خویش در صحیفه سجّادیه اینگونه طلب عافیت می کند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

وَعَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً تُؤَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَمُنُّ عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي وَبَدَنِي...»(1).

«بارها! بر محمد و آلش رحمت فرست و مرا عافیتی بی نیاز کننده و شفا دهنده ببخش که [از دسترس بیماریها و علتهای] بالاتر و روزافزون باشد؛ عافیتی که در بدنم تولید عافیت کند، عافیت دنیا و آخرت را. و انعام فرمای بر من به تندرستی، و امنیت، و سلامت در دین و بدنم...»

5 - از آنرو که سلامت و تندرستی از ارزشهای والا محسوب می شود، باید از رهگذر عمل به آموزه های زیر بصورت جدی بدان اهتمام ورزیم:

نخست: اهتمام دائم به قوانین بهداشتی و بازدارنده از بیماریها در کشور، بویژه قوانین مرتبط با بهداشت مواد غذایی و آشامیدنیها

ص: 346

---

1- - از دعای حضرت سجّاد علیه السلام هنگامی که عافیت از خدا طلب می کرد، الصحیفه السجّادیه، دعای شماره 23، ص 112، قم، نشر الهادی، 1376 شمسی.

و ابزارهای مورد استفاده، و همچنین قوانین فراهم کننده امنیت و سلامت تمام تولیدات در بالاترین معیارهای بین المللی.

دوم: آگاه ساختن مردم از امور بهداشتی و بیان دست کم، آموزه هایی که هر فرد برای محافظت از سلامت خود بدانها نیاز دارد. شناخت قوا و نیروهای خود و چگونگی محافظت از آنها در برابر بیماریها و همچنین چگونگی رساندن این قوا به رشد لازم از طریق تغذیه مناسب و ورزش و مانند اینها، و شناخت بیماریها، و علل آنها و چگونگی پیشگیری از مبتلا شدن به آنها و آشنایی به روشهای درمان آن بیماریها، همه و همه از جمله این آموزه ها می باشند.

در واقع این آگاهی باید در مدارس، و از سال اول ابتدائی تا آخرین سال دانشگاه به فرزندان جامعه داده شود، همچنین باید این آگاهیها از رهگذر رسانه های دیداری، شنیداری و نوشتاری به گوش و دید مردم برسند.

سوم: اهتمام به فراهم آوردن پزشکان و پرستاران مجرب و تهیه داروهای ضروری و ساخت بیمارستان و درمانگاه، و تعریف برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی به عنوان حق طبیعی هر انسان.

چهارم: فقها می بایست پس از مشاوره گرفتن از کارشناسان و سازمانهای مربوطه درباره مسایل مهم بهداشتی همچون واکسیناسیون عمومی علیه بیماریهای واگیردار و مهلك، به صدور فتاوی ویژه همت گمارند.

پنجم: نیکوکاران نیز باید فراهم آوردن وسایل خدمات بهداشتی و درمانی برای عموم مردم و نیازمندان را در زمره طرحهای خدایسندانه خود بگنجانند.

ششم: همگی باید به هنگام بروز بحرانهای بهداشتی خطرناک، چون شیوع بیماریهای مسری و مهلك در امر مبارزه با عواملی ضد بهداشت و سلامت عمومی، سهیم شوند.

## دوم - سلامتی و بهداشت، حق طبیعی انسان

قرآن کریم

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَاقُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) (1).

«ای مردم! ما شما را از يك مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا (حقوق) یکدیگر را بشناسید؛ گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.»

رهیافت وحی:

به نظر می رسد مراد از «(لِتَعَارَفُوا) یکدیگر را بشناسید» در این آیه شریفه همان مفهوم به رسمیت شناختن متقابل حقوق یکدیگر باشد، حقوقی که یکی از مهمترین آنها حق حیات می باشد که خود شامل حق برخورداری از امنیت و حق تأمین ضرورات زندگی (همچون حق برخورداری از غذا، نوشیدنی، مسکن و...) و حق سلامتی می شود.

ص: 348

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَمَنْ يَسْمَعُ رَجُلًا يَنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»<sup>(1)</sup>.

«کسی که شب را به روز برساند در حالیکه به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست و کسی هم که صدای مردی را که مسلمانان را به یاری می طلبد، بشنود و پاسخش را ندهد مسلمان نیست.»

احکام:

1 - حق حیات و زندگی پایه دیگر حقوق بوده و فراهم آمدن تندرستی و سلامت جسمانی انسان، بنیاد حیات را تشکیل می دهد.

2 - متون و نصوص دینی ای که به انفاق و بخشش دستور می دهند، انفاق در امور بهداشتی را نیز به منزله ی یکی از وسیعترین بسترهای انفاق و همیاری اجتماعی شامل می شوند.

3 - از سویی، متون و روایاتی که بر اهتمام مسلمانان به یکدیگر تأکید می ورزند نیز، دستۀ دیگری از نصوصند که بسترهای فراهم آوردن وسایل بهداشتی و درمانی همگانی را هم در بر می گیرند.

4 - از بسیاری از متون کلی نیز می توان، لزوم همیاری در امر بهداشت و تندرستی در حدّ ضرورت و امکان را استنباط کرد.

ص: 349

---

1- - الکافی، ج 2، ص 164 - وسائل الشیعه، ج 16، باب 18، ص 337، (29 جلدی).

5 - بنابراین، تندرستی و سلامت، باید به هدفی تبدیل شود که مردم و حکومت، جملگی در فراهم آمدن آن برای تك تك افراد جامعه و در تهیه تمام وسایل ممکن در این راستا، از هیچ تلاشی فروگذار ننمایند.

6 - قانونگذاران نیز باید به وضع قوانین ضروری برای فراهم آمدن این حقّ طبیعی همّت گمارند.

ص: 350



تعاون و همیاری بر نیکوکاری و تقوی یکی از مهمترین اصلهای ارزشهای اسلامی می باشد که می توان، از دل آن دهها ارزش دیگر، از جمله؛ ارزش کار مشترک برای فراگیری بهداشت و آموزش و رفاه، را بیرون کشید.

از این رو، مردم، همگی، وظیفه دارند نادانان و جاهلان را آموزش دهند، چون آموزش حق جاهلان است بر گردن همه، ولی برخی از گروهها مسؤولیت سنگینتری را در این زمینه بر عهده دارند، مانند پیامبران، علما و دانشمندان، خویشاوندان، و اولیای امور مسلمانان.

قرآن کریم:

1 - (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) (1).

«او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان

ص: 351

برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

2 - (وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ) (1).

«و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید؛ ولی آنها، آن را پشت سر افکندند؛ و به بهای کمی فروختند؛ و چه بد متاعی می خردند!»

3 - (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ) (2).

«کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می کند؛ و همه لعن کنندگان نیز، آنها را لعن می کنند؛.»

4 - (وَالَّذِي قَالَ لِبَوْلَدَيْهِ أَفِّ لَكُمْمَا اتَّعَدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَيَلْعَنُونَ لِي إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ) (3).

«و کسی که به پدر و مادرش می گوید: "اف بر شما! آیا به من وعده می دهید که من روز قیامت مبعوث می شوم؟! در حالی که پیش از من اقوام

ص: 352

1- - سورة آل عمران، آیه 187.

2- - سورة بقره، آیه 159.

3- - سورة احقاف، آیه 17.

زیادی بودند (و هرگز مبعوث نشدند) "و آن دو پیوسته فریاد می کشند و خدا را به یاری می طلبند که: وای بر تو، ایمان بیاور که وعده خدا حق است! اما او پیوسته می گوید: "اینها چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست."»

از این آیه میزان پافشاری پدر و مادر مسلمان برای باورمند ساختن فرزندان به روز رستاخیز دریافت می شود.

5 - (لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا) (1).

«آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدست اند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی کند؛ خداوند بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می دهد.»

آیه کریمه ذکر شده وجوب بر عهده گرفتن مخارج خانواده، شامل هزینه های آموزش و پرورش اعضای خانواده را یادآور شده بر آن تأکید می ورزد.

حدیث شریف:

1 - در حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است:

«قرأت في كتاب علي؛ أن الله لم يأخذ على الجّاهل عهداً بطلب العلم، حتّى

ص: 353

أخذ على العلماء عهداً ببذل العلم للجهال، لأن العلم كان قبل الجهل»(1).

«در کتاب علی خواندم که؛ خداوند متعال از جاهلان پیمانی مبنی بر دانش آموزی نگرفت، مگر پس از اینکه از دانشمندان پیمانی مبنی بر علم آموزی به جاهلان گرفت است، و این بدان خاطر است که علم پیش از جهل می باشد.»

2 - از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِنَّ مَعْلَمَ الْخَيْرِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ دَوَابَ الْأَرْضِ وَحَيْتَانَ الْبَحْرِ،

وَكُلَّ ذِي رُوحٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَإِنَّ الْعَالَمَ وَالْمَتَعَلِّمَ فِي الْأَجْرِ سَوَاءٌ، يَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَفَرَسِي رَهَانَ يَزِدْحَمَانِ»(2).

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بیگمان جنبنندگان زمین و ماهیان دریا و تمام جانداران آسمان و تمام اهل آسمان و زمین، برای معلم نیکیها و خوبیها، طلب آموزش می کنند، و بیگمان دانشمند و دانش آموز پاداشی یکسان دارند، (آندو) به روز قیامت همچون دو اسب مسابقه رقیب پا به عرصه قیامت می نهند.»

3 - از امام صادق علیه السلام نقل شده که:

«أَمْهَلُ صَبِيٍّ حَتَّى يَأْتِيَ لَهُ سِتُّ سَنِينَ، ثُمَّ ضَمَّمَهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سَنِينَ فَأَدَّبَهُ بِأَدْبِكَ، فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ، وَإِلَّا فَخَلَّ عَنْهُ»(3).

ص: 354

1- بحار الأنوار، ج 2، ص 67.

2- بحار الأنوار، ج 2، ص 17، باب 8.

3- وسائل الشَّيْخِ، ج 15، كتاب النكاح، أبواب أحكام الأولاد، ص 193، باب 82، ح 2 (20 جلدی) و همان ج 21، ص 473 (29 جلدی).

«فرزندانتان را تا شش سالگی آزاد بگذارید، سپس به مدت هفت سال آنها را تربیت کنید، پس اگر پذیرفتند و شایسته شدند (که خوب) و گرنه آنها را به حال خود رها کنید.»

4 - امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

«عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَالرَّمَايَةَ» (1).

«به فرزندان خود شنا و تیراندازی بیاموزید.»

از این حدیث شریف درمی یابیم که می بایست به فرزندانمان آنچه را در زندگی بدانها نیازمند خواهند شد بیاموزیم.

5 - امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ، قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجِنَةُ» (2).

«گفتگو با جوانان خود را، (یا آموزش احادیث به جوانان خود را) پیش از آنکه گروه مرجئه در این امر از شما پیشی گیرند، آغاز کنید.»

6 - امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به مردم فرموده اند:

«أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ: فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْصِّبْحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْ لَا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا» (3).

«ای مردم، حقی من بر شما دارم و حقی شما بر من دارید. اما حق شما

ص: 355

1- وسائل الشیعه، ج 15، باب 83، ص 194، ح 2، (20 جلدی) وهمان، ج 21، ص 475 (29 جلدی).

2- همان، ص 476، باب 84، ح 1.

3- نهج البلاغه، خطبه 34، ص 87، صریق السداد.

بر من: خیرخواهی درباره شما و تنظیم و فراوان نمودن بیت المال برای تهیه معیشت سالم برای شما است. و تصدی بر تعلیم شما که از جهل نجات پیدا کنید و تأدیب شما که علم (همه سطوح شخصیت) شما را بسازد.»

7 - وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معاذ بن جبل را به یمن فرستادند، توصیه هایی چند در باب مسؤولیتش به او گوشزد کردند، یکی از این توصیه ها این بود:

«یا معاذ، علمهم کتاب الله، وأحسن أدبهم على الأخلاق الصالحة»<sup>(1)</sup>.

«ای معاذ! کتاب خدا را به ایشان بیاموز، و تربیت ایشان را بر مبنای اخلاق شایسته، نیکو گردان.»

احکام:

1 - انفاق کردن و هزینه نمودن برای اعضای خانواده امری واجب است، که یکی از ابعاد امروزی آن بر مبنای عرف، امر تعلیم و آموزش می باشد. از اینرو اهتمام ورزیدن بدان از سوی والدین واجب و کوتاهی در آن به منزله ی کوتاهی در احقاق حق اعضای خانواده تلقی می شود.

2 - همچنین پدران و یا آنانکه مسؤولیت نفقه دادن را بر عهده دارند باید به فرزندان و یا افراد تحت تکفل خود کارهای مورد نیازشان را آموزش دهند. تشخیص اینکه کدام کار مورد نیاز فرزندان است و آموزش آن توسط والدین بر مبنای عرف، نفقه محسوب می شود، بسته به دو عنصر زمان و

ص: 356

---

1- - تحف العقول، ص 25، (مواعظ النبی و حکمه). و بحار الانوار، باب 6، ص 128.

مکان، متغیر می باشد. البته، احادیث و روایات، والدین را به تعلیم اموری چون باورهای درست و آداب والا و نیازمندیهای فرزندان، شامل خواندن و نوشتن و شنا و مانند اینها تشویق می کنند.

3 - دولتهای اسلامی ای که حقوق مردم را رعایت می کنند و می خواهند ارزشهای اجتماعی را در میان افراد جامعه نهادینه سازند، باید به نشر علم و دانش، بویژه آن بخشهایی از علم که امور دین و یا ساحتهای معیشتی مردم بسته بدانها هستند، پردازند.

4 - بنابراین دولتها می بایست به فراهم آوردن ابزارها، روشها و فرصتهای آموزش همگانی و همچنین به مبارزه برای ریشه کن ساختن جهل و بیسوادی، بیش از پیش همت گمارند.

ص: 357









#### درآمد:

موَدّت یا دوستی یکی از سنتهای الهی محسوب می شود، زیرا یکی از نامهای خداوند نیز «ودود» می باشد. در واقع از این نام در می یابیم که موَدّت يك ارزش می باشد.

حقیقت دوستی و موَدّت این است که برای آنکه دوستش داریم، جز نیکی نخواهیم و در برابر او فخر فروشی و تکبر نکنیم.

مؤمنان باید دوستی و موَدّت خود را به آن سو که خداوند پیامبرش امر کرده سوق دهند، بنابراین باید خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیکان وی و همچنین مؤمنان را دوست بدانند و سپس همسر و فرزندان خود را مورد محبت قرار دهند. از اینرو دوستی با روی برتافتگان از خدا و پیامبرش و مورد محبت قرار دادن آنها امری نامشروع تلقی می شود، چون، دوستی با دشمنان خدا و دوستی با مردم، بر مبنای ارزشهای بت پرستانه با راست ایمانی در يك جا جمع نمی شوند.

1 - (وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ)(1).

«از پروردگار خود، آمرزش بطلبید؛ و به سوی او بازگردید؛ که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه کار) است.»

2 - (ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ)(2).

«این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند به آن نوید می دهد. بگو: "من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیت]، و هرکس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی اش می افزایم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاس گزار است.»

3 - (وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَن لَّيْطَأَنَّ فَإِنِ أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا \* وَلَئِنِ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا)(3).

«در میان شما، افرادی (منافق) هستند، که (هم خودشان سست می باشند، و هم) دیگران را به سستی می کشانند؛ اگر مصیبتی به شما

ص: 362

1- - سورة هود، آیه 90.

2- - سورة شوری، آیه 23.

3- - سورة نساء، آیات 72 و 73.

برسد، می گویند: "خدا به ما نعمت داد که با مجاهدان نبودیم، تا شاهد (آن مصیبت) باشیم" \* و اگر غنیمتی از جانب خدا به شما برسد، درست مثل اینکه هرگز میان شما و آنها دوستی و مودتی نبوده، می گویند: "ای کاش ما هم با آنها بودیم، و به رستگاری (و پیروزی) بزرگی می رسیدیم!"

4 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند، و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می راند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید.) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می سازید از همه داناترم. و هرکس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است.»

5 - (وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ

ص: 363

«(ابراهیم) گفت: "شما غیر از خدا بتهایی برای خود انتخاب کرده اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بیزاری می جوئید و یکدیگر را لعن می کنید؛ و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یآوری برای شما نخواهد بود."»

رہیافت وحی:

مردم باید روابط میان خود را بر مبنای يك دوستی ایمانی شکل دهند، دوستی ای که مبتنی بر محبت خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیہم السلام وی باشد همینگونه است دوستی خانواده و عشیره زمانی که با آن محبت خدایی متعارض نباشد اما دوستیهایی که مبتنی بر موهومات است که بت به جای خدا پرستیده می شود مانند: دوستیهایی که بر پایه تعصب جاهلی و یا تعصبات مادی شکل می گیرند، همه و همه دوستیهایی ناپسند محسوب می شوند. از این حقیقت می توان احکام زیر را استنباط کرد:

احکام:

1 - هرکس می بایست بازگشتی به خود داشته باشد و خاستگاههای حبّ و بغضهایش را دقیقاً شناسایی کند و سپس معیار حبّ و بغضهایش را

ص: 364

در چهارچوب عقل و وحی از نو تعریف کند، تا صاحب دلی پیراسته از حبّ دنیا گردد.

2 - بر مؤمنان است که به مردم محبت ورزیده و با ایشان دوستی کنند.

3 - هر چیزی که برای خود دوست داریم باید برای برادران مؤمن خود نیز دوست بداریم، و همچنین نباید نسبت به خیری که به برادر مؤمنمان می رسد حسد ورزیم و همچون کسانی که هیچ تعلق خاطری نسبت به یکدیگر ندارند با یکدیگر رفتار کنیم.

4 - رابطه زناشویی مناسب آن رابطه ای است که بر مبنای دوستی و محبت استوار شده باشد، رابطه ای که در آن هیچیک از دوطرف نسبت به طرف مقابل، کبر و یا حسد نورزد، رابطه ای سالم که باید در شبکه ی روابط میان تمام مؤمنان نهادینه شود.

5 - دوستی خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیه السلام از پایه های دین محسوب می شود. در واقع این دوستی همان تولی می باشد. از سویی دوستی دشمنان خدا و رسول صلی الله علیه و آله و ناصبین و کسانی که از اهل بیت علیهم السلام روی برگردانده اند، نیز حرام می باشد. علاوه براین می بایست از چنین کسانی تبری جوئیم، چراکه تبری جستن از دشمنان خدا نیز پایه ای از پایه های دین می باشد.

6 - بنابراین می بایست شبکه ی روابط اجتماعی انسان بر مبنای خدا باوری و پذیرفتن ولایت خدا و رسول صلی الله علیه و آله و مؤمنان سامان یابد. همچنین نباید کسی را خود خوانده و بدون اینکه خداوند به پیروی از وی دستور داده، و او را حجّتی بر مردم قرار داده باشد، به عنوان محور دوستی میان مردم و ستون ولایت انتخاب کنیم.

ص: 365

7 - حتی در تشکلهای نیز می بایست محوری جز محور الهی نجویم، مگر به اذن ولی الهی. بنابراین اگر تشکلهای قومی - نژادی، یا صنفی، یا سیاسی در چهارچوب ولایت خداوند و به اذن حجت خداوند بر زمین، انجام پذیرند، این تشکلهای مطلوب خواهند بود. ولی اگر چنین تشکلهای بدون اذن الهی صورت پذیرند، امکان دارد به بتی برای ما تبدیل شوند که ما از پرستش چنین بتها نهی شده ایم. پس بهتر است از اینگونه تشکلهای صرف نظر کنیم.

ص: 366



در فضای جامعه اسلامی ارزشهای صلح و آرامش، حق، عدالت، امنیت و کسب روزی حلال محقق می شوند. برای محقق ساختن چنین جامعه ای باید پیوند میان مؤمنان را تا حدی استحکام بخشیم که روابط ایشان به سطح روابط برادری برسد.

در واقع این برادری بوسیله چنگ زدن به ریسمان الهی که شامل کتاب و رسول الهی می باشد و از رهگذر پشتیبانی از یکدیگر و همیاری با یکدیگر بر مبنای نیکی و تقوا، و همچنین بوسیله دوری جستن از رفتارهای ناپسندی چون مسخره کردن، گمان بد داشتن، تجسس کردن در کار دیگران و غیبت کردن، و همچنین با آراسته شدن به فضیلتهایی چون؛ ایثار، اصلاح و دفاع از مظلومان، به دست خواهد آمد.

قرآن کریم:

1 - (وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (1).

«و برای کسانی است که در این سرا [اسرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش بازداشته شده اند رستگارانند.»

حدیث شریف:

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از یاران خود پرسیدند:

«أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟».

«کدامیک از پیوندهای ایمان مستحکمتر است؟»

ایشان گفتند: خداوند و پیامبرش بهتر می دانند، برخی نیز گفتند نماز برخی دیگر گفتند زکات و برخی دیگر روزه را و برخی دیگر حج و عمره و دیگرانی جهاد را محکمترین پیوند ایمان پنداشتند. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ص: 368

به ایشان فرمودند:

«لكلّ ما قلتم فضل وليس به، ولكن أوثق عرى الإيمان الحبّ في الله،

والبغض في الله، وتولّي أولياء الله والتبري من أعداء الله عزّوجلّ»(1).

«يك يك آنچه گفتید خوب بود، ولی منظور من نیست. مستحکمترین پیوند ایمان دوستی کردن برای خدا و کینه ورزی برای خدا و پیروی و دنباله روی از اولیاء خدا و تبری و دوری جستن از دشمنان خداوند عزّوجلّ می باشد.»

2- همچنین آن حضرت فرموده اند:

«وَدَّ الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ فِي اللَّهِ، مِنْ أَعْظَمِ شَعَبِ الْإِيمَانِ»(2).

«محبّت مؤمن نسبت به مؤمنی دیگر، از بزرگترین شاخه های ایمان است.»

3- امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسشی به این مضمون که آیا محبّت همان ایمان است؟ فرمودند:

«ويحك، وهل الدين إلا الحبّ؟ ألا ترى إلى قول الله: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ) (3)؟

أولا ترى قول الله لمحمد صلى الله عليه وآله:

(حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَرَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ) (4)،

وقال: (يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ) (5).

ص: 369

---

1- - المحاسن، برقي، ج 1، ص 264.

2- - همان، ص 263.

3- - سورة آل عمران، آیه 31.

4- - سورة حجرات، آیه 7.

5- - سورة حشر، آیه 9.

«وای بر تو، مگر دین چیزی جز حب است؟ مگر این گفته الهی را نشنیده ای که فرمود: (بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید؛ تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد، و گناهانتان را ببخشد.) و یا مگر این گفته خداوند به محمد صلی الله علیه و آله را نشنیده ای که گفت: (خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلهایتان زینت بخشیده.)؟، و گفت: (وکسانی را که به سويشان هجرت کنند دوست می دارند!)؟ پس امام علیه السلام فرمودند: دین همان حبّ و حب همان دین است.»

رہیافت وحی:

هر جامعه تنها با پیروی از رهبر خود و التزام به ارزشهای حقیقت و سامان بخشیدن به يك زندگی جمعی توأم با الفت و محبت و برادری می تواند بر عوامل تفرقه انگیز فائق آید. خداوند متعال در آیه نهم سوره مبارکه حشر نمونه ای از روابط مسلمانان نخستین را یادآور می شود و گروه انصار را بخاطر برقرار ساختن رابطه خوب و خدایسندانه با مهاجران مورد تحسین قرار می دهد. نمونه ای که آشکارا شالوده شکنی اسلام در شبکه روابط میان فردی و میان اجتماعی پیشین و تأثیر آن بر روان افراد را نشان می دهد و برای نسلهای بشری پرده از راز پیروزیهای ایشان در بستر تاریخ برمی فکند. در واقع نخستین نسل مخلص اسلام با همین روح والای ایمانی توانستند بر جهان حکومت کنند.

ص: 370

نسلهای با ایمان می بایست شبکه ی روابط خود را بر پایه های زیر استوار سازند:

1 - دوستی راستین و بدور از مصالح شخصی و خودخواهی.

2 - عدم حسد ورزی و خود رأیی در روابط. در واقع مؤمنان می بایست از سینه ای زلال و پاک، و بدور از کینه توزی و حساسیت نسبت به برادران مؤمن، بهره جویند، چراکه دلهای اینچنینی به ایمان و محبت آباد شده اند.

3 - مؤمنان برای دستیابی به پیشرفت و رفعت خود و در نهایت رفعت اسلام و امت اسلامی باید هرچه در توان دارند در راه پشتیبانی و حمایت از برادران دینی خود بکار گیرند.

4 - یکی دیگر از پایه های شبکه ی روابط مؤمنان، ایثار و از خودگذشتگی می باشد. در واقع این ویژگی، از نشانه های ایمان و نمود بیرونی دوستی راستین نسبت به برادران دینی می باشد. باید گفت يك مؤمن واقعی آن است که در موقع خطر همواره برای در امان ماندن دیگران خود را به خطر می اندازد، و در دستاوردها همواره دیگران را برای سود بردن بر خود مقدم می دارد.

قرآن کریم:

(وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) (1).

«همچنین) کسانی که بعد از آنها (ابعد از مهاجران و انصار) آمدند می گویند: "پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دلهایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا، تو مهربان و رحیمی".»

رهیافت وحی:

یکی از ویژگیهای پیوند برادرانه زمانمند نبودن آن است، چه، مؤمنان هر عصر با مؤمنان پیش از خود پیوندی مثبت برقرار می سازند، و حتی برای آنها آمرزش می طلبند. در واقع پیوندهای برادرانه نه تنها زمانمند نیستند، بلکه بطور کلی کرانمند نیستند و با تفاوتهایی چون اختلاف طبیعی و یا اختلاف تمدنی نمی توان آنها را محدود ساخت. از همین روست که مؤمنان راستین از خدا می خواهند تا کینه ای نسبت به دیگر مؤمنان در دلشان راه ندهد، خواه این مؤمنان با یکدیگر در مواردی چون دیدگاه، نژاد، زبان و مانند اینها موافق و خواه متفاوت باشند.

ص: 372

1 - مؤمنان نباید نسلهای پیش از خود را کاملاً رد و یا کاملاً تأیید کنند، بلکه می بایست دستاوردهای ایشان را محترمانه به بوته ی نقد و ارزشگزاری ببرند.

2 - بنابراین باید مؤمنان جهت گیریها و دیدگاههای پیشینیان را به معیارهای شرع (کتاب و سنت) عرضه کنند، و دیدگاههای موافق با کتاب و سنت را برگیرند و دیدگاههای مخالف با شرع را به کناری وانهند.

3 - سنجش آرای پیشینیان به معنای بی اعتبار بودن ایشان نیست، بلکه این سنجش باید در سایه احترام و محبت نسبت به ایشان و آمرزش خواهی برای آنها و بزرگ پنداشتن ایشان صورت پذیرد.

### 3 - روابط برادرانه و اصلاح

قرآن کریم:

1 - (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (1).

«مؤمنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.»

2 - (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ

ص: 373

فَأْتَقَدَّكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ(1).

«و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید. و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد، شاید پذیرای هدایت شوید.»

حدیث شریف:

1 - امیر مؤمنان علی علیه السلام در بستر وفات به دوفرزند بزرگوارشان حسن و حسین علیهما السلام اینگونه وصیت می کنند:

«أوصيكم، وجميع ولدي وأهلي ومن بلغه كتابي يتقوى الله، ونظم أمركم وصلاح ذات بينكم، فأني سمعتُ جدكُم رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يقول: صلاح ذات البين أفضل من عامة الصلاة والصيام»(2).

«و تمام فرزندان و دودمانم و هرکس این نوشته من بدو می رسد را به تقوای الهی و نظم در امور و اصلاح در میان مسلمانان توصیه می کنم، من از جد شما رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می گفت: "اصلاح میان مردم از عموم نماز و روزه برتر است."»

ص: 374

1- - سورة آل عمران، آیه 103.

2- - بحار الأنوار، ج 72، ص 24، ح 3، باب 34، من ينفع الناس، ونهج البلاغه، صبحی صالح، نامه 47، ص 641...



2 - همچنین از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند:

«صدقة يحبها الله، إصلاح بين الناس إذا تفاسدوا، وتقارب بينهم إذا تباعدوا»<sup>(1)</sup>.

«صدقه ی مورد محبت خدا، آن است که هرگاه روابط مردم به تباهی کشیده شد میان ایشان اصلاح کنیم، و هرگاه از هم دور شدند ایشان را به هم نزدیک نمایم.»

3 - و همچنین فرموده اند:

«لئن أصلح بين إثنين، أحب إليّ من أن أتصدق بدینارین»<sup>(2)</sup>.

«چنانچه میان دو نفر اصلاح کنم، نزد من محبوبتر از آن است که دو دینار در راه خدا ببخشم.»

رهیافت وحی:

شبکه ی روابط مؤمنان با یکدیگر به درجه ای از استحکام می رسد که به پیوندهای برادرانه ای که موجب اصلاح بین یکدیگر می شوند، تبدیل می شود. در واقع از رهگذر این شبکه ی روابط، مؤمنان چونان رودهای متلاقی ای که یکدیگر را پاک می کنند، همواره کاستیها و زوائد روابط میان فرد و اجتماع خود را اصلاح می کنند و پایه های اخوت را میان خود

ص: 375

---

1- - نورالثقلین، ج 5، ص 88 و الکافی، ج 1، ص 60.

2- - همان و الکافی، ج 2، 209.

## احکام:

1 - هر يك از مؤمنان باید میزان تقوی و ایمان خود را با سطح رابطه ی برادرانه ای که با دیگر مؤمنان برقرار می سازد بسنجد. چون، ایمانی که روابط ایمان مداران را با یکدیگر به حدّ پیوندی برادرانه نرساند، ایمانی سست و ناقص به حساب می آید.

2 - مؤمنان باید قوانین اجتماعی و پندهای اخلاقی بیان شده در دین را در زندگی خود بکار بندند تا روابط همه ی مسلمانان به روابطی برادرانه بدل شود. اکنون برای اینکه به آن جامعه ی نمونه دست یابیم به برخی از روایاتی که پندهایی در باب حقوق برادران ایمانی در بردارند توجه کنید:

امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اینگونه روایت کرده:

«للمسلم علی أخیه ثلاثون حقّاً، لا براءة له منها إلا بالأداء أو العفو؛ یغفر زلّته، ویرحم عبرته، ویستر عورته، ویقبل عشرته، ویقبل معذرتّه، ویرد غیبتّه، ویدیم نصیحتّه، ویحفظ خلّته، ویرعی ذمّته، ویعود مرضتّه، ویشهد میّته، ویجیب دعوتّه، ویقبل هدیتّه، ویکافی صلّته، ویشکر نعمتّه، ویحسن نصرته، ویحفظ حلّیلته، ویقضي حاجته، ویشفع مسألته، ویسمت عطستّه،

ویرشد ضالّته، ویردّ سلامه، ویطیب کلامه، ویبرّ إنعامه، ویصدق أقسامه،

ویوالي ولیّه ولا یعادیه، وینصره ظالماً ومظلوماً، فأما نصرته ظالماً فیرده عن ظلمه، وأما نصرته مظلوماً فیعینه علی أخذ حقّه، ولا یسلّمه ولا یخذله، ویحبّ له من الخیر ما یحبّ لنفسه، ویکره له من الشرّ ما یکره لنفسه.

ثم قال عليه السلام: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: إن أحدكم ليدع من حقوق أخيه شيئاً، فيطالبه به يوم القيامة، فيقضى له وعليه» (1).

«مسلمان بر برادر مسلمانش سى حق دارد که براءت ذمه از آن حاصل نمى کند مگر به ادای این حقوق یا عفو کردن برادر مسلمان او: لغزشهای او را ببخشد، در ناراحتیها نسبت به او مهربان باشد، اسرار او را پنهان دارد، اشتباهات او را جبران کند، عذر او را بپذیرد، در برابر بدگویان از او دفاع کند، همواره خیرخواه او باشد، دوستی او را پاسداری کند، پیمان او را رعایت کند، در حال مرض از او عیادت کند، در حال مرگ کسی از نزدیکانش به تشییع او حاضر شود، دعوت او را اجابت کند، هدیه او را بپذیرد، عطای او را جزا دهد، نعمت او را شکر گوید، در یاری او بکوشد، ناموس او را حفظ کند، حاجت او را برآورد، برای خواسته اش شفاعت کند، و عطسه اش را تحیت گوید، گمشده اش را راهنمایی کند، سلامش را جواب دهد، گفته او را نیکو شمرد، به نیکوکاریهای او جواب مثبت، سوگندهایش را تصدیق کند، دوستش را دوست دارد و با او دشمنی نکند، در یاری او بکوشد خواه ظالم باشد یا مظلوم: اما یاری او در حالی که ظالم باشد به این است که او را از ظلمش بازدارد، و در حالی که مظلوم باشد به این است که او را در گرفتن حقش کمک کند، او را در برابر حوادث تنها نگذارد، آنچه را از نیکیهها برای خود دوست دارد برای او دوست بدارد، و آنچه از بدیها برای خود نمی خواهد برای او نخواهد.»

سپس آن حضرت فرمودند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «هریک

ص: 377

از شما چیزی از حقوق برادرش را ادا نکند، و او حقّ خود را در روز قیامت مطالبه کند، میان آندو (به حقّ) داوری خواهد شد.»

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند:

«المسلم أخو المسلم، لا يظلمه، ولا يغشّه، ولا يخذله، ولا يغتابه،

ولا يخونه، ولا يحرمه»<sup>(1)</sup>.

«مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ستم می کند، و نه او را فریب می دهد، و نه او را خوار می کند، و نه از او بدگویی می کند، و نه به وی خیانت می کند، و نه او را محروم می سازد.»

همچنین از آن حضرت روایت شده:

«المؤمن أخو المؤمن عینه ودليله، لا يخونه، ولا يظلمه، ولا يغشّه،

ولا يعده عده فيخلفه»<sup>(2)</sup>.

«مؤمن برادر مؤمن است و به منزله چشم او و راهنمای اوست، هرگز به او خیانت نمی کند، و به او ستم روا نمی دارد، با او غش و تقلّب نمی کند، و هر وعده ای را به او دهد تخلف نخواهد کرد.»

همچنین می فرمایند:

«تقربوا إلى الله تعالى بمواساة اخوانكم»<sup>(3)</sup>.

«به خدا به وسیله همدردی کردن با برادراتان نزدیکی جوید.»

ص: 378

1- نورالثقلین، ج 5، ص 87 و الکافی، ج 2، باب اخوة المؤمنین، ح 11.

2- همان، ص 86 و الکافی، ج 2، ص 166 و وسائل الشیعه، ج 12، ص 205، باب 122 (30 جلدی).

3- بحارالانوار، ج 71، باب 28، ص 319.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«المسلم أخو المسلم لا يظلمه، ولا يخذله، ولا يحقره، التقوى هاهنا (وأشار إلى صدره ثلاث مرّات) حسب امرء من الشرّ أن يحقر أخاه المسلم، كلّ المسلم على المسلم حرام، دمه وماله وعرضه»<sup>(1)</sup>.

«مسلمان برادر مسلمان است و هرگز به وی ستم روا نمی دارد و خوار و ذلیلش نمی سازد، و او را تحقیر نمی کند. تقوی اینجاست (و سه مرتبه به سینه مبارک خود اشاره فرمودند) چه شوم بختی است کسی که برادر مسلمان خود را تحقیر می کند. تمام شئون مسلمان بر مسلمان دیگر شامل خون و مال و آبرویش حرام می باشد.»

امام صادق علیه السلام در حدیثی عمق پیوند میان مؤمنان را اینگونه بیان کرده اند:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بَنُو أَبٍ وَأُمٍّ، وَإِذَا ضَرَبَ عَلِيٌّ رَجُلًا مِنْهُمْ عَرَقَ سَهْرًا لَه الْآخِرُونَ»<sup>(2)</sup>.

«مؤمنان با یکدیگر در پدری و مادری برادرند، و اگر یکی از آنها دچار درد و بیماری شود دیگران برای آسایش او شب زنده داری می کنند.»

3 - اصلاح میان مؤمنان به عنوان برجسته ترین حقوق اخوت ایمانی، امری واجب محسوب می شود و در نصوص دینی برای اصلاحگران پاداشی بزرگ در نظر گرفته شده است.

ص: 379

---

1- - تفسیر القرطبی، ج 16، ص 323، کشف الریبه، ص 2 و منیة المرید، ص 327.

2- - نور الثقلین، ج 5، ص 86.

قرآن کریم

1 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بئسَ الآسَمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ \* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفر آمیز بگذارید، و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند. \* ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چراکه بعضی از گمانها گناه است. و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید. و هیچ يك از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (بییقین) همه شما از این امر کراهت دارید. تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است.»

رہیافت وحی:

ص: 380

اسلام برای بنای يك بستر اجتماعی استوار به ما توصیه می کند تا برای برادرانمان احترام کافی قائل شویم، و هیچ گروهی، گروه دیگر را تحقیر نکند و هیچ دسته ای از زنان دسته ای دیگر از زنان را خوار نگردانند.

همچنین قرآن کریم ما را از عیبجویی کردن و گذاشتن القاب بد برای یکدیگر، و بدگمانی و تجسس در کار دیگران و غیبت کردن نهی می کند و ما را به پرهیزگاری دستور می دهد تا به رحمت و توبه دست یابیم.

احکام:

1 - باید فضای احترام متقابل بر روابط مؤمنان حاکم شود. بنابراین مسخره کردن یکدیگر جایز نمی باشد، چون این کار، هتك حرمت دیگران محسوب می شود.

2 - از آنجا که به استهزاء گرفتن دیگران در احساس خود بزرگی و تحقیر سایرین ریشه دارد، در دین از آن نهی شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَتَمَ ثَلَاثَةَ فِي ثَلَاثَةٍ: كَتَمَ رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ، وَكَتَمَ سَخَطَهُ فِي مَعْصِيَتِهِ، وَكَتَمَ وَلِيَّهِ فِي خَلْقِهِ.

فَلَا يَسْتَخْفِنُ أَحَدَكُمْ شَيْئاً مِنَ الطَّاعَاتِ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّهَا رِضَا اللَّهِ،

وَلَا يَسْتَقْلِنُ أَحَدَكُمْ شَيْئاً مِنَ الْمَعَاصِي فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّهَا سَخَطُ اللَّهِ، وَلَا يَزِرْ أُنَّ

ص: 381

أحدكم بأحد من خلق الله، فإنه لا يدري أيهم ولي الله»(1).

«همانا خداوند عزوجل سه چیز را در سه چیز پنهان ساخته، رضامندی خود را در طاعتش و نارضایتی خود را در معصیتش، و ولی خود را در میان خلقتش پنهان ساخته است، بنابراین کسی از شما چیزی از طاعت الهی را کوچک نشمارد، چون نمی داند در کدامیک از طاعتها رضامندی خداوند نهفته است، و همچنین هیچیک از گناهان و معاصی را ناچیز نشمارد، چراکه نمی داند در کدامیک از گناهان نارضایتی خداوند نهفته است، و همچنین هیچکسی از خلق را مورد تحقیر قرار ندهد، چراکه نمی داند کدامیک از ایشان ولی خدا می باشند.»

3 - عیبجویی دیگران و تحقیر آنان بسبب کاستیها و عیوبشان نیز به مثابه گامی در راه تباه ساختن روابط اجتماعی و سرچشمه ی نزاعهای خطرناک، عملی نامشروع تلقی می شود.

4 - در اسلام از نسبت دادن القاب بد به یکدیگر نهی شده است، و روایات نیز بر استحباب نسبت دادن دوست داشتنی ترین القاب به برادران دینی دلالت دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«من حقّ المؤمن علی المؤمن أن یسمیه بأحبّ أسمائه إلیه»(2).

«یکی از حقوق مؤمن بر مؤمن این است که او را با دوست داشتنی ترین نامها در نزد وی، نامگذاری کند.»

ص: 382

---

1- - بحار الأنوار، ج 72، ص 147، ح 21، (باب من أذلّ مؤمناً أو أهانه).

2- - تفسیر القرطبي، ج 16، ص 230.



5 - از این حکم به ضرورت پیراستگی عمومی زبان از دشنام و ناسزا و لطافت بخشیدن به فضای اجتماعی از رهگذر سخنان نیک و پسندیده پی می بریم.

6 - تجاوز به حقوق اجتماعی دیگران جایز نمی باشد؛ چون، حقوق اجتماعی چیزی از حقوق مالی کمتر ندارند. در واقع هرکسی به آبروی برادران مؤمنش تجاوز کند همچون کسی است که به جان و مال او تعدی کرده باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنَ الْمَسْلُومِ دَمَهُ وَمَالَهُ وَعَرَضَهُ وَأَنْ يُظَنَّ بِهِ السُّوءَ»<sup>(1)</sup>.

«همانا خداوند برای جان و مال و آبروی مسلمان حرمت قرار داده (و تجاوز به آنها) و گمان بد به وی را حرام کرده است.»

7 - غیبت کردن نیز حرام است، در واقع نصوص و روایات در بیم دادن از غیبت کردن یکدیگر را تأیید و تقویت می کنند. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«لَمَّا عُرِجَ بِي مَرَرْتُ بِقَوْمٍ لَهُمْ أَظْفَارٌ مِنْ نَحَاسٍ يَخْمِشُونَ وَجُوهَهُمْ وَصُدُورَهُمْ، فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرَيْلُ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لَحْمَ النَّاسِ، وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ»<sup>(2)</sup>.

«وقتی در معراج بودم به گروهی برخوردیم که ناخنهای بلند مسی داشتند و با آن ناخنها صورت و سینه های خود را می خراشیدند. گفتم: اینها کیستند ای جبرئیل؟ گفت: اینها کسانی هستند که گوشت مردم را می خورند و آبروی مردم را مورد دست اندازی قرار می دادند.»

ص: 383

---

1- بحار الانوار، ج 72، ص 201.

2- تفسیر القرطبی، ج 16، ص 336 و بحار الانوار، ج 72، باب 57، ص 154.

8 - غیبت کردن کسی با این توجیه که شاید او گناهکار می باشد نیز جایز نمی باشد. علقمه در روایتی از امام صادق علیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا! مرا از کسانی که گواهی شان مورد پذیرش قرار می گیرد و کسانی که گواهی شان پذیرفته نمی شود آگاه کن. آن حضرت فرمودند:

«یا علقمه، کلّ من كان على فطرة الإسلام جازت شهادته».

«ای علقمه! هرکس بر سرشت اسلام باشد شهادتش کارساز خواهد بود.»

پرسیدم: آیا گواهی گناهکاران نیز پذیرفته می شود؟ آن حضرت فرمودند:

«یا علقمه! لو لم تُقبل شهادة المقترفين للذنوب، لما قُبلت إلیّ الشهادات الأنبياء والأوصياء صلوات الله عليهم، لأنهم هم المعصومون دون سائر الخلق،

فمن لم تره بعينك يرتكب ذنباً أو لم يشهد عليه بذلك شاهدان، فهو من أهل العدالة والستر وشهادته مقبولة وإن كان في نفسه مذنباً، ومن اغتابه بما فيه فهو خارج عن ولاية الله عزّوجلّ، داخل في ولاية الشيطان»<sup>(1)</sup>.

«ای علقمه! اگر گواهی گناهکاران پذیرفته نشود، جز گواهیهای انبیاء و اوصیاء صلوات الله عليهم پذیرفته نخواهد شد، چراکه تنها ایشان هستند که برخلاف مردم (از هر گناهی) معصومند. پس هرکس که گناهش را با چشم ندیده باشی و یا دو شاهد برگناهش گواهی نداده باشند، از اهل عدالت و پوشیدگی می باشد و گواهی او نیز پذیرفته است هرچند در درون گناهکار باشد. و هرکس غیبت او را بکند از ولایت الهی خارج و به ولایت شیطان

ص: 384

9 - مؤمنان باید در جایی که در حضورشان از برادرانشان غیبت می شود، از ایشان دفاع کنند و با غیبت کنندگان در خوار کردن طرف مقابل همراهی نکنند. امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنَ فَنَصْرَهُ وَأَعَانَهُ، نَصْرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

وَمَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنَ فَلَمْ يَنْصُرْهُ وَلَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ، وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ وَعَوْنِهِ، خَفَضَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>(1)</sup>.

«هرکسی در حضور او از برادر مؤمنش غیبت شود و او نیز به دفاع برآید و او را یاری کند، خداوند او را در دنیا و آخرت یاری خواهد کرد. و هرکسی که در حضور او از برادر مؤمنش غیبت شود ولی با توانایی بر دفاع و یاری، از او دفاع نکند و به او یاری نرساند، خداوند در دنیا و آخرت (منزلت) او را پایین خواهد آورد.»

10 - برای اینکه همچنان از حفاظت دژ الهی که وجود ما را فراگرفته برخوردار بمانیم، باید نیکیهای برادران مؤمنان را یادآور شویم، تا از این رهگذر بر استحکام پیوندهای اجتماعی، و محبت و زلالی دل مؤمنان در برخورد با یکدیگر افزوده شود. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که:

«اذْكُرُوا أَهْلَكُمْ إِذَا غَابَ عَنْكُمْ بِأَحْسَنِ مَا تَحِبُّونَ أَنْ تُذَكَّرُوا بِهِ إِذَا غَبْتُمْ عَنْهُ»<sup>(2)</sup>.

«در غیاب برادرتان او را به نیکوترین شکلی که دوست دارید او در غیابتان از شما یاد کند، یاد کنید.»

ص: 385

---

1- - بحار الأنوار، ص 255، ح 38 (باب الغيبة).

2- - همان، ص 253، ح 20.

11 - اسلام حرمت سه دسته از مردم را سلب کرده و غیبت ایشان را جایز دانسته است. آن سه دسته عبارتند از:

نخست: رهبران ستمگر؛ که می بایست مردم را از ستم و سوء مدیریت ایشان آگاه ساخت، تا مسلمانان بتوانند از ایشان خلع ید کنند، و یا حداقل از آسیبهایشان در امان بمانند.

دوم: گمراهان و گمراه کنندگانی چون احزاب و دسته های کافر و منافق و دور از دین.

سوم: فاسقانی که تجاهر به گناه می کنند.

حضرت امام باقر علیه السلام نیز در روایتی به این سه دسته اشاره فرموده و گفته اند:

«ثلاثة ليست لهم حرمة؛

صاحب هوی مبتدع، والإمام الجائر، والفاسق المعطن الفسق»(1).

«سه دسته اند که حرمتی برایشان تعریف نشده؛ صاحبان خواستها و هواهای بدعت آمیز، رهبران جائر و ستمگر، و فاسقان و گنهکارانی که گناه و فسق خود را آشکارا انجام می دهند.»

12 - غیبت ستم دیدگان از کسانی که ستم روا داشته اند نیز طبق گفته الهی جایز می باشد. خداوند فرموده:

«لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً»(2).

«خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها (ی دیگران) را اظهار

ص: 386

---

1- بحار الأنوار، ح 33.

2- سورة نساء، آیه 148.

كند. مگر آن كس كه مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست.»

اكنون به سخنى جامع و كامل در مورد غيبت كه به حضرت امام صادق عليه السلام منسوب مى باشد، توجه فرماييد:

«الغيبه حرام على كل مسلم، ماثوم صاحبها في كل حال، وصفة الغيبه أن تذكر أحداً بما ليس هو عند الله عيب، وتذم ما يحمده أهل العلم فيه، وأما الخوض في ذكر غائب بما هو عند الله مذموم وصاحبه فيه ملوم، فليس بغيبه وإن كره صاحبه إذا سمع به، وكنت أنت معافاً عنه خالياً منه، تكون في ذلك مبيناً للحق من الباطل ببيان الله ورسوله صلى الله عليه وآله،

ولكن على شرط أن لا يكون للقائل بذلك مراداً غير بيان الحق والباطل في دين الله، وأما إذا أراد به نقص المذكور به بغير ذلك المعنى، فهو مأخوذ بفساد مراده وإن كان صواباً، فإن اغتبت فأبلغ المغتاب، فلم يبق إلا أن تستحل منه، وإن لم يبلغه ولم يلحقه علم ذلك، فاستغفر الله له.

والغيبه تأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب، أوحى الله تعالى عز وجل إلى موسى بن عمران عليه السلام: المغتاب إن تاب فهو آخر من يدخل الجنة، وإن لم يتب فهو أول من يدخل النار. قال الله عز وجل: (أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ)،

ووجه الغيبه يقع بذكر عيب في الخلق والخلق، والعقل والمعاملة والمذهب والجهل وأشباهه. وأصل الغيبه تتنوع بعشرة أنواع؛ شفاء غيظ، ومساعدة قوم، وتهمه، وتصديق خبر بلا كشفه، وسوء ظن، وحسد،

وسخرية، وتعجب، وتبرم، وتزيين، فإن أردت السلامة فاذكر الخالق لا المخلوق، فيصير لك مكان الغيبه عبرة، ومكان الإثم ثواباً»<sup>(1)</sup>.

ص: 387

«غیبت کردن بر هر مسلمانی حرام است، و غیبت کننده در هر حال گناهکار محسوب می شود، تعریف غیبت این است که کسی را به آنچه در نزد خدا برای او عیب محسوب نمی شود (به عیب) یاد کنی و آنچه را که اهل علم او را بدان ستایش می کنند، مذمت کنی. ولی مشغول شدن به سخن از (عیوب) فرد غایبی که عیوبش نزد خدا مذموم و خود فرد بدان عیوب مورد سرزنش باشد، هرچند فرد غایب در صورت شنیدن (این سخنان) ناراحت شود، غیبت محسوب نمی شود و تو از آن معاف و در این باره خالی از گناه خواهی بود. البته به شرطی که مراد از این غیبت آشکار ساختن حق از باطل به بیان خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله باشد و مراد غیبت کننده بجز آشکار ساختن حق از باطل در دین خدا نباشد. اما اگر مراد غیبت کننده بر خلاف این معنی ایجاد کاستی در (شان) فرد یاد شده باشد، بخاطر خواسته ی ناصوابش مؤاخذه خواهد شد، هرچند سخنش راست باشد. از سویی اگر غیبت کردی، و فرد غیبت شده نیز از آن غیبت با خبر شد، در این صورت چیزی جز حلالیت خواستن از او برایت باقی نمی ماند، ولی اگر این غیبت به (گوش) او نرسید و آن را دریافت نکرد، برای او از خداوند آمرزش بخواه.

غیبت همچون آتشی که هیزم را در خود فرومی دهد، نیکها و حسنات را می خورد. خداوند متعال به موسی بن عمران علیه السلام وحی کرد که: غیبت کننده اگر توبه کند آخرین کسی می باشد که وارد بهشت می شود، و اگر توبه نکرده باشد نخستین کسی خواهد بود که به آتش در خواهد آمد. خداوند عزوجل فرموده: (آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ حال آنکه از آن کراهت دارد). گونه های غیبت عبارت اند از یاد کردن عیوبی که در: آفرینش، رفتار، عقل، تعامل (اجتماعی)، مرام (وروش)

و جهل و مانند اینها، پیدا می شود. از سویی ریشه های غیبت ده گونه اند که عبارت اند از: کینه جویی، کمک و همراهی کردن با یک گروه، تهمت، تصدیق یک خبر بدون اینکه درستی آن آشکار شده باشد، بدگمانی، حسد، مسخره کردن، شگفتی، ناراحتی و خودآرایی، پس اگر خواستار سلامت (ایمان) هستی خالق را یاد کن نه مخلوق را، تا بجای غیبت، به عبرت درآیی و بجای گناه، ثواب کنی.»

13 - باید از گمان بد که خود به دنبال کینه، خشم، درگیری و نادانی می آید، دوری جست. چون، دین اسلام به ما فرمان می دهد تا به دنبال آنچه نسبت بدان علم نداریم نرویم، همچنین دستور می دهد تا کارهای برادرانمان را به بهترین وجه حمل بر صحت کنیم. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره فرموده اند:

«ضع أمر أخيك على أحسنه حتى يأتيك منه ما يغلبك (أي تعلم يقيناً غير ذلك) ولا تظن بكلمة خرجت من أخيك سوءً وأنت تجد لها في الخير محملاً» (1).

«کار برادرت را بر بهترین وجه حمل بر صحت کن تا اینکه به خلاف آن یقین کنی، و همچنین تا وقتی می توانی برای سخنی که از (دهان) برادرت خارج شده توجیه نیکی بیابی، به سخن وی گمان بد مبر.»

14 - تجسس در کار مردم به معنای دنبال کردن و پرده برداشتن از رازهای ایشان به منظور دستیابی به عیوبشان، نیز جایز نمی باشد. روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی پس از اتمام نماز، به سرعت حرکت کرده،

ص: 389

و با رسیدن به در مسجد دست مبارك را بر درگذاشته و با بلندترین صدا ندا در دادند که:

«يا معشر من آمن بلسانه ولم يخلص الإيمان إلى قلبه؛ لا تتبعوا عورات المؤمنين فإنه من تتبع عورات المؤمنين تتبع الله عورته، ومن تتبع الله عورته فضحه ولو في جوف بيته»(1).

«ای گروهی که به زبان ایمان آورده اید ولی این ایمان را به قلب خود نرسانده اید؛ به دنبال جستجوی عیبهای مؤمنان نباشید، چون هرکسی به دنبال جستجوی عیوب مؤمنان باشد خداوند به جستجوی عیب او خواهد پرداخت، و هرکسی که خداوند به جستجوی عیب او پردازد او را حتی اگر درون خانه اش باشد رسوا خواهد ساخت.»

15 - تجسس دولتها نسبت به کار رعایا و شهروندان آن کشور نیز همچون تجسس فرد امری حرام تلقی می شود، مگر اینکه مصلحت امت، دست یازیدن به چنین تجسسی را طلب کند، که در این صورت نیز می بایست این تجسس، بر پایه و حکم قضایی مبتنی بر احکام شریعت صورت پذیرد.

ص: 390

---

1- - بحار الأنوار، ص 214، ح 10 (باب تتبع عيوب الناس).



درآمد:

خواست دین باوران تشکیل جامعه ای تمدنی برای گرد آمدن بشریت می باشد، که راه رسیدن به این هدف پیوند دادن تک تک اعضای جامعه به یکدیگر است. و این پیوند نیز از رهگذر همپوشانی دو ساحت همبسته باهم که یکی از آن دو بر دیگری اشراف دارد امکان پذیر خواهد بود.

نخستین ساحت، ساحت ربّانی می باشد که بوسیله ارزشهای والای رسالت که خود متفرّع از ارزش ولایت الهی است سامان یافته است. و ولایت الهی خود در شبکه فرو دیش به ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و سپس ولایت مؤمنان نسبت به یکدیگر، منشعب می شود. اما ساحت دوم، ساحت انسانی می باشد که نخستین حلقه ساخت زنجیروار آن، نظام خانواده است. در واقع، نظام خانواده به عنوان سنگ بنای ساختاری این ساحت، رفته رفته و با گذر از حلقه های بزرگتر خاندان یا عشیره، شهر، قوم و ملت، گسترش یافته، و با کیان تمدنی بشریت پیوند می خورد، باید توجه داشت که ساحت ربّانی بر ساحت انسانی اشراف دارد.

قرآن کریم:

1 - (وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ) (1).

«و آنها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می دارند؛ و از پروردگارشان می ترسند؛ و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند؛...»

2 - (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا) (2).

«پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آنها (مؤمنان) محسوب می شوند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرر داشته اولی هستند، مگر اینکه بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید)؛ این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است.»

3 - (وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) (3).

ص: 392

1- - سورة رعد، آیه 21.

2- - سورة احزاب، آیه 6.

3- - سورة انفال، آیه 75.

«و کسانی که بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند، از شما هستند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته، (از دیگران) سزاوارترند؛ خداوند به همه چیز داناست.»

حدیث شریف:

1 - جهم بن حمید می گوید: به ابا عبدالله علیه السلام گفتم: خویشانی دارم بر غیر مذهب من، آیا ایشان بر من حقی دارند؟ (آن حضرت) فرمودند:

«نعم، حقّ الرحم لا یقطعہ شیء، و إذا كانوا علی أمرک کان لهم حقّان؛ حقّ الرحم وحقّ الإسلام»<sup>(1)</sup>.

«آری، هیچ چیز نمی تواند موجب قطع حقّ خویشی شود، حال آنکه اگر بر مذهب تو بودند دارای دو حقّ می شدند؛ حقّ خویشی و حقّ اسلام.»

2 - در حدیثی از امام صادق علیه السلام اینگونه نقل شده:

«إنّ رجلاً أتى النبیّ صلی الله علیه و آله فقال: یا رسول الله، إنّ لی أهلاً قد کنت أصلهم وهم یؤذونی، وقد أردت رفضهم، فقال له رسول الله صلی الله علیه و آله: إذن، یرفضکم الله جمیعاً. قال: وکیف أصنع؟ قال النبیّ: تعطي من حرّمک، وتصل من قطعک،

وتعفو عمّن ظلمک، فإذا فعلت ذلك کان الله عزّوجلّ لك علیهم ظهیراً»<sup>(2)</sup>.

«مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و گفت: ای رسول خدا! خانواده ای دارم که با وجود اینکه با آنها پیوند خوبی داشتم مرا آزار می دهند، اکنون می خواهم دست

ص: 393

1- اصول کافی، ج 2، ص 157، ح 30.

2- بحار الأنوار، ج 71، ص 100 و 101، ح 50، کتاب العشرة، باب صلة الرحم.

رد به سینه آنان بزنم، پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در اینصورت، خداوند نیز دست رد بر سینه همه شما خواهد زد. (مرد) گفت: (پس) چه بکنم؟

پیامبر پاسخ دادند: به هر کسی که تو را محروم ساخته بخشش کن، و با هر کسی که با تو قطع رابطه کرده دوباره پیوند برقرار کن، و بر هر کسی که به توستم روا داشته ببخشای، پس اگر این کار را انجام دهی خداوند متعال در برخورد با ایشان پشتیبان تو خواهد بود.»

رہیافت وحی:

چه بسا بتوان گفت بخش بزرگ آموزه های دینی به قصد سامان دهی به روابط میان مردم اختصاص یافته اند، و چهارچوبهای مدنی و یا فطری این روابط بسیاری از احکام الهی را به خود اختصاص داده اند، که این امر خود بر ارزش والای این روابط صحه می گذارد. و سامان دادن به این روابط، بر مبانی پایه هایی استوار، از جمله مصادیق این ارزش والا محسوب می شود.

از اینرو آیه 21 سوره رعد نیز یکی از ویژگیهای مؤمنان را بگونه ای مطلق، برقراری پیوندهایی می داند که خداوند به برقراری آنها امر کرده است، خواه این پیوند، (همچون ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام) پیوندی الهی باشد، خواه (همچون صله رحم و یا حتی همچون برقراری پیوند با مؤمنان و پیوند با همسایگان و همشهریان و همخونان) پیوندی بشری که شرع بدان امر کرده باشد.

در آیه ششم سوره احزاب، بنیادی ترین پیوندی که باید مؤمنان بدان دست یازند ولایت الهی تلقی شده است، پیوندی که راهبری مؤمنان است

ص: 394

آن رهبری که نسبت به ایشان از خودشان سزاوارتر است، و حقّ گزینش دمسازی جز آن را ندارند. پس از آن نوبت به صلّه رحم (برقراری پیوند خویشی) میان مؤمنان می رسد، که هر يك نسبت به آن از دیگری سزاوارتراند. در واقع ایشان وارثان یکدیگرند و برخی از ایشان پرداخت دیه را (در برخی موارد قضایی) بجای دیگری بر عهده می گیرند، همچنانکه برقرار ساختن پیوند همیاری میان یکدیگر در امور معاش و گذران زندگی نیز الزامی می باشد. اما در باب رابطه مؤمنان با خویشان غیر مؤمن خود باید گفت که: چنین رابطه هایی را نمی توان کاملاً گسست، بلکه جایز است مؤمنان به ایشان نیکی هم بکنند.

با این تفصیل می توان از مجموع این رهیافتهای احکام زیر را استنباط کرد:

احکام:

1 - همواره باید احکام شریعت را بر پیوندهای خویشی مقدم دانست.

به عنوان نمونه اگر یکی از خویشان بخاطر انجام گناهی سزاوار کیفر و مجازات شود، نمی توان میانجی گری کرد و از او در برابر حکم شرع پشتیبانی نمود.

2 - هر مسلمانی باید در درجه اول و مقدم بر هر پیوندی و پیش از انتساب به خانواده و یا خاندان و عشیره، خود را یکی از اعضای جامعه مؤمنان بداند، بنابراین سرزمین ایمان (دارالایمان) وطن مسلمانان و نخستین جایی است که هر مسلمان بدان منتسب است. از اینرو اگر عشیره ای در دو طرف مرز میان سرزمین کفر و اسلام، پراکنده شوند،

ص: 395

بطوریکه بخشی از اعضای عشیره در بخش اسلامی و بخش دیگر در سرزمین کفر به سربرند، باید به حداقل ارتباط بسنده کرد، مگر اینکه خویشان ساکن در سرزمین کفر همگی از آنجا به سوی سرزمین و دولت اسلامی کوچ کنند.

3 - جایز نیست، روابط خانوادگی و مناسبات خاندانی در سرزمین اسلامی به چالشهای امنیتی بدل شوند؛ بلکه می بایست در صورت در گرفتن جنگ میان دارالاسلام و دارالکفر مؤمنان برای دفاع از اسلام و دولت اسلامی در برابر پدران و فرزندان و خویشانی که در اردوی دشمن قرار دارند بایستند و با آنها به جنگ پردازند.

4 - با این وجود مؤمنان از کمک و یاری به خویشان خود در دارالکفر منع نشده اند. مثلاً اگر مناطقی از دارالکفر که خویشان ما در آنجا زندگی می کنند دچار زمین لرزه شود، ما می توانیم به ایشان یاری رسانده و کمکهای انسانی خود را برایشان ارسال کنیم.

5 - همچنین اگر خویشان یک فرد مؤمن بر مذهب او نبوندند، این امر نباید باعث قطع رابطه آنها شود. در واقع مؤمنان می بایست در هر حالتی در قبال خویشان خود هرچند با آنها در مذهب مختلف باشند، صلۀ رحم بجا آورند، چراکه در هر حال آنها با یکدیگر پیوند خویشی دارند.

6 - زمامداران جامعه ایمانی نیز باید در عملی ساختن دستورات سخت خود، از خود نرمی نشان دهند و با مخالفین خود قطع رابطه نکنند، به ویژه اگر این مخالفین از خویشان ایشان باشند و یا اینکه به مسائل ناآگاه باشند.

قرآن کریم:

1 - (فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ) (1).

«اگر (از این دستورها) روی گردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟!»

2 - (وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ) (2).

«آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می کنند، و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آنهاست؛ و بدی (و مجازات) سرای آخرت!..»

3 - (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ) (3).

«و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی

ص: 397

1- - سورة محمد صلى الله عليه وآله، آیه 22.

2- - سورة رعد، آیه 25.

3- - سورة بقره، آیه 83.

کنید؛ و به مردم نیک بگویید، و نماز را برپا دارید؛ و زکات بدهید. سپس (با اینکه پیمان بسته بودید) همه شما - جز عده کمی - سرپیچی کردید؛ و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید.»

4 - (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا) (1).

«ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید. همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید، و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید؛ و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید (و نیز) از (قطع رابطه با) خویشاوندان خود، بپرهیز کنید. زیرا خداوند، مراقب شماست.»

حدیث شریف:

1 - از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

«صلة الرحم تعمّر الديار، وتزید فی الأعمار، وإن كان أهلها غیر أخیار» (2).

«صلة رحم سرزمینها را آباد و بر عمرها می افزاید، هر چند صلة رحم کنندگان از برگزیدگان و اخیار نباشند.»

ص: 398

---

1- - سورة نساء، آیه 1.

2- - بحار الأنوار، ج 71، ص 94، در ذیل حدیث 21، کتاب العشرة، باب صلة الرحم.



)

إِيَّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَا يَسُدُّ تَغْيِي الرَّجُلِ - وَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ - عَنْ عَثْرَتِهِ، وَدَفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَالسِّتِّهِمْ، وَهُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ حَيْطَةً مِنْ وَرَائِهِ وَالْمُهْمُ لِسَعْتِهِ،

وَأَعْظَمُهُمْ عَلَيْهِ عِنْدَ نَازِلَةٍ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ. وَلِسَانُ الصِّدْقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرَ لَهُ مِنَ الْمَالِ يَرِيهِ غَيْرُهُ.

أَلَا لَا يَعْدِلَنَّ أَحَدُكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يَرَى بِهَا الْخَصَاصَةَ أَنْ يَسُدَّهَا بِالَّذِي لَا يَزِيدُهُ إِلَّا أَمْسَ كَهُ وَلَا يَنْقُصُهُ إِلَّا أَهْلَكَهُ، وَمَنْ يَنْقُصُ يَدَهُ عَنِ عَشِيْرِتِهِ، فَإِنَّمَا تَقْبِضُ مِنْهُ عَنْهُمْ يَدٌ وَاحِدَةٌ، وَتَقْبِضُ مِنْهُمْ عَنْهُ أَيْدٍ كَثِيرَةٌ؛ وَمَنْ تَلَّنَ حَاسِبِيَّتَهُ يَسْتَدِمُ مِنْ قَوْمِهِ الْمَوَدَّةَ» (1).

«ای مردم! هیچ کس از ارتباط با دودمان خود و از دفاع آنان با دست و زبانشان بی نیاز نیست، اگرچه ثروتمند باشد. دودمان آدمی بزرگترین حمایت کنندگان در دنبال او هستند. هیچ کسی چون دودمان آدمی پریشانی های او را مبدل به آسایش نمی کند. دودمان آدمی مهربانترین مردم در هنگام فرود آمدن حوادث سخت و ناگوار است. موقعی که خداوند برای يك انسان زبان راستین در میان مردم منعکس می کند، برای او بهتر از مالی است که دیگران از او ارث خواهند برد.

آگاه باشید! هیچ يك از شما نباید از خویشاوندان خود که در فقر و پریشانی به سر می برند، منصرف شود از این که فقر و پریشانی او را با چیزی مرتفع بسازد که اگر آن را نگهداری کند، نخواهد افزود و اگر انفاقش کند، نخواهد

ص: 399

کاست. کسی که دست کرامت خود را از دودمانش برمی دارد، يك دست او از آنان برداشته می شود و در مقابل دستهای فراوانی از او برداشته خواهد شد.

هرکه خوی نرم دارد، از محبت دائمی دودمانش برخوردار خواهد بود.»

3 - همچنین در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«صلة الرحم تزكّي الأعمال، وتُنمّي الأموال، وتدفع البلوى، وتيسّر الحساب،

وتُنسئ في الأجل» (1).

«صلة رحم اعمال را پاک می کند و اموال را افزایش می دهد و بلاها را دفع و حساب را آسان می سازد و فرارسیدن اجل را به تعویق می اندازد.»

4 - از امام صادق علیه السلام در این باره نقل شده که فرمودند:

«إنّ صلة الرحم والبرّ يهوّنان الحساب، ويعصمان من الذنوب، فصلوا أرحامكم، وبرّوا بإخوانكم، ولو بحسن السلام وردّ الجواب» (2).

«همانا صلة رحم و نیکی کردن، حساب (روز قیامت) را آسان می کنند و انسان را از گزند گناهان در امان می دارند، پس صلة رحم بجا آورید و به برادرانتان نیکی کنید، هرچند این نیکی شما، خوب سلام کردن و جواب سلام دادن (به برادرانتان) باشد.»

رہیافت وحی:

پیوندها به پیوندهای ولائی و پیوندهای خویشی تقسم می شوند، که

ص: 400

---

1- - بحار الأنوار، ج 71، ص 111، ح 71، باب صلة الرحم.

2- - همان، ص 131، ح 98.

ولایت ریشه در میثاق و پیمان دارد. چراکه هر انسان رهبران خود را با آگاهی کامل و اراده شخصی خود برمی‌گزیند، ولی از سوی دیگر، رابطه‌ی خویشی به منزله‌ی تقدیر الهی برای هرکس تلقی می‌شود. تقدیری که باید خود را به آن سپرد و از آن، به خوبی بهره‌جست.

از اینرو می‌توان انتساب هرکس را در این جهان به دوگونه‌ی ارادی و تقدیری دانست. در واقع این خود آدمی است که دین و مذهب و مشی سیاسی خود را انتخاب می‌کند ولی گزینش محلّ تولّد، پدر و مادر، عمو و دایی و خویشان دیگر در اختیار انسان نیست و آن را خداوند متعال مقدر می‌سازد.

از این رهگذر باید گفت: تمدّن نیرومند، آن تمدّنی است که بر دو پایه‌ی اراده و تقدیر بنا شده باشد. فرزندان چنین تمدّنی به پیمان الهی پایبند می‌مانند، و در صورت برگزیدن یک دین، تحت هیچ شرایطی از آن باز نمی‌گردند، همچنین از سوی دیگر به تقدیر الهی به دیده‌ی احترام می‌نگرند، و به خویشان خود احسان و با ایشان همیاری می‌کنند. امّا آنان که پیمان شکنی می‌کنند و پیوندهای خویشی را می‌گسلند، فرجامی جز تباهی که در قالب ظلم و ترس و وحشت و یا در قالب از هم گسیختگی و واپس ماندگی نمایان می‌شود، نخواهند داشت.

احکام:

1 - هرکسی باید رهبری شرعی خود را از رهگذر اندیشه و سنجش و تحقیق برگزیند، و پس از طیّ این مراحل به رهبری خود چنگ زند

ص: 401

و به عهد و پیمانی که با آن بسته پایبند بماند.

2- گاهی اعضای جامعه بشری از ولایت الهی جدا می شوند، ولی پیوندهای خویشی را در میان خود نمی گسلند، و از اینرو از رحمت الهی در دنیا برخوردار می شوند، ولی اگر خود را از این آخرین حلقه اتصال و ریسمان وحدت آفرین نیز بگسلانند، بی گمان به ژرفنای چاه تباهی سقوط خواهند کرد.

3- هرکسی می بایست از خانواده و خاندان خود به عنوان سنگری در برابر حوادث زمانه و چالشهای زندگی، بهره جوید و از این رهگذر خانواده و خاندان و عشیره به پایگاهی اجتماعی برای مصون ماندن از امواج مصایب و بلاهای روزگار بدل می شوند.

4- از آنجا که بستر هر خاندان کانون حکمت و کارشناسی در امر زندگی می باشد، ضروری است که در هر خاندان يك هیأت مشاور برای رفع مشکلات فرزندان آن خاندان و برای متمرکز ساختن اطلاعات کارشناسانه و جهت دهی به نیروها و بکارگیری تواناییها، تشکیل شود. بهتر آن است که اعضای این هیأت مشورتی از سوی فرزندان خاندان انتخاب شوند، و افرادی با ظرفیتهای و تواناییهای گوناگون در آن فراهم آیند.

5- در امر استحکام پیوندهای خویشی، بسنده کردن به دید و بازدید و همیاری کفایت نمی کند، چون، امروزه ما بیش از هر وقت دیگر نیازمند استحکام بخشیدن به پیوندهای خویشی هستیم. بنابراین باید سخن از ارزش صله ی رحم مبتنی بر دین را به زبان عصر برگردانیم و به جستجوی مصادیق گوناگونی که این ارزش والا را پدیدار و عملی می سازند،

بپردازیم، تا پیوندهای خویشیمان به پایگاههایی برای دستیابی به رفاه و پیشرفت مدنی تبدیل شوند. این امر از رهگذر روشهای زیر امکان پذیر خواهد بود:

الف - تبدیل پیوندهای خویشی به يك نیروی اقتصادی از رهگذر سامان دادن به شرکتهای اقتصادی ویژه برای فرزندان خاندان و افزایش فرصتهای همیاری میان ایشان.

ب - تأسیس صندوقهای قرض الحسنه ویژه اعضای خاندان.

ج - تأسیس يك صندوق کمکهای خیریه (برای یاری رساندن به فرزندان خاندان در اموری چون ازدواج، مسکن، فراهم آمدن فرصتهای شغلی و مانند اینها).

د - تأسیس يك صندوق تعاون جهت توسعه ظرفیتهای علمی، از رهگذر اهتمام به تربیت کادرهای علمی و تهیه وسایل تحصیلات عالی برای فرزندان با استعداد و توانای خاندان.

با پایبندی بدین مؤلفه ها است که پیوندهای خویشی به پایگاههایی برای دستیابی به رفاه و پیشرفت مدنی تبدیل می شوند.



### درآمد:

قیوم حقیقی تنها خداوند است (یعنی تنها خداست که نیازمند چیزی نیست و قائم به ذات است، و تمام چیزها قائم به اویند و از او بی نیاز نیستند). و ولایت حقیقی از آن اوست. اما قیومیتهای و سرپرستیهای دیگر چیزی است که از سوی خداوند به طور تکوینی به انسان اعطا شده و یا طبق احکام شریعت به او واگذار شده است. بنابراین قیومیّت مرد نسبت به خانواده، و ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله در میان امت و سرپرستی عادلانه مؤمنان نسبت به یکدیگر، و اختیار داری مردم نسبت به دارائیهایشان همه و همه در چهارچوب ولایت خداوند حیّ قیوم تعریف شده اند.

### سرپرستی خانواده

قرآن کریم:

1 - (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ

ص: 405

فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا(1).

«مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر اتفاقی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان صالح، زانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ و (اگر مؤثر واقع نشده؛) در بستر از آنها دوری نمایید؛ (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید؛ و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید (بدانید) خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست).»

2 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُدُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا(2).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها)، ارث ببرید. و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده اید (از مهر)، تملک کنید؛ مگر اینکه آنها عمل

ص: 406

1- - سورة نساء، آیه 34.

2- - سورة نساء، آیه 19.



زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید. و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید؛) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد.»

3 - (وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِعَوْلَتِهِنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ \* الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئاً إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ(1).

«زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند (- عده نگه دارند)؛ و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سر گرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند؛ در صورتیکه (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای زنان؛ همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند. و خداوند توانا و حکیم است. \* طلاق، (طلاق) که رجوع و بازگشت دارد، دو مرتبه است؛ (و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)،

ص: 407

یا با نیکی او را رها سازد (واز او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده اید، پس بگیرید؛ مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیة و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است، از آن، تجاوز نکنید. و هرکس از آن تجاوز کند، ستمگر است.»

4 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند (بطور کامل) اجرا می نمایند.»

5 - (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَانَسَأَلَكَ رِزْقًا تَحْنُ تَرْزُقَكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى) (2).

«خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش؛ از توروزی نمی خواهیم؛ (بلکه) ما به توروزی می دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست.»

6 - (... وَلَا تُسِيءُ كُوهُنَّ ذِي رَأٍ لِيَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنَ الْكِتَابِ

ص: 408

1- - سورة تحريم، آيه 6.

2- - سورة طه، آيه 132.

وَالْحِكْمَةَ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (1).

(... و هیچ گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آنها را نگاه ندارید.

وکسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. (و با این اعمال، و سوء استفاده از قوانین الهی،) آیات خدا را به استهزا نگیرید. و به یاد بیاورید نعمت خدا را بر خود، و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می دهد. و از خدا بپرهیزید، و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است (و از تیات کسانی که از قوانین او، سوء استفاده می کنند، با خبر است.)

7 - (... وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَارَّ عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتِمُّوا بِئِنَّكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتُرْضِعْ لَهُ أُخْرَى) (2).

(و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترك منزل شوند)؛ و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند؛ و اگر برای شما (فرزند را) شیر می دهند، پاداش آنها را بپردازید؛ و (درباره فرزندان، کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری شیر دادن آن بچه را بر عهده می گیرد.)

ص: 409

1- - سورة بقره، آیه 231.

2- - سورة طلاق، آیه 6.

روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه ای رویه مردم کرده و فرمودند:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ النِّسَاءَ عِنْدَكُمْ عَوَارٍ لَا يَمْلِكْنَ لِأَنْفُسِهِنَّ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا.

أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ، وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ، فَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقٌّ،

وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ حَقٌّ، وَمَنْ حَقَّقَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَلَّا يُوطِنُوا فَرْشَكُمْ، وَلَا يَعَصِيَنَّكُمْ فِي مَعْرُوفٍ، فَإِذَا فَعَلْنَ ذَلِكَ فَلَهُنَّ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَا تَضْرِبُوهُنَّ» (1).

«ای مردم! زنان در نزد شما امانتند و مستقلاً برای خود سود و زینتی ندارند (اختیار آنها در دست شماست)، شما آنها را به امانت از خدا گرفته اید، و فرج ایشان را با کلمات خدا بر خود حلال کرده اید، پس ایشان حقی بر شما دارند و شما نیز حقی برایشان دارید، از حقوق شما برایشان این است که به شما خیانت نکنند و از شما در امور جایز و مطابق عرف اطاعت کنند، پس اگر این کار را انجام دادند باید خوراک و پوشاک ایشان را به نیکی فراهم کنید، و نباید ایشان را بزیند.»

2 - کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: مرد نسبت به فرزندش سزاوارتر است یا زن؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند:

«لا، بل الرجل، فَإِنَّ قَالَتِ الْمَرْأَةُ لِرَوْحِهَا الَّذِي طَلَّقَهَا؛ أَنَا أَرْضِعُ ابْنِي بِمِثْلِ مَا تَجِدُ مِنْ تَرْضِعِهِ، فَهِيَ أَحَقُّ بِهِ» (2).

«مرد نسبت به فرزند سزاوارتر از زن است، ولی اگر زن مطلقه ای به

ص: 410

1- بحار الأنوار، ج 100، ص 245، ح 22، كتاب العقود والایقاعات، باب احوال الرجال والنساء.

2- وسائل الشیعه، ج 15، كتاب النکاح، أحكام الأولاد، باب 81، ص 191، ح 3 (20 جلدی) و همان، ج 21، ص 471، (29 جلدی).

همسر سابقش بگوید: بجای اینکه فرزند را به کسی دهی تا شیرش دهد، خود او را با همان هزینه شیر می دهی، (در این صورت) زن نسبت به فرزند سزاوارتر است.»

3- از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«ملعون ملعون من ضیع من یعول»<sup>(1)</sup>.

«نفرین شده است، نفرین شده است کسی که عیال و کسانی که تحت سرپرستی دارد را تباه سازد.»

4- از امام صادق علیه السلام در باب حقّ زن بر شوهر پرسیده شد، و آن حضرت در پاسخ فرمودند:

«یشبع بطنها، ویکسو جثمانها، وإن جهلت غفر لها»<sup>(2)</sup>.

«اینکه شکمش را سیر کند و بر بدنش لباس بپوشاند و نادانیهای او را ببخشد.»

رهیافت وحی:

هر جامعه نیازمند سازمان دهی و نظم، و هر سازمان دهی نیازمند ارزشهای استحکام بخش می باشد، ارزشهایی که از تعدی و دست اندازی نظم بکاهند. در واقع این سازمان دهی در آغاز از نظام خانواده، بویژه در

ص: 411

---

1- - وسائل الشیعه، ج 14، (20 جلدی) أبواب مقدمات النکاح، ص 122، ح 6، باب 88، و همان، ج 21، ص 543، (29 جلدی).

2- - همان، ج 15، (20 جلدی) أبواب النفقات، باب 1، ص 223، ح 3 و همان، ج 21، ص 510، (29 جلدی).

روابط میان همسری نمود می یابد. اکنون پرسش اینجاست که زمام امور خانواده باید در دست چه کسی باشد؟

بی زمامداری یعنی هرج و مرج، و اسلام این حالت را بر نمی تابد، همچنانکه طبیعت نیز این امر را نمی پذیرد. در واقع خداوند مردان را بر سرشت ریاست طلبی و زنان را بر سرشت هم آوایی و اطاعت آفریده است، همین امر باعث شده تا مردان از این سرشت خود سوء استفاده کرده و گه گاه به حقوق زنان دست درازی کنند. به همین خاطر است که خداوند برای محدود ساختن اینگونه تجاوزات، و ارائه ای تعریفی روشن برای زمامداری امور زنان توسط مردان، پیامهایی از آسمان فرفرستاده است. در واقع واگذاری سرپرستی خانواده به مردان از سوی اسلام، چیزی جز باز نمود فرایند فطری حاکم بر روابط خانواده نمی باشد و مراد از آن در انداختن طرحی نو نبوده، بلکه اسلام با اقرار این امر قصد سامان دهی به امر زمامداری و ارائه ی تعریف مناسبی از آن را داشته تا از تجاوز مردان به حقوق همسرانشان جلوگیری به عمل آورد.

احکام:

1 - دین اسلام زمامداری امور خانواده را به مردان محول کرده و ایشان را به عنوان همسر و پدر موظف به دادن نفقه به همسر و فرزندان کرده است.

2 - در مقابل نیز اسلام زنان را به اطاعت از همسر و نگهداری از اسرار و ناموس وی در غیابش، موظف ساخته است. از اینرو زن شایسته آن

ص: 412

است که هرچه بیشتر از خدا و همسرش اطاعت کرده، و از فرج خود که تنها به همسرش تعلق دارد هرچه بیشتر محافظت کند.

## مرزهای سرپرستی

3- از ولایت مردان بر زنان در سه سطح متفاوت می توان سخن گفت:

الف - حقّ مرد در بهر مندی جنسی: در این صورت اگر زن از این حقّ مرد سر باززند، مرد می تواند در مرحله اول با پند و گفتگو به حقوق خود دست یابد، اگر اثر نکرد در مرحله بعد می تواند از زن در بستر دوری جوید تا احساس تنهایی را بر زن مستولی سازد، و اگر باز زن سر باززد مرد می تواند با چوب مسواک زن را بزند. در واقع دست زدن به چنین کارهایی باید با هدف ابراز نارضایتی و خشم مرد نسبت به عملکرد نامتناسب زن با توجه به روابط میان همسری و نه از روی انتقامجویی و آزار و اذیت، باشد. در هر حال اگر طی تمام این مراحل هم اثر نکرد در آن صورت باید کار را به قضاوت و داوری واگذار نماید.

ب - ولایت مرد در پیاده کردن احکام الهی. احکام خداوند به دو بخش تقسیم می شود:

نخست: آنچه با زندگی زناشویی پیوندی خورد، مانند احکام طهارت و پاکیزگی و دوری از غذای حرام و مضرّ و غسل کردن از حیض و یا جنابت، که گردن نهادن زن به اینگونه احکام معاشرت همسر مؤمن را با وی بسیار دشوار می سازد و همچنین بر تربیت فرزندان به عنوان میوه های زندگی زناشویی اثر منفی می گذارد.

ص: 413

از اینرو اگر زنی - مثلاً - به دیدن فیلمهای جنسی در حضور فرزندان خود خوبگیرد بطوریکه این عمل او بر اخلاق و رفتار ایشان تأثیر منفی بگذارد، مرد می تواند زن را از این کار منع کرده و حدود و احکام الهی را به عنوان سرپرست خانه در محیط خانه جاری سازد.

دوم: احکامی که با زندگی زناشویی پیوندی مستقیم ندارد؛ مانند نماز نخواندن، بجانیاوردن حج، عادت به غیبت و تهمت و اهمال در پرداخت خمس و زکات و دیگر حقوق شرعی و مانند اینها توسط زن.

در این جا نیز به نظر می رسد مرد می بایست در حدّ توان از نفوذ و چیرگی خود در اقامه حدود الهی و اجرای احکام خداوند استفاده کند.

از آنجا که حکمت و دوراندیشی و همچنین سخت کوشی مردان بیش از زنان است و ایشان به عنوان تأمین کننده نیازهای خانواده تلقی می شوند، باید از دوراندیشی، سخت کوشی و اموال خود با هر وسیله و روش مجاز و ممکن در راه به کار بستن احکام شریعت در فضای خانه و خانواده، بهره جویند. به عنوان مثال مرد می تواند ایجاد رفاه بیشتر در خانواده را به التزام بیشتر افراد خانواده نسبت به احکام شرعی مشروط کند و مثلاً بگوید: اگر نمازهای خود را به موقع بجا آورید، به يك مسافرت خواهیم رفت، و گرنه نمی رویم. و یا مثلاً می تواند در پی سرزدن گناهی از ایشان مدّتی را از ایشان دوری کند، و مانند اینها.

ج - مدیریّت امور خانواده: مرد می بایست آنگونه که خود صلاح می داند خانه را اداره کند، زن نیز اگر تمام و کمال به حقوقش رسیده باشد



باید از شوهر اطاعت کند. و علیرغم اینکه شریعت (در آیه رضاع) مردان را به مشورت و رایزنی با همسرانشان تشویق کرده است، ولی تصمیم نهایی بدست مرد است.

در اینجا به اموری اشاره می رود که به نظر می رسد مرد می بایست در آنها نقش يك قیّم و سرپرست را ایفا کند:

نخست: سلامتی و تندرستی همسر و فرزندان و آنچه بدان مرتبط است. از اینرو اگر زنی برای این امر اهمّیتی قائل نبود، مرد به عنوان سرپرست و بعنوان اینکه در يك زندگی مشترك با همسر خود به سر می برد، زن را به اهمّیت دادن به سلامتی خود و فرزندان وادارد، بویژه اگر این اهمال کاری بر زندگی زناشویی حال و یا آینده ایشان اثری منفی بگذارد.

دوم: تربیت فرزندان و حفاظت از ایشان در برابر پیامدها و تأثیرات بیماری و ضعف، و همچنین اهتمام به رشد و آموزش ایشان ومانند اینها.

از اینرو اگر زن و شوهری در این امور با یکدیگر اختلاف نظر پیدا کردند، نظر آخر از آن مرد است، چون او قیّم شرعی خانواده محسوب می شود.

سوم: مسکن گزینی و امور مرتبط بدان از جمله؛ چگونگی مجهّز ساختن خانه به وسایل زندگی و در چگونگی پرداخت نفقه، چون اوست که باید نفقه پردازد و هموست که باید آنگونه که به صلاح خانواده می بیند عمل کند. البته، در صورتی که چگونگی و روش پرداخت نفقه موجب زیان دیدن همسر شود و برای او ناخوشایند باشد، زن می تواند این مسئله

## مسئولیت قانونی

4 - چون مرد سرپرست خانواده محسوب می شود، پس باید مسئولیت نگهداری و حفظ خانواده را به عهده گیرد، و همچنین نباید در حلّ و فصل امور خانواده سهل انگاری کند بگونه ای که موجب زیان دیدن خانواده شود. بنابراین کوتاهی در اداره ی خانه از سوی سرپرست خانه جایز نمی باشد، و اگر کوتاهی کند شرعاً مسؤول خواهد بود و پیامدهای کوتاهی خود را می بایست خود به گردن گیرد؛ به عنوان نمونه اگر مردی همسرش را در خانه ی ناامنی اسکان دهد، و پس از چندی آن خانه ویران شود و یا مورد سرقت و تجاوز قرار گیرد بگونه ای که موجب زیان دیدن زن شود، تمام مسئولیت این زیانها در صورت فراهم آمدن تمام شرایط مسئولیت (بسته به تشخیص قضاء) متوجه شوهر خواهد بود. همچنین کوتاهی کردن در درمان همسر و یا کوتاهی کردن در پرداخت هزینه هایی که برای ایمن ساختن اعضای خانواده در برابر خطرات الزامی به نظر می رسند اگر آگاهانه و با وجود توانایی بر آن از سوی مرد خانه مورد تغافل قرار گیرند نیز ملحق به حکم پیشین می باشند.

5 - سرپرستی و قیمومت مرد بی حدّ و مرز نیست، بلکه این قیمومت توسط مجموعه ای از احکام شرعی که به روابط زناشویی و سایر ساحت‌های حیات بشری باز می گردند، محدود می شود، که جملگی باید از سوی شوهران رعایت شوند. به عنوان نمونه:

- بجای آوردن فریضه حج از جمله احکام شرعی محسوب می شود، از اینرو مردان نمی توانند زنان خود را از انجام آن و یا انجام سایر واجبات شرعی منع کنند.

- یکی دیگر از حدود الهی صله رحم است، در این مورد نیز مردان نمی توانند زنان خود را از آن منع کنند، مگر اینکه پای مصلحتی مهمتر از آن که شرع نیز آشکارا بدان تصریح کرده باشد، در میان باشد.

- برقرار کردن روابط نیکو در عرصه زندگی زناشویی، یکی از برجسته ترین حدود الهی در این باب است، که بیشتر تابع زمان و مکان و سطح معیشتی افراد و وضعیّت ویژه هر یک از زوجین می باشد.

ص: 417



فرزندان زینت زندگی این جهان بوده، و باقیات صالحات (کارهای شایسته به میراث گذاشته شده) هرکسی است که از ارزشی بنیادین برخوردار می باشد. از اینرو هرکسی به این زینت دنیایی که از سوی خدا اعطا شده دست یابد نباید فریفته آن شود و بدان مغرور و سرکش شود.

بلکه می بایست مسؤولیت تربیت و تأمین ما یحتاج آن را بر گردن گیرد، تا در روزی که مال و فرزندان به کار آدمی نمی آیند، آن زینت، به عنوان باقیات صالحات وی برایش کارساز شود. اما کسی که فرزندان خود را به ابزاری برای مباحات و کفرورزی بدل کند، به وسیله آنها گمراه شده است و فرزندانش هیچ نفعی به او نخواهند رسانید.

خداوند فرزندان را به آدمیان بخشیده، و محبت ایشان را برای انسانها آراسته، و در فرزندان سودی برای والدین قرار داده، و همچنین از کشتن فرزندان نهی کرده، و مشرکانی که مرتکب چنین جنایتی شدند را افرادی پست قلمداد کرده، و از سوی دیگر انسانها را از زیاده روی در فرزند دوستی به جای گرایش به ایمان بر حذر داشته است، همچنین خداوند

یادآور این نکته می شود که فرزندان بوتۀ آزمایش انسانها نیستند و چه بسا برخی از آنها دشمن آدمی باشند و یاد آور می شود که فرزندان به اندازه ی سرسوزنی، انسانها را از خدا بی نیاز نمی سازند. همچنین خداوند انسانها را از مشارکت شیطان در انعقاد نطفه ی فرزندان بیم می دهد، و بیان می دارد که اگر فرزندان کارهای ناشایست انجام بدهند دیگر از اهل خانواده خود محسوب نمی شوند.

## 1 - ازدواج و ازدیاد نسل

قرآن کریم:

1 - (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (1).

«مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد. خداوند گشایش دهنده و آگاه است.»

2 - (وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِمَرْأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) (2).

ص: 420

---

1- - سورة نور، آیه 32.

2- - سورة يوسف، آیه 21.

«و آن کس که او را از سرزمین مصر خرید (اعزیز مصر)، به همسرش گفت: "مقام وی را گرامی دار، شاید برای ما سودمند باشد؛ و یا او را بعنوان فرزند انتخاب کنیم." و اینچنین یوسف را در آن سرزمین متمکن ساختیم. (ما این کار را کردیم، تا او را بزرگ داریم؛ و) از علم تعبیر خواب به او بیاموزیم؛ خداوند بر کار خود پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

3 - (وَقَالَتِ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ) (1).

«همسر فرعون (چون دید آنها قصد کشتن کودک را دارند) گفت: "نور چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را بعنوان پسر خود برگزینیم:" و آنها نمی فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش خویش می پروراند!).»

4 - (ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا) (2).

«سپس شما را بر آنها چیره می کنیم؛ و شما را به وسیله داراییها و فرزندان کمک خواهیم کرد؛ و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می دهیم.»

5 - (وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ \* أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَيْنَ) (3).

«و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمتهایی که می دانید امداد

ص: 421

1- - سورة قصص، آیه 9.

2- - سورة اسراء، آیه 6.

3- - سورة شعراء، آیات 132 و 133.

کرده؛ \* شما را به چهارپایان و نیز پسران (لایق و برومند) امداد فرمود.»

حدیث شریف:

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ عَلَى فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بَسُنَّتِي، وَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي النِّكَاحَ» (1).

«هرکسی که دوست دارد بر سرشت و فطرت من باشد، پس باید به سنت من عمل کند و از جمله سنت من ازدواج است.»

2 - همچنین آن حضرت فرموده اند:

«تَنَاحُوا تَكَاتَرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ» (2).

«ازدواج کنید و فرزندان فراوان بیاورید، چون، من به شما و حتی به جنینهای سقط شده شما بر دیگر امتهای در روز قیامت مباحات می کنم.»

3 - امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«مِيرَاثُ اللَّهِ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ» (3).

«میراث خدا از بنده مؤمن، فرزند صالحی است که برای وی آمرزش بخواهد.»

4 - همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

ص: 422

---

1- - بحار الأنوار، ج 100، ص 222، ح 36، کتاب العقود والإيقاعات، باب كراهة العزوبة. و الكافي، ج 5، ص 496، باب كراهية الرهبانية.

2- - همان، ص 220، ح 24.

3- - همان، ج 101، ص 90، ح 2، باب فضل الأولاد.



«ما يمنع المؤمن أن يتخذ أهلاً، لعل الله يرزقه نسمة تثقل الأرض بلا إله إلا الله»(1).

«چه چیز مؤمن را از تشکیل خانواده باز می‌دارد، در حالیکه چه بسا خداوند فرزندان روزی او سازد که در زمین کلمه لا إله إلا الله را برپا دارند.»

رهیافت وحی:

فرزندان زینت و کشتزار زندگی اند، و همچنین میراث بندگان مؤمن اند برای خداوند متعال. دین، مؤمنان را به امر ازدواج و فراوانی فرزند فرا خوانده و تشویق می‌کند، و بر محور این تشویق احکام و قوانین بسیاری را سامان داده که بین تفریط رهبانیت که به دوری جستن از این زینت فرامی‌خواند، و افراط دنیاپرستان در ترك آخرت به خاطر این زینت، راهی میانه را برگزیده است.

از آیات الهی درمی‌یابیم که فرزند آوری خواستی والا محسوب می‌شود، چون فرزندان نور چشم خانواده اند، و فراوانی آنها سرفرازی هر جامعه ای را در پی دارد. چراکه همین فرزندان سربازان و مدافعان آن جامعه را تشکیل می‌دهند (و چه بسا به عنوان ثروت اقتصادی يك جامعه نیز تلقی شوند).

احکام:

1 - باید مردم را در يك جامعه ای اسلامی به امر ازدواج تشویق کرد

ص: 423

---

1- - وسائل الشیعه، ج 14، أبواب مقدمات النکاح، باب 1، ص 3، ح 2 (20 جلدی) و همان، ج 20، ص 14، (29 جلدی).

ووسایل ازدواج جوانان را فراهم آورد، چون، آموزه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر استحباب مؤکد ازدواج زنان و مردان بی همسر دلالت

می کنند. برخی از وسایل فراهم آمدن ازدواج دختران و پسران عبارت انداز:

الف - آسان کردن شرایط ازدواج از جمله بسنده کردن به يك زندگی ساده و کاستن از مهریه ها و کم کردن مخارج مراسم ازدواج.

ب - فراهم آوردن مسکن مناسب و ارزان قیمت برای تمام فرزندان جامعه.

2 - خانواده ها باید برای فرزنددار شدن تلاش کنند، و اگر این امر میسر نشد می بایست از راه فرزند خواندگی به این امر اقدام کنند، چون، فرزند نور چشم خانواده است و خانواده بی فرزند به درختی بی ثمر می ماند.

3 - در جامعه اسلامی باید مردم را به فرزند آوری ترغیب کرد، تا همواره از جامعه ای جوان و مقتدر و نفوذناپذیر و برخوردار از نیروی انسانی قوی برای حفظ موجودیت خود بهره جوییم. تا جامعه نیرومندان به رویارویی با خطرات تهدید کننده آن پردازد.

4 - اگر در جامعه اسلامی با کمبود نیروی کار مواجه شویم، چاره ای جز این نداریم که مردم را به فزونی فرزند فراخوانیم، تا جامعه ی ما به جامعه ای پویا و لبریز از نشاط و برخوردار از نیروی کار مولد، تبدیل شود.

5 - اگر برنامه توسعه روشنی پیش روی خود قرار داده باشیم نمی بایست از ازدیاد جمعیت هراسی به دل راه دهیم، چون، می توان در برنامه کلی از فرزندان (چه پسر و چه دختر) برای پیشبرد اهداف امت، و توسعه زندگی و بنای تمدنمان به بهترین وجهی بهره جست.

قرآن کریم:

1 - (قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ(1).

«بگو: "بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید؛ و فرزندانان را از (ترس) فقر، نکشید؛ ما شما و آنها را روزی می دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان؛ و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید، مگر بحق (و از روی استحقاق). این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید"»

2 - (وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئاً كَبِيراً(2).

«و فرزندانان را از ترس فقر، نکشید؛ ما آنها و شما را روزی می دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است!..»

3 - (قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً

ص: 425

1- - سورة انعام، آیه 151.

2- - سورة اسراء، آیه 31.

عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ(1).

«بییقین آنها که فرزندان خود را از روی جهل و نادانی کشتند، گرفتار خسران شدند؛ (زیرا) آنچه را خدا به آنها روزی داده بود، بر خود تحریم کردند، و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند، و (هرگز) هدایت نیافته بودند.»

4 - (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)(2).

«ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترابی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است.»

رہیافت وحی:

می بایست بر خورداری از نعمت فرزند را با سپاسگزاری از خداوند متعال پذیرا شد، و مسؤولیت حفظ و نگهداری فرزند را به گردن گرفت. از اینرو

ص: 426

1- - سورة انعام، آیه 140.

2- - سورة ممتحنه، آیه 12.

یکی از برجسته ترین گناهان کبیره آن است که کسی فرزندان خود را بکشد. در واقع اسلام مردم را از زنده بگور کردن دختران و کشتن فرزندان از بیم گرفتار آمدن در فقر و تهیدیستی بازداشته است.

احکام:

1 - کشتن فرزندان مؤکداً حرام است، خواه این قتل همچون عادتی که مشرکان در دوره جاهلیت کهن داشتند بازنده بگور کردن فرزندان پس از تولد صورت پذیرد، خواه همچون روشی که در دوره جاهلیت نوین اتخاذ شده، با سقط جنین انجام گیرد.

2 - از آیات الهی می توان وجوب حفظ و نگهداری فرزندان توسط والدین را به اعتبار آسیب پذیری کودکان در برابر عوامل منجر به مرگ شامل بیماری، سوختن، غرق شدن و یا طعمه ای حیوانات درنده شدن، استفاده کرد. بنابراین فرزندان امانتهای الهی ای هستند بر گردن پدر و مادر، و هر کوتاهی ای در حفظ این امانتهای الهی به منزله ی مشارکت در قتل ایشان محسوب می شود.

ص: 427

قرآن کریم:

1 - الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً (1).

«مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات صالحات (ا کارهای ماندگار شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است.»

2 - (زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبِ (2)).

«محبّت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است؛ و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست.»

3 - (اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي

ص: 428

1- - سورة كهف، آیه 46.

2- - سورة آل عمران، آیه 14.

الْآخِرَةَ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ(1).

«بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افرون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می برد، سپس خشک می شود بگونه ای که آن را زرد رنگ می بینی؛ سپس تبدیل به کاه می شود و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی، و (به هر حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.»

4 - (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدْسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَوَلَدٌ وَلَدٌ وَوَرِثَةُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ التُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ الشُّدْسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا)(2).

«خداوند درباره فرزندانتان به شما سفارش می کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دوسوم میراث از آن آنهاست؛ و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث)، از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد، و اگر فرزندی نداشته باشد؛

ص: 429

1- - سورة حديد، آية 20.

2- - سورة نساء، آية 11.

و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او يك سوم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش يك ششم می برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها)، بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است - شما نمی دانید پدران و مادران و فرزندان، کدام يك برای شما سودمندترند - این فریضه الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است.»

5 - (وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَدَّ مِدَّةَ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبَالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ) (1).

«خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می آورند، و نعمت خدا را انکار می کنند؟»

حدیث شریف:

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«الولد الصالح ريحانة من رياض الجنة» (2).

«فرزند صالح گیاه خوشبویی است از گیاهان خوشبوی بهشت.»

2 - امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«البنات حسنات، والبنون نعمة، فالحسنات يثاب عليها، والنعم يسأل»

ص: 430

1- - سورة نحل، آیه 72.

2- - بحار الأنوار، ج 101، ص 90، ح 1، كتاب العقود والإيقاعات، باب فضل الأولاد.



عنها»(1).

«دختران حسنه و پسران نعمت هستند، پس در ازای حسنات پاداش داده و از نعمتها پرسش می شود.»

3 - همچنین فرموده اند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لِيُرْحَمَ الرَّجُلَ لَشِدَّةِ حَبَّةِ لَوْلَدِهِ»(2).

«همانا خداوند عزوجل مرد را در ازای شدت محبتی که به فرزندش دارد مورد رحمت قرار می دهد.»

4 - همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است که فرمودند:

«أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُم، فَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمَ فَفُوا لَهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يَرُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ»(3).

«کودکان را دوست بدارید و به ایشان مهربانی کنید، و اگر وعده ای به آنان دادید به آن وفا کنید، چون، ایشان تنها شما را روزی دهنده ی خود می بینند.»

5 - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«قال موسى بن عمران: يا ربّ أي الأعمال أفضل عندك؟ فقال: حبّ

ص: 431

---

1- بحار الأنوار، ج 101، ص 90، ح 3.

2- همان، ص 91، ح 9.

3- همان، ص 92، ح 14.

الأطفال، فإني فطرتهم على توحيدى، فإن أمتهم أدخلتهم برحمتي جنتي»(1).

«موسى بن عمران عرضه داشت: پروردگارا! کدام کارها نزد تو برتر است؟ آنگاه (خداوند) فرمود: دوستی کودکان، چون، ایشان را بر توحيد خود خلق نموده ام، و اگر جان آنها را بگیرم از روی رحمت داخل بهشتشان خواهم کرد.»

رهيافت وحى:

به دليل اينکه فرزندان زينت زندگى هستند، مى بايست از آنها به بهترين نحوى ممکن بهره مند شد، و هيچ چيزى از جمله اندیشه هاى منفي بافانه اى که مشرکان را از بيم فقر به کشتن فرزندانشان وامى داشت و يا به هنگام دختردار شدن چهره هايشان را از خشم سياه مى کرد، نبايد مانع اين بهره مندى شود. در واقع فرزندان چه پسر و چه دختر زينتند و نبايد چيزى ما را از انس گرفتن با آنها مانع شود مگر اينکه خداى ناخواسته آنان موجب فريفتگى و آزمائش ما شوند.

احکام:

1 - ما مسلمانان بايد از متلاشى شدن نظام خانواده برحذر باشيم و هرچه بيشتتر به نقش خانواده در تربيت عقلاى و عاطفى کودکان اهتمام

ص: 432

---

1- - بحار الأنوار، ج 101، ص 97، ح 57.

ورزیم. در همین راستا باید گفت که مهمترین قاعده ثابت نظام خانواده، دوست داشتن فرزندان می باشد، و اینکه ایشان را زینت و گلهای زندگی محسوب کنیم.

2 - والدین باید به فرزندان خود خدمت کنند، چون، این کار آینده پدر و مادر را تضمین می کند، چرا که خدمت به فرزندان به منزله ی وامی است که از والدین خود در دوران کودکی می گیرند و به هنگام نیاز پدر و مادر به ایشان باز می گردانند.

3 - باید نقش فرزندان را در زندگی خانوادگی و در محیط خانواده نهادینه کنیم، تا بتوانند چونان سدّی محکم در برابر چالشهای زندگی تاب آورند. تلاش برای همانند سازی رفتار والدین و فرزندان از مصادیق این مفهوم به حساب می آید.

4 - فرزند داری مسؤلیتی خطیر است، که باید با توکل بر خدا و با اطمینان و امید این مسؤلیت سنگین را متقبل شد. این مسؤلیت در سه جهت نمود می یابد: مسؤلیت بدن، مسؤلیت خرد، مسؤلیت دل.

### **الف - مسؤلیت بدن:**

1 - پدران می بایست خوراک و پوشاک و مسکن و دارو و دیگر وسایل محافظت و نگهداری از فرزندان را برای ایشان فراهم آورند و به رشد بدن ایشان اهتمام ورزند.

2 - در سطح امت نیز هر نسل می بایست برای رفاه حال نسلهای آینده برنامه ریزی کند. بنابراین نمی توان منابع زیر زمینی محدودی مانند نفت و یا همچون جنگلهای طبیعی و ثروتهای گوناگون موجود در آنها شامل

گیاهان و حیات وحش را متعلق به يك نسل دانست، از اینرو زیاده روی و اسراف در استفاده از منابع عمومی بدون اینکه به آیندگان بیندیشیم، جایز نیست.

## ب - مسؤولیت عقل:

نخست: پدران باید مسائل سودمند در دین فرزندان و مسائلی را که فرزندان در آینده برای پیدا کردن راهشان در زندگی بدانها نیازمندند برایشان بیاموزند.

دوم: باید پدران محوریت آموزش خود، به فرزندان را آموزشهای عقیدتی، اخلاق، احکام و آداب اجتماعی قرار دهند.

احادیث شریف مصادیقی تفصیلی در امر تربیت بدست می دهند، که ما را به موارد آموزشی ضروری برای فرزندان رهنمون می سازند.

حال به برخی از این احادیث توجه کنید:

1 - امام صادق علیه السلام مراحل تربیت فرزندان را اینگونه بیان کرده اند:

«دع ابنك يلعب سبع سنين، ويؤدّب سبعاً، وألزمه نفسك سبع سنين، فإن أفلح، وإلا فإنه لا خير فيه» (1).

«بگذار فرزندت هفت سال بازی کند، و هفت سال آداب را بیاموزد، و هفت سال دیگر او را (، در مسائل زندگی) با خود همراه کن، پس اگر رستگار شد (که خوب)، و گرنه در آن فرزند خیری نیست.»

ص: 434

2 - فراهم آوردن شرایط مناسب و دور نگاه داشتن فرزندان از لغزشگاههای شیطان که به تدریج ایشان را به تباهی می کشاند از جمله افقهای تربیت فرزندان می باشد که یکی از مصادیق، جدایی افکندن میان دختران و پسران به هنگام خواب می باشد. امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«يُفَرَّقُ بَيْنَ الْغُلَّامِ وَالنِّسَاءِ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سِنِينَ» (1).

«هرگاه پسران به ده سال رسیدند باید جای خواب ایشان را از جای خواب زنان جدا کرد.»

3 - همچنین باید دختران را از مظان تحریکات جنسی دورنگاه داشت.

در روایتی از امام صادق علیه السلام اینگونه نقل شده که فرمودند:

«إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتًّا سِنِينَ فَلَا تَقْبَلْهَا، وَالْغُلَامَ لَا يُقْبَلُ الْمَرْأَةَ إِذَا جَازَ سَبْعَ سِنِينَ» (2).

«هرگاه دختر بچه ای به شش سال رسید او را نبوس، و همچنین هرگاه پسر بچه ای از هفت سال گذشت زن را نبوسد.»

4 - همچنین در روایات از نزدیکی کردن پدر و مادر با هم در حضور کودکان نهی شده و این کار از برانگیزاننده های کودک به زنا، دانسته شده است.

5 - با این تفصیلات آشکارا می توان حکم دیدن فیلمهای منافی عفت در خانه و در میان اعضای خانواده، و همچنین نگاه به تصاویر منافی عفت،

ص: 435

---

1- بحار الأنوار، ج 101، ص 96، ح 47.

2- همان، ص 96، ح 47.

و یا انجام اعمال تحریک انگیز، پیش چشم کودکان، را دریافت.

6 - خانه پاك آن است که صبح و شام در آن یاد خدا کنند و به هنگام اذان از آن صدای اذان بلند شود و در آن قرآن تلاوت شود.

### ج - مسؤولیت دل:

عواطف پسندیده در دل افراد پدیدار می شود، حال اگر پدر و مادر خود سرچشمه دوستی پاك باشند، فرزندان ایشان نیز بر مبنای دوستی و محبت رشد خواهند کرد؛ و چه فضیلتی برتر از محبت است و آیا مگر دین چیزی جز محبت می باشد، آنهم محبتی نسبت به پروردگار و اولیاء خدا و همچنین محبت نسبت به عمل صالح؟

1 - در روایات منقول از حضرات معصومین علیهم السلام توجه زیادی به مسئله عواطف و احساسات و آنچه دلها را از عقده ها پاك می سازد، شده است.

نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی حسنین علیهما السلام را بوسیدند، پس اقرع بن حابس گفت: من ده پسر دارم ولی تا بحال هیچیک از آنها را نبوسیده ام! پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ما علیّٰ إن نزع الله الرحمة منك...» (1).

«اگر خداوند رحمتش را از تو دور کرده است، مسؤولیت آن متوجه من نیست...»

2 - برای اینکه کودکانمان دچار عقده های روانی نشوند، اسلام به ما

ص: 436

---

1- - بحار الأنوار، ج 101، ص 92، ح 17.

دستور می دهد تا عاطفه خود را به یکسان میان فرزندانمان تقسیم کنیم. در حدیثی اینگونه آمده که:

«اعدلوا بین اولادکم، كما تحبون أن يعدلوا بینکم فی البرِّ واللطف»<sup>(1)</sup>.

«در نیکی و بخشش میان فرزندانمان به عدالت رفتار کنید، همانگونه که دوست دارید میان شما به عدالت رفتار کنند.»

3- آموزه های دینی والدین را به بردن هدیه به خانه و خشنود ساختن فرزندان از این طریق تشویق می کنند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

«من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها إلى عیاله، كان كحامل صدقة إلى قوم محایج؛ وليبدء بالإناث قبل الذکور، فإنه من فرح ابنة فکأنما أعتق رقبة من ولد إسماعیل، ومن أقر بعین ابن فکأنما بکی من خشية الله، ومن بکی من خشية الله أدخله جنات النعیم»<sup>(2)</sup>.

«هرکسی که وارد بازار شود و ارمغانی برای خانواده اش از بازار ببرد، همچون کسی است که صدقه ای به نزد گروهی نیازمند ببرد؛ پس (اگر این کار را کرد) هدیه دادن را از دختران آغاز کند، چه هرکسی دختری از فرزندانش را شاد کند همانند آن است که بنده ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد، و هرکسی چشم پسری از فرزندانش را روشن سازد، همانند آن است که از ترس خدا به گریه افتاده باشد، و هرکسی از خشیت الهی بگرید، خداوند او را

ص: 437

---

1- - بحار الأنوار، ج 101، ص 92، ح 16.

2- - همان، ص 94، ح 35.

به بهشت‌های پر نعمت داخل خواهد کرد.»

4 - در اسلام از كتك زدن كودكان به عنوان وسیله ای برای تربیت ایشان نهی شده، و برای این کار تنها به دوری جستن از كودكان آنهم در يك مدّت كوتاه بسنده شده است.

امام كاظم علیه السلام در پاسخ کسی که از فرزند خود شكایت نزد آن حضرت آورده بود، فرمودند:

«لا تضربه، واهجره و لا تطل»(1).

«اورا مزن، و (تنها) از او دوری گزین و (این کار را) به درازا مکشان.»

5 - نباید کسی بر علیه فرزند خود دعا کند. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند:

«أیما رجل دعا علی ولده أورثه الفقر»(2).

«هرکس بر ضرر فرزندش دعا کند (این کار) به تنگدستی او خواهد انجامید.»

#### 4 - فرزندان؛ وسیلهٔ آزمایش

##### اشاره

قرآن کریم:

1 - (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ)(3).

ص: 438

---

1- بحار الأنوار، ج 101، ص 99، باب 2، ح 74.

2- همان، ح 77.

3- سورة انفال، آیه 28.



«و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است؛ و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند،) پاداش عظیمی نزد خداست.»

2 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ) (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند.»

3 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَادُوا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَوْا وَتَصَدَّقُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ \* إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ) (2).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید؛ و اگر عفو کنید و چشم ببوشید و ببخشید، (خدا شما را می بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است. \* اموال و فرزندان فقط، وسیله آزمایش شما هستند؛ و خداست که پاداش عظیم نزد اوست.»

4 - (وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ) (3).

«اموال و فرزندان هرگز شما را نزد ما مقرب نمی سازد، جز کسانی که

ص: 439

1- - سورة منافقون، آیه 9.

2- - سورة تغابن، آیات 14 و 15.

3- - سورة سبأ، آیه 37.

ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده اند، و آنها در غرفه های (بهشتی) در (نهایت) امنیت خواهند بود.»

5 - (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ \* إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ) (1).

«در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشد \* مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.»

رہیافت وحی:

از آنجا که شهوتها و خواسته های این جهانی در چشم مردم آراسته شده اند، و پیروی از شهوات، خرد را می پوشاند و عقل را در هاله ای از امیال و خواسته ها فرومی برد، از این جهت فرزندان نیز بوته ی آزمایشی برای مردم محسوب می شوند، و چه بسا یکی از آنها نادانسته دشمن پدر و مادر خود باشد.

ص: 440

---

1 - - سورة شعراء، آیات 88 و 89.

بوته‌ی آزمایشی که فرزندان برای هرکسی فراهم می‌آورند سه‌گونه است: آسان‌ترین آنها آن است که پدر و مادر در جستجوی روزی فرزندان به حرام افتند، دیگری آن است که از روی محبت راه و روش فاسد فرزندان را پیش روی خود قرار دهند، و سخت‌ترین آنها آن است که فریفته فرزندان شده، بر حق، خود بزرگ بینی ورزند. در آنچه خواهد آمد به خواست خدا به احکام و نکته‌های این سه‌گونه خواهیم پرداخت:

### **الف - روزی حلال، موفقیت در آزمایش**

محبت فرزندان، محبتی مشروع است، ولی امکان دارد به ابزاری برای انجام فعل حرام بدل شود. اینکه کسی بپندارد مسؤولیت او نسبت به فرزندان دست یازیدن به هر حرامی را در این راستا توجیه می‌کند، و نداند که سیر کردن فرزندان از راه حرام چیزی جز خیانت به ایشان محسوب نمی‌شود، و بهمین خاطر گوشت و خون فرزندان را با حرام درآمیزد و همین لقمه‌های حرام در آینده فرزندان را به کج روی و تباهی فراخواند، از این دست محبت‌های بیجاست.

از این نکته می‌توان احکام شرعی ذیل را استنباط کرد:

1 - انسان می‌بایست دوراندیشی در معاش را از یاد نبرد و درگذران زندگی راهی میانه بگیرد. هرکس می‌بایست از اسراف و ریخت و پاش دوری‌گزیند و میان دخل و خرجش توازن برقرار سازد، تا به حرام ناچار نشود.

2 - انسان باید بر فعالیت و تلاش خود در جهت کسب روزی بیفزاید، تا سربار مردم نشود و از مایملک آنها بی نیاز شود، و در نهایت از لغزشگاههای حرام دور بماند.

3 - مؤمنان باید خشنودی الهی و نه رضایت زن و فرزند را فراروی خود گذارند. در واقع نباید بخاطر خشنودی زن و یا فرزندان، از رضایت پروردگار و روزی رسانمان غافل شویم. از اینرو باید به کارهای شبهه ناک نزدیک نشویم و به کارهای نامشروع دست نیازیم و در این امر از خدای متعال استعانت جوییم.

### **ب - پرهیزگاری در پیوندها**

مؤمنان در پیوند خود با خانواده تنها تقوای الهی را معیار قرار می دهند، و دوستی ایشان نسبت به زن و فرزند، ایشان را از دایرة طاعت الهی خارج نمی سازد. از اینرو مؤمنان، دشمن خدا را هرچند که پدر و یا فرزندشان باشد دشمن می دارند.

از این حقیقت احکام زیر را می توان دریافت:

1 - نمی توان در کار دین از کسی که خدا به پیرویش دستور نداده، پیروی کرد، بلکه در شناخت دین می بایست تنها به خداوند و سپس به عقل تکیه زد. از اینرو نمی توان راه و روش خانواده را اگر فاسد باشد فراروی خود قرار داد.

2 - نباید فریضه نهی از منکر را در محیط خانواده به فراموشی سپرد، چون، این فراموشی امکان دارد به تأثیر پذیری از ایشان بینجامد. از اینرو

باید در فضای خانواده، ابتدا با زبان اگر نتوانست با دل از کارهای ناپسند اعضای خانواده تبری جست، تا در شمار ایشان محسوب نشود.

3 - هرچه فضای خانه و خانواده از مسیر دین دورتر شود، انسان نیز می بایست راه خود را بیش از پیش از راه خانواده جدا کند و مدارا و راه آمدن با ایشان را به کناری نهد، چون، در صورت مدارا و سهل انگاری امکان دارد خطر رسوخ تدریجی اندیشه و رفتار ایشان دامنگیرش شود.

### ج - راه دورماندن از کبر و سرکشی

يك غرور و سرکشی پنهان در دل هرکسی وجود دارد، که گاهی به ثروت تعلق می گیرد و گاهی به قدرت. در واقع هرگاه بشر خود را بی نیاز یابد و یا به قدرتی دست یابد به سرکشی روی خواهد آورد. ما برای اینکه به واسطه فرزندانمان در دام کبر و سرکشی گرفتار نیایم، باید مراقب خود باشیم و همواره گذرا بودن ثروت و قدرت (دارائی و فرزندان) را به یاد آوریم، زیرا آن دو ماندگار نیستند، و چنانچه آن دو بمانند ما ماندگار نخواهیم بود، و در روز قیامت نه ثروت انسان برای وی سودی می بخشد و نه فرزندان.

از این نکته می توان احکام زیر را استنباط کرد:

1 - با شنیدن حرف حق، باید در برابر حق سرفروود آوریم و بدون توجه به دارایی و زن و فرزندمان به پیروی از آن همت گماریم، چون، بیشتر مردم از آنجا که دارائی و زن و فرزند و دیگر امور دوست داشتندی خود را فراروی خود قرار می دهند، از رهگذر خواسته ها و هواهاشان به گمراهی

2 - باید از نزدیک مراقب اعمال و رفتار فرزندان خود باشیم، و اگر فریفته دنیا شدند و یا به گمراهی تمایل یافتند، باید پیش از آنکه از نظر عاطفی از ایشان تأثیر بپذیریم به سرعت در برابر افعالشان به یک جبهه گیری مناسب پردازیم، از این جهت می بایست ایشان را به کارهای خوب فراخوانیم و از منکرات نهی کنیم، و اگر نپذیرفتند باید به اندازه ای که از حق دور شده اند از ایشان دوری گزینیم، تا در افعالشان شریک ایشان محسوب نشویم.

3 - هرکسی به محیط فرهنگی خانواده اش بسیار نزدیک است. این محیط معمولاً خواستها و علایق مشترکی را میان اعضای خانواده نهادینه می کند که در پاره ای از اوقات، حقایق با تعصبات جاهلانه آمیخته می شوند، به ویژه آنچه با مسائل اجتماعی در ارتباط است؛ از اینرو انسان از چنین محیطی باید برحذر باشد و سخنان را بشنود و تنها بهترین آنها را برگزیند. بدیگر سخن نباید تمام نظرات خویشاوندان خود را کورکورانه و بدون سنجیدن آنها بپذیرد.

سخن آخر اینکه: فرزندان از سویی نعمتند و از سویی مسؤولیت آورند و از سوی دیگر بوته ی آزمایش. از اینرو مؤمنان باید برای انجام وظایفشان در قبال فرزندان از خداوند متعال یاری جویند، و خداوند یاری دهنده است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

